ÁT.
ZÍB.

II

Case
8

45th

Year.

سابع

اخبارات ... رمضان

رمضان سنه ۴۸

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]

یوم الجمعه

غ ن یکپهر دو گهری روز بر آمده بدیوان خاص فرمودند

حمید الدین خان بهادر که برای تنبیه دهنا جادون مقرر رفته بود چنانچه بسه مقام
بموجب ... بحضور ... منصب ... کذرانید ... زیاده

فرمودند

حمید الدین خان بهادر خلعت | محمد امین خان ... رخصت

منصب — اضافه
... بالاصل — پانصدی ذات
... سوار — ماسوار

خانه زاد — مطلبخان و ... خان
دو هزار بالاصل — ... خلعت
پانصد سوار بالاصل
ذات ... فرمودند

راجه اودوت سنگه بوندیله | اخلاص خان میانه افغان

منصب — اضافه
... هزاری ذات — پانصدی ذات
... سوار
... العام و کرم ... ام

منصب — اضافه
چهار هزاری — هزاری ذات
... سوار

حوالدار خان | سید خان

منصب — اضافه
هزاری ... سوار — ماسوار

منصب — اضافه
... هزار — صدی ذات

ترکتاز خان

منعم خان الحاجی او ... قش مع	ترکتاز خان
حمید الدین خان بهادر	
بصد اضافه هفتصدی ذات ما سوار / بصد اضافه اصدی ذات ... سوار	بصد اضافه هفتصدی ذات ما سوار / صدی ذات ... سوار
محمد منور مردوم الورخان	محمد ... الورخان مرحوم
	... زا ... بخطاب ... ممتاز شد
بصد اضافه بصدی عدد سوار ... سوار	بصد اضافه چهارصدی ذات ... سوار ... سوار
سمیر بیگ ... شیر افکن خان	میر ... اسد الله پسران مطلب خان ... الله ابو طالب
مرحوم	
بصد اضافه بصدی ... سوار / اضافه صدی ذات	بصد اضافه بصدی ... بصد اضافه ... صدی عاصی ... سوار

یحیی الملک ... مند خان و رفیع الله خان و ملتفت خان و ... حرکتان ... نیز ... علیهم
عطام سلامات مبارک ... سنه ۴۸ ... اوله

بادشاهزاده محمد اعظم شاه و شاه عالم بیدار بخت بهادر در ... الملوک ... مبارکباد در سنه ۴۷ ارسال ... نمود ... گذرانیده

بسم ...
اخبارات دربار معلی

॥ माह सुदी १२ رمضان سنه ۴۸
॥ सोमे

روز ... سنه ۴۸

پیکر ... روز ... عدالت فرمودند

مصلح خان پسر فدائی خان را فوجداری ... صوبه بهار مقرر نموده چهار صدی یکصد پنجاه سوار از اصل و پنجاه سوار اضافه فرمودند

حکم شد که محمد رفیع گرز بردار بعلس نماید که فقر الله خان پسر مصطفی قلیخان مرحوم مورد ... مصدار ... گوالیار ... را باکسرا ... نموده بحضور بیارد

محمد امین خان را موقوف نموده فرمودند که قافله و فیلخانه را ... و ... سنگه و محمد کاظم ... و تا بینان ... ساهو ... جهنی به ... رسانند و یک گرز بردار بعلس نماید که انها را ... نموده ... بحضور بیارد
... قافله و فیلخانه را ... امر ... نکنند

و محمد امین خان از همراه فیلخانه بموجب حکم ... اما ... گشته ... بموجب همراه ... ملاقات نموده پنجم ... گذرانیدند

ساہ

لصاب دارالریاست

रमضان سنه ۱۲ माह सुदी ४ रिवे

یوم

۱۲ اب پیکهر و گهڑی روز برآمده دیوان خاص فرمودند

العام

مفتخر خان قلعه دار و فوجدار فیروزکوه خلعت

طهماسب خان محمد ... فوجداری مرتضی آباد مقرر شد خلعت

عبدالقیوم ... فوجداری مرتضی آباد مقرر شد خلعت

حکم شد اسدالله ولد سیف الله خان مرحوم و عثمان خان قراول طیار تونده ... مسجد ... منار ... حضور تا ... نگه ... خلعت میفرمایم

جماعه ذیل را قراولیا مقرر فرمودند

... خان را قراولیا دست راست مقرر شد

سمسیر بیگ را قراولیا ... مقرر شد

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45/4

माह सुदी ६ चौथे

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

رمضان سنه ۴۸

یوم ا ا سلطانی

دیوان موقوف فرموده

فرامین حمامه دیل صادر نموده حواله گرزبرداران فرمودند

بنام سلطان مدار الحرب بهادر حواله تدبیر | بنام ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ حواله
بیگ و غیره ده نفر گرزبرداران فرمودند | مهدی بیگ وغیره ده نفر گرزبرداران فرمودند

پنج انار و چهار ناسپاتی به شاهزاده مدار الحرب بهادر و چهار انار و سه ناسپاتی

ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ مرحمت نموده فرمودند که گرزبرداران ببرستند

سرفرازان حی و غیره متعین فوج ذوالفقار خان بهادر بابت تنخواه دهانجاوران مفتد

و غیره مقاهیر انعام اضافه مرحمت شد

مبارالله کنار قبضه کور راتهور حلت | رندولا خان کتار قبضه | سلطان سنگه راتهور جدهر قبضه

بهار سنگه و غیره برادران راودلیپ بوندیله اضافه فرمودند | مصری

مبارالله	پرتهی سنگه	گالاصد	اضافه
اصد الاف اضافه	اصد اضافه	بالاصد	بیست سوار
باصد سوار	جهار سوار	ماسوار	
ماسوار	ماسوار		

ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ عرضداشت نمود که فتح جنگ دهانجاوران مفسد مستوجب
کبیر بیک وزیر بیگ منصبداران ارسال نموده بود برخی فضایل خان بهادر کد
معروضداشته بود خانزاده برادر دهانجاوران مفسد شتافته الفرض منقطع چگوری
ساکروه با مقهوران مذکور مقابل نموده جنگ ولعکس از اقبال حضرت لباری
مفسدان را مقابل نموده تقبل سینه زخمی ساخته شکست داده مقهوران مذکور
گریخته پیشتر رفته فرمودند مجرای شد

ساخته

اخبارات دربار جهانمدار

رمضان المبارک سنه ۴۵

माह सुदी ७ बुधे

یوم اربعا

۷ سنه پهر روز برآمده عدالت فرمودند

گورکهوچه متعینه همراه ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ بهزار و پانصدی یکهزار و پانصد سوار
بود یکصد سوار اضافه فرمودند

حکم شد الف خان قلعه دار و فوجدار تلدرک بعوض میر حسن پسر مخلص خان بجاوبر باید
و کلت تلدرک برود

از تغیر ... بعرض رسید ... پنجاهزار ... معتمد کشته ... را با جمعیت ده هزار
سوار بر شاه ... فرستاده ... جانب ... مانند حکم شد ... رقعه
همراه محمد امین ... نماید

بعرض رسید محمد رضا ولد ... جلو ... سید اسحق ولد سید
مجاهد ... بحال گشته پانصدی ... سوار حکم شد ... محمد رضا
بعرض رسانند

حسن ولد نظام الدین خویشگی | ابراهیم ولد پیران ...

اصل صدی ... سوار | اضافه ... سوار | موجب ... بحالی | ... صدی ... بحالی

محمد صادق پسر محمد مومن ... فدا خان ناظم بهار بسبب مقرر شد ... نذر قرار فرموده

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار جهانمدار

رمضان المبارک سنه ...

माह सुदी ...

یوم ... احد

یکپهر ... گهری روز برآمده بعدالت فرموده

نجابت الملک ... خان ... صحبت یافته تلاوت ... نذر گذرانید

... الملک ... خان بموجب حکم ... و مرزا صدر الدین محمد خان و ... خان و راو ... سنگه و غیره چهار هزار ... صد سوار ... محمد امین خان ... نذر گذرانید ... محمد امین خان ... فاتحه خوانده جانب کوه ... برای تنبیه ... ملهار ... حکم شد بموجب ذیل لوازمه توپخانه همراه بدهند

پیاله نفر	بان	شتر نال	... باروت
...	...	...	...
بیلدار	سقه	تبردار	
...	...	...	

... رسید ... پیچند ... ملهار ... با جمعیت ... هزار سوار برای مقابله سید یاقوت خان قلعه دار ... جیوری رفته ... برای ... امیدوار ... کومک معتبر خان تهانه دار ... حکم شد ... خان بنویسد

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

رمضان سنه ۴۸

माह सुदी ८ शुक्रे

یوم جمعه

۹ ھ دیوان موقوف فرمودند

माह सुदी १० सने

یوم شنبه

۱ ھ یک پهر و یک گهری روز بر آمده غسل فرموده سه گهری ... نشسته برخاستند

عرضداشت ... مهر ... عالم ... بنگاله ... به نظر گذشت

ملیح بیگ و غیره ایلچی کاشغر رخصت شدند بموجب دیگر ... العام مرحمت فرمودند

مبارک ... خلعت ... روپیه نقد مرحمت فرمودند

بابا بیگ و غیره ایلچی کاشغر رخصت شدند خلعت و ... روپیه نقد مرحمت فرمودند

... خان ... به عرض رسید ... سوار

پرگنه ... در جاگیر ... امیدوار است دویم ماهوار ... شنبه چهار ماهه ...

فوجداری ... مقرر ... حاصله ... مقرر شده امیدوار است

منظور فرمودند ماهوار ... ماهه مقرر ... منظور شده

سوم ... دو فیل ... مرحمت فرمودند

حکم شد که یک فیل ... باشد

ROYAL ASIATIC SOCIETY

خواجه نعمان ... دویم واقعه نگاری ... پادشاه ... مقرر

نموده منصب ... سوار اضافه فرموده سید امجد خان ... اضافه

موقوف ... فرمودند ... نمایند خواجه نعمان ...

برکات علی [illegible] رساند

... خان فوجدار ... عرضداشت ... به نظر گذشت

و عرضداشت ... خان صوبه دار برار ... به نظر گذشت

اخبارات دربار جهاندار

ماह सुदी ११

رمضان سنه ۵ جلوس والا

یوم

یکهزار و یکصد و ... روز برآمده دیوان خاص رونق

افزا شد

بحر الملک ... الرحمن مغفور محمد ابراهیم امیرخان مرحوم التماس نماید که

امیدوار از خلعت خانه رحمت ... مرحمت خان ... ممتاز و رونق

بعرض رسید که مطلب خان و رضا خان ... لشکر میاسه گروه

برای کومک محمد امین خان رفته بودند از آنجا موافق حکم ... بحضور آمده اند

حکم در دیوان خاص بیاید

حکم شد که محمد امین خان با فوج ... مرتب ... پیشتر

رساند اگر شورش غنیم زیاده در راه ... تا بنگاه رساند

خدا بنده خان ناظم صوبه ... و فوجدار ... یکهزار و پانصد سوار

ازجمله پانصدی یکهزار سوار ... ازجمله ... صد سوار ... پانصد سوار ...

... موافق ...

... رسید که ... جاوان ... قصل ... اقامت

داشت ... خبر رسید که ذوالفقار خان بهادر ... تا که ...

... رسید ... مذکور ... طیار ...

معلوم ... طرف ... رفت محمد امین خان ... ملهار ...

بهمان طرف ... و همراه خان ... کومک ... ومیرزا صدرالدین محمد خان

و میر نورالله و ... خان ... همراه خان مذکور ... رسیدند فرمودند ...

و فضل علی خان برای کومک محمد امین خان برود

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار جهاندار

رمضان سنه ۱۸۵۰

॥ माह सुदी १३ सोमे ॥

یوم / / سه پاس

دیوان و عدالت اول روز لنظر روز موقوف فرمودند

॥ माह सुदी १४ बुधे ॥

یوم / / بعد

یکپهر و گهری روز برآمده در عدالت تشریف آورده تا گهری

نشسته برخاستند

حسب الحکم عطفنامه فیضان خان بنام شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر روانه فرمودند

از عرضی عارف الله خان بهادر بعرض رسید که حویلی محمد امین خان مرحوم واقعه شاهجهان آباد

به مخلص خان مرحوم مرحمت شده بود خان مذکور فوت شده امیدوار است

که حویلی مذکور به بنده مرحمت شود حکم شد که برای بودن بدهند

از سوانح بهکر بعرض رسید که بیرام بیگ ولد صالح بهادر قلعه‌دار آنجا یکصدی

ذات یکصد سوار بود فوت شده و عبد الغفور بیگ پسرش لایق قلعه‌داری است نقد

معروض فرمودند که برای خدمت مذکور مراتب سید اسد الله برادر سید شمس الدین خان

مرحوم بعرض رسانند

از نوشته بخشی الملک بهرمند خان عرض نمود که بابت فتح جنگ ده هزار داودی

مقصد خان بهادر لشکر نجف بیگ همراه پایان انعامات علیحده شده

در باب حواله الموقوف ... حکم شد که ... اسد الله خوشنویس بحاید

رسانند

از نوشته بعرض رسید که خان محمد خدمت متعلقه ناظر دیوان خاص نوشته

صدی ذات ~~...~~ منصب داشت

محمد نصر و یار محمد پسران حاجی محمد مولانا ناظر دیوان خاص بعد فوت پدر
با جمیعت بند یک زنجیر که موسی الیه بمنصب بیستی نوبی فرار نموده بعد
از سالها ماندنی پدر مرحمت نموده پسر بند یار محمد [illegible] پسر خورد و عن متعلقان
مرحوم را چهار روپیه یومیه مقرر شد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سنه ۲۶
اخبارات دربار جهاندار
रमम नुदी ११
रमضان سنه ۲۶
हे दू ١١٩٦

یوم ... ... جمعه
یکهر و دو گهری روز بر آمده به عدالت ... [illegible]

۱۵ سنه

سید نصر الله قلعه دار بهکر مقرر نموده چهار صدی ذات یکصد سوار
بی بحاه سوار اضافه فرمودند

عرض رسید که خالفیروز جنگ قلعه ... [illegible] رسیده

که سواح پونا عرض رسید که الهداد معزول صوبه دار ... [illegible]
از بنجا که ... [illegible] نکول بخت رفته مقهور مفسد در اسلام کده
و در دولتکده نگاهداشته حکم شد بنجیب الملک بهرمند خان حسب الحکم
بنام علیم داد خان ناظم صوبه بهار به تاکید تتمه نماید

در سرور ربیع الله خان عرض نمود که رایات عالیات برای تسخیر
قلعه برنالا که مقرر است در باب دلوان مبلغ به کرایه داران
هرچه امر شود حکم شد بتاریخ بیست و یکم بهر حال جواب داده خواهد شد

45/11

اخبارات دربار جهاندار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]

رمضان سنه ۱۱۲۵

[illegible]

یوم

۷ اهـ دیوان وعدالت اول و آخر روز موقوف فرمودند

خان

درین روز ملتفت خان داروغه خواصان عرض نمود که عثمان قراول و اسد الله خوش منزل که برای مسخص نمودن منازل از حضور تا بیر ناله کرح رفته بود در مولد لاله التماس مینماید که ازینجا چهارده کروه بیر ناله است

از آنجا پنج منزل مسخص کرده اند و اسد الله خلف وجیه و دیگر امرا اوان همراه بیک اصف تحنک نزد خانه گور رسانیده عرضداشت اوشان فرمودند که عرضداشت بنظر بگذرانند

صبح حمید الدین خان بهادر فرمودند که موجب رفته در گاه شاه شمس الدین واقعه مرتب امار وگرد قلعه شهر پناه انجا حسب کنانیده بیاید خانه گور موجب حکم عمل نموده عرض نمود که از اللتحانه در گاه یک کروه کم نیم پاو وگرد قلعه شهر پناه یک گروه نیم پاو بالا است

از نیک ... عرض رسید که یلرس خان بیالی وردن توپ و غیره تعلقه اعظم تارا گده رفته بود خانه گور از آنجا تمعه توپهای و غیره روانه شده در اکبر اباد رسیده و دنیا جاوان نامبردار از آن استعداد دربلاح

بار شاهزاده محمد معظم شاه دارای انار و پنج جانور بهلور ارسال داشته بود بنظر گذشت

یار محمد بیک پنج پهوا سیو تا پیکش گذرانید

خلاصه صدیق که در حضور بدولت نموده می نشاند او تنها پرتاب و هنوز انعام شده

[illegible]

ماه

یوم

۱۶ اهـ بسبب درد دیوان موقوف فرمودند

الله نشسته بس و کسنا ملهار و ساهو بالکر ناسر داران مقابر تهانه کهتایون بالا محاصره نموده و کس زاو تهانه دار انجا خبک مینماید حکم شد
محمد امین خان و مطلب خان بموجب همراه حوالگر در نواحی کهتایون غنیم بی تنبیه نمایند والا در نواحی کهتایون و تایلیکانو گردیده بحضور بیایند بموجب ذیل قید همراه مخاطبه گورلالس فرمودند

همراه ملا مطلب خان	همراه محمد امین خان
الی سا اسما اللویک سوار	هم سا اللو اسک سوار

بعرض رسید که بادشاهزاده محمد معظم شاه چهار دانه انار و نابسپارند مصحوب فیض الله بیک و غیره چهار نفر منصبدار ارسال داشته اند حکم شد در میوه خانه نگاه دارند

دانه انار بخاصه ذیل مرحمت فرمودند

برای عالی الدین خان بهادر حواله یار بیک	برای ذوالفقار خان بهادر حواله	برای شاهزاده بیدار بخت بهادر حواله ... بیک گرز بردار

منصب رسید خاصه ذیل نوشته شد

اکرام باد چهارصدی یکصد و پنجاه سوار	اسلام محمد فوجدار فتح پور سیکری واقعه
منبعه کابل ... صدی ... صد سوار	عبد الرحیم ولد ترکتاز خان مرحوم

اخبار دربار جهاندار

رمضان سنه ۵ جلوس

॥फागन॥ ॥वदि ३ दिवे॥

روز ...

بعد یک پهر سه گهری روز برآمده بدیوان خاص فرمودند سه گهری گذشته برخاستند

ده راس اسپ از انجمله چهار راس عراقی و شش راس ... برای الخ بادشاهزاده محمد معظم شاه بهادر علحده فرمودند

از التماس وکیل اعتقاد خان صوبه دار اکرآباد بعرض رسید که محمد صالح پسر مکل با جمعیت سوار پیاده بموجب حکم لاهه نزدیک رسیده امیدوار است که دستک در آمد لشکر مرحمت شود حکم شد بدهند

مطلب خان بالا معتاد اضافه پانصدی ذات معاف منصب جاگیر اضافه در دکهن تنخواه دهند دو هزاری پانصد سوار

بعرض رسید که سربت و باروت که سولاپور طلب حضور شده در باب بدرقه آن هرچه امر شود حکم شد فتح الله خان همراه خود بیارد

از التماس رنبار خان تهانه دار کهولاپور بعرض رسید که ... صد سوار و ... صد پیاده خنک همراه فدوی موجود است اگر حکم شود همراه مطلب خان

॥फागुण वदि॥ اخبارات دربار جهاندار

॥४ सोमे॥ رمضان سنه ۱۲۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

یوم

۱۹ ماه یک پهر و ۶ گهری روز برآمده عدالت فرموده سه گهری نشسته برخاستند

فضل الله خان داروغه کتابخانه از حضور بالاخدمت بیوتاتی از تغیر خدابنده خان نیز مقرر شده خلعت مرحمت و حکم فرموده هزاری ذات یکصد سوار اصل پنجاه سوار اضافه فرموده

به محمد امین نایب کوتوال حکم شد در اردوی معلی منادی بگرداند بهنگام کوچ رایات عالیات بجانب [illegible] کسی قبایل خود را همراه نگیرد

به ربیع الله خان خانسامان حکم شد تا رای بیت ... مهر ... کتخدای ... باضمه عبدالهادی مقرر ... لوازمه کتخدای ... نمایند

ارسلان خان بعرض رسید که فدوی بموجب حکم توپ‌ها وغیره لوازمه توپخانه ... قلعه ... تا ... کرده از لشکر معلی رسیده و دهناجادون که در راه آوره ... بجانب ... رفته و محمد امین خان و ... خان و فضل الله خان بعد ... با فدوی ملاقی شده

... بعرض رسید که ... نواحی کهاتیون ... شده گریخته رفته

برای تنبیه مقاهیر بروم فرموده از تهانه خود جدا ربس

از واقعه کالنه بعرض رسید که محمد وارث معزول قلعه دار آنجا قلعه را حواله ابوالقاسم قلعه دار منصوب نمیکند حکم شد قلعه مذکور را بنده الله بر طبق فرمان والاشان قلعه را حواله منصوب نماید جاگیر و منصب معزول تغیر فرمودند با پانصدی یکصد پنجاه سوار منصب دارد

میر دلیر و غیره والفر گرز بردار با التماس نموده فرستاده که از بیجاپور رسیده غله بالشکر آورده
نموده به فوج شاهزاده بیدار بخت رسانیده

ROYAL ASIATIC SOCIETY

फागुण वदी ११ — اخبارات دربار عالم‌پناه نمودار
११६ चौथे — رمضان سنه ۴۹

یوم … سه‌شنبه
۲۰ … هر دو دیوان موقوف نموده شد

फागुण वदी १२ बुधे

یوم … چهارشنبه
۲۱ … یک پهر سه گهری روز بر آمده عدالت نموده شد

یلبرس خان و محمد امین خان و مطلب خان و فضلعلی خان و غیره توپخانه و غیره حبشی از قلعه پالم تا رالکی اوله ملازمت نموده به موجب ذیل نذر گذرانید

یلبرس خان	محمد امین خان	مطلب خان	فضلعلی خان
۴ مهر	۴ مهر	۴ مهر	۲ مهر

به عرض رسید که اسدالله خوشی منزل التماس نماید که ذوالفقار خان و غیره بالا المقام بابت فتح دهنا جادون رسانیده به موجب ذیل خدمتانه یافته هر چه امر شود حکم شد معاف

ذوالفقار خان خلعت	راو دلپت بندیله	رامسنگه هاده	سلطان سنگه خلعت
اسما مرد	ح مار د	خلعت اسما مرد	سما مرد

کاهو جی	کور کاهو جی خلعت
سما مرد	سما مرد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات دربار جهاندار

॥ फागुन वदि [illegible]

[illegible] ۱۹ رمضان سنه ۴۷

روز [illegible] جمعه

۲۲ هه پهلو رسته گهری روز برآمده علا الدین فرمودند

حکم شده که کوچ رایات عالیات بجای تسخیر قلعه برناله کرن بتاریخ چهارم

شهر شعبان سنه ۴۷ الی مقرر است

حکم که امر نب تو از جمله توپ کلانی که از قلعه لاهور تا لاکن لنه [illegible]

توپ نزد تربیت خان میر آتش به قلعه برناله کرن فرستند

الدین خانی

بعرض رسید که رستم خان غالب خان و شرح شعبه مع خالف در مختلف عاری

ربوب الصمد نکر در جاگیر خود رفته در محل برخی هم به نوی برای چه رفته اند

مو وش دارد

شهر

حمید الدین خانی بهادر رفته بیا عرض نموده که سنسی از پس آن [illegible] بار

محمد معظم شاه عالمجاه شده تر در باب حواله نموده اند که چه حکم نفرمودند

بدست کار بار دار روی سناس [illegible] فرستند

بر مع اله خان حکم که انداز امین سرب و دو هزار بان از قلعه دولت آباد طلب حضور نکنید

رمع اله خان عرض نموده که یلبرس خان بیمار است بنا بران بجای قلعه نیامده حکم که خانه کور

را بجای محافظت نگاه به مرتضی آباد میکدارم

معلت گوهر بادشاهزاده محمد معظم شاه بهادر بخاطره ذیل خدمات مقرر فرمودند

نظام الدین احمد کرش را بنیابت قلعه داری مقرر شده	سرره خان قلعه دار ارک کابل را بنیابت صوبه داری از تغیر نام خان نیز مقرر شده
اصل	اضافه
پانصدی	هزاری پانصدی
ماسوار	صد سوار
اضافه	
ماسوار	ل الماسوار

حکم که پانصد روپیه در ماهه از سالیانه خواجه موسی به عفت آرای بیگم دختر شاهزاده

محمد معز الدین وضع نموده میداده باشند

یک موضع باسم ملجی و اوه مرتضی آباد بجای خرچ مقبره مخلص خان مرحوم مفوض باشد

تا درست شدن سند رسنا دو صد روپیه به مجاوران از سرکار والا دهند

فرمان بنام زینت النساء بیگم که در شاهجهان آباد است حواله یعقوب بیگ

وغیره نوکر زکار فرمودند

حکم حکیم عبدالقیوم قلعه دار مرتضی آباد دیوار شهر پناه انجام مرمت نماید

وداروغه انبار مرسوله رضا طلب خان ... بنظر گذشت

حکم حکیم صادق خان معالجه بلبرس خان نماید

حسن خان نواسه اشرف خان مرحوم میر توزک رکاب ... شاه عالم ... بداروغگی

... دوم از تغیر منصور نیز مقرر فرمودند منصب ... پانصدی پنجاه سوار ...

سابق

॥कागदवाकै॥ اخبارات دربار جهاندار

जेठ ११८ رمضان سنه ۱۲

یوم ۱۱ جمعه ... بار

۲۳ ماه دیوان موقوف فرمودند

مطلب خان قراول ... بموجب حکم رفته بجای دیره قراول اول ... عرض رسانید از انجا قراول یکنیم کروه جنب تعقیب آمده ایم

॥कागदवाकै ... सने

یوم ۱۱ ... برخاستند

۲۴ ماه یک و چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند دو و نیم گهری نشسته

خواجه خان قراول ... بالا قراولی پس مقرر شده وتیمور خان

نبیره ... خان مرحوم بالا قراولی ... مقرر شده

خدمت ... داروغه ... بلدارای بالا حکم ... بلداران ... خان

جهت کار مورچل به ... کدح برود

فرمودند

سید محمد ... خان ناظم صوبه ... بموجب ... خانی ... از

چهار صدی ذات ... سوار ... دارد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible] ॥
११९० [illegible]

بادشاه
اخبارات دربار جهاندار

رمضان سنه ۴

یوم ار

۲۰ ماه — یکپهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

یحیی الملک بهرمند خان عرض نمودند که محمد صالح پسر اعتقاد خان صوبه دار
اکبرآباد بموجب حکم برای ملازمت شهزاده ... رسیده است امر حکم شد که بیاید
چنانچه بحضور رسیده ملازمت نمودند یک مهر نه روپیه نذر گذرانیدند

محمد خلیل داروغه کچهری یحیی الملک بهرمند خان یکدست سپر ... گذرانیدند

در حضور عرض رسید که در باب متعلقان امرایان عظام و
منصبداران و مردمان لشکر معلی حکم شده است هیچ کس قبایل خود را
همراه نگیرند در باب متعلقان بهرمند خان و روح الله خان و ... خان و حکم
صادق خان ... امر حکم شد که همراه خود بگیرند

عبدالقیوم قلعه دار مرتضی آباد عرض رسانید در قلعه ذخیره نیست
یکهزار پانصد بان سرب باروت ... توپخانه که در قلعه بود ضایع شده

محمد صالح ولد اعتقاد خان ناظم اکبرآباد که بحضور پرنور رسیده است
منصبداری ... سکری از انتقال اسلام ... محمد مقرر شد هشتصد پنجاه
سوار منصب دار اول ... صدی ذات هشتصد پنجاه سوار اضافه فرمودند

عرایض حاشیه ... بنظر گذشت

شاه ... محمد معزالدین ... صوبه دار ... خان که از ... صوبه ملتان
ملتان   طلب حضور شده ...
قطعه

حکم شد که منصور خان داروغه توپخانه دکهن سرانجام رجله
و غیره لوازمه توپخانه کرده بدهد

از سوانح میوات بعرض رسید که باقی خان فوجدار انجا از دنیا
بهفتصدی سوار از لب فوت شده

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

سابق
اخبارات دربار جهاندار

[illegible] ।। वदि ११ सोमे

رمضان سنه ۴۵

یوم ار
۲۶ ه

یکپهر سه گهری روز برامده عدالت فرمودند

راجه اودت سنگه وغیره که برای رسانیدن فیلخانه بنگاه رفته بودند
امده ملازمت نمودند بموجب ذیل نذر گذرانیدند

اودت سنگه	راو سجان سنگه	محمد کاظم
مهر ۵	مهر	مهر

معلمی ان تهانه دار اینداپور که بخدمت میر توزکی دویم مقرر شده خلعت
و عصای مرحمت فرمودند

حمد الله خان بهادر را معتبار اضافه پانصدی ذات یکصد سوار معاف فرمودند که هزاری
ذات یکهزار پانصد سوار منصب سرفرازی دارد

بمعتار اضافه پانصدی ذات بمرتبت خانی معاف فرمودند

محمد صالح ولد اعتقاد خان که در زور ملازمت نموده خلعت انعام دلقه فرمودند که بکار سیادت
بن و پدر موسی اله برای فوجداری فتح پور سیکری در انجا نایب فرستند

ابدال بیک توپچی بابت که برای رسانیدن توپ ها برای تسخیر پرناله تعین شده
بودند در حواله موسی اله برای انجا جانب ممتاز فرمودند

سابق

اخبارات دربار جهاندار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

رمضان سنه ۲۵

११फागुन वदी
११९६

یوم ۱ سه شنبه

۲۷ ماه یکپهر سه گهری روز برآمده علااللهٔ فرمودند

به بدر الدین حسین مشرف فراشخانه حکم شد بتاریخ ایام سه بسوال
سنه الیه پیشخانه بتاریخ سیوم ماه کوچ رایات عالیات مقرر است طیاری پیشخانه
نمایند

بحرالملک بهرمند خان را ایالت فرمودند بوضع رسید امروز نیامده است

منصور خان داروغه توپخانه دکهن و میر توزک سیوم هفصدی پانصد سوار یکصدی
ذات اضافه فرمودند

سپهدار خان بهادر صوبه دار اله اباد را فوجداری بریلی بر سیاکار نامور
لهذا محمد ... نیز مقرر نموده چهار هزاری ذات سه هزار سوار از انجمله دو هزار
سوار دو اسپه سه اسپه اکه دام انعام سرفرازی دادند

ضیاء الدین نواسه اشرف خان مرحوم بحال ساگر دیپ را بحال واقعه نویسی
بنگاه مقرر فرموده خلعت انعام دادند رخصت فرمودند ... صدی ذات بیست
سوار منصب سرفرازی دادند

چون کتخدای سلطان بلند اختر پسر اکبر با دختر عبد الهادی مقرر بود بتاریخ
بتاریخ دو روز جیره فرجی و پانصد روپیه برای دلوانی مرتبت پناه قاضی محمد اکرم بدر
فرستاده حکم شد مرتبت پناه و شیخ نور الحق و محمد عوث و محمد عاقل بنگام شب بحضور
بیانید موسی الیها بموجب حکم آمدند و شیخ نور الحق را وکیل و محمد عوث و محمد عاقل
را گواه مقرر کرده مرتبت پناه بموجب حکم رفته نکاح خوانده سی هزار روپیه مهر بسته
سلطان مذکور به مرتبت پناه جیره فرجی و پانصد روپیه انعام دادند

الله داد خان زمیندار نواحی کابل را فوجداری لکهی جنگل واقعه پنجاب از تغیر
همت ... مقرر نموده هزاری پانصدی یکهزار پانصد سوار دو اسپه بود دو صد سوار
اضافه فرمودند و معزول پانصدی چهارصد پنجاه سوار دو اسپه ... هفتصد سوار کم فرمودند

مغلخان میرتوزک دویم را بهزاری ذات و هفتصد سوار بعد یکصد سوار
اضافه فرمودند

اخبارات دربار جهاندار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

رمضان سنه ۱۷۵

॥१९१३ न वदि ६

॥१९३ उ छे

یوم ۱ ۱۲۱ بیستم

بعد از یکپاس و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

عرضداشت بابت آرسته بارسنگ صاحب کامجش را خوشحالی سبب مقرر فرمودند

حکم شد متعلقان ملتفت خان و اظهر خان و محمد حسین داروغه حلوت خانه همراه بگیرند

حکم شد حکیم حادق خان متعلقان خود در ... آباد میگذارد و قلعه دار حکم ...

خواجه محمد صدیق را بخطاب حاذق ممتاز خان فرمودند

الهداد خان را از فوجداری ... معه اضافه موقوف فرمودند

[redacted] عرض رسید که راجه چند سنگه ... را ما جهت ... هزار ... بندوق ... رسد غله به قلعه ... رفت ذوالفقار خان بهادر ...
مقابله ... مفسدان را بقتل رسانیده و رسد غله تا ...
... گریخته بقلعه رفتند بعد از آن بروز دویم بر مورچل تربیت خان ...
... مذکور نیز مفسدان را ... مورچل قایم داشته

سابق

اخبارات دربار جهاندار

ROYAL ASIATIC SOCIETY

رمضان سنه ۴۵ — फागुन वदी १४

॥गुरे नाषप ११

یوم جمعه

۲۹ ماه — یکپهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بخشی الملک بهرمند خان بیمار اند تسلیمات شفاء

حکم که رضا بیگ خان و عنایت الله خان و شیخ سیف الله و شیخ محمد توکل ایلچیان وفراد

متعلقان همراه بگیرند

فرمان درجواب طلب حضور بنام چین قلیچ خان بهادر صادر شد حواله ...

و چوبداران و ده نفر گرز برداران فرمودند

بلوری بابا جی پسر سنبهاجی بسرفراز شد

راماجی بالصدی ذات — جگدیو یکصدی ذات — رای سنگه ... پنجاهی

ماسوار — سوار — سوار

فاضل خان معزول صوبه‌دار کشمیر بجاه مینه عرق بید مشک و سه قطعه تعلیم

ارسال داشته بود بنظر گذشت

ملازمان بابت مطالبه محمد کام بخش استغاثه شدند طلب ماهیه در سرکار عالی میاید

حکم شد منعم خان داروغه عدالت بدهند

که واقعه دهارور بعرض رسید که جمعیت غنیم در آن ضلع آواره شده از سرکات

چوتهه تحصیل میکنند و راه مسدود است حکم شد که بناظم آنجا بنویسد

تنبیه نماید

حکم شد که ... تلاش نماید که یک هزار ... ماولیه که نصرالله خان قلعه‌دار

جونیر ... طلب انها از ... رضا طلب خان فوجدار سنگمنیر گرفته

نزد نصرالله خان رسانیده به آنها دهانیده ماولیه ها را سزاولی ... تحصیل بیارد

از نوشته وحید خان تهانه دار غور بند بعرض رسید که اگر زمینداری جمون ... رنگه

پسر راجه بری دیو مقرر شوند بندوبست بواقعی نماید منظور نموده بالفعل ذات

چهارصد سوار و اسپه نوشه فرار نموده زمینداری مذکور مقرر فرمودند

از نوشته مختار خان ناظم صوبه مالوه بعرض رسید که افتخار خان خانزاد برای

تنبیه راو کوکت سنگه مفسد رفته بود گماشتهای زمینداران و فوجدار آن

همه رفاقت گزیدند و همگاه متصل بوندی رسیدند گماشته راو بده سنگه

زمیندار آنجا نامه مفسد مذکور گریخته در ملک راناامر سنگه زمیندار اودیپور

رفته بنابران راو بده سنگه هزار بالفعل یکهزار سوار و اسپه ...

... صد سوار کم فرمودند

سنح نور الطی تحت عرض نمود که در بازار راجه اودی سنگه و راو سجان سنگه

وغیره بد عتی بسیار میشود چنانچه محمد الدین خان بهادر و منعم خان و فضل علی خان

حکم که در بازار آنها رفته بد عتی برطرف بکنند و اگر کسی سوخت کنند تنبیه نمایند

چنانچه خان بهادر بعمل آورده الله عرض نمود که یک راجپوته سوخت نکرده

فرمودند که در اوردو معلی موالی بهاری یکی جهت استاده بکند

حکم که مالسنکه دیگهی برای مجرای در دیوان خاص الله ...

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار جهاندار

رمضان سنه ١٨

११ फागुन सुदी

११९ सन जै

یوم ۱۱

جمعه ۲۰ دیوان موقوف فرمودند

بندگان حضرت ماه نو دیده فرمودند که فضایل خان نایب میر آتش توپخانه جلالی نمایند

چنانچه مخلص نموده در ضمن بادشاهزاده کامبخش محمد لبیب و سلطان بلند اختر

بحضور پرنور الله مبارک بار عید تسلیمات بجا آورده بود ... بدیره رخصت فرمودند

फागुन सुदी २ सने

یوم ۱

غره جمعه امروز عید الفطر بود دیوان موقوف فرمودند

جماعه ذیل عرایض مبارک باد عید الفطر بدرگاه والا ارسال داشته بود بنظر گذشت

بادشاهزاده محمد اعظم شاه وقطعه	شاهزاده بیدار بخت وقطعه	جهان زیب بانو محل بادشاهزاده اعظم شاه وقطعه	اودیپوری محل وقطعه
سلطان محمد عظیم وقطعه	نواب زینت النسا بیگم وقطعه	زینت النسا بیگم وقطعه	و زبده النسا بیگم وقطعه
فاطمه خانم وقطعه	عزت النسا وقطعه	... بخش وقطعه	و داور بخش وقطعه
عمده الملک اسد خان وقطعه	ذوالفقار خان وقطعه	غازی الدین خان وقطعه	خدمتگار خان وقطعه

ساعه

اخبارات دربار جهاندار

شوال سنه ۴۸

११ फागुन सुदी

११ ३ दिवे

یوم ا

۳ پهر

یک گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

هفت گهری روز برآمده شرف الدین مشرف قراولخانه عرض نمود که سلحخانه بموجب حکم بار گشاید خرچه حکم شود حکم شد که روانه نماید و صف شکنخان میر بخشی

احدیان توپخانه حیدرآبادی و مردم توپخانه جهانی همراه بروند

عنایت الله خان دیوان تن سرکار [illegible] قلعه کنار ریکس گذرانید

التوام ملتفتخان داروغه را خدمات مقرر فرمودند

ملتفتخان بابت داروغگی خلعت	کلان خان را داروغگی احدیان نو فوج مقرر نموده خلعت	حمال محمد تورانی داروغگی پیادهای روهیله صاحب دیگر مقرر نموده خلعت

حکم شد بموجب ذیل امرایان نیز قبایان همراه بگیرند

مطلبخان	سالارخان	افضلخان	و خواجه خان
صف شکنخان	غلام محمد	راجه ساهو	بختاورخان
عبدالرحمان			

یکدانه اناره شاهزاده بیداربخت و یکدانه اناره ذوالفقارخان بهادر

حواله یاربیک و علی انور گرز برداران فرمودند

نجیب الملک بهرمندخان فرمودند که طومار جمع تکلف سوارات طیار نموده نزد بیگ گذرانند

بنیادخانه نجیب الملک هژده هزار سوار را طومار طیار نموده بنظر انور گذرانیده ظل سبحانی

بموجب ذیل ترتیب جمع مقرر فرمودند

بادشاهزاده کامبخش جرنگار	بهرمندخان دست چپ	رمع الله خان التمش	حمید الدین خان بهادر چنداول
محمد امین خان هراول			

بعرض رسید که بادشاهزاده محمد اعظم شاه و شاهزاده بیداربخت بهادر در قلعه

عیدگاه رسیده والده نواب زینت النسا بیگم به سرکار مبارک برای عید الفطر ارسال داشته هر چه

امر حکم شد که در نگاه بفرستند

شرف الدین حسین مشرف قراولخانه عرض نمود که در باب تعمیل سلحخانه هر چه

امر شود حکم شد که سرکار نموده بعرض رساند بموجب حکم شود عمل نماید

اخبارات دربار جهاندار

شوال سنه ۴۵

[illegible] ۱۱ [illegible]

یوم [illegible] ماه [illegible] جلوس

بندگان حضرت [illegible] یک پاس گهری روز برآمده بسواری تخت روان

سایه سوار از دولتخانه موضع [illegible] محاصره قلعه پرناله که [illegible]

مسافت یک نیم کروه پانزده جریب طی نموده داخل دولتخانه منزل اول آمدند

عبد القیوم قلعه‌دار مرتضی آباد [illegible] سیر الغام [illegible] احمدنگر

بموجب التماس [illegible] خان بعرض رسید که خانزاد امیدوار رعایت است

منصب [illegible] هزار و پانصدی پانصد سوار [illegible] پانصدی یکصد سوار اضافه فرمودند

شرف الدین مشرف فیلخانه عرض نمود در باب پیلخانه هرچه امر حکم

روانه نماید

[illegible]

[illegible] محمد [illegible]	ملک محمد اکرم کتاب جلد	حمید الدین خان بهادر [illegible] جلد
کمان قبضه	آهو [illegible]	

[illegible]

یوم [illegible]

بندگان حضرت یک پهر روز برآمده بسواری تخت روان سایه سوار شده

مسافت [illegible] سه نیم کروه جریب طی نموده داخل دولتخانه منزل

بعرض رسید [illegible] الله خان متصدی بندرگاه [illegible] رسیده بود روانه

حضور پرنور شده

از [illegible] سلیمان خان [illegible] فوجدار [illegible] آباد بعرض رسید که نعمت قلعه‌دار فوجدار

[illegible] رکن سوار پیاده نوکر داشته برای تاخت مواضعات [illegible] آباد فرستاده [illegible]

[illegible] تاخت نموده می‌برند از [illegible] آباد [illegible] رعایا [illegible] شود حکم شد

[illegible] الله خان در باب قلعه‌دار مذکور بنویسد

ROYAL ASIATIC SOCIETY

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سابق

اخبارات دربار جهاندار

[illegible]

شوال سنه ۴۵

[illegible]

یوم ... ساعت

ده بیه پهر و گهری روز برآمده عدالت فرمودند

از نوشته شاه عالم محمد بیدار بخت بهادر و ذوالفقار خان بهادر اهل محاصره قلعه پرناله کتیر بعرض رسید که حضرت بدولت در نظلع نزدیک تشریف اورده فتح آن در باب ملفوظات بایسته ام نشو حکم شد به برادر ستنبه بیایند

عرضداشت شاه عالم محمد معزالدین امیر نظر گذشت

از نوشته حمیدالدین خان بهادر بعرض رسید که اگر اسباب مردم دکر میسازد در نیجا افتاده و بار بردار نایاب است حکم شد قریهای مقام بغارت زند

به رفیع الدین خان حکم شد طیار شوند سیما بلی دیدن جای دولتخانه مبارک واقعه ... کنند رخصت سفر نمایند

خان

از نوشته قلیچ خان بهادر بعرض رسید به موجب حکم غازی الدین بهادر ... مفسدان جانب ... روانه شده و قدری روانه حضور شده مرتضی اما از رسیده رسد غله همراه دارد

شده بودند دیوانی موقوف فرمودند

مطلب خان عرض نمود که فرزند امرای نیم کروه است حکم شد سخانه روانه نمایند

بموجب التماس ظهیرالدین فوجدار مرتضی اباد بعرض رسید که در جاگیر بنده پایمال شده حق سایه ادا کردن نمیتوانم حکم شد از خزانه پایمالی بدهند

ابوالفتح پسر خانه سع هدایت کیش یک اوریک پیکس گذرانید معاف فرمودند

محمد امین نایب کوتوال عرض نمود که متعلقان مردم لشکر معلا را قرق نموده ... مردم لشکر میا متعلقان خود همراه گرفته هرچه ام حکم شد مزاحم نشوند

حکم شد بان برب و باروت همراه رفیع الله خان التمش بدهند

کلاه خان که بخدمت داروغگی شتران نوابتیع مقرر شده بصدی پانزده سوار ... ده سوار اضافه شده

هر یه امر حکم شد که دستک ملازمت تدبند

حکم شد منصور خان به مصحوب گرز بردار الوس میوه به چین قلیچ خان بهادر بفرستد

از لوی الیفا خان قلعه دار فوجدار نلدرگ عرض رسید که بفدوی حکم شد لوازمه توپخانه گرفته بحضور باید لیکن سند از دفتر جده الملک دیوانی نرسیده حکم شد بنویسند نایب گذاشته بیاید

اضافه

ملتفت خان داروغه خواصان	عنایت الرحمان خان دیوان تن
[illegible] ذات اضافه پانصدی ذات	بصد هزاری اضافه پانصدی
الف سوار	ماهی مراتب
خواجه خان	منصور خان داروغه توپخانه
بصد هزاری اضافه پانصدی	دهکی
الف سوار	بصد نهصدی اضافه صدی
	هشتصد سوار
رشید خان داروغه داغ و تصحیحه	
بصد [illegible] اضافه صدی	

[illegible]

45/26

[illegible]

اخبارات دربار جهاندار

سنه الف ۱۱۲۵ سال

یوم [illegible] جمعه

بندگان حضرت سه گهری روز برآمده از دولتخانه مبارک سواری [illegible] روان سوار شده مسافت راه دو نیم کروه پانزده جریب طی نموده یک پهر چهار گهری روز برآمده داخل دولتخانه متصل [illegible] آهریه شدند دیوان موقوف فرمودند

دیروز بعد دو پهر روز مطلب خان قراول بیگ عرض نمود که در جنگل یک شیر میباشد حکم شد که پادشاهزاده محمد کام بخش بالی برای شکار شیر مذکور بروند و رفیع الله خان و مطلب خان معه قراولان برکاب عالی بروند چنانچه پادشاهزاده حسب الحکم رفته شیر را پاره کنانیدند چنانچه شیر مذکور به [illegible] رفته گریخته میرفت درین اثنا محمد فاضل بیگ از الله وردی بیگ کلیم کوش منصبدار برای دیدن تماشا میرفت شیر مذکور متصل آمده موصی الیه شیر مذکور را از شمشیر کشته و خود زخمی شد پادشاهزاده جسد شیر مذکور را بحضور نظر گذرانیدند

از سوانح صوبه برار بعرض رسید پیر سوکهو سلطه نامی سردار مفتوح با جمعیت بمقابله بهادرکوه [illegible] نور الله بر سر تیه جا گرشن بالا و رخینه لساری ساکنان بالا بحال گشته مال متاع تجارت برفع عامل انجا مانده روز جنگ

اخبارات دربار معلی

سال سنه ۴۸

جمعه ۷ جمادی

بمقام دریای گنگ دیوان موقوف فرمودند

حکم شد که شاهزاده بیدار بخت بهادر برای ملازمت بحضور بیایند بخشی الملک بهرمندخان فرد الحضور برای استقبال بروند

॥ फाल्गुन सुदि ९ ० खबर समाचार ॥

شنبه ۸ (?)

تا سه گهری روز برآمده از دولتخانه بگنگ بسواری تخت روان سوار شده مسافتی یک و نیم گروه پیاده بالا پرسی طی نموده در عمل دوپهر لعله داخل دولتخانه متصل گهوالیور شدند

بشیر الدین مشرف فراشخانه بحکم شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر مرآید رو برو دولتخانه مبارک دیره بجهت عالی استاده نماید

بعرض رسید که شاهزاده بیدار بخت بهادر بموجب حکم اشرف برای ملازمت بحضور میآیند بخشی الملک بهرمندخان یک کروه از دولتخانه مبارک استقبال عالی رفته ملازمت نموده نه مهر و محمد صالح ولد ... خان ... مهر نذر عالی گذرانید برکات ... لعله بر در دار جای دولتخانه خاص رسیده شد حکم شد همه بخشی الملک بحضور بیایند چنانچه بموجب حکم در مسجد شاهزاده ...

خنک نموده کوبک نمانده لاچار دانسته بابت ... از روپیه داد ل بعد از آن قبول کرده حکم شد که ربیع الزمان خان بناظم اینجا تاکید نویسند

حسب الحکم ۶ صندلست ... بمهر رضا علیخان ... شاهزاده بیدار بخت بهادر صادر فرمودند

چین قلیچ خان بهادر ملازمت نموده هزده مهر نذر گذرانیده و عضد الدین پسر ... نذر گذرانید مهر ... نموده فرمودند خلعت خاصه برای خان بهادر علیحده نمایند

مرزا بیگ خان داروغه توپخانه فتح خان فیروز جنگ برای ... ملازمت لعله یکصد یک گذرانید و حسن علی خان همراهی خان فیروز جنگ ملازمت نموده دو مهر نه روپیه نذر گذرانید

معتمد خان معزول نایب محمد معظم بهادر صوبه دار لاهور لعله ملازمت نموده ۱ مهر نذر گذرانید

جانوران ذیل ... گذرانید

بار شاه ... آهو دار	کالکسی	محمد امین خان دارغ ... قطعه ... دار	صف شکن خان طاوس یک قطعه	آهو گور	خزانچه خان طاوس یک قطعه

ملاحظه نموده یکهزار مهر نذر و ۱ هزار روپیه نثار گذرانیده
قدم بوس نموده حضرت دست مبارک بر پشت نهاده فرمودند چرا فرنی
بار خوب تردد نموده بعد ان نجیب الملک نادیده بتره رخصت فرمودند از شاه ملکه
حقایق مور حل استفسار نموده بدیر رخصت نموده خلعت سه پارچه
بجهت عاید حواله خواجه ضابطه تربیت خانه نموده که بدیره عاید رسانند

حکیم که هفت قاب الوس طعام برای شاه ملکه سردار بخت بهادر
حکیم حاذق خان بفرستد و بهر حواله میوه برای شاه ملکه جو
حواله خواجه عنبر فرمودند

معتمد خان راد دیوان داد کهن مقرر فرمودند هفصدی پنجاه
سوار لیکن یکصد پنجاه سوار اضافه فرمودند و خلعت انعام شد

سکار یکس

حاجی ولی خان بهادر چیره و گرد انک بی ملاحظه	مطلبخان نو صه	عبد القادر منسوب مطالبه دکهن خرز	سمیر بیک اهو
اسد الله والد مطلبخان فیل م ع د	محمد امین خان دریافت قطعه	حیثه بابان اهو ادار	لدمن هزاری دریافت قطعه

مطلبخان عرض نمود که مراسم ادا کرده یاو بالا اسم حکم کرد
پیشخانه روانه نمایند

ساه
اخبارات دربار جهانمدار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

شوال سنه ۴۸

یوم ار ا
۱۱ ماه

سواری ملاحظه

بیراجی تهانه دار کابل راو مالسنکه
موقت یار علی بیک صمه مهر
صمه دهوب قبضه

زنباز خان تهانه دار کهولدر پور میر حسن
کمان مهر

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات درگاه جهانمدار

شوال ۴۵

و بعد شش گهری روز برآمده از غسلخانه متصله لاهوری
بسواری تخت روان سایه بیدار شاهنشاه متصل دروازه محل …
رسیدند سلطان محمد بیدار بخت بهادر را بدین رخصت فرمودند …
… پنج گهری روز برآمده داخل دولتخانه متصل دریای

هنگام الصبح … حضرت از خواب بیدار شدند بغسل رسیدند
ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ در … نشسته برای ملاقات بحضور
… بحکم یحیی الملک رکن الدوله … خان و … خان … حاضر شوند حسب الحکم
حضرت ظل سبحانی در مسجد برای نماز تشریف … یحیی الملک و ذوالفقار خان
بهادر بموجب حکم … ملاقات نموده … مهر نذر … هزار روپیه …
قدم بوس نمودند حضرت … نموده … دست … نهاده خلعت خاصه
… جوان … طعام … نموده رخصت فرمودند

یحیی الملک … خان و حمید الدین خان بهادر بموجب حکم جای
… دولتخانه مبارک و … رسانیدند حکم شد … روانه نمایند

… شاهزاده بیدار بخت بهادر … خالصه …
حضور … تسلیمات …

در دست راست رفیع الله خان و حمید الدین خان بهادر در یلاقلبیه فرمودند
یحیی الملک بهرمند خان عقب باشد و رفیع الله خان در دست چپ بجای
بهرمند خان بیاید

چین قلیچ خان بهادر بحضور آمده مجرای نمود هشت قطعه در الماس ...
پیشکش گذرانید خلعت خاصه انعام داده فرمودند امروز بجای حمید الدین خان
بهادر چند اوّل نماید

محمد صالح پسر ذو الفقار خان در رکاب جمعیت در آستانه نمود محله دلقه

جماعه ذیل بسرکار پیشکش گذرانیدند

مغل خان در الماس	غلام محمد معروف حلبو در الماس	پسر قلیچ خان	مردم جبینه نانان	
قطعه		نوّن	آهو قرار	

نیکنام خان میر بخشی قطعه شاهزاده بیدار بخت مسرور سواری ملا...
نمود بگمهر ... حلقه ... پیشکش گذرانید و محمد خلیل ...
ملاوست نمود قبضه ... خان ... یک قطعه ... پیشکش گذرانید

به یحیی الملک بهرمند خان حکم شد در سرکار شاهزاده کام بخش ...
مقرر نمایند عرض نمود خواجه محمد ... ایشان ... کار ...
بخشی گری سرکار محمد حمید به حکم شد میر ... نیز مقرر نمایند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سنه ۴۷

ابه ... گهری روز برآمده از دولتخانه متصل ... سواری
تخت روان سوار ... تیمم گرد ... طی نموده داخل دولتخانه قلعه
پرناله شدند

شاهزاده بیدار بخت بهادر رسید سواری آمده مجرای نمود
فرمودند سه ماهه نقد ... فوج ... و ذو الفقار خان بهادر ...
خود از ... قلعه پرناله کم رفته ... آید

... کشیش و عثمان خان قراول ... رفته
مورچل تربیت خان دیده باید

به رفیع الله خان حکم شد بجای ... عالم نزدیک مورچل ... خان
... آنجا ... فرمود آید

مغل خان و محمد ... و مروم ... سرکار پیشکش
گذرانیدند

جماعه ذیل ... انعام شد

... کالجی	در حرف جاهی ...	...
...	آهو ...	جهگار ...

سابق
رضا بات دربار جهاندار

ماه سنه ۴۸

یوم ... ساعت

الهی مقام متصل قلعه پرناله بلکه ... گهری روز بر آمده
عدالت فرمودند

روح الله خان و مطلب خان حسب الحکم رفته برای محاصره قلعه پرناله مکان
تهانجات ملاحظه نموده باید

حسب الحکم اسپ کے دیوان خاص استاده نمایند

تربیت خان بموجب حکم ارموچیل الله ملازمت نمود

محمد اسحق ولد بتیخان	محمد عسکری	مبارک رو	حامد الله
مهر	مهر	مهر	مهر

راو دلپت و جمع معه ذوالفقار خان بهادر راله بموجب حکم ملازمت
نمود

بهار سنگه و نرهر سنگه برادران مالله هر یک لعه مهر	راو دلپت بوندیله ماه مهر خلعت مرحمت شد
پاندهاجی برکاهو جی صمه مهر	راو کاهو جی ... مهر خلعت مرحمت شد

خان عالم و جمع متعینه ساه العه بیدار بخت بهادر سرکاری
ملازمت نمودند

فرزند خان	اخلاص خان	منور خان	مالله
لاه مهر	صمه مهر	صمه مهر	لعه مهر کمان قبضه

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

زین العابدین بخشی و واقعه نگار و فوجدار خلق عبدالقادر

نوه عدد — صمه عدد

کسنو رکنه و فوج متعینه فوجداری داود خان نایب صوبه‌دار کرناتک … بالای

از اصل خالمذکور اضافه فرمودند

ساالله بصیر هزاری ا‌ک سوار	اضافه ما سوار حکم خلعت فرستند	مادهو سنگه بالا بسر قرار فرمودند و هزاری هزار سوار

حکم معتمد خان دیوان دکن علی محرای در عبداللطیف

نوص رسید صالح خان بخشی اول شاهزاده محمد معز الدین با اصل بیت سوار فوت شده بجایه عبدالقادر بخشی واقعه نگار صوبه لاهور خدمت بخشی گری الک رغلاء مقرر فرمودند مراتب نوص رسانند

نوص رسید رود سنگه ولد … انوپ سنگه چهار صدی یکصد پنجاه سوار او فوت شده

اخبارات دربار جهانمدار

شوال سنه ۴۷

یوم …

نهار

۱۲ ابد — یک گهری روز برآمده عدالت فرمودند

شاهزاده بیدار بخت بهادر بموجب حکم بحضور الله ... یک گهری بدیره رخصت فرمودند به سبح هدایت کنش فرمودند ... از حضور با دیره علاحده مستقل دارند بعرض رسانند

بخشی الملک روح الله خان و ... خان بموجب حکم جلیس قلعه بهادر ... رایجه اودو سنگه وغیره ... قلعه پرناله تهانجات زنبیل بحضور ... بعرض رسانید

حکم … رمنه … کاه انجا را لحاظ نمایند

حکم … بیلداران و سقه‌های امرایان … احداث کنانیدن دیوار احاطه گرد لشکر … حمید الدین خان بهادر رجوع نمایند

نوص رسید شخصی مسماه از بالادی قلعه پرناله … امله خالمذکور بحضور فرستاد حکم حمید الدین خان بهادر ازو

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار جهاندار

شوال سنه ۴۵

یوم جمعه

۱۳ ماه — یک پهر و ۵ گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ بحضور آمده مجرای نمود ... بعد یک گهری بدیوان خاص رخصت فرمودند و حکم شد که بروز یکشنبه و پنجشنبه یکمرتبه بیلی مجرای می آمده باشد

ملبوس

بلم سنگه زاده متعینه فتح خان نصرت جنگ — خلعت
راو کاهنوجی متعینه فتح خان نصرت جنگ — خلعت الزام شد
صاحب ... خلعت

میر عبدالرحیم دیوان فتح شاه الله عبدالرحیم معتمد خان دیوان دکن بهادر مهر ... — خلعت

تهور خان میر توزک دو ... پایین ... ایستاده می شد در ... حکم شد که بالای پایه ایستاده می شده باشد سابق حکم بعمل آوردند

راجه اودی سنگه بموجب حکم راو سبها سنگه بالا گرفته بطور برداشته بحضور آوردند

از ... حاجی خانم همشیره خانجهان بهادر مرحوم ... رسید که این ضعیفه حال ... اراده رفتن شاهجهان آباد دارد امید وار است ... مرحمت شود حکم شد که نصرت خان و ... خان تا ... از آنجا حاجی ... شاهجهان آباد رسانند

پرسید عرض رسانید که ظاهر میشود که از جای لشکر شاه ... آمده مردم غنیم قید ... در قلعه ... گشته در قلعه ... و اسباب ... مقابل ... چهار صد کس ... و یک طرف ... قلعه ... حکم شد که او را خلاص نمایند

... سیف ... خان ... مرحوم را بمنصب ذات ... صد سوار ... فرمودند

वरख १ सं. १७६४ रा फागुन सुदी ८ सु...
थी सुदी १४ धोरस थी मो बे सा अवद
१० सोमे मे वडो नी मो को आयार

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]

اخبارات دربار معلی

شوال سنه ۴۵

یوم [illegible] جمعه ۱۴ ماه

دیوان هر وقتی موقوف فرمودند

شاه عالم بیدار بخت بهادر را به مجرای تسلیمه بعد سه پهر رخصت فرمودند

فرمان به بادشاهزاده محمد اعظم سلطان شاه حوالهٔ [illegible] گرز بردار فرمودند

[illegible]

یوم [illegible] ۱۵ ماه

یکپهر و ۱ گهری روز برآمده عدالت فرمودند

ملازمت نمودند

محتشم خان بیمار بود | قبیحا قلی خان | شمشیر خان | منت علی | غلام محمد
مهر | مهر | | لعه عرد | احمد عرد

رحیم الرحمان متعینه سرکار شاهزاده بیدار بخت بهادر نه مهر نه روپیه بیمار تولد پسر
نذر گذرانیده بود باسم رحیم الرحیم ممتاز فرمودند

حکم شد نذر گیاه را ناموشته باشند

حکم شد تنخواه هزار سوار تعینه همراه هر مند خان و حمید الدین خان بهادر در برلکی هی مقرر نمایند

بعرض رسید که بلکرس خان سارس نگاه مرتضی آباد هزاری هفتصد سوار فوت شد
چنانچه متعلقان را با قبضه شمشیر انعام داده بجای خانه حرم رخصت فرمودند

از عرض مختار خان ناظم صوبه مالوه بعرض رسید که حسب الحکم والا در باب ارسال
داشتن خبر نویس به تبلیغه رسیله امیدوار است که به فوجداران شاه [illegible] حکم کار
سرحد خود بیدار گوید که روانه میکرده باشد و در باب گهیلان هیچه امر موقوف
حکم شد که گهیلان را نوکر داشته ارسال داشته باشد

حکم شد که هزار روپیه از خزانهٔ اندرون محل حواله قاضی محمد اکرم نمایند که مردم
مستحق مال خیرات بدهد

زبانی هرکاره بعرض رسید که مردم متقاهیر یکنیم کروه از اورد و معامله موقع
دیهات و اکثر مواضعات را تاخت نموده می برند و کیفیت بجهت قراولی تمیز نمودند چنانچه موجب
دیگر قراولان مقرر فرمودند

خواجه خان پیس | شمشیر بیک دست راست | محمد شریف دست چپ

وحید دار خان عقب

از واقعه کرنانک [illegible] بعرض رسید که در شش حمل باب معمور خان فوجدار برکنار
جلالدار معین بجهت گشت تعلقه خود رفته بود چنانچه امیدوار دیوان نمودند
با موجب الیه مقابله نموده تا ۱ گهری جنگ مانده بعد ان [illegible] الله معین درجهٔ شهادت رسیده

[illegible] الله هزار پانصدی ذات [illegible] | محمد ابراهیم | پانصدی بیست سوار
سوار

عبد الله خان

[illegible] الملک بهره مند خان عرض نمود که در باب قراولی موقع حیل ببرکه امر حکم شده که اول الیه
عقب موقع حیل است قراولی اینجا بعهده خانه [illegible] الیه مقرر نمایند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار جهاندار

سنه ۱ جلوس

॥चैतवदि
॥३दिवे

یوم ۱۶ اب

یکپهر شش گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ بموجب حکم بلی رخصت بحضور آمده بندگی حضرت فرمودند که پیاده روبروی نزدیک بیاید چنانچه خان بهادر در تنک توپ خانه یک لک قدم پیش آمده شرف حضور حاصل نمودند دست مبارک بر پشت نهاده مرصع انگشتری مغز یکتن زمرد و یک راس اسپ عربی و یک راس اسپ از الخیله یک راس اسپ اغراقی مع زین یاسمار طلا و راس عرب دو راس ترکی سر طویله انعام داده بعد خیر فاتحه حواله بلی تیره دهانجا ملاحظه جانب تعینه باز رخصت فرمودند شش هزاری ذات شش هزار سوار از آن یک هزار سوار اضافه منصب رخصت گردید فرمودند که هر جا مفسد روبرو وسیله بی هیچ رفته بلا تیغ تنبیه نماید و زر او و دیگر اوندیله در آن ملک شکست داده و راو کانهو جی و همراهان خان بهادر را رخصت فرمودند

حکم شد که حسین قلیچ خان بهادر بجای درج ذوالفقار خان بهادر در دیره حضور نماید

حکم شد که صد نفر بند و بچی همراه اخلاص خان و دو صد نفر بند و بچی همراه خواجه خان تعاقب نمایند

روندوله خان متعینه همراه ذوالفقار خان بهادر ملازمت نموده یکهزار روپیه نذر گذرانید

حکم شد که القاب قلیچ خان بموجب وزارت شاه لائق المرحمت والاحسان نوشته باشند

حمید الدین خان بهادر عرض نمود که قلیچ خان التماس مینماید که ذوالفقار خان بهادر [illegible] یک زنجیر فیل به بنده عنایت شود حکم شد که بگیرند

رحیم الله خان وصف شکن خان حمید الدین خان بهادر نه یک تا میوه انعام شد

جماعه ذیل برادری یلبرس خان مرحوم اضافه و سرفراز شد

محمد امین	دلاور بیگ	حاجی بیگ چهارصدی	اله یار بیگ سه صدی
پانصدی اضافه یکصدی شصتصدی الف سوار عه سوار	پانصدی اضافه پانصدی صدی عه سوار	یکصد سوار و سرفراز فرمودند	ذات یکصد سوار اضافه فرمودند

اضافه عبد الرحیم خان بلوچ جالندهر وغیره اضافه فرمودند

حاکم دار الله	خواجه محمد لطیف	ازین رقم [illegible]	
پانصدی هفتصدی یا سوار اضافه عه صدی یا سوار	ولد محمد یوسف سه صدی یا سوار و صدی ذات اضافه فرمودند	پنجاهی دو پنجاهی اضافه فرمودند	+

حکم شد که موجودات توپخانه فوج شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر به توپخانه رسانند

اخلاص کیش موافق محمد [illegible] که رقعه بادشاهزاده محمد اعظم شاه چهار صدی سی سوار بحال نموده فرمودند که جلال الدین خان نارسیدن منصوب فرد و قابل ارسال داشته بود

از التماس تربیت خان بعرض رسید که مردم متعینه قدوی نزد مورچل فرود آمدند حکم شد که پانصد پانصد نفر هر یک بکار مرفته باشد

کریم بخش و خدا بخش حجام از بابت امستاید هر یک سر تور خلعت مرحمت شد

بعرض رسید که فتح الله خان و الله عیار خان و خواجه منظور و محمد مراد خان بعنه خزانه در بنگاه
رسیدند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سا ۵۰
اخبارات دربار جهاندار
شوال ۵ ۴۷

॥ चैत्र वदि
॥ ४ सोम

یوم
۷ ابهـ
یکپهر سه گهری روز برآمده بعدالت فرمودند

عزیز الله ولد خلیل الله خان همشیره زاده داود خان مرحوم را خدمت بخشی گری دویم لشکر
بادشاهزاده کامبخش مقرر شد خلعت مرحمت فرمودند بحالی ذات پنجاه سوار بواده
سوار اضافه فرمودند

حکم شد خلعت و فرمان بعد فتح قلعه کرناتک گده به داود خان بنوشتند

حکم شد حمید الدین خان بهادر بیست زنجیر فیل نر و ماده که از غنیم در بهر شده بادشاهزاده کامبخش
بدهند

حکم شد او ضرب توپ همراه چین قلیچ خان بهادر تعین نمایند که بر قلعه گوله اندازی نمایند

حکم شد مردم لشکر بیا بدون فوج همچنین بلکی آی نروو

حکم شد خواجه خان را از محاصره قلعه بزناله کین کلاو نصر همراه حمید الدین خان تعین نمایند

از نوشته علیم الله خان ناظم برار بعرض رسید که ... بخت باتفاق ... زمیندار جام کین و مرهته بجمعیت چهار هزار سوار دوازده هزار پیاده بجنگ آمده با شنیده مقابله نموده
از اقبال حضرت سکت داله و ... مذکور را بقتل رسانیده و بخت بلند کم بخت زخمی شده
و بکر بسیاری مفسدان بقتل رسانیده او صد سوار گری کم ... فتح العظیم یافته فرمودند
مجرای شد خلعت مصاحبه و فرمان بفرستند

بموجب عرضداشت علیم الله خان ناظم برار بعرض رسید در باب تحقیق نمودن ... لکار ...
از ... زمیندار چاند ... زمیندار مذکور بحضور برود و اگر زمیندار مذکور در دادن
شدن حضور توقف نماید از لشکر موقف روانه حضور نماید بموجب حکم با تدبیر زمیندار مذکور را

45/39

اخبارات دربار جهاندار

شوال سنه ۱۲۵

११ चैत वदि

१६ नोमी

[illegible]

بدولت و اقبال یکپهر ۳ گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بخشی الملک بهرمند خان بهادر ملوث شقه بخدمت اسپ رفیع شان رکاب رسانید
معاف فرمودند بخشی الملک عرض نمود اگر حکم شود بیلی بهی بروم منظور شد

حکم شد ندر بابت شاهزادهای و شاهزادهای راند روشار و امرایان عظام و منصبداران
اکثر بلا انتشار نوشته باشند

بعرض رسید در بابت توقف ذوالفقار خان بهادر در لشکر تا حال سلسله حکم شد الفخانی
میر تورک ... روانه نماید

از التماس ذوالفقار خان بهادر بعرض رسید ... مساعدت ... حکم شد
یک لک روپیه بدهند

بعرض رسید در نواحی گهولاپور که ... مردم مقاهیر میخواهند در آتش
بسوزند یک ... حکم شد محافظت نمایند حکم شد به ... خان تهانه دار الخانه نوس
محافظت نماید

بعرض رسید مردم ... همراهی ... رفته ... چنانچه ... مقاهیر ...
دیگر اکس ... دستگیر نموده هرچه امر حکم شد حواله کوتوال نمایند

حکم شد یک زنجیر فیل قیمت شش هزار روپیه ... مساعدت بدهند

۵۵

تقید نموده است هرچه حکم شود فرمودند مجرای شد روانه حضور نماید

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

॥चैतवदि
११४ वृधे

اخبارات دربار جهاندار
سال ۵ جلوس
سوالنه ۱۱۲۵ .

یوم ۱۹ ربیع ساعه
بعد یک پهر روز بر آمده در عدالت فرمودند

ملازمت

ملتفتی خان

سیدی محمد ایوب	محمد صالح ولد یوسف	
مهر	به عوض مهر قبضه تحجانی اصد نیجاهی نیجاه سوار بمهر از شده	مهر

الحکام

سید عباد رضا داروغه کچهری میرسامان ارزانی شد به هو جابک برار ناظری سلوبله روم مقرر شده سال
ناظری جلوه دار نقیر سیع غلام محمد مقرر شده سال

به صد اضافه
صدی ذات صدی ذات
سوار

محمد شریف ولد حسین بیگ
به صد اضافه
بالصدی ۵ سوار
ده سوار

میر شهاب الدین بخشی واقعه نگار لاهور از تغیر عبد الله در تیر وزیر خان مرحوم مقرر شده
به صد اضافه
اصدی ذات نیجاهی

عرض رسید که مردم لشکر میانا متفرقه فرود آمده حکم شد که انها را اسلم و سوار اند

ارادت خان تقرر کیک عرض رسید عبد الله قوت بافدوی تمات نمو منظور شده بالصدی سه سوار

عرض رسید که تخنیح الملک بر مسند خان بطلبی بکی رفته

سعید خان دیوان دکهن بحضور آمده مجرای تمنه فرمودند هرگاه لفافه عرضی ماید بجای حیم
عین نمیدند

99

سا ح
اخبارات دربار جهاندار

سال سنه ۴۸

११ चैत वदि
१९१७ संवत

یوم ۳ ۱ ۱ جمادی‌الثانی

۲۰ مه
بعد از دو پهر روز بکلاه دولتخانه خاص فرمودند

الهام

محمد شاه‌الله محمد امین سعید کتابخانه ـ بیکس ـ تعلیم یک ـ وظیفه ـ جمعه مهر عدد ۹ بهونی ـ الهام شده

میر شهاب‌الدین بجای واقعه‌نگار لاهور مقرر شده خلعت

جمالک ونحوه چهار نفر ابدار بهر یک رسانید خلعت

سید ابو... بهادر بالصدی هفتصد سوار بر طرف بود هزاری ذات و الصد سوار
ماهیه چهارم حصه ونشتی بحال فرمودند

رحیم الرحمان متعفر ... شاه‌الله محمد بیدار بخت بهادر بالصدی یکصد سوار کوک
صدی ذات پنجاه سوار اضافه فرمودند

منعم خان توحش رسانید که شنبه بکمنه‌ک همراه خان نصرجنگ رفته بود جاسوسان
خبر رسانیده که مقهوران چهار کروهی در نواحی مرتضی‌آباد بود خبر لوس شدن
خان نصرجنگ شنیده از انجا کرخته دنبال مفسدان بجانب ... رفته
بنابران خان بهادر در ... برشتافته میرود و یکی ... راو دلیت ... شده
وجمعیت راو مذکور نهصد پانزده سوار موجب گفته خان نصرجنگ ... که
موجود است حکم شد که فرزند مذکور حواله فضائلخان نمایند که توحش رساند

خدمات مقرر شده

محمد خلیل ... سوانح‌نگاری مورچل ... خان ـ خواجه عیوض سوانح‌نگار مورچل ... قلیچ خان

عرایض جماعه ذیل بعد نظر گذشت

سمندر خان قلعه‌دار فوجدار فیروزنگر ـ وظیفه
سید سعادت خان قلعه‌دار فوجدار کالنه ـ وظیفه

عیوض خان قلعه‌دار فوجدار رسوابیتی ـ وظیفه
راج سنگه قلعه‌دار فوجدار نرکل ـ وظیفه

موجب التماس منعم خان بعرض رسید ۱ هزار سوار بندهای بادشاهی متفرقه
جمدة الملک در تعلقه برطرف نموده اند و چیتهی برطرف متصدیان بکاه
بدست دارند هرچه حکم شود هر جا که دانند نوکری بکنند مراحم نمایند

احکام صادر شد

مردم خان جهان را عوض عبدالله
قوات بموجب تربیت خان تعلق نمایند

منصور خان بطرف دروازه کهلنه
و خواص خان بجای منصور خان رفته
خبردار باشند

پرگنه ... از جاگیر راو دلیت برادر الله
پرگنه کنار و بنواری در جاگیر تنخواه دهند

هبت الله نو مسلم برای [illegible]
عدالت میر اهل [illegible] دارد
به چهار صد سوار

مطالب اخلاص خان میانه بعرض رسید

اول بنده امیدوار است که در اصل
تولد [illegible] از عهد [illegible] شد
برای حکم [illegible] نوکری اخلاص [illegible]
آن غفور نصیب است جاگیر در ملک قدیم
دارد مشخص

دوم چهار ماهه [illegible]
حکم شده [illegible] از میانه ها دلیر خان و غیره
اگر معاف [illegible] بعرض رسانند

سوم که هزار سوار [illegible] حکم
[illegible]

چهارم خانزاد امیدوار است
خدمت بادشاهی علیحده فرمایند
[illegible] حکم [illegible] موجود دارد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

॥ [illegible] ॥

نقل اخبارات دربار [illegible]

سنه ۴۵

یوم [illegible] جمعه [illegible]

[illegible] هر دو دیوان موقوف شد

॥ वरक १ सं १७५९ रा लीखा जुन सुदी १५ थी वे
चवदी ८ शुक्र के सफ पीरी बेसाख सुदी ४ सो
मेहरमान पहर १॥ जाता = आयो

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

405
xxv
41

اخبارات دربار معلی

شعبان معظم سنه ۴۷

جمعه

بعد سه هفت گهری روز بر آمده از دولتخانه مقامات
برای ملاحظهٔ قلعه کهلنا کرده بر تخت روان نشسته سوار شده در راه بر تخت روان
و از سوار شده مورچال فتح الله خان بهادر نزدیک دیوار که خان بهادر
تیار کنانیده بود تشریف برده قلعه را ملاحظه کرده استفسار از بالای قلعه
دو سه توپ و بندوقها سر داده و یک گولهٔ توپ رو برو به مسافت بیست قدم
بر زمین افتاد بعد ملاحظهٔ قلعه سواری تخت روان داخل مراجعت نموده
در خیمه که استاده نموده بودند فرود آمده نماز ظهر ادای نموده بر تخت روان
مذکور سوار شده مسافت راه هفت کروه با و بالا از درّه قریب
طی نموده یک گهری شب گذشته داخل دولتخانه مقامات شدند

جملة الملک امیر الامرا در مورچال ملازمت نموده نه مهر بابت قرص شمشیر
نیکس گذرانید معاف نموده نیکس گرفتند بق.

فتح الله خان بهادر ملازمت نموده دو قبضه کمان پیشکش گذرانید چنانچه سا
دو صد سوار اضافه مرحمت شده بود در میولا خان بهادر تسلیمات بجا آورده

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

شعبان المعظم ۴۵

جمعه

سه ... دیوان ... موقوف فرمودند

یک پهر و چهار گهری روز بر آمده دیوان مظالم ... فرمودند

فتح دولت قول داروغه تخت روان را اسپ قیمتی بقصد مهر الوام مرحمت شد

دلاور خان مسعود رکاب شاهزاده محمد معز الدین بهادر را خدمت فوجداری ... بهکهر از تغیر امین الدین خان مقرر نموده فرمودند و این مراتب بعرض رسانیدند

حکم والا صادر شد که یکصد تفنگ بند و قچیان در قلعه معز آباد تعین نمایند

حکم والا صادر شد که ۳۳ ماهه طلب برادری ... از خزانه اندرون محل بعد ملاحظه موجودات بابها تنخواه دهند

از نوشته جمدة الملک امیر الامرا بعرض رسید که دو صد تفنگ مردم خانجهانی همراه فتح الله خان بهادر در مورچال تعینات شوند منظور فرمودند

حکم شد که یک گرز بردار تعین نمایند که شیر خان جمعدار موچرانه ... زنگ ... حضور بیارد

ملازمت

راجه جی سنگه در مورچال است نو مهر معاف شد | نیکنام خان میر تخت احدیان بیمار بود یک مهر معاف شد

اخلاص خان میانه در مورچال است لک مهر معاف شد | راو مان سنگه ... بیمار بود حکم مهر ...

خدمت رای بیر خدمتگار خان داروغه فیلداران وغیره در مورچال است دو صد پنجاهی ذات بود پنجاهی ذات و ده سوار اضافه فرمودند

فرمان بنام شاهزاده محمد اعظم شاه ... صادر فرمودند

از التماس محمد جعفر هزاری ذات چهار صد سوار است بموقت ... قراول بعرض رسید که بنده از قلعه جات ... واقف است ... مطالب منظور شوند یک ... میدهم و قلعه ... اگر ... حکم شد که حقایق ... روح الله خان بهادر ... مطالب ... روح الله خان بعرض رسانند

زبانی هرکاره بعرض رسید که ... رام ... در قلعه ... کرده است ... قلعه ... والا ... مقامها ... نموده ... کرده

اخبارات دربار معلی

شعبان المعظم سنه ۴۵

روز سه شنبه

۲۳ ماه

از نوشته شاهزاده محمد معز الدین بهادر بعرض رسید که احمد خان بنگش وغیره
متفق شده تعاقب بنگالاو کابل شده در اینجا هم کار است همراه
بنده تعینات باشند منظور فرمودند

کالی و عیسی پسر سیده هر یک را ارسال انعام داده برای ماجت
ملک مقابیر نزد محمد امین خان رخصت فرمودند

معلی یک پهر چهار گهری روز برآمده دیوان مظالم فرموده
۲۴ ماه الت

در شب از نوشته فتح الله خان بهادر بعرض رسید که حضرت [illegible]
در اینجا تشریف می‌آرند در اینجا دو ماه آب برای لشکر معلی وفا خواهد کرد
امیدوار است که چند روز در مقامات باشند و قلعه را در عرصه قریب
فتح خواهم کرد حکم شد که بروز ۳ شنبه پیشخانه را برآرند و بروز پنجشنبه کوچ
میفرمائیم و شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر در اینجا باشد

معلی یک پهر چهار گهری روز برآمده دیوان مظالم فرمودند
۲۳ ماه

حمید الدین خان بهادر و مطلب خان بموجب حکم رفته از حضور
تا موضع کنجاپور دو نیم کروه مسافت حرب نموده آمده عرض نمود که جای
لایق دولت خانه خوب و آب وافر است حکم شد بروز چهارشنبه پیشخانه ما
و بروز پنجشنبه تشریف میفرمائیم

عطاء الله گرز بردار فرمان بشاهزاده محمد بیدار بخت بهادر برده بود
رسانیده عرضداشت آورده گذرانید مضمون آنکه بود که [illegible]
رخصت حکم شده که راتو مفسد را تنبیه نماید هرگاه به قلعه [illegible] رسیدم
حکم رسیده که تعاقب دهنا مفسد نماید باز فرمان رسیده که از لشکر
هیچ کس [illegible] باشند لیکن همراه بنده ۳ سردار اند برای چند [illegible]
مطلوب است راجه جی سنگه تعیین شود حکم شد هرگاه شما بحضور
بیایند التماس نمایند گرز بردار مذکور خلعت و سه صد روپیه انعام یافته بود
معاف شد

غیاث الدین [illegible] دوم احمد آباد در امر سامانی [illegible] شاهزاده محمد اعظم
از تغیر موسوی خان نیز مقرر فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
474

اخبار دربار معلی

سنه ۴۹

سیوم ربیع الاول

۵ ۲ شنبه دیوان موقوف بود

محمد زمان مشرف ... از انجا همراه حکیم مسیحا را بار ... دربار روانه نمودن

حکم روانه نمایند

ملکاپور

... نواب ... عثمان خان قراول را بمعه ... فرموده ... تا قلعه کهیلنه بر راه دیگر بالای کوه را ... حضور ... راه دید ... قلعه مذکور ... آمده ... بعرض رسید ... ملکاپور تا قلعه مذکور ... حصار ... حضور ... است ... حکم ... نماید

مراداباد

... بعرض رسید ... محمد بیدار بخت ... رسیده ... بحضور می آید

544

نصرت خان میر بحر عرض نمود که در باب بردن نواره ... هر جا امر شود حکم شد که فردا روانه نمایند

زنابیک ... کاره بعرض رسید که توپ های بادشاهی برج قلعه کهیلنه گوله اندازی مینمایند لیکن برج مذکور شکست نمیشود

بعرض رسید که مردم مقامهای نواحی کولاپور ... داشت ...

خانفیروز جنگ ... خان نوشته که قافله ... علاوه را در مرتضی اباد

گذاشته ... چنانچه مذکور از مرتضی اباد ... رفته

محمد بیدار بخت بهادر ... قافله را بحضور ... ارد

اخبارات دربار معلی

سنه ۴۸

سنه الف ربیع

۲۶ شهر یکشنبه چهار گهری روز برآمده دیوان مظالم فرمودند

جمشید خان سه هزاری ذات دو هزار سوار موافق حکم بحضور آمده ملازمت نموده جمهی بار [illegible] فرمودند میر مسلح خان به محمد کاظم [illegible] جوار درگهی [illegible] [illegible] دارا شد

محمد باقر معزول قلعه‌دار [illegible] که [illegible] الله داد [illegible] یک هزاری هزار سوار از اصل جمشید خان مقرر نموده چهار صدی یکصد سوار دو صدی یکصد سوار اضافه فرمودند

هرکاره فرمان بنام خان نصرت جنگ در تعاقب [illegible] معتمد [illegible] رسانید عرضداشت آورده [illegible] هرکاره معروض رسید خان نصرت جنگ را در [illegible] گذاشته [illegible] معتمد [illegible] بیست و چهار اشرفی صد تنقه [illegible] معاف شد

[illegible] هرکاره معروض رسید [illegible] جامه خان [illegible] از مردم [illegible] [illegible] بنگاره [illegible] فرو جنگ رفته

46

اخبارات دربار معلی

شعبان ۵ سنه ۴۲

سه‌شنبه [illegible] حضرت یکپهر روز برآمده بار در [illegible] مقامات بر رحمت روان اسلام [illegible]
[illegible] محمد خان را برای محافظت لشکر معلی را عقب مانده از کمک [illegible] بر کتل
رسیده حال قول را فرموده مردم آن باب بعضی مردم بر کتل افغانان [illegible] برداشته [illegible]
بعد آن کتل را عبور کرده مسافت راه [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و احوال [illegible] قلعه کهنه [illegible]
نیکنام محمد اکبر [illegible] دلاوران [illegible]

در [illegible] خان [illegible] آتش حکم شده بود فردا [illegible]
مردم لشکر [illegible] بر کتل [illegible] بر کتل رفته [illegible] [illegible]
[illegible] کور [illegible] آوکفه

[illegible] امیر الامرا و فتح الله خان سالار و [illegible] و اخلاص خان و [illegible] خان [illegible]
[illegible] بالا [illegible] هر کدام معاف شد

بالصدر دولت

محمد باقر [illegible] محمد [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] از [illegible] داد

محمد [illegible] سالار

[illegible] [illegible] خان [illegible] حکم [illegible] داد [illegible] [illegible] شاهزاده

روانه [illegible]

جمشید خان محرول ساهه دار ملکا پور را ... ابو صد مهر سرانجام دفتر معلی

فرمان محمد امین خان رخصت فرمودند

فتح الله مشرف توپخانه چهار قطعه توپ ... حاکم ... مرحمت فرمودند

فرمان دستخط قیمت ... هزار روپیه برای حاکم ... حواله ... دارالملک

و ... نفر ... نفر ... اگر ...

فرستاده حاکم مذکور ... روانه ... حواله او بکنند و الا ... بزد

متصدی ... حواله فرستاد

اخبارات دربار معلی

شعبان سنه ۹۴

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

دوم الف ...

۹ ام شنبه ... حصار کبری روز برآمده دیوان عام فرمودند

حکم ... بشارت خان ... بباید در ... برای ...

و بنابر ... منصور خان سر راه باید

از التماس محمد باقر ساهه دار ملکاپور معروض رسید ...

ده من ... و باروت مرحمت شود منظور فرمودند

به مطلب خان فرمودند اگر ...

عرض نمودند ...

در حضرت ... فرمودند ...

دو انگشتری مرصع به فتح الله خان ... انعام حواله ... سرکار کرده فرمودند

از شمار ... و مطلب خان و محمد امین خان کوتوال

همراه بردند

اخبارات دربار گیتی مدار

شعبان سنه ۵ ام

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.
481

یوم الاحد

بیستم ماه یکپهر چهار گهری روز بر آمده بدیوان مظالم برآمدند

حسب الحکم

عنایت الله خان عرض نمود که خزانه هندوستان بتاریخ ۲۲ شهر

از اوجین روانه حضور شده

دیروز حمید الدین خان بهادر در عریضه موافق حکم برای دیدن

مورچال فتح الله خان بهادر رفته بود دیده آمده بعرض رسانید

که خندق را پر مینماید عنقریب قلعه را فتح مینماید

از نوشته هرکاره [illegible] بعرض رسید که [illegible]

مفسدان مواضعات را تاخت نموده وجوهه تحصیل مینمایند

حکم شد که فضایل خان [illegible] که مفسدان را

تنبیه بواقعی رسانند

حکم شد که [illegible] داروغه [illegible] وجیه الدین خان را [illegible]

و عبد الله خان را به قلعه اکبرآباد رسانند

فیل [illegible] داروغه فیلخانه [illegible] حسب الالتماس [illegible] روح الله خان بهادر

[illegible] فرمودند

از نوشته فتح الله خان بهادر بعرض رسید که فیلان [illegible] و [illegible]

تحقیقات پر نمودن خندق مرحمت نمود فرمودند که حمید الدین خان بهادر همراه

کرده بدهد

از [illegible] بعرض رسید که [illegible] قلعه دار [illegible] صفدر قلعه

[illegible]

[illegible]

جماعه [illegible] همراه محمد امین خان تعینات فرمودند

راجه جی [illegible]
چهار هزاری
[illegible] سوار

جیدو جی
هزاری
[illegible] سوار

بیمرو جی
هزاری
[illegible] سوار

جسونت سنگه
هزاری
[illegible] سوار

راو [illegible]
هزاری
[illegible] سوار

[illegible]

محمد امین خان در جواب
عبدالرحیم کروربردار عرضه داشت
فرمان آورده بود جاریست ذات بود بیستی کم نموده فرمودند که اگر
حد شبانه یا فته است و این بگیرید و به میر عنایت الله مشرف
کروربرداران حکم شد که بنهر عرضه داشت چرا زوجود آگاه نگشته
موسی اله عرض نمود که بنده اطلاع ندارد فرمودند که موسی اله تقریر
نماید و مراتب محمد تقی مشرف قولار هند و شمالی و
مراتب محی الدین مشرف داغ تصحیحه بعرض رسانید
جان

به مصلح جان حکم شد که جمشید جان تعینات فوج محمد امین
را تعیناتی مذکور سراولی نموده روانه نماید

رسالی ها هرکاره بعرض رسید که شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر بقلعه
نیساه در رسیدند و قافله را معه رسد غله همراه
جانعالم نرد بخش الملک اسد خان نمیرل عقب فرستاده

حکم شد که پنجاه سوار تا پیمان تالک شاهزاده محمد کام بخش و پنجاه سوار دیگر
همراه محمد باقر بسایه دار ملک یور تعینات نمایند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
49

اخبارات دربار معلی
سوال سنه ۴۷

یوم
۲۲ ماه — یک پهر سه گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

شیخ اولیاء الله شیخ انوار الرحمن ببنارس لعله یک مهر نذر گذرانید
بالاصلی یکصد پنجاه سوار دو صدی پنجاه سوار اضافه فرمودند

الوام

بهادر سکندر خانی فوجدار ایلکهای بنگالت رخصت شد خلعت	اسد الله ولد سعدالله خان کرم را ولد معین توبسی مورجل ساکلنه بهادر رحمت بهادر معز تسلیه خلعت	اوزبک قلی خلعت

بابت شاه عالم محمد معظم بهادر شاه عرضداشت و ادا رای تا بسیاری
بیت و نصفت انار او قند جانور با سم بهلور ارسال داشته بود نظر گذشت

حکم شد که بالعموم توپ بنو محمد امین خان بفرستد که خانهٔ کور بر قلعه پرناله
مورچل مقرر نماید

به نصرت خان میر توزک حکم شد که روز دیوان خاص مردم نا مسلمان اسلام
میشوند اهتمام نمایند

بیر راج بهاندار کاکل هزار پانصدی پانصد سوار یکصد سوار اضافه فرمودند

حکم شد که شمشیر بیگ گرز بردار نزد محمد امین خان فرود که بلی فرا ولیه
رفته بک

اخبارات دربار جهاندار سابع

[illegible]

سنه ۴۵ جلوس

یوم ۱۳ ماه — یک پهر چهار گهری روز برآمده دولتخانه خاص فروغ

بعرض رسید که اکثر اسپ ترکی خاصه سواری شاهزاده بیدار بخت
از گوله توپ بالای قلعه برناله کن ضائع شد حکم شد که چهار راس
اسپ ترکی به عنایت مرحمت فرمودند حکم شد که عبد السلام اسمعیل بدیره
عالی رساند

بموجب التماس خواجه حسن وکیل شاهزاده محمد معز الدین ناظم ملتان
بعرض رسید که دنیا داکر پنجاه هزار سوار و پیاده همراه گرفته در
شاهزاده جو او باد رفته او راه لسیاری مردم او را بقلعه ساتلیه
و برادران او بنو محرمات بروی رفته بعد از آن کس در کار
بقلعه ساتلیه باقی مانده بعد بموجب امر عالی بخت و خان تر خود
جمع لسیاری بقلعه ساتلیه و شاهزاده جو لسیار تنخواه
آمدند و جاگرات ملتان کم حاصل و نقدی قرار ده ماهه تنخواه
میشود امید وار است که تخفیف مرحمت شود به عنایت الله خان حکم شد
تفاوت کم جاگر و نقدی بقرار ده ماهه بعرض رساند حکم شد عنایت الله خان
بعرض رساند

بعرض رسید که هنگام شب مردم مقاهیر از قلعه برناله کن برآمده
بجانب مورچل منصور خان آمده بعد خانه زاد خانه کو رمعه همراهیان

ستافته مفسدان گریخته اندرون قلعه رفتند

مطلب خان و سکار خان و عثمان خان قراولان رفتند
نمایند ولیکن بطی دیدگی قلعه برناله کدن جانب مورچل منصور خان
[illegible] مفرمایم نمایان دبله بیاید خیالچه [illegible] آنها موافق
حکم دبله لعله بعرض رساند که [illegible] خانه تا مورچل خانه [illegible]
یک طرف دیره شاهزاده بیدار بخت بهادر [illegible] گروه
و یک طرف دیره محمد امین خان [illegible] گروه [illegible]
قلعه [illegible] آمد خیالچه طلب [illegible] حاضر
باشند

حکم که [illegible] قلعه شمیر و یک قلعه [illegible] بدهلی [illegible]
[illegible] نمایند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار معلی

شوال ۴۵

یوم [illegible]

۲۳ [illegible] پیکهر و گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بعرض رسید که حمید الدین خان بدهلی رفته

بعرض رسید که دریای [illegible] ازار است حکم شد که
حکیم محمد تقی معالجه نماید

شاهزاده محمد معز الدین عرضداشت ارسال داشته بود [illegible]
موافق خواجه حسن وکیل

حکم که [illegible] نکاح بنت اسمعیل خان [illegible] بحضور
بیاید

بموجب التماس [illegible] بعرض رسید که طلب [illegible]
در سرکار والد است امیدوار است [illegible] صوبه حیدرآباد تنخواه شود
حکم که مطلب خان بعرض رساند

حکم شد که [illegible] و پنجاه [illegible] همراه [illegible] نمایند

[illegible] اخبارات دربار معلی

شوال سنه ۴۸

یوم سه‌شنبه

۲۵ پهر یک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

شاهزاده محمد معز الدین صوبه‌دار ملتان یک سرپیچ الماس قیمت هفت هزار روپیه در صله انعام مرحمت نموده حواله داراب بیگ و غیره انفر گرزبردار نموده فرمودند که بعینه رسانیده بیاید

حسب الحکم والا بهره‌مند[?] سید دلیر خان بنام غازی الدین خان بهادر صادر نموده حواله بهادر بیگ و غیره انفر گرزبردار نموده فرمودند که حالیفرو رنجیک رسانیده عرضداشت بیارید

رنبازخان تهانه‌دار کهوله‌پور را بمراه خلعه خانی در سوبه جلیل کرده تعلقات فرمودند

بعرض رسید که بالله جنیکه زمیندار ابنیز بموجب حکم تبارک بیست و چهارم رمضان از وطن روانه حضور شده

از نوشته هرکاره‌ها بعرض رسید که مردم بلوچان معه قافله از بنگاه باور لهکر معلی می‌آمد بنگاه از الله‌پور انطرف رسیدند ستواد قلعه باجمعیت گرد آمده جنگ واقعه شده بسیاری بلوچان لگار آنکه و زخمی شده در تعاقب مردم مغلیه همراهیه مغل خان از مرتضی‌آباد رسیده مقابه گرگریخته رفته بلوچان متوم قافله مرتضی‌آباد رسیدند

مطالب رنبازخان تهانه‌دار کهوله‌پور بعرض رسید

اول آنکه سید شاه محمد بموجب قولنامه شاهزاده محمد بیدار بخت از رفقای عظیم جدا شده آمده بعنایت خلعت دلاسه بیهزاری و ابنرار سوار منصب تجویز نموده پدرسرای بتنخواه حکم رنبال بگذرانند

دوم دیومنیا زمیندار چکوری که مفسد مقرری کسب الحال خود را عتیق نموده ظاهر می‌نماید که در نواح منیله تهانه بادشاهی مقرر شود تا نواحی را احوالات نوع حکم رنبال بگذرانم

سیوم آنکه مطالب ضروری دارم اگر حکم شود در خلوت بعرض رسانم حکم که بخدمت شاهزاده بیدار بخت نوشته رسانند که عارض ماند دولت عرض خواهد نمود

॥ श्री गणेशाय नमः ॥
॥ [illegible] ॥

سابق

اخبارات دربار معلی

سنه ۴۵ شوال

یوم الاربعا

۲۶ ماه آخر روز عدالت فرمودند

سنگه

حمید الدین خان بهادر که بدلی کهی رفته یک جانور باسم مارکه سکار نموده بحضور ارسال داشته بود بنظر گذشت حکم که هم دم گرسنگان انعام بدهند

عرضی غازی الدین خان بهادر نوحی رسید که اکثر مردم متعینه شده بخانسته به تخته بنگار رفته چند کار درپیش بود انجماعه تا حال سالمه مدت اسات متعاقبه در انجا مانده حکم شد که یک گرز بردار تعین نمایند که انها را زاویه نموده تبعنان نذر رسانیده بیاید

مستمالت حاجی محمد علی واقعه نویس مورچال تربیت خان بوصول رسید

اول اگر حکم شود فدوی در هفته دوم مرتبه بدلی مجرای می نماید منظور شد

دوم بهر حکم شود نقد فوجی بانه بنظر انور بگذراند حکم شد که خواه بخت و رمحل

عالم شاه پسر جانباز خان فوجدار کوالیار که طلب حضور شده بود موقوف مرتبه چهار صدی الصد سوار

غازی الدین مانی خان بالا ذار و بخانه بدر بهر اکه مقرر شد

محمد باقر والد خانم خان مرحوم در غسلخانه بنظر انور گذشت حضرت ملا حاجی کهم فرمودند که خانم خان کیست بعرض رسید که خانم خان هم زلف خانزمان فتح جنگ است حکم که محمد باقر خان نایب می نوشته باشند

سال ۴۵
اخبارات دربار جهاندار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

११ चैत्रवदि
११६४ [illegible]

شوال ۴۵

یوم جمعه
۲۷ ماه
یک پهر و سه گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

ارشد خان دیوان خالصه بخدمت دیوانی صوبه بیجاپور
وحید آباد از تغیر معتمد خان نیز مقرر فرمودند بالابند خنجر مرحمت نمودند

احسن خان عرف سید محسن داماد اعتماد خان مرحوم از تجدید
ملازمت داخل فوجداری کلیانی سرفراز یافته بالاصل پانصدی یکصد سوار
نو یکصد و پنجاه سوار اضافه فرمودند و خلعت انعام داده رخصت نمودند

زین الدین احمد خان فوجدار سکندرآباد صوبه [illegible] آباد
بخطاب خانی سرفراز فرمودند بالاصل پانصدی ذات هفتاد سوار
منصب دارد

حمید الدین خان بهادر به پیلی‌کهی رفته بود در بنولا الحضور رسیده
ملازمت نمود دو مهر نثار گذرانید

حکیم محسن الملک [illegible] خان بروز سه‌شنبه پیلی‌کهی برکو

॥ चैत वदि ११ शुक्रे

یوم ... ساعت ...

۲۸ ... برد و دیوان موقوف شد

वरक ६ चैत वदी ८ शनौ थी चैत वदी ११ शुक्रे सू धीरो वाको वेरसा जन्मदी ११ सं १७४७ ... जी ... आयो

45
575

اخبارات دربار معلی

سال ... جلوس ...

॥ चैत सुदि १ ...

یوم ...

۲۹ ... پهر ... گهری روز ... عدالت ... شد

دربوره مطلبخان و ربیع الله خان و حمید الدین خان بهادر حکم شد که رفته تهانه بندی کوه قلعه برناله کرده دیده باید رسانید و لیکن ملاحظه نمودن قلعه مذکور ... مقام خیالچه موافق حکم تا مورچال منصور خان بهادر ... شاه الله ... بخت بهادر رفته دیده ... بعرض رسانند ... کسی ... بسیار ... شنیده خاموش ماندند

حکم شد عنایت الله خان دیوان ... حسین قلیچ خان بهادر و صفدر خان بعرض رساند

حکم شد ... خان و میرزا بیگ خان بیلی ... می ... بکشند

بعرض رسید که یحیی الملک ... خان بیلی ... رفته

ربیع الله خان و مطلب خان و حمید الدین خان محمد صالح پسر ... خان و خواجه محمد و ... خان ... پیاده تهانجات کرده برناله نشستند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار معلی

ذی قعده سنه ۴۷

یوم [illegible]

عن هفته یک پهر چهار گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

بعرض رسید که در دیوهره کهولاپور خزانه دفن گشته چنانچه رنمار خان را رخصت نموده فرمودند که دیوهره را مسمار نموده خزانه برآورده داخل خزانه والا نمایند

دیگر شب بازده گهری [illegible] بعرض رسید که مردم مقاهیر بعزم شب باروت از طرف [illegible] تهانه چالی قلیچ خان بهادر در قلعه [illegible] چنانچه خان بهادر را طلبیده فرمودند که [illegible] ملاحظه [illegible] کنانیده [illegible] انقدر [illegible] شده باید که بوقت شب خبردار باشند

[illegible] خان حارس مرتضی آباد بعرض رسید که جمعیت مقاهیر در نصف [illegible] دارالامید [illegible] جمعیت [illegible] حکم شد که [illegible] همراه رنمار خان تهانه دار کهولاپور تعین نمایند [illegible] که [illegible] الله مرتضی آباد رسانیده مقاهیر را تنبیه کنانیده باز رنمار خان را بحضور بیارد

بعرض رسید که فتح الله خان [illegible] بعزم خزانه در مرتضی آباد رسیدند

بعرض رسید که [illegible] همراه محمد امین خان [illegible] حاضر نیست حکم شد که [illegible] نمایند چهار صدی ذات [illegible] یکصد پنجاه سوار

از التماس محمد صالح پسر ذوالفقار خان بعرض رسید که [illegible] تهانه داری کوه پرناله که مقرر شده امیدوار است بدستور دیگران مردم بنده [illegible] همراه فدوی تعین شوند حکم شد که جماعه که همراه [illegible] است [illegible]

روح الله خان عرض نمود که شمشیر بیگ [illegible] خان مرحوم التماس مینماید فدوی امیدوار است [illegible] اضافه [illegible] حکم شد که امیدوار باشند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار جهانمدار

ذی‌قعده سنه ۴۷

یوم ۲۳ ... سنه ... در سه پهر ... گهری گذشته حکم شد که فرزند

ارجمند ... ملاحظه نمودن قلعه پون کده و پرناله کده تشریف ببرند و ...

هفت ... الله حاضر شوند مطلبخان و قطب‌الملک رفته باز مردم ... و ...

بنشانند

بندگان حضرت در محل پهر روز برآمده از دولتخانه مبارک بر تخت روان

سواره برای ملاحظه نمودن قلعه پرناله کده و پون کده سوار شده جانب

مورچل ... خان میانه تشریف آورده در راه شاهزاده محمد بیدار بخت

بهادر ... ملاحظه ... سنجانی ملاحظه نموده ... را نزدیک ...

گفته ... ارشاد نمودند ... نزدیک ... رسیدند به فضل ... خان

نایب میر آتش فرموده سوای ... محمد کام‌بخش معه ... محمد بیدار بخت

و ... الملک ... خان و روح الله خان و مطلب خان و ... جان ... را

درون ... ندهند ... از تهانه ... میانه تشریف ... پون کده

و نواح قلعه پرناله کده را ملاحظه نموده سوار مذکور مراجعت ...

بعد ... گفته یک پهر ... روز برآمده داخل دولتخانه ... مبارک شدند

دیوان موقوف فرمودند

خان

... الملک روح الله خان عرض نمود که محمد صالح ... تهانه‌دار ... قلعه پرناله کده التماس مینماید که ... بیلدار و ... به ... کنانیدن ... و ... تعلق شوند حکم شد که ... احمد ... خان بهادر ... کنانیده بدهد و ... را مطلبخان سرانجام نماید

... خان میانه ... رسید

... که تهانه ... قلعه ... بیلدار ... بند و ... تعلق شوند حکم شد که ... نمایند

... مردم ... و بیلدار از جهت ... تعلق شوند حکم شد که حمید الدین خان بهادر ... کنانیده بدهد

... التماس شرف الدین ... رسید که ... مکه ... رفتن مکه ... رخصت ... نمود

... ذوالفقار خان بهادر ... رسید که ... ذات ... سوار ... رفته ... و ...

... الدین ولد شرف الدین ... ذوالفقار خان بهادر ... صدی ذات ... سوار ... نمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

[illegible] اردوی معلی سنه ۴۷

یوم ۱ جمادی [illegible]

بگهری روز بر آمده بدولتخانه خاص فرمودند

بعرض رسید که جمعیت حسین قلیچ خان بهادر تهانه دار کوه قلعه پناله کوه بطرف جانب قلعه [illegible] کهلنه رفته بود چندی از مردم مفسدان قتل نموده و مجروح ساخته [illegible] بست و چهار کس زنده دستگیر نموده بهفت راس اسب مادیه و [illegible] مولیس [illegible] مقاهیر بدست آورده فرمودند مجرای شد

از وقایع صوبه حیدرآباد بعرض رسید که نارو در باجمعیت [illegible] نراین پور عمله [illegible] پرتاب پور سرکار کلیان را محاصره نموده بود محمد حسین قلعه‌دار و فوجدار کلیان و محمد هادی پسرش بلاور جنگ [illegible] مفسد فرستاده بود جنگ واقعه شد بسیاری [illegible] کشته شدند و زخمی گردیدند و محمد هادی در قید مقهوران رفته [illegible] پنجاهی [illegible]

از وقایع صوبه بیجاپور بموجب ذیل بعرض رسید

شیخ عبد اللطیف [illegible] فتح جنگ مرحوم با پنجاه سوار [illegible] نفری در بیجاپور [illegible] حکم شود [illegible] [illegible] بیست [illegible] بیعتات بر [illegible]

[illegible] مفسد [illegible] را محاصره نموده حکم شد [illegible] ناظم بیجاپور بنویسند که بر تقدیر وقوع کومک قلعه‌دار انجا نماید

اسد الله ولد سیف الله خان مرحوم و غیره پیشکش گذرانید

سالار قلمدان [illegible]

محمد باقر داروغه فیلخانه محمد کاظم [illegible] کتاب جلد

چودهری مجید [illegible]

چودهری [illegible] چهره [illegible] تهان

[illegible] پیشکش گذرانید

[illegible] جیو [illegible]

[illegible] خان [illegible]

[illegible] خان [illegible]

میر اسد الله [illegible] بتر [illegible]

الوم [illegible]

[illegible] جیو [illegible]

[illegible] در امار مبارک بدهند

حکم شد [illegible] بتر و در [illegible] و غیره [illegible] در صرف خاص بدهند

عرضداشت [illegible] شاهزاده محمد معظم شاه [illegible] بنظر گذشت

عرضداشت [illegible] پارچه سفید تبرک خادمان روضه شاه عبد اللطیف [illegible] بنظر گذشت

[illegible] عرضداشت [illegible] الله خان [illegible] شاهزاده محمد اعظم شاه [illegible] گرز بردار [illegible] کرده

محمد بیگ گرزبردار رخصت گرده فرمودند که خزانه صوبه مالوا [illegible]

[illegible] وکیل فتح الله خان بعرض رسید که موکل بنده [illegible] نزدیک رسیده [illegible] دستک [illegible] حکم شد که بدهند

٧١
٣١

بموجب التماس خواجه محمد تهانه‌دار کوه قلعه عرض رسید داول بیگی مجرای [illegible]
باسم حکم شد که در هفته یکبار [illegible] دو سه پهر که حاکم شود مطالب ضروری به او [illegible]
حکم شد که محمد الدین خان بهادر بنویسد

فخر الدین ولد عبد الوهاب مرجوع الخدمت واقعه‌نگاری تهانه خواجه محمد [illegible]
[illegible] بنام محمد کاظم مقرر شد [illegible]

[illegible]

روم الله
۶ ماه والا [illegible] عدالت [illegible] فرمودند

45
59

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

[illegible]

واردی شنبه ۲۵

یک پهر چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند

غلام [illegible] بموجب حکم [illegible] ملاحظه [illegible]
واقعه [illegible] جلد کتاب [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] قدوم مبارک [illegible] حکم نصر الدین
[illegible] فدوی واقع [illegible] امید دار [illegible] مرحمت [illegible]

محمد [illegible] خان فوجدار کوه [illegible] واقعه احمد آباد بموجب حکم [illegible] ملاحظه [illegible]
نقد روپیه [illegible] پانصد سوار [illegible] چهار صد [illegible]
[illegible] یکصد سوار اضافه [illegible] خلعت انعام [illegible]

[illegible] رسید [illegible] حاکم آنجا [illegible] رسید حکم شد که
[illegible] ملاحظه [illegible]

[illegible] خان [illegible] صحبت [illegible] مجرای [illegible] از روی [illegible]
برخاست عدالت [illegible] فرمودند

[illegible] خان [illegible] موافق حکم [illegible] شاهزاده محمد [illegible] از تخت [illegible] رفته

اخبارات دربار معلی

چیت ۱۱ [illegible] ۲۸ سنه ۱۷۰۵ [illegible] ۱۱۲۰ جلوس

یوم [illegible]

یکشنبه ... [illegible] روز برآمده دیوان خاص فرمودند

خلوت

حکم
زبردست خان والا شجاع علیخان بخشی ... فتح الله خان بموجب حکم از اسباب الحمد ... نمودند ... از صوبه احمد آباد العالیه

... او لعله [illegible] موقوف ... بالا ... حکم ... خدمت داری از ... بلا ... بخدمت نماید ... آن ... بموضع دو نفر ... همراه فدوی ... تعینات ... نشد ... شد

حاکم آباد ... عرضداشت ... [illegible] ... بحضور ... واسپه	اضافه ... صدی ...	محمد رضا ... خانه زاد
		لعله مهر

نور بیگ	جعفر بیگ	سید عبد الکریم
لعله مهر	صمه مهر	صمه مهر

میر حسن ... دو نفر ... ان از ... خان بموضع ... کتابخانه ... العالیه

میر محمد ... اله اسد خان همراه فتح الله خان قرابه

مسالهم مهر محمد حیدر مهر

عبد الرحمان خان ... همراه ... ملکه معظمه رفته بود در ... حضور ... مهر

حیدر ... کرد الله خان دار و ... خانه مهر

حکم شد که فتح الله خان و زبردست علیخان وغیره فرزند در دیوان خاص ملکوت نمانند

حکم شد که ملک ... الله خان محمد خلیل وغیره ... حوالات شوند محمد حسین پسر مخلص خان مرحوم بخشیدند

از عرضداشت ... خان فوجدار ... بعرض رسید که قتال ... بدمعاش ... فدوی جمعیت ... دستگیر ... امیدوار است ... فوجداران و تهانه داران آن نواح حکم شود که رفاقت نمایند حکم شد که ... دستگیر ... بسعید ... در ... برسید

روزی که به خواجه محمد ... قلعه ... جنگ شد ... اخلاص خان تهانه داران نواح ... الله ... بازان ... شاه ... از ... اخلاص خان محمد صالح تهانه دار ... زبردست علیخان ... بموضع اخلاص خان ... حضور فرمودند

در ... بعرض رسید که ... وغیره مردم ... پای قلعه ... مور حال منصور خان ... [illegible] ... خانه ... منصور خان ... جنگ ... تفنگ ... بجان کشته ... انجا ... آمده

سانحه

اخبارات دربار معلی

चैत सुदि ११

در بلده ذیقعده سنه ۱۷۵ ۱۱۶۰

دوم ر

وجه ... چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند

معروض رسید که محمد حسین پسر مخلص خان مرحوم در ماتم پدر نشسته است
حکم شد که محمد خلیل و غیره پسران روح الله خان از ماتم بر داشته بیارند
چنانکه حسب الحکم حضور لامع النور بملازمت مشرف شده نه مهر نثار هیچ قبضه کمان
پنج قبضه شمشیر و یک مصحف و پنجس جلد کتاب پیشکش گذرانیدند چنانکه
خلعت ماتمی پدر مرحمت شد بمنصب یافتن هزاری و پانصد سوار و بمنصب یکهزاری سوار
اضافه فرمودند

بملازمت

اسد الله خان قلعه دار فوجدار بلده رک مهر شمشیر انعام قبضه خلعت	کلب علی خان اوردلی محمد حسین به بلدرک رفته نه مهر	خواجه الماس سعی از بیگاه لامله ... ده مهر	عبد الله خان ... فوجدار فتح الله خان مهر	
اسمعیل بیگ حرون فتح الله خان مهر	خوشحال بیگ همراهی فتح الله خان مهر	میر افضل ولد خواجه خان مرحوم نه عدد	سید امام سید عبد الصمد نه عدد	

سانحه ... بهادر حکیم حاذق خان ... الوهم
نه ... بحضور لامع النور تسلیمات ... بجا آوردند

معروض رسید که ... محمد ... بهادر شاه ... جانور
پیشکش ... داشته بود چنانکه درمیان آن نوزده جانور ...
شکاری ... یازده جانور در شکار ... تربیت خان ... جانور
بگذرانید

... خان ... پسر ... او ... خان ... عرض داشت
یکصد و هزار و چهار قبضه ... [illegible] و یازده دست بار ...
و غیره پیشکش ارسال داشته بود ...
... بیدر ... امیدوار ...
... مرحمت ... منظور شد

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

۶۵/62

اخبارات دربار معلی

۱۱۶۶ ذی‌قعده سنه ۱۷۵

یوم

اربعه — یک پهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

شجاعت خان ناظم احمدآباد سه قلاده چیته پیشکش والا ارسال داشته بعد نذر به اوزمودن مطلب خان گذشت

ملتفت خان عرض نمود هژده راس اسپ کیشوجی شجاعت خان صوبه دار احمدآباد [illegible] ارسال داشته ترقو [?] راس زنجیر علی خان از طرف خود پیشکش گرده حکم شد حمید الدین خان بهادر زیر اوزگذرانند

نظام الملک بهادر مستند خان عرض نمود [illegible] زنجیر فیل و هفت راس اسپ بسیار اموال پدر از بلدر [?] اورده حکم شد فیلان را حمید الدین خان بهادر زیر نظر بگذرانند و بیست راس اسپ در سرکار والا بگیرند باقی به او معاف

حکم شد محمد حسین تخلص خان با یراق در دیوان خاص بسواری بالکی اندرون کلالبار اطلاع نیست

محمد باقر میرسامان سرکار پادشاهزاده محمد کام‌بخش را میرسامانی سرکار بلند اختر مقرر شد بالا بند مرحمت نمودند

حکم شد محمد حسین و محمد حیدر پسران ارسلان خان بجای اجرای خلعت با یراق اطلاع نیست

صالح الله خان قبضه کتار و دو قبضه کمان و دو دسته تیر [illegible] پیشکش گذرانیدند

عوض رسید که بهادر [illegible] والی مرالف الملک بالاصدر پکید سوار مقرر شده

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار معلی

ذی قعده سنه ۴۸

॥चैत सुदी १२
॥[illegible]

یوم [illegible] الیه [illegible] بار

یکپهر چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند

حفیظ الله خان ولد سعد الله خان مرحوم صوبه دار تهته فوجدار سیوستان و عمده
[illegible] هزار و پانصدی [illegible] هزار و پانصد سوار از انجمله دو هزار سوار دو اسپه بمبلغ یک کرور
بیست لکه دام انعام منجمله دو هزار و پانصدی دو هزار سوار بحال و [illegible]
پانصدی ذات اضافه فرمودند و پانصد سوار برطرف نیابت [illegible] صوبه داری لاهور و یکهزار
سوار پنجاه لکه دام انعام برطرف فوجداری جمون بحال داشته و [illegible] سوار
برطرف فوجداری کلانور بحال داشته تتمه برطرف یکهزار سوار هفتاد لکه دام
کم فرمودند نیابت صوبه داری لاهور مقرر فرمودند

خانه زاد خان عرف سعید خان متعینه فوج شاهزاده ~~[illegible]~~ صوبه دار ملتان
با صوبه داری تهته و فوجداری سیوستان و چاکله کهندی بتغیر حفیظ الله خان مقرر
نموده و هزاری یکهزار سوار بحال و پانصدی یکهزار و پانصد سوار و یک کرور دام انعام
برطرف صوبه داری و پانصد سوار برطرف فوجداری سیوستان و یکصد سوار برطرف
چاکله کهندی اضافه نموده و هزاری ذات دو هزار سوار از انجمله
از انجمله یکهزار سوار دو اسپه و کرور دام انعام ممتاز فرمودند

حاکم [illegible] علی خان برای بخارایی در عدالت [illegible]

سید [illegible] خان فوجدار [illegible] آثار مبارک بموجب حکم بدست
علیا و عمده از [illegible] داشته بود بنظر گذرانید [illegible]
نموده فاتحه خواندند در آثار مبارک [illegible] نگاه داشته

عبد الرحمان بموجب [illegible] تبرک مکه معظمه بنظر گذرانید

شمشیر قبضه	کتان تهان	خرما [illegible]	خاک [illegible]
چادر سینه	گندم سبزه رسالت پناه	ابریشم [illegible] تنک	مسواک للعه
شمع [illegible] للعه	جاروب		

از [illegible] عصمت الله نایب محمد یار خان فوجدار مراد آباد بعرض رسید
رحمت الحکم والا رسید [illegible] نایب گذاشته
بعد پانصد سوار [illegible] امیدوارم [illegible]
حکم شد که [illegible] هزار روپیه از خزانه [illegible] بدهند

بعرض رسید [illegible] قلعه [illegible] علی [illegible]
قلعه دار [illegible] رفته [illegible] چهار صدی و پانصد سوار
برطرف فرمودند

اخبارات دربار معلی

॥ चैत सुदि

۱۱۹۳ ذیقعده

یوم جمعه

۱۲ ماه به یک پهر چهار گهری روز بر آمده در دیوان خاص فرمودند سه گهری

نشسته برخاستند

حکم شد مردم متعینه اکبرآباد تنخواه محمد معظم بهادر شاه بالا ملتی

صوبه کابل متعینه شاه محمد معز الدین بالا متعینه ملتان و متعینه محمد عظیم بالا

متعینه بنگاله منوشته باشند

حکم شد اسد خان دیوان صوبه بیجاپور و عرض حقیقت رسید ازین که تیتی

و سوبن و بدهنور که در عمل حکام بیجاپور همراه ایشان تنهامی از سر رشته

دفتر الخالصه نزد بخشی الملک روح الله خان بفرستند

حکم شد یک گرز بردار تعین نمایند که دو هزار ریاله ماولیه لعل جوهر

طلب حضور نوشته برای ایشان اسراو و بی نوشته بکلی قلعه رتن کده در طرف

مقام ... رفته رسانیده باید

حکم شد حالی ... احمد امان ... بقصد ... رفته بموجب ... برای

جهت کار ... بیارد و بدرفته همراه موی الیه تعین نمایند

حکم شد محمد صالح پسر اعتقاد خان تهانه دار پاس قلعه پونی کده در رفته

یکروز بکلی مجرای اینها بینند

حمید الدین خان بهادر از رخصت بیکانیر بموجب حکم ده لاکس ... از جمله ...

دیگر ایشان ... رسول ... او ... علی خان ... باید

بعد ملاحظه خوش فرمودند

... محمد مراد خان فوجدار کوده عرض رسید ... بموجب حکم

و الله جمعیت ... بحضور او ... امیدوار ... خواهد

... حکم شد دو هزار روپیه بدهند

... عرض رسید ... مفسد جمعیت ...

... رسیده ... تحصیل ... جانب ... رفته و حال ...

و ... مفاصله ... گروه است

45/65.

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

॥ चैत सुदी अखबارات دربار معلی

७ १२९४ ذی‌قعده سنه ۴۸

یوم ۱ جمعه

۱۳ ابهه — دیوان موقوف فرمودند

سید بخشی الملک ارادتمندخان و مطلبخان بموجب حکم برای بهکی رفتند

॥ चैत सुदी ९४ सने

یوم ۱ — ۱۴ ابهه — بیک‌دسته گهری روز برآمده عدالت فرمودند

فتح الله خان از حضور طلبیده جیبی ارسال موفقه فرمودند که بخدمت شاهزاده بلند اختر رفته عرض نمایند

منصور خان داروغه توپخانه دکهن بموجب حکم نقشه پرناله گده وپون گده را درست نموده بنظر انور گذرانیدند

سیادتخان عرض نمود غازی الدینخان بهادر فیروز جنگ به تنبیه خرابی‌ها مردم متعینه فوج بنده جمعیت موافق تضارب نه ندارند حکم شد شیخ سعدالله فتح‌خان فیروز جنگ رفته موجود داشته ملاحظه نماید

محمد والاشان وجاجب حکم بمهر رفیع الله خان بنام لطف الله خان ناظم بیجاپور صادر شده فرمودند مصحوب گرز برداران فرستند

صادق محمد خان متعینه همراه علیمردانخان صوبه‌دار برار در حضور آمده منصب دو صدی دو صد سوار بود یکصد سوار اضافه شد

بعرض رسید که دیانتخان متصدی صوبه بندر سورت بسبب غرضی
پیشکش نفرستاده حکم شد که حمید الدین خان بهادر ... کرده‌اند

حکم شد که مردم رساله بخشی الملک روح الله و محمد امین خان
و سایر خانان وغیره را جاگیر تنخواه دهند و اگر
بر جاگیر راضی نباشند برطرف نمایند

حکم شد که مردم فولادی جدید را بابت نقدی را جاگیر تنخواه دهند

پنج توله عطر به شیخ عبد المومن درویش و پنج توله عطر به محمد علی
کوکه نواب زینت النساء بیگم انعام مرحمت فرموده شد

یحیی الملک بهره‌مند خان عرض نمود که محمد جعفر برادر امیر خان
مرحوم عرض مینماید که جواهر و ظروف طلا و نقره فدوی
در اموال امیر خان مرحوم پدر بنده ضبط شده امیدوار است
که مرحمت شود حکم شد که بدهند

شاه عالم بهادر ... بخت بهادر به عنایت الله خان حلوا القام
داله لود خانه کور بحضور لامع النور ...

اخبارات دربار معلی

ذی‌قعده سنه ۴۷ ... ۱۱۱۶

یوم ... ۲۴ ماه

یک پهر چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند

در باب خواجه محمد منیر بخشی لشکر شاه عالم ... محمد کامبخش تهانه دار بالادی
پرناله گیر بعرض رسید که فدوی بموجب حکم تهانه خود در دامن کوه پای قلعه
پول گیر تهانه قائم نموده لیکن مقاهیر از قلعه قریب هفتصد کس برآمده بر تهانه فدوی
جنگ سخت و تفنگ در پیش است اگرچه جمعی مقاهیر بسیار و زخمی قلیل است امیدوار از
... کومک مرحمت شود فضل علی خان نایب میر آتش برای کومک فرستاده شد خان مذکور
در آنجا رسیده بسیاری مقاهیر را از آنجا کشته و زخمی ساخته بسک ... مقاهیر
گریخته درون قلعه رفتند چنانچه خان مذکور بحضور لامع النور بعرض رسانید که بیلداران
و سقه‌های مطلوب است حکم شد که حمید الدین خان سرانجام دهد

... خان ... از یاری صحبت یافته ... امور جلیل بحضور لامع النور ملازمت ...
... گذرانید معاف شده ... امور جلیل استفسار نموده بعرض رسانید چنانچه
بعد یک گهری ... خلعت ... فرمودند

سرفراز خان وغیره متعینه لشکر پادشاهزاده محمد بیدار بخت بهادر از امور جلیل
بحضور لامع النور مجرای ... و ملازمت کرده ... نذر ... گذرانیدند

سیادت الله ... مهر	سید محمود ... مهر	سید عبد القادر ... سرفراز خان مهر	سید عزیز ولد سید محمد مهر	... مرحوم از امور جلیل ... خان ... مهر

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

باب
اخبارات دربار معلی

वैसाष

بدی ۹ دنے ۱۱ ذی قعده سنه ۴۵

رم ۱۱

۵ اپهر — به یکدسته گهری روز برامده عدالت فرمودند

شاهزاده بیدار بخت بهادر از لشکر مورچل بحضور آمده عرض نمود
نزد سرور فتح الله خان نزد بنده رسید چنانچه فدوی و حامد گور
موافق حکم رفته تا پیش قلعه برناله کرده جانب مورچل ساباط
روع نموده بود همول جا بجا ساخته حالا مورچه قایم کرده اند گرد

نقص رسید که در بست بخانه حکیم حامد دزدی شده بود
حکم شد محمد امین کوتوال الله مال متاع او دزدی رفته پیدا
کرده بدهد

بموجب ذیل عرایض امرایان ملحقی از نظر گذرانید

محمد خان ولد بهادر سیحان — راجه ارم رای شعبه — نجابت کلو خان
معنه فتح غازی الدین خان — خلف خان فرو رخنک — صوبه دار ولایت
و لقعه — و لقعه — و لقعه

حکم شد که هزار نفر بیلدار از مورچل تربیتی ان تومان سلسه تا حال رسیده
باید که پسر براه خان مرحوم تنزاو دیه نموده بمورچل رسانند

حکم شد مرحوم حاجی نهانی و قولداحمد باد باری ار تهاتهای قلعه بون کده
بر لبه کوه ماند و بر تخت روان استاده کرده قلعه مذکور را ملاحظه
کرده بهمانجا مقرر نمایند

حال سلحانه نخی الملک بهادر چند خان و اماله فرمودند نقص رسید که
نخی الملک بابت آزار دارند بابابان بمکان حکیمی نمایند

نو سروار بموجب یعنی ذوالفقار خان بهادر نظر کشک سروار فرمودند

صمد ولد بهادر افغان — نور علی ولد احمد — هیبت قلی ولد — محمد
بالصدی — چهار صدی — نصد اصدی — سه صدی
سه سوار — دو سوار — عسکار — دو سوار

بودن
اسفندیار بیگ کوکه محمد اکبر باغی معروف دارو غه بطوب بنگاله
بموجب التماس ملازمت نموده نه مهر نثار و سپر بیگ گذرانید
و سپر از کلکن و دو از کلکن همراهیان بحجره و به نثار گذرانید

نیک کنهیه ... بهوپت هزاری از مورچل ... ای
بموجب فرمودند در عدالت ... ای الله

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار معلی
वैसाख वदी ॥२ सोमे
ذی قعده سنه

یوم ... پیکهر ... روزنامه عدالت فرمودند

فتح الله خان ... نیز فاتحه خوانند بجهت سر ... مورچل
پرناله کره جانب تهانه ... قلیچ خان بهادر و غیره رخصت نموده منعم خان را
همراه نیز رخصت نموده فرمودند آنچه مصالح بجهت مورچل مطلوب است
ربیع الله خان سرانجام دهد

یک قلاده چیته از جمله پیشکش شجاعت خان ... بدار الخلافت
بهادر مرحمت نموده فرمودند عیار یار بیگ ... چیته خانه ... رسانند
بیاید

حکم شد از جمله اموال مخلص خان مرحوم ... اسپ ... سابق
در سرکار ... گرفته ... دیگر بگیرند

بعض رسید که مردم مقاهیر از قلعه پرناله ... مورچل تربیت خان
بکام ... رفته ... انجانب ... شده ... بندهای ...
مفسدان ... نموده مردم مقهوران گریخته در قلعه رفتند

اخبارات دربار معلی

वैसाख बदी

ذی قعده سنه ۴۱

॥3 नौमी

یوم شنبه

۲۷ ابیه

در باب به فصل علی خان نایب میر آتش حکم شد فرزندان

بندو محبتان بنشانند ... ماند ولی ... دیدن مورچل منصور خان تشریف

میفرمایم چنانچه امروز یکپهر روز برآمده بسواری تخت روان ... سوار شده براه

الحرف دهره متصل باره رسیدند همه ... محمد کام بخش و شاهزاده محمد بیدار بخت

و محی الملک ... مند خان و رفیع الله خان و ملتفت خان و قاضی محمد اکرم بالای کوه

بمورچل منصور خان تشریف برده تخت روان حضرت مبارک استاده که قلعه مذکور را ملاحظه

کرده در نظم منصور خان ملازمت نموده ... واقعه نگار ... بیشکش

گذرانیده حقائق قلعه مذکور عرض رسانید بعد ... راو ... ملازمت نموده

... گذرانید معاف ... جانب در خانه مذکور رقعات استاده کنانیده

تخت روان فرموده او ... خوانده بعد یکنیم گهری از آنجا بسواری مذکور

سوار شده شاهزاده بیدار بخت را بدین رخصت فرموده ... راه

... نیم کروه ... برآمده چهار گهری روز گذشته ... داخل

دولتخانه مبارک شدند دیوان موقوف فرمودند

جماعه ذیل ... که ...

محمد ... خان ...	حسنقلی خان پیش ...	... خان ...
... کتاب حلقه ... ۶ ... ۶	... قبضه	...

در باب عارف ... بیگ ... قلعه ... که

رخصت نموده سهیل ناظر دیوان خاص فرمودند ... الیه را

... شاهزاده بیدار بخت ... رسانند و بستند و ...

ناظر ... فرمودند

اخبارات دربار جهاندار

ذی قعده سنه ۴۸ ॥ वैसाखबदी ॥ ३ बुधे ॥

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

۷۵ / ۷۰

بار

یوم [illegible] ۱۸ [illegible] یک پهر ساعت گهری روز بر آمده به عدالت فرموده

دولتم عرضداشت بادشاه زاده [illegible] شاه موقوف سلطان زنخر
وکیل الله نذر گذرشت

... نایب کاره بعرض رسید دهنا جاوان وعرض نامه داران غنیم
سیواجی ر راما جهنی تیکر الله دله موم الله فوت شد

برمع الله خان فرموده که یک گرز بردار تعلق نماید که کشتیهای
از بیجاپور زیر دریای کشنا و تیغ کنگا بیارد

به ملتفت خان فرموده چشمه آب از ما الله کوه بیزناله که پایین می آید
انرا او بارا ان را پیمانه بکنید که روز کدام تفاوت دارد خلد کور
موجب حکم عمل او الله عرضه نمود که برد اسب برابر اند

صاحب سنگه پسر بهاو سنگه نبیره بدم سنگه را بیسات فوج
خالف و خاک فرموده بالصدی اصد سوار منصب داد

نصرت خان میر تورک اسد الله خان ملتفت خان زاله اودت سنگه سنج او لیا
بانک قطعه قبضه کمان زبانک قطعه

سلکهته

...

منعم خان عرضه نمود که سنوار فلیه به بند لعنی که از رفاقت غنیم جدا شده
اراده زکات سعادت میدارم اگر حکم شود خالف زنی موقفه بیزناله کرده را
بحضور والا بیارم حکم شد که انتخاب الخوصه بعرض رسانند

حکم که اسد بیک گرز بردار را تعلق نماید که خواجه مولد را از
نبکاه سزاوی موقوفه دراسلامپهان اباد رسانند وحسب الحکم
بنام محمد یار خان صوبه دار اسلامپهان اباد تبول که خواجه مذکور
را زنجیر بند نگاه دارد

११ वैसाख
॥ बदी ४ गुरे

اخبارات دربار معلی
در قلعه سنه ۴۸

یوم ۱۶ جمعه
پیکدسته گهری روز برامده عدالت فرمودند

حاجی محمد عبادالله دیوانی سرکار محمد حسن بیگ مخلص خان مقرر شده
بالابند الوان مرحمت فرمودند

کلمة الله بخشی سرکار محمد حسن بیگ مخلص خان مرحوم مقرر شده

عبدالرحمان خان عرض نمود که محمد اسحق نوکر حاکم بر بابت بند
بندگی درگاه همراه خود آمده حکم شد که بجلو انور بکذرانند

اردوی صبح الرحمان نوشت رسید که یکصد پنجاه نفر همراه از رکاب
سواری یابنده تعین شوند حکم شد که موجودات همراه نوشت رسانند

لعل رام بعد تقرر تهانداری علاقه چودهپور نقسات کابل شده
بود چنانکه موجی اله به نقسات مذکور رفته بحضور لعل ملکوت
منصب چهارصدی دوصد سوار دوصدی دوصد سوار اضافه منصب

ساء

वैसाखवदि اخبارات دربار جهاندار

[illegible] ١١٦ ذی قعده سنه ۴۵

یوم ۲۰ ماه جمعه

دیوان موقوف

بچهار گهری روز الخضر مانند بعرض رسید از شخص کهار ملازم سرکار والا
از ابدار خانه اب خاصه حضور دیوان الخاص می آورد بروی برق افتاده بموت الهی
سوخته شد در متصل نیز بعرض رسید از خانه شخص سپاهی متصل
مندوی برخ برق افتاده یک راس اسپ سوخته شد چنانچه بادشاه الله
کامبخش بحضور اقدس یکهزار اشرفی و ابرار روپیه نثار کرد بانبد حکم شد
معاف

वैसाखवदि ६ सने

یوم ۲۱ ماه

یکپهر روز برآمده عدالت فرموده

سلطان بلند اختر میر محمد اکرم خلعت محمد باقر میر سامان سرکار حضور
الوم دلم بموت الهی بحضور اقدس تسلیمات بجا آورده

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

سابع

اخبارات دربار جهانمدار

वैसमवदि

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

۱۱ ذی قعده سنه ۴۵

[illegible]

یوم ۲۲ ماه

بعد از چهار گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند سه گهری نشسته برخاستند

بمحله تابینان اسد خان ملاحظه نموده سه گهری نشسته برخاستند خانه گور بکرامی بیمار محله پیشکش گذرانید

در روز برگام سید ... بهادر بحضور آمده یک صد اشرفی بابت ... افتادن برق در دیوان خاص گذرانید قبول فرمودند

حمید الدین خان بهادر رفته بیمار عرض نمود که دیانت خان متصدی سورت بندر یک راس اسپ ... فرستاده است ... بلوز بگذرانید ... گذرانید خوش نموده فرمودند در ... بگیرند

از ... خان فوجدار نواحی قلعه ... کن وگرامه عرض رسید که ... بنجاره ها دوازده هزار گاو رسد غله از نواحی احمد نگر ... وغیره بحضور ... اگر حکم شود فدوی در تعلقه خدمت ... گذاشته رسد غله بالحضور رساند منظور فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

نیلکنته هزاری ... مورچل فتح الله خان فرمودند ... شد

از ... خان فوجدار تهانه دار گرامه عرض رسید که چاند ... زمیندار ماهی به ... فاسد جمعیت فراهم نموده بود فدوی خبر یافته ستافته مقابل نموده ... بقتل رسانیده ... و ... مال وغیره ... در گرامه رسیده اگر حکم شود ... بحضور بیاید حکم شد که در ... بار ... گور ... نویسد

بخشی الملک ... خان عرض نمود که یوسف خان فوجدار ... بجای فوجداری پرگنه ... خوب ... فرمودند ... خان ...

حما... بیمار ... در دیوان خاص ... گذرانید

بخشی الملک ... مند خان   بخشی الملک ... الله خان

...   ...

سال ۵

اخبارات دربار جهاندار

در ... سنه ۵

वैससवदि
११८ सोमे

یوم ا

۳ ساعت — بیک پهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

در باب زمینداران ... بعرض رسید که راو جی ... جهنی ... هشت هزار سوار به اراده ... که ... مابین چکوری و ... رسیده ... شاهزاده محمد ... بهادر ... خان و ... فوج سازند هزار سوار ... مذکور ... و ... خان ... از ... علیحده ... فتح الله خان و چین قلیچ خان بهادر ...

بعرض رسید که ... نفر ... همراهی فتح الله خان بهادر ... مقابل ... اسپ ... و ... احوال ... نمایند و ... معاف

حکم ... هزار روپیه حواله محمد امین خان نمایند که بمردم مستحقان خیرات نمایند

... ارسال داشته ... گذشت

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

95
75

اخبارات دربار جهاندار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

۱۱ बैसाख बदि ذی قعد سنه ۲۸
نوم جوتھ ۱۱۹۰ سنه سال
۲۷ ... یک پہر و چار گھڑی روز بر آمده عدالت فرمودند

بعرض رسید که کاروان مردم لشکر معلی بجهت چرانیدن اطرف
موضع چل محمد مراد خان پایین قلعه بون کن رفته بودند چنانچه چند نفر
مفسد مردم مقاهیر از قلعه بر آمده کن بر آمده کاروان مذکور را حزره کرده
می بردند از آنجمله حزباقیه تهانه مذکور و مردم بلوچ ها استاده پای قلعه
رفته با مردم مقاهیر جنگ تنگ ریزه کوبی و بند و تهانه و توپ کلان
از بالای قلعه در میان آمده جانبین زخمی شده بعد آن محمد مراد خان
و خدابخش محمد بموجب بار شاهزاده محمد کامبخش یکبارگی همه حمله کردند
نیمی دروازه قلعه بون کن رفته چهپرهای بتهه زیر قلعه مذکور را آتش
داده سوخته در آنجا تهانه قایم نموده انتهی بعرض والا رسید حکم شد که
حمید الدین خان بهادر و بخشی الملک روح الله خان برای کومک تهانه مذکور بروند
چنانچه خان والا شان بموجب حکم عمل آورده و هنگام ... انها لفافه عرضی
بحضور فرستاده که تهانه در میان ... قلعه قایم شد لیکن گولهای
از ... قلعه می آید تهانه قایم شدن نمی توانند هر چه امر حکم شود
اگر این قسم ... بر خاسته باید چنانچه خان النهما موافق
حکم بهنگام نیم شب بعمل آوردند

از سوانح صوبه مالوا نوشته رسیده که شتر سوار مفسد برای غارت جریده نواحی مواضعات دهامونه میرفت جماعدار خبر یافته رسن خان فوجدار شتافته مفسد مذکور را بقتل رسانیده

نوشته رسیده که ده هزار سوار مفسد جانب صوبه برار میرفت ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ تعاقب نموده مفسد مذکور را از انجا برگشته متصل پونه گکن رفته خان نصرت جنگ شتافته مفسد مذکور مقابله نموده جنگ واقع شد چهار صد کس مقاهیر را بقتل رسانیده مفسد گریخته جانب گوندوانه رفته خان نصرت جنگ تعاقب است

منصور خان را نزد تربیت خان رخصت نموده فرمودند همراه اتفاق نموده درکار بادشاهی سرگرم باشند

حکم شد که گر ای بکار تمامی نمایند در جنگل بالکیزا و دلیل نموده ساعی حارث الدین خان رسانند

سال ۴۵

اخبارات دربار جهاندار

در ماه ... سنه ۴۵

॥बैसाष ॥वदि ११ वुधे

یوم ... بعد

۲۵ ماه پ گذشته گهری روز برآمده عدالت فرمودند

حمید الدین خان بهادر بموجب حکم تنبیه فیل امرال مخلص خان مرحوم نظر گذرانید فرمودند که در سرکار والا نگاه دارند

نوشته رسیده که مطلب خان بموجب حکم بان و غیره لوازمه توپخانه بمورچل فتح الله خان رسانیده اعلام فرمودند که قبلی عیار خانه مذکور توپ از مورچل تربیت خان گرفته بمورچل فتح الله خان رسانیده بیاید

حکم شد که تربیت باروت از مرتضی آباد کجاور بطلبند

راجه بختیاور زمیندار ... بالاصل یکصد سوار بموجب ذات یکصد سوار اضافه فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

شاهجهان

اخبارات دربار معلی

وैसाख वदि १२ संवत्

در متعلق سنه ۴۸

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم ۲۶ جمادی الاخر

بیکشنبه چهار گهری روز برآمده در دیوان خاص برآمده فرمودند

یکدو روز برآمده شاهزاده بیدار بخت بهادر در باب تنبیه راتو جی پسر سنتا متعهد گشته بعد یافتن سالک بود دوازده کروه از لشکر معلی شتافته در نظر خبر رسید که مقاهیر گریخته رفت بنابران شاهزاده جیو گشته بعد ملاقات نموده هزده اشرفی نثار گذرانیدند بعد ازان از دیوان بدبیره رخصت فرمودند

جماعه ذیل پیشکش گذرانیدند

محمد اسحق ایلچی الیمن
کتاب اراسان
اسپ راس

خواجه عبد الحمید ولد قاضی عبد الرحیم
دیوان صوبه احمدآباد ارسال داشته
الخ راس

حکم شد که موجودات محمد رضا علیخان و محمد مراد خان و محمد بیگ خان و محمد خان
از صوبه احمدآباد الله متصدیان دارالسلطنه ملاحظه نمایند

حکم شد که شیخ محمد از روپیه مال طلب بعوض مردم اسلام در کان نزد منصور خان بفرستند

حمید الدینخان بهادر بموجب حکم بمورچل تربیت خان رفته دیده آمده بعرض رسانید که خانه کو خوب تردد نموده و نقب تیار ساخته است فرمودند که روز سه شنبه آتش داده خواهد شد و مردم تعینات چوکی نزد خانه کو حاضر باشند

اخبارات دربار معلی

॥वैसाष

در سنه ۴۵ ॥बदि १३ बुधे

یوم ۱۱ جمــــــــادی

۲ پهر دیوان موقوف فرمودند

॥वैसाष वदि १४ सनेसरवार

یوم ۱۲

۲ پهر یکپاس و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بادشاهزاده محمد کام بخش و شاهزاده بیدار بخت بهادر و عمدة الملک
بهرمند خان و روح الله خان و چین قلیچ خان و حمید الدین خان و محمد امین خان
و مطلب خان و محمد مراد خان و [illegible] خان و غیره امرایان بموجب یادی
دربار بجای فیل کهوسه کولر زخم مرحمت فرمودند

زبردست خان صوبه‌دار اوده دو هزار پانصدی دو هزار سوار بود پانصدی
ذات اضافه فرمودند

عرضی ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ بعرض رسید که اسمعیل خان مکا با
فدوی تعینات بود منظور فرمودند بهزاری ذات چهار هزار سوار منصب دارد

به نصرت خان و بهاسکر راو حاکم شهر جبت راو مان سنگه ملاحظه بمنصب
بعرض رسانند

الله یار خان زمیندار دو دوابه صوبه پنجاب پانصدی سیصد سوار بود
صدی ذات یکصد سوار اضافه فرمودند

مطالب سپهدار خان بهادر صوبه‌دار الهآباد بعرض رسید

محمد لطیف خانزاد فوجدار بنارس
خدمت بخشی‌گری بمنصب موقوف
امیدوار است که خطاب خانی سرفراز
شود منظور شد بخطاب لطف الله
خان ممتاز فرمودند پانصدی سیصد
سوار سرفراز فرمودند او

دوم محمد لطیف خانزاد امیدوار است
که والد او بعطای چوب دوات
سرفراز شود منظور شد

محمد جعفر بفوجداری و قلعه‌داری جیار
و ابو محمد بفوجداری [illegible] مقرر شود
منظور شد

اخبارات دربار معلی

॥वैसाख ॥वदि ऽऽ २ दिवे

سنه ۴۹

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

یوم احد

۲۹ ماه یکدو سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

شمس خان تهانه دار کراباد و فوجدار [illegible] تا [illegible] ملازمت نموده نه مهر
هژده روپیه نثار گذرانید حکم شد که مورچل نزد تربیت خان برود

اسفندیارخان کوهی یکی گذرانید

میر حسن پسر مخلص خان مرحوم را یک زنجیر فیل انعام مرحمت فرمودند

یعقوب خان فوجدار حصار هزاری ذات پانصد سوار بود چهارصد
دام انعام اضافه فرمودند

مرحمت خان و وضع [illegible] خانزاد [illegible] بجا [illegible] مرحمت شدند

تربیت خان میر آتش [illegible] اعلی حضرت [illegible] حقایق مورچل [illegible] رسانید
حضرت یک دهوپ [illegible] مهر نثار گذرانید [illegible]
تتمه معاف [illegible] فاتحه خوانده مورچل [illegible] رخصت فرمودند
حکم شد که [illegible] بخدا سپردم

راو [illegible] اعلی حضرت [illegible] مورچل تربیت خان رخصت
[illegible] خانزاد و اظهار خانزاد موقوف داشته

فرمان صادر شد

بنام [illegible] خان در باب صوبه داری بنام [illegible] خان ناظم صوبه
تهته و فوجداری [illegible] برار مصدر شرف [illegible]

45/80
ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار معلا

در عهد سنه ۱۷

یوم
۳۰ ماه

پهر و گهری روز برآمده عدالت فرمودند

منصور خان بموجب حکم از فوجداری ... کن ... محال ... شده بود بحضرت
کیفیت تهانه رسیده خان مذکور مفصل بعرض رسانیده حکم شد که در هفته دوام تنبیه
باقی محال نموده بیاید

سید شاه محمد از رفقای غنیم بحضور آمده ملازمت نموده چهار صد ... انعام بند
خلعت انعام شد حکم شد بعد از آن صاحب کار قلعه ... منصب ... دو ... سته

سالار خان داروغه گرزبرداران عرض نمود که گرزبرداران ... دار
... و غیره زمینداران رفته ... موجب
دیگر منصب کم فرمودند

سید خان ... سه نفر گرزبردار
... زمیندار ...

عالم ... سه ... ده ... اوید
... سنگه زمیندار ... رفته

سالار الله
صد کمی
صدی
تعاهیر

محمد عاقل
صد کمی
صدی
تعاهی
عدالت

سالار بالصدی
... کمی
صدی
عدالت

سید محمد
صد کمی
صدی
تعاهی
عدالت

ملازم ...
صد کمی
تعاهی ...

از سوانح ... بعرض رسید که ... الرحمن خان که بخدمت نیابت صوبه
داری لاهور مقرر شده بود فوت شده سه هزاری و هزار سوار
... منصب داشت حکم شد فرمان و خلعت ... بکرد ...
خدمت مذکور ... ن بعرض رساند

بموجب ... بعرض رسید

کوچاچی ... ذات ... خان ... کو ... ذات ... خان ...
سه هزاری ذات ... هزاری هشتصد سوار
سوار

اخبارات دربار معلی

ROYAL ASIATIC SOCIETY

वैसाख वदि ६
112 चौथे

ذیحجه سنه ۴۵

یوم سنه

غره هه پیکهر سه گهری روز برامده عدالت فرمودند

حکم شد که حاصل بیگ صف شکن خان در نیابت صوبه داری لاهور مقرر شده علحده نمایند

حکم شد که حضور ... ماتمی حفیظ الله خان بطور در باب ... الله خان ناظم بیجاپور علحده نمایند

یحیی الملک بهرمند خان حکم شد حسب الحکم بنام کامگار خان متوجه ... بحضور بیاید

لیس خان تهانه دار گراباد ... قبل العام ... به گراباد رخصت فرمودند

خدمت ... خان جلد مصحف ... بکش گذرانید

مقرر ... متصدی سورت بندر ... خان ... گذشت

عبدالقادر ولد حفیظ الله خان مرحوم منصب یکصد پنجاه سوار ... ذات یکصد سوار اضافه ... فوجداری ... مقرر ... دوصد پنجاه ذات یکصد سوار اضافه فرمودند

خسرو بیگ ... بجهت ... عارف خان ... نواحی ملتان ... محمد معزالدین رساند

صد پنجاهی پنجاهی

یحیی الملک ... الله خان عرض نموده شاهزاده محمد اعظم ناظم بنگاله ... عبدالله فوجدار سلهت ... فوجداری ... مقرر نموده بند و بست الضلع نماید فرمودند ... رساند

... محمد کام بخش فرمودند ... واقعه نگار ... رساند

التفاتخان فوجدار سلطانپور نذربار بلا انتزاع فالحته حوالنه متعلقه
خدمت بر حقیقت معروض فرمودند که نایب خود بقلعه دار نذربار گرفت ... قلعه را
حواله عباس خان منصوب نماید

سابع

اخبارات دربار معلی

॥वैसाखसुदी॥
॥७६॥

ذی الحجه سنه ۴۵

یوم ۲ شنبه

بعد ... پهر ۳ گهری روز برآمده عدالت فرمودند

به شرف الدین حکم شد که کراپچه اگروالی خانه با اسار مبارک استاده نماید
برای طواف تشریف میفرمایم

به نجابت قلیچ خان بهادر حکم شد که تتار سوار تبه باز نوج معه به عینا پور در حضور حاضر نمایم

اله علی خان در هفته یکمرتبه بجای مجرای ازمور جاری مع اهله

عبدالحمید معزول قلعه دار بهاحاک ملازمت نموده امهر رکد بلانید

عبدالکریم پسر رحمت الله خان بمنصب پانصدی ذات و صد سوار و سرفراز نموده خلعت
مرحمت فرمودند

از سوانح بهادر کده نوشن رسید که مالکو نامی دار غنیم با جمعیت هزار سوار تهانه بانک وادید
با محاصره نموده کارولان بنجاره حیره نموده می یعد مال پسنکه تهانه دار انجا البته با مقهور
جنگ نموده بسیاری را بقتل رسانیده شکست داده فرمودند که مجالی شد

45/83

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

।।वैसाख

سابع
اخبارات دربار معلی

ذی‌حجه سنه ۴۵

یوم ا

پکهرسه گهری از روز برآمده دیوان خاص فرمودند

سرپیچ مرصع قیمت هفت هزار روپیه و جیغه قیمت پانصد مهر به بکی شاه الله
محمد عزالدین حواله نصرالله قلعه‌دار رهتگر نمایند

داروغه زرگرخانه و اخوان ... برای ... طلا ... گذرانید ملاحظه نموده فرمودند بروز
پورس مردم هزاری وینبد و محتسبان النام داخله ... شد

حکم ... سری هزاری امرایان ... غلام ده نفر شتر سانح نفر کهار و دو عرابه
بمور حل فتح الله خان فرستند

از زبانی ... بعضی رسید ... سنگه پسر ... راتهور ...
... مردم فرنگیان توپ ... قلعه ... لگدکوب ...

درباب ... بعضی رسید مردم غنیم تهانه ... محاصره نموده ... ...
رسد علیه ... می‌نمایند چنانچه ... قلیچ خان بهادر ... هزار
پانصد سوار ... تنبیه مقاهیر رخصت نموده فرمودند نصرت‌خان میر تورک ... جهت
روانه نمایند ... بعضی رسید ... خان بهادر ... جهت دیگر ...
منظور نموده لطف‌الله خان ... رخصت فرمودند

بعض رسید ... محمد خویش فتح جنگ خان مرحوم متعینه قلعه ...
چهار صد سوار ... فوت شد

45/84

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

॥ श्रीसाहबसही
॥ ४ दुदे

اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۴۸

یوم ۲ ... دیوان و عدالت موقوف فرمودند

۴۸ سنه

درین روز حکم شد که حسب تقابل طلا و آثار مبارک تشریف میفرمایند در منزل موقوف شد

حکم شد که چین قلیچ خان بهادر نصرت علی خان و غیره منصبداران هفتصد سوار بیک تتبه راو متعهد جانب عیناپور بروند در منزل موقوف توقف چنانچه شاهزاده بیدار بخت بهادر زیاده بتنبیه مفسد مذکور رخصت نموده فرمودند که راجه اودی سنگه بوندیله و راو مان سنگه و اخلاص خان میانه و غیره و اسمعیل خان و غیره داخل فوج عالی نمایند و فوج سابق و حالات ست و ا هزار سوار مقرر نمایند

حکم شد که حسب دربار لازمه توپخانه همراه رکاب عالی تعیین نمایند

پیاده	بان دار	رهکله	شتر	باروت
ـ نفر	ـ نفر	ـ ضرب	ـ	ـ

از سوانح سنگمنیر بعرض رسید که دهناجادون مفسد معه هفت هزار سوار در کوندانه استقامت داشته و پانزده هزار سوار مفسد مذکور همراه دادو ملهار رفته ملک بالگهات تاخت فرستاده چنانچه مفسد مذکور رایله قصبه انجا را محاصره نموده رضا طلب خان فوجدار انجا با جمعیت خود آمده مقابل نموده جنگ تیر و تفنگ در میان آمد مفسد بالاخر چهار زده دیگران بقتل رسانیده فرمودند که مجرای نشد

درین روز بعرض رسید که سید لام الدین کروری کنج حکم شد که از بیجاپور تا منسور رسانید که رسد غله ارسال نمایند همراه خاندکو رحمت تعیین نمایند

منصبدار	احدی	بندوقچی	
ماسه	ـ	۱	+

حکم شد که مبلغ پنجاه هزار روپیه بابت طلب مردم بادشاهی حواله سید لام الدین نمایند و ده هزار روپیه از خزانه بیجاپور بدهند

سید ابوالبرکات صدر بنگاله سید نورخان تهانه دار دهی وارد رخصت شدند هر یک خلعت

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible] بارسال

॥श्री [illegible]॥

ذی الحجه سنه ۴۷

حمه [illegible]

یوم

دیوان موقوف فرمودند

۴ پهر

حسب الحکم پادشاه محمد کام بخش در اسار مبارک رفته یکهزار روپیه نذر گذرانیده متوسل انجا یک جلد کتاب پیشکش گذرانید

بعرض رسید که شاهزاده بیدار بخت بهادر با کمال خاطر در دیوان خاص آمده دست حکم ... استاح کرد حضور بجهت تنبیه رانوجی جانب مرزا آباد رو شاهزاده بموجب حکم عمل اوله حکم مطلب خان ایشک آقاسی عالی خدا ارسید

॥श्री [illegible]॥

یوم

پیکار سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

۵ پهر

صف شکن خان بنیابت پادشاهزاده محمد معظم شاه صوبه داری لاهور مقرر شده فوجداری هفتصد سوار بود و صد سوار اضافه بموجب خلعت خاصه انعام داده رخصت فرمودند پسران خانه گور دو تسلیم پیشکش گذرانیدند

نیکنام خان بخشی اول شاهزاده بیدار بخت بهادر بامیر بخشی صدیان از تغیر صف شکن خان مقرر بموجب خلعت انعام داده هزاری چهارصد سوار بود یکصد سوار اضافه شد

مطالب لاسین خان فوجدار العلم تا راکن و غیره بعرض رسید

اول اشتس تهانه تعهد بنده درگاه کیکن در یک تهانه دو هزار سته هزار بجهت حراست مساجد و سواران کرایا مسکن مقاهیر است امید وار است پادشاهی بر طرف فوجداری العلم تا راکن بلا شرط سو و در سواران زیادت سو حکم امیدوار است

دویم بحضرت توب ... بجهت تهانه کرایا بالوام مرحمت شده بود تا حال نیافته امید وار است از ارکان سعادت مرحمت سو حکم شد بدهند

سوم امید وارم ... عاریتی بجهت سلطنت پادشاهی مرحمت ... منظور شد

وصلابت خان نبض رسانید که با الدم سرب باروت که در قلعه ابادالله بود به
مورچل فتح الله خان رسانیده سوای آن سرب باروت که از سولاپور الله مرمت
طلب داشت حکم شد یکهزار روپیه بدهند

॥ श्री ... ॥

یوم ... ...
پکهر سه گهری ... برآمده در دیوان خاص فرمودند

چین قلیچ خان بهادر که مورچل لعل محمد ... خدمت قور بیگی که ... از آن مقرر نموده
خلعت و فیصله ... دلخان خان بهادر ... ... دهوپ ... گذرانید

میر حسین ولد ... خان مرحوم را ... اول ... رسانید ... بعد از تخت مقرر نموده حکومت ... الم
بالصدی یکصد سوار بود ... بالصدی ... اضافه فرمودند

ارسد خان دیوان ... محمد ... صوبه ... مقرر ... هزار بالصدی ... یکصد
یکصد سوار ... اضافه شد

... هدایت ... واقعه نگار ... بموجب حکم ... ... چهار گروه از آنجا
... کروه ... برفون ... گذرانید ملاحظه نموده ... فرمودند

وصلابت خان دوازده ضرب توپ ... سکس و ... انگریز ... گذرانید فرمودند سه
ضرب بمورچل فتح الله خان بفرستند

... حمید الدین خان و صلابت خان را ... حمید خان ... فرمودند

نقشه ... فرستاده ... خان ... گذرانید ... عنایت الله خان

ROYAL ASIATIC SOCIETY

॥ ... ॥ اخبارات دربار جهاندار
॥ ... ॥ ذی الحجه سنه ...

یوم ... ...
... یکهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

... خان و ... خان و ... فتح الله و محمد عارف و ...
... تربیت خان و ... مقرر نموده فرمودند ... رفته ... قلعه ... کنانند و ... خان
داروغه ... رفته مورچل تربیت خان را ملاحظه نموده باید ... سر ...
... تربیت خان ... حمید الدین خان بهادر ...
... فرستاده ... موافق ... رسانید ... اعلیحضرت رسانید ... خان ...
... روپیه ... بندهای ... بگرفته

... رسید که تربیت خان میر آتش و حمید الدین خان بهادر بموجب حکم بر قلعه ...
یورش نموده ... همراهان ... ... قلعه ... توپهای ... شده
رسیدند چنانچه مردم ... توپ اندازی و بان ... تیر و تفنگ ... نموده
از آنجمله ... قایم ... محمد ... خان
و ... محمد ... بخش ... نموده بالای کوه ... قلعه
... رسیده ... قایم شده ... تیر و تفنگ در میان آمد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سال
اخبارات دربار جهاندار ॥ वैसाख सुदि
سنه ۴۵ ذی الحجه ۱۱ ॥ ۱۲

یوم ۱ ۱ سال
اربعه یک گهری روز برآمده عدالت فرمودند

میر کرم حسین دیوان بالطه ساهو اثر شرف الدین مقرر شده بالا شد
انعام مرحمت شد

حکم شد که لکه اسپ عربی پیش بابت نالاه محمد کام بخش و یک لک اسپ
به قاضی محمد اکرم علحده نمایند

حکم شد که از جمله خزانه صدا بار یک لک روپیه بطلب صوبه خجسته بنیاد بدهند

حکم شد به عالم مرداد خان ناظم بار برای نوکر بکشش بالطه برسنگه زمیندار
جانده بحضور بفرستند در باب حسب الحکم بمهر عنایت الله خان بفرستند

عرضداشت علیمردان خان ناظم بار از امله ... کدت معروض داشته بود
بنده نکونی بخت تنبیه نمونه و نواز سنگه مفسد بالقبل رسانیده از انجا کوه لاپور
وار کهودی و دریا پور الله دریا خرابه مستقر مقابله همراه نکونی بخت مفسد
در القلع اوریسه داد بنده علی رضا خان ولد اوبا سوختم فرستاده چنانچه جنگ
واقع شد بسیاری مفسدان را بقتل رسانیده سکت داله نوبت انتخاب

حکم شد محمد امین نایب کوتوال ... و ... نمونه هزار ... جهت قایم نمون
موری حکم شد محمد مراد خان بفرستد بعد از روز باران رحمت الهی بارید حکم شد
محمد مراد خان وغیره برخاسته باشند

حکم شد نیکنام خان والد همت خان مرحوم میر بخشی احدیان مقرر شده در کچهری
عدالت آمده سلام کردند هزاری ذات یانصد سوار منصب دارند

ناصر خان مرداد خان ... کابل برای خدمت تهانداری جنگ ... مقرر
نموده هزاری یانصد سوار بود یانصدی بابت کمک تحال فرمودند

بکار رفته و نجیمی شده خانزاد متعاقب است

کامیاب خان قلعه دار و فوجدار گلبرگه همراه توپهای حضور به امید مروتی
نوشته بود که نجیب مقید ... فدوی جنگ ... سکنه ... و محقد
مجرا شد

منعم خان و وکالت بادشاهزاده محمد معظم شاه از تغیر صف شکن خان مقرر شد

اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۱۰۸۵

॥ वैसाष सुदी
॥ १० बुधे

یوم ار ۹ ماه
بعد از ... خلد سبحانی بسبب عرضه عبد الصمد هر ... دیوان موقوف فرمودند

॥ वैसाष सुदी ११ गुरे

یوم ار ۱۰ ماه
جمعه یکپهر روز بر آمده بادشاهزاده محمد کام بخش و سلطان بلند اختر
و سلطان محی السنه پسر بادشاهزاده محمد کام بخش بحضور آمده عید مبارک باد
عبد الصمد تسلیمات بجا آورده در ... بعض رسید از بخشی الملک بهرمند خان ... مبارک باد
حاضر است حکم شد بیاید چنانچه بخشی الملک بحضور آمده تسلیمات بجا آورده بعد از آن
حضرت اکو گوسفند طلبیده یک گوسفند را از دست مبارک تکبیر نموده فرمودند که یک نفر
شتر را و یک گوسفند را بادشاهزاده بدین حضور ببرند و شتر را از جی زند
و گوسفند را تکبیر کنند

جماعه ذیل عید مبارک باد عبد الصمد عرضداشت ارسال داشته بعد ... گذشتند

اعظم شاه — زینت النساء بیگم — اورنگ آبادی محل — جهان زیب بانو بیگم
وغیره — وغیره — قطعه — قطعه

وصول رسید ~~...~~ بادشاهزاده محمد معظم شاه و الله عرضداشت بدرگاه والا و قطعه
نشان بنام وکیل مصحوب شیر بیگ ملازم سرکار حضور ارسال داشته بود محمد کاظم
بر منعم خان در دیوان خاص او ... حکم بحضور نفر شد

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

VS 88

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

سال ۴۸
اخبارات دربار معلی
ذی الحجه سنه ۴۸

॥वैसाख॥
॥सुदी १२ मुकाम॥

يوم خمس
سه شنبه

هر دو دیوان موقوف فرمودند

حمید الدین خان بهادر عرض نمود حسب الحکم جای بجهت دولتخانه مبارک اشرف کوه دیده لیکه
بعرض رسانید که از حضور تا آنجا یک راه یکنیم کروه پاو بالا و راه دیگر یک کروه
پاو بالا است لیکن بمقام محاصره قلعه نزدیک کن دیره شاهزاده محمد معز الدین آنجا
بود مستحضر نمودند حکم شد که فردا بخشی الملک بهرمند خان و روح الله خان و حمید الدین خان بهادر
ملاحظه نماید

॥वैसाख सुदी १३ सने॥

يوم جمعه
۱۲ ابیب

پیک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

صحبح بخشی الملک بهرمند خان و روح الله خان و حمید الدین خان بهادر عرض نمود حسب الحکم
جای بجهت دولتخانه مبارک دیده آمده بعرض رسانید که جای خوب است لیکن آب
با آن تفاوت دارد و یک ناله متصل است و بجاها خوب خواهد شد حکم شد که تا تاریخ
هفتم ماه بهمن کوچ مقرر است

فتح الله خان طبع مورچل خود برخته چونه اطیار کنانیده بحضور ارسال داشته
بود نظر گذشت حکم شد که حواله پاتشاهزاده محمد کام بخش نماید

شاهزاده محمد معز الدین ناظم ملتان نشان بخشی الملک بهرمند خان فرستاده بود
چنانچه بنظر انور گذرانید

بعرض رسید که رضا طلب خان فوجدار سنگمنیر در تعلقه خود بندوبست واقعی نموده
چنانچه شش صدی ذات چهار صد سوار از آن جمله سه صد سوار دو اسپه از آن جمله صدی صد سوار
مرحمت بود ~~صدی ذات صدی~~ دو صدی ذات بلا شرط فرمودند

بعرض رسید که حمید خان متعینه فتح خان بهادر نصرت جنگ در پرگنه راونیه
از مدت یکماه نشسته است چنانچه سه هزاری ذات سه هزار سوار از آن جمله یکهزار
پانصد سوار دو اسپه بود هزاری ذات یکهزار پانصد سوار کم فرمودند

بعرض رسید که مرتضی متعینه فوج شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر بسبب بیماری
تا حال متعینات مذکور نرفته چنانچه از منصب پانصدی ذات یکهزار سوار بود بلا شرط فرمودند

یار علی بیگ گرز بردار ~~خاص~~ بهروز خان فوجدار کلانه وغیره بعرض رسانید که موهن سنگه
زمیندار آوراس مفسد باتفاق با تقاق مقابل ملک اسپاهی بلا تاخت میکرد و فدوی تنبیه نموده
در محال زمینداری او رفته تهانه نشانده یک لک روپیه پیشکش بالانه و او مقرر کرده و در
فوجداری سلطان پور نذربار سوار ضیاء الله خان تکلیف داشته بندوبست واقعی نموده حالا فوجداری
مذکور از تغیر نموده به الیاس خان مقرر شده و ملک سپاه بر تنبیه لشکر است فوجداری سلطان پور
نذربار به تنبیه مذکور سپرده بجای منظور موقوف فرمودند که مراتب بهروز خان عرض رساند
و الیاس خان را فوجداری دیگر جا مقرر نماید

نصیر خان میر بعرض رسانید که در گشته در تهانه مسوری است از آن جمله نه کشتند پسر خان
در تهانه در حضور گشتند که در کار رانند احمد و ارم خان مذکور حکم شد که بد سلوک فوجداران دیگر
نوکر نمرای حضور شدن مقرر نمایند منظور موقوف

حکم رحیم قلیخان بهادر بیلداران و دل چوب هایی بیل مورچل پیش فتح الرحمان
بدر قه بدبهر

خواجه مبرک ولد خواجه محمد باقر بالاصدارات صوبه اجمیر از تغیر عبدالصمد مقرر نمونه صد تنخواهی ده سوار اضافه نمونه معزول چهار صدی بیست سوار اموال نموده کم نموده تعینات اجمیر

اضافه

عنایت الله ولد علیم الدخان بیگ بالا فوجداری چنار گده مقرر شد | سیر بیگ ولد حسن بیگ بالا قلعه داری چنار گده مقرر شد

اصل		اضافه		اصل		اضافه
واصدی عد سوار		یکجاهی ما سوار		عصدی		ما سوار

عتیق الله پسر سیف الله بالا خدمت قراول بیگی کار بادشاهزاده محمد معظم شاه مقرر شد

वैसाख
सुदी १५ सो
मे

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

۹۰

یوم ا
۱۱ ابه | یکشنبه گهری یا روز بالا عدالت نمونه

در سیب بار رعایا بیگ اضافه عرضی طبور فرستاده مردم جا سرسال خراور دند
و سیر خان حمید فوجدار کدک رسید غله می اود راوج مفسد باجمعیت
کرایه باجا نمود کور جنگ نمونه از استماع انجز شاهزاده محمد بیدار بخت
بهادر سیب مجی شتافته بیست کروه رسیده و یک زنجیر فیل
وچند راس اسپ در یک مانه متصل مصنع نکهی تعلقه بحالو جنگ
واقع شده مراجی سرباجی جلو ز نمله سنتا جهیمی بالاقبال رسانیده
و چند اسامی عورت مقاهیر دستگیر کرده لسیاری بالاقبال رسانیده
و شکست داده لسیاری از خلاف همه یک را به مفصل از سوانح تو ضیح
خواهر رسید فرمودند مجرا شد حمید الدین خان بهادر یک زنجیر فیل معه
تلاییر و هفت راس اسپ بال علیا و کوه اسپ بال سلطانی
بیدار دل رعایا علحده نمایند روز ملاحظت داده خواهر شد چنانچه
حمید الدین خان بهادر یک زنجیر فیل قیمت نه هزار روپیه و یک زنجیر فیل ماده
قیمت ... هزار روپیه و هفت راس اسپ از الجمله دو راس عربی و دو راس عراقی
وسه راس ترکی و یک راس تانگهن نزد کذرانیدند

سابع

اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۴۵

11 जेठ वदी

112 [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/91

یوم ۱

۱۷ ابه

بیک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

جانی محمد معز الدین از زنانه برآمده کروه پنجاه و نه پیموده بود ماه دولت خیر انجام کوه
پیمائی پنجاه و نه تا تاریخ هفتدهم مقرر نموده بود چنانکه در منزل چیالی مقرر نموده
بروز تاریخ هفتدهم پیشخانه روانه نمایند تا تاریخ نوزدهم ماه دولت
از انجا کوچ کرده انجا بتشریف خواهند فرمود

ستارالحان را نموده یکهزار و هشتصد سوار بلخ و اوار رخصت نموده فرمودند
نصیر خان میر تورک بموجب ذیل سرداران نموده همراه ایشان خان خانان را روانه نمایند

ترکمان خان	سید عبدالرحیم	رنبار خان	خواجه عبدالستار
سید نور	خواجه عالم	مست علی	همراه بهام دار کاکل
پیاده تمام	سرب باروت ۲۰ من	بابدار تمامه	بال مار

در سید حمید الدین خان بهادر داروغه دیوان خاص عرض نمود روح الله خان
اسمعیل خان مکی را بجهت رخصت اولاد خانه زاد کوه قبله تعمیر در کمر بسته

حکم شد که پانصد پیاله و پانصد بان و ده دست ناک و ده من سرب و ده من
باروت و ده نفر گوله انداز همراه چین قلیچ خان بهادر بدهند

حکم شد که یک من سرب و ده من باروت [illegible] همراه سید لام الدین خان
کروه کیج بدهند

اشرف خان را بفوجداری سلطان پور نندربار و عرض حسب العرض روح الله خان
بدستور سابق بحال شد

میر بدر اشرف الدین و سلطان بیک همراه جانوران مرسوله پادشاهزاده عالم
محمد معظم شاه عالم بهادر در منزل دولت خانه محمد منعم خان ملازمت نموده
چنانکه یک مهر و یک تعداد انعام دادند فرمودند
هر یک [illegible] انعام بدهند

صف شکن خان نایب پادشاهزاده محمد معظم شاه صوبه دار لاهور
عرض رسانید که پادشاهزاده خلعت ... در باب کرفتن
... حکم شد بکیرد

یک دهوپ در دست گرفته حاضر است حکم شد دهوپ بالا
گذاشته معه دیگر یراق بحضور بیاید چنانچه لاله مجرای نمود فرمودند
حسب الحکم شب نوشتجات قلیچ خان بهادر رفته شامل شوق نگ
قبلانه کمان رقمت یکصد روپیه انعام مرحمت فرمودند

45/92

ساله اخبارات دربار جهانخوار

जेठ वदि ११
१ सोमे

۱۱ ذی حجه سنه ۴۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

یوم دو شنبه

۵ اپهره یکهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بندارت

اسد الله ولد سیف الله خان مرحوم واقعه نگار رکاب سلطان
بهادر عرضداشت علیحده فتح الله مرحمت و وکلا مراجعت
پر مراحم ... بجا گذرانیدند حکم شد که وکلا مرقد حواله کوتوال
نمایند و رفیع الله خان مراتب شاهانه جبوبحضور رسانند و فرمان
در باب فتح جنگ بنام علیحده صادر نموده حواله ارباب فرمودند که رسانند

کامیاب خان قلعه دار فوجدار کلبرگه لاله ملوک عرضی مهر
گذرانید بمقتضای چهار صد سوار منصب سرفرازی داشت
از روی مهربانی یکصد ذات پنجاه سوار اضافه نموده فرمودند
تربیت خان بطور حضور ملاقات برود

نجیب الملک رفیع الله خان بموجب حکم بمورچل فتح الله خان
رفته دیده لاله بحضور رسانید

از نزد حاجی قلیچ خان بهادر بحضور رسید متعلق بهر جمعیت
بطور رفت امید وار است از حضور حسب دیگر مرحمت نمود چنانچه

ساير خانان را يک قبضه شمشير انعام داده براي کومک
چين قليچ خان بهادر رخصت فرمودند

حکم شد که توپ باسم منده که از بنگاه الله موري چلي فتح الرحمان
رسانند

فرمان بنام سپهدار خان بهادر صادر نموده

حکم شد که ارادت سير که محمد امين خان بهادر دو صد
به ترتيب خان ... براي نوازش مرحمت فرموده بودند
واپس بگيرند

بعرض رسيد که مير ... بلخي که از منصب برطرف شده بود
در ساتيهال ... فوت شده

जेठ वदि

3 ... ने

اخبارات دربار جهاندار

ذي الحجه سنه ۱۱۲۴

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
93

يوم جمعه ۷ ماه

به يک پهر و سه گهري روز برآمده ديوان خاص فرمودند

پس از ديوان خاص بعرض رسيد که شاهزاده محمد ... بخت بهادر در
معرفت ... بموجب حکم بحضور مي آيد حکم شد که بخشي الملک هوشمند خان
به استقبال بروند و در همين ضمن بعرض رسيد که نزديک کلال بار رسيدند حکم شد که
بايد چنانچه شاهزاده ... اندرون دولتخانه در خواصپوره آمده ملازمت
نموده پنجاه اشرفي نذر گذرانيدند فرمودند که آفرين باد مقيد باخوب ...
نموده شاهزاده ... عرض نمودند که از اقبال حضرت از دست ... خانه
بموجب ارشاد کار سرانجام يافته چنانچه عنايت پانزده هزاري ذات ده هزار سوار
... هزار سوار اضافه نموده سرپيچ مرصع بمع يکهزار قيمت ده هزار روپيه
و يک زنجير فيل بمع تلاير ... از اسپ عنايت و ... سلطان بيدار
دل پسر عنايت انعام داده بدين رخصت فرمودند خان عالم ... اعتماد
ملازمت نموده نذر گذرانيدند فرمودند که آفرين باد اجراي شد
هر کس تسليمات بجا آورده

45/94

ساتیه
اخبارات دربار معلی

जेठ वदि

ذی الحجه سنه ۴۸ ७ शुक्रे

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم جمعه

۸ ابهه
دیوان موقوف فرمودند

از لکهنوی تربیت خان بعرض رسید که پنجهزار روپیه در مورچال مطلوب اند منظور
نموده فرمودند که فتح الله خان قراول مبلغ مذکور بفرستد

जेठ वदि ५ सनै

یوم

۹ ابهه
یک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

سرفراز خان متعینه سامان شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر ملازمت نموده نذر هزار دینار
گذرانید یک راس اسپ موی سار ظلال انعام داده فرمودند که بر قیمت اسپ خانه زاد خان عالم
سابق عطا شده بود تحقیق نموده بعرض رسانند

از نامه نگار بعرض رسید که رسد غله از نواحی مابین بلادت بحضور می آید
هو سکرا جی نوکر مقاهیر با چهار هزار سوار آمده رسد غله را محاصره نموده
مردم بنجاره و تحت ناهر خان تهانه دار آنجا جنگ می نماید حکم شد که چین قلیچ خان بهادر
کیفیت بعرض رسید که هور نواحی دونه کده رسیده حکم شد که تا کمک تمام رفته بمدد
تتمه نموده رسد غله بیارد

از نامه نگار بعرض رسید که سیادت خان داروغه گرز برداران بموجب حکم نموده
بیلی دستکر نمودن متعلقان مقاهیر نواحی قلعه تهور کده شتافته در آنجا

فرید خان	اخلاص خان	منور خان	خانه زاد الله
۱ مهر	یک مهر	همه مهر	یک مهر
راو سی سنگه	راو مال سنگه	لاله اودی سنگه	عبد القادر
همه مهر	همه مهر	همه مهر	۱ مهر
		عبد الرحیم دیوان	سید خان چیلدار کدک
		یک مهر	یک مهر

حمید الدین خان بهادر بموجب حکم مورچال تربیت خان رفته دیده بعرض رسانید
که تربیت خان التماس مینماید که ترددی و قلعه نموده حضرت یک هفته کوچ
موقوف فرمایند قلعه را بتصرف اولیای دولت در آرم منظور نموده فرمودند
که تردد خانه زاد معلوم است از تعلل حفظ دین است خانه زاد کو عرض نموده
که خوب تردد نموده پنجاه کس در ریگ رفته بالا یورش درست مینماید

وصل علیخان عرض نموده که پنجاه گوله آهنی طیار شده حکم شد که بمورچال
فتح الله خان بفرستد

کهنه وجی برادمله مقابله نموده جنگ واقع شد بسیاری مفسدان بقتل
رسانیده نگهدار اسپ موسی کستکر نموده وبنتیجه با آتش داده مفسدان
را سکت داده خانه مذکور تاخت تعاقب است حکم شد بخانه مذکور
به نوکر حضور بیاید

بعرض رسید که تربیت خان در مورچال خود برج دو نموده کامیاب خان بلور رشی در برج
رفته نسبت بطرف اندرون قلعه حمله نماید چنانچه ترک جنگ قلعه دار ترس خان
لوم خود را موه مطالب نمود تربیت خان فرستاده که اگر حضرت جان بخش و
منصب پنجهزاری ذات که فرار فرمایند وقلعه را بتصرف والا میدهم از منع
تربیت خان بلور خود را از رفتن اندرون قلعه مانع کرده لفافه عرضی
بحضور فرستاده حضرت شاهنشاهم بیدار بخت را بحضور طلبیده فرمودند که
آنچه شما مستحضر نمایند منظور میفرمایم وآنچه مطالب قلعه دار مذکور لوحواله
فضایلخان کرده که بعرض رساند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

॥[illegible]॥
॥[illegible]॥

اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۴۷

یوم ... سلطان ... ۱۳ ... ماه ...

بعد چهار گهری روز برآمده بعدالت فرمودند

محمد رضا محمد ذکی اولاد عبدالله خان یک سر جلد [illegible] ویکراس
اسپ ... بتوسط ... خان بگذرانیده بهریک خلعت مرحمت فرمودند

نیکنام خان میر تحقیق الصدیان را خدمت میر توزک از تغیر معلیخان
نیز مقرر شد وخلعت و عصای مرصع مرحمت فرمودند

حکم که ابوالعلا بلور عبدالرزاق خان بیک بل جرای در دیوان خاص

خانعالم وغیره پسران خانزمان فتح جنگ مرحوم یکراس اسپ عراقی
موتری باسار طلا قیمت الصد مهر به انعام داده بموجب ذیل اضافه
فرمودند

خانت الله		معمور خان	
منصب	اضافه	منصب	اضافه
شش هزاری صد سوار ...	یکماهه	چهارهزاری چهارماهه یک سوار ... ماهه ... سوار	یکماهه

فرید خان		امر خان	
منصب	اضافه	منصب	اضافه
هزاری ذات ... سوار	... سوار	... الصدی ... سوار	الصدی ذات ... سوار

ROYAL ASIATIC SOCIETY

ساله
اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۴۵ جلوس

یوم اربعا ۲۳ شهر بتاریخ

ظل سبحانی دیوان عدالت معمول فرمودند

صبح بموجب حکم والا عثمان خان قراول و میرزا محمد داروغه
توپخانه بادشاهزاده محمد کام‌بخش را ماجی متصدی ترنبک قلعه دار بحضور
پرناله کدن بالا بخدمت بادشاهزاده حسیو اولعه ملکوت کشانیدند خاکیه
مسالک موم الیه بحضور پرنور الله نوص والا رسانیدند فرمودند
درانچه سمان تمسخص خواهند کوه منظور خواهند فرمود علیا
باز عرض نمود که در ملازمت الشان هیچ امر جزای مردم
بالصبح ملازمت نیست بایدر تا الشان نوشته نزد
تربیت خان بفرستند اگر مناسب دانند محلدار پی داله نزد قلعه
دار مذکور بفرستند

بیک

فرمان بنام معمور خان فوجدار گرنانک بنجالوری صادر شوند حوالی الیه
و غیره انفرگر ز نفار فرمودند

حکم شد بسید خان داروغه داغ تصحیحه موجودات حشمت او و غیره
محمد مراد خان ملاحظه نماید

صلاح

سید عبدالصمد معزول صدر صوبه اجمیر بامینی جزیه انجار تقرر
مقرر بمنصب چهار صدی ذات بیست سوار بعد ده سوار اضافه بمنصب معزول
و صدی پنجاهی ده سوار بعد سواران کم فرمودند

سابه
اخبارات دربار معلی

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/97

ذی الحجه سنه ۴۵

یوم ... نهار

۲۳ ماه پهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرموده

در روز محمد حسن پسر مخلص خان مرحوم بحضور آمده مجرای نموده
به پادشاهزاده محمد کام بخش فرمودند که از موسی اله پسر سند که
چه میخورد عاید برسیده بعرض رسانید که عرض مینماید که
همه چیز از دولت حضرت میخورم

پادشاهزاده محمد کام بخش عرض نمود که مردم اندرون قلعه اگر آمده
واگر از سبب ملاحظه بیرون برآمدن نمی توانند حکم شد که ربیع الی
با مردم بند و مجتبا این بر سر دروازه رفته بسند که مزاحم
شدن ندهد

حکم شد خدمت ... از حضور تا پرناله کده راه صاف بکنانند

شاهزاده محمد معز الدین عرضداشت دیگ کالنه دنیا پر ...
دو کس مفسد با جمعیت پنجاه هزار سوار و پیاده در القلع
ملک بادشاهی ... منکر بر پله مصحوب عبد الجلیل
و ... دو نفر ملفوفان ... ارسال داشته [illegible]

حال
از واقعه بادامی ... رسید که بنواری زمیندار حال
مفسد با جمعیت ... در علاقه تاخت و تاراج مینماید بنابران
... خان قلعه دار انجابیک تنبیه مفسدان رفته ...
محاصره نموده ... فرمودند حسب الحکم بنام
حمید خان بیجاپوری ... زود رفته مفسد را تنبیه
نموده بحضور بیاید

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

115/98

اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۴۸

॥ जेठ बदी १० ॥

یوم ۱ ... ۲۳

جمعه

به یک پهر چهار گهری روز برآمده در دیوان خاص فرمودند

نیکنام خان میر بخشی به عهده یابی بجای ... میر توزک نیز مقرر شده خلعت و عصای مرحمت شده

حسن ... داروغه قراول خانه [illegible] مومیایی ملک گذرانید

فتح دولت قراول داروغه تخت روان عرض نمود تخت روان ... بموجب حکم از خجسته بنیاد رسیده حاکم شد به نظر انور گذرانید چنانچه گذرانیده خوش فرمودند

در باب قلعه ... تربیت خان بنظر گذشت معروض داشته بود که ترنبک ... قلعه دار [illegible] که التماس مینماید که بنده را مهلت سه روز مرحمت شود که بروز پنجشنبه از قلعه فرود آیم منظور فرمودند

در روز بخشی الملک روح الله خان از حکم که نقشه رای باغ هوکری تیار کنانیده بنظر انور گذرانید چنانچه امروز بخشی الملک گذرانیده عرض نمود که برجای چهاونی خوب نشست ظل سبحانی فرمودند که ما بدولت ... در پای گشنه در هنگام برسات چهاونی میفرمایم

خواجه حسن وکیل ... گذرانید چنانچه یک خلعت بخواجه حسن وکیل و ... یک تهلی ... بهر دار ... انعام داده

جای ... مخلص خان بهادر بحضور لاله ... نذر گذرانید

ساهه

اخبارات دربار معلی

ذی الحجه سنه ۴۵

یوم ۲۵ ماه ... جمعه ... شار

دیوان موقوف فرمودند

تربیت خان نامه عرضی بمضمون عثمان قراول بحضور فرستاده بود بنظر گذشت
معروض داشته بود که ترنگ جی قلعه دار بر ناله که التماس مینماید که
انبار کهندی غله از طرف ... در قلعه است سوای آن ذخیره بنده و
دیگر مردمان است امیدوار است که قیمت غله مبلغ بست هزار روپیه بنده
مرحمت شوند یا حکم شود که غله مذکور را از قلعه برآورده بفروشند بعد ملاحظه
منظور نکرده و بر عثمان خان اعتراض فرموده فرمودند که عثمان خان که در
دار الخلافه آمدن ندهند و مراتب عرض رسانند خواجه حافظ محمد محل
را فرمودند نزد حمید الدین خان رفته بگویید که قلعه دار مذکور را
سزا دهید ... از قلعه برآرند آنچه بار بردار ... برآمدن از قلعه
قلعه دار مذکور در کار است سرانجام کرده بدهند و قلعه را خالی بکنانند
بفضل خان فرمودند که توپ قلعه ... سنگین را از ... چیل فتح الله خان رسانند
بر فتح الله خان بگویید که ... مسعود ...

یوم ۲۶ ماه ... ساعت ... روز ... عدالت فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]
۱۰۰

سانحه
اخبارات دربار جهاندار [illegible]
ذی حجه سنه ۴۵ [illegible]

یوم [illegible]

۲۷ [illegible] یک پهر چهار گهری روز بر آمده در دیوان خاص بر آمدند

در نور الله ز روز بموجب لطف تربیت خان بعرض رسید که فلان یاسر الله
محمد کام بخش بالای قلعه برج لکه گن بر دروان استاده گرد و کامیاب خان بهمه
مردم توپخانه بر دروان قلعه رسیده نشسته قلعه دار التماس مینماید که بروز
دوشنبه باغ نیک [illegible] را از قلعه فرو داریم بیچه امر منظور حکم

صبح حمید الدین خان بهادر بموجب حکم نو تربیت خان میر آتش بجهت فرود
آوردن قلعه چهار و غیره مردم رفته بود در [illegible] الله بعرض رسانید که ۳۰۰ صد نفر
بهمه مردم اسباب [illegible] باربردار بر او بعده قلعه جانب مورچل تربیت خان رسیده
ظاهر مینماید که اگر ترس جان بیرون بر آمدن نمی توانم بگاه از قلعه بر آیند
فتح الله خان بندها را انجا ظاهر گشت چنانچه خان بهادر را باز رخصت بموضع فرمودند
که سمار رفته [illegible] و دلاسا نموده از قلعه بیرون بر او رده بگوید هر جا که دانند بروند
و بندهای پادشاهی کسی مزاحم نشوند

سرفراز الدین مرف [illegible] سنی نه را رخصت بموضع فرمودند که نزد فتح الله خان
رفته بگوید اگر مردم قلعه بر دروازه سما بر آیند مزاحم نشوند و توپ اندازی نکنند

در باب خواجه منظور را طلبیده هزار روپیه بطریق [illegible] از روی عنایات
به فتح الله خان مرحمت فرموده فرمودند تو خانه کور رسانند

صبح نور الحق محتسب عرض نمود که فدوی بموجب حکم بهتی های سراب
و غیره بدعت های بازار ابدال خان و قراول خان و خدمت رای خدمتیه
دور کرده الهیار بیگ برادر رساله ابدال بیگ و غیره بسیار سوختی نموده
چنانچه بموجب ذلک تنخواه منصب کم فرمودند

خدمت رای خدمتیه	قراول خان	ابدال خان
[illegible] صد کمی / واصد [illegible] یکصد [illegible]	[illegible] صد کمی / [illegible] صدی [illegible] / سوار	[illegible] صد کمی / یا [illegible] صدی [illegible] سوار / [illegible] سوار

[illegible] بعرض رسید

از سوانح صوبه کابل بعرض رسیده
کمال بیگ تهانه دار چهار باغ
هفصدی
هما سوار

پیر [illegible] سنکه از صیدار [illegible] صدی
ذات [illegible] صد سوار

سید محمد [illegible] شاه [illegible] سردار [illegible] بهادر باجمعیت [illegible] استاده [illegible]
خلعت مرحمت فرمودند

196

45
101

[illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

سانحه اخبارات دربار جهاندار
ذی الحجه سنه ۴۸

یوم ۲۱

یک پهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

تربیت خان میر آتش بیک گهری روز برآمده لفافه عرضی بحضور فرستاده نیز اکدست معروض داشته بود که تربیت خان قلعه دار برناله کنه تمام مردمان از قلعه فرود آمده ... نکرده بجانب قلعه کهیلنه کنه رفته موافق حکم منصورخان و کامیاب خان وغیره مردم توپخانه برقلعه رفتند به جای ... بجا فرمودند که بخدمت قلبستخان داروغه نقارخانه حکم والا در ساندند که نوبت شادیانه بابت فتح به نوازند چنانچه خانه کور بعمل آورده بیست هزار دام بمردم نقارچیان در وجه انعام مرحمت نمودند در ... بحضور پیش تربیت خان دو کلید طلا بابت فتح قلعه برناله بموجب ... غلام محمد کامجش ... که ... چنانچه خلعت ... اول موسی الیه مرحمت نموده فرمودند قلعه برناله پادشاه در ک ... و فصل ... فرمودند ... ضیاء دار و غیره ... سامان و غیره رفته ذخیره و غیره قلعه مذکور در ... نمایند

جماعه ... قلعه ... بحال اوده بموجب ... گذرانیدند هر کدام ...

کامبخش ... بیدار بخت ... میرخان ... منعم خان ... خان ... دو ...

محمد ... خان ... خان ... محمد صالح ... + +

خان

حکم شد ... در قلعه برناله کنه بول کنه همراهی منصور تعین نمایند تا مقرر شدن قلعه دار از قلعه مذکور ... خبردار باشد

سیار خان داروغه ... بهدایت الله و غیره اوردهای محمد مراد خان بحضور آورده التماس کرده که بعضی رسانیدند ... الله ... سوار نوکر فرار شده ... امر حکم ... بیست و چهار بیست ... داشته و بیشی منصب ... بمرحمت فرمودند ... الله ... منصب

نشت

محمد ... بیک ... گذرانیدند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45 / 102

[illegible]

اخبارات دربار جهانمدار

سنه ۴۵ ذی الحجه

سلطان

روز ۲۹ شنبه

بندگان حضرت بیک کهری روز بر آمده از دولتخانه مبارک بسواری تخت روان سواره سوار شده برای دیدن قلعه شاه درک تشریف فرمودند بکاه متصل قلعه رسیدند تربیت خان همقدم راس رکاب بود تسلیمات کذرانید بعد ملاحظه علاوه احمد اله خان بهادر فرمودند حضرت بدولت اندرون قلعه تشریف برده تربیت خان موافق حکم تمام توپخانه قلعه را با اخلاص نمودند بخدمت الملک بهرمند خان را خلعت نمودند فرمودند پس دروازه دو مبارک رفته خبر دار باشند در نصف ساعت محمد سید رحمت بهادر بجلو رابطه یک دانه سنگ بلور نمونه زانه مروارید پیشکش کذرانیدند بعد آن بمسجد قلعه مذکور تشریف برده اول رکوع از کلام خواندند بعد مسجد دوم رفته نیز اول رکوع از کلام خواندند بسواری مذکور سوار شده مراجعت نموده مسافت راه دو نیم کروه جریب طی نموده داخل دولتخانه مبارک شدند

فتح اله خان از مورچل اندرون قلعه به مجرای نمود فرمودند آفرین باد خوب کردید که مورچل را بقلعه رسانیده خانه مذکور تسلیمات بجا آورد

جماعه ذیل در سواری اسپ و پیشکش کذرانیدند

بهرمند خان سپر و قبضه | روح اله خان جهل ساخ | بهره ور خان شمشیر و سپر | کامیاب خان سپر و دسته
مطلب خان | شیخ عبد القادر چتر | محمد امین کارد | محمد کامیاب خان سپر و دسته

حکم حضرت مابدولت فردا برای دیدن قلعه شاه درک تشریف میفرمائیم

یکه تاز خان و قراول خان و اسد اله بیک مسلح نموده بجای دولتخانه مراخ اخراج فرمودند

از التماس سلطان بلند اختر بعرض رسید که اگر حکم شود برای دیدن قلعه شاه درک بروم منظور نموده فرمودند که شاکر خان همراه برود

محمد صالح پسر ذوالفقار خان فوجدار از قلعه نور سیکری با خلعت انعام دالهم بتعلقه خدمت رخصت نموده چهار صدی سه صد سوار منجمله سه صد سوار برطرف بلاشرط نموده صدی یکصد سوار دیگر بلاشرط المضاعف فرمودند

روح اله خان موضمون عرض حاجب خان ناظم بجنس ببیلدار بعرض که بهره ور خان بند زاده فوجدار بکلانه در کار بادشاهی جانفشانی مینماید چنانچه هزاری بالقدری یکهزار شصد سوار منجمله هزاری بالقدری شصد سوار بلاشرط بود بالقدری چهار صد سوار بلادار بالفعل نموده علم مرحمت فرمودند

سید محمد پاله شاه بمنک بجویز شاهزاده سردار رحمت بهادر بهزاری ذات چهار صد سوار چهارم حصه فضل نو سرفراز فرمودند

محمد معلی شمشیر | باقر خان نرکلور رفیع الله خان کمان | زر ومالساکه پرجکد بور او نوعه مهر معاف | بهادر ربایت فتح مساعی قلعه اجمیر

میر محمد منزه مصحف | اسد خان | حسنقلی خان داروغه کرکراق خانه بندوق فرنگ قبضان | سیلی هلل خان کمان | محمد مقیم دوربین یکدد

اسفندیار بیک کوکه محمد اکبر سپر دست | معزالدین رساله جلد | محمد مهدی قلم | نصرتخان شمشیر

محتشم خان مبری سواری یک زاغ نوک جانور نمکش که گذرانیده طلل بجانب بدست مبارک گرفته ملاحظه نموده خوشنود فرمودند

حکم شد رفیع الله خان و فیض یلنی خان و کامیابخان در قلعه باشند

حکم شد هدایت کیش عرضه نمود سربیت خان در ایام مورچل قلعه شاه درک مردم منکبات و غیره مردم توپخانه را از طرف حضور خلعت داده لیکن محمد صالح واقعه نگار مورچل را نگیرد حکم شد بگیرد

بموجب ذیل ترتیب خان نگاه ساعت مقرر شد

کامیاب خان داروغه سبت | مهر مند خان دست چپ | سدار اکبر خان هراول | سربیت خان پیس | رفیع الله خان التمس | جانس قلیچ خان چنداول | محمد امین خان و رفیع الله خان دو رفیع ططر

برف الدین مرف فراشخانه فرمودند برور پنجشنبه پیش خانه روانه نماید
مابدولت روز شنبه کوچ میفرمائیم

45/108

اخبارات دربار جهاندار

जेठ सुदी ११

ذی الحجه سنه ۴۸ ११९

روز ...
بجایها ... هر دو دیوان موقوف فرمودند

जेठ सुदी २ शुक्र

روز ... جمعه
غره محرم سنه ۴ مطلب خان موجب حکم جای التحانه مبارک منزل نو دیه لعل نظر رسانیدند دو نیم کروه پایاو با الجری است حکم شد فردا پیشخانه روانه نماید

بجماعه ذیل فرامین صادر شد

بادشاه زاده محمد معظم شاه بهادر | گوهر آرای بیگم جب | زیب النسای بیگم جب
رقعه | رقعه | رقعه

جماعه ذیل با خطاب سرفراز شد

فتح الله خان با خطاب فتح الله خانی بهادر ممتاز فرمودند | قاضی محمد اکرم با خطاب اکرم خانی ممتاز فرمودند

بموجب ذیل انعام مرحمت شد

تربیت خان میرآتش | حمید الدین خان خلعت و کمر منکه بهمت بالعلاوه وبیه یکدد | کامیاب خان خلعت یکدد
ربیع مرکس خلعت مغفرتکس امین یکدد یکدد

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

پوس بدی ١١ ١١٩٢

سال ۱۹
اخبارات دربار معلی
ذی الحجه سنه ۱۸

یوم ۱
بست و سه
یکپهر سه گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

سالار خان که بجهت تنبیه مفاهیر رفته بود در حوالی موضع ابله ملوت
مفصله بنجهزار کذرانید .

ذوالفقار علی خان و غیره متعینه رکاب شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر
و غیره ابله ملوت مفصله فرمودند مجرا شد

سربار خان برادر سرفراز خان دو مهر نذر کذرانید سه هزاری
دو هزار سوار منصب سرفرازی دارد بخطاب سربلند خانی سرفراز فرمودند

روح الله خان عرض نمود که حکیم محمد تقی التماس مینماید فدوی بموجب
حکم سید افضل و غیره متعینه شاهزاده بیدار بخت بهادر را
ملاحظه نموده اظهار بهانه بیماری بتقاضای مذکور زر نقد مسلم جاگیر آنها
تغیر نمایند

مسالله دو هزاری
بیصد سوار

غلام محی الدین
پانصدی
یکصد سوار

بهم سنکه چهارصدی
یکصد سوار

سلطان بیدار دل پسر شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر را موجب همراه
پدر بحضور ابله مجرای نمود حضرت بزبان مبارک سلطان حسن شهید الله
کواهینه بموجب ذیل انعام مرحمت فرمودند

حکم که قلعه شاه درگه قلعه ساه بینی درگ میتوان باز بسته

شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر رسید کرد سلطان بحضور ابله مجرای نموده دادند اسب
و اسپ سفید پیشکش کذرانید چنانکه دادند اسب و اسپ سلطان بیدار دل
معاف فرمودند و به شاهزاده حکم شد که سماطار بسوید جانب نیک پور رخصت
میفرمایم

حکم شد که تهانه داران کو [illegible] ساه بینی درگ را طلب حضور نموده داخل
چوکی نمایند

تلقف خان عرض نمود شاهزاده محمد معز الدین صوبه دار ملتان به بنده [illegible]
رشته مینویسند که خواجه حسن وکیل خود را انعام بدهند لیکن بدون حکم دادن
نمیتوانم بر این امر نمود حکم که سما حدیث جای عوض نماید که بدهند

ارزیز رستم دل خان نایب شاهزاده محمد کامبخش صوبه دار حیدر آباد بوض رسید
که زمینداران زمیندار الور کنند در محال قطب الدین و ابو الحسن حیدر آبادی منصب
درست الحال باحتیب بالفعد سوار را بهزار سیاه فوج فدوی لیکه در کار نایب
رفیق شده است منصب سرفراز نمود بانصدی ابقصد سوار نوبی فراز فرمودند

سپاهانت حضرت فتح الله خان فرمودند که در سرکار تکهاوری بماستخلص نمود مقطعه بهادر
همچنین جاجها و نیز نماید حاکم کور عرض نمود که اگر حضرت بیکاه ترک فرمائید بهتر
والا در کرکجی کتیالی نیاجها و نیز مقرر نمود که قلعه حیدرآ مندل و ناندکری را
در برسات تصرف والا بیارند حکم که در نواحی کهتا نولی جهاوندی منفرهایم

اخبارات دربار جهان مدار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

محرم الحرام ۴۵

ساعت ... نشست

... چهار گهری روز بر آمده عدالت فرمودند سه گهری نشسته برخاستند

فتح الله خان را بابت فتح قلعه ساهو بی در ... عرف ... بخطاب بهادری

و اضافه دو هزار پانصدی ذات شش صد سوار منصب داده

خلعت

جماعه دیگر را بابت فتح قلعه ساهو بی در ... انعام فرمودند

زبردست خان میر آتش	حمید الدین خان بهادر
خلعت دست / رسم یمنی قیمت چهار صد	خلعت دست / ... قیمت چهار صد
کامیاب خان برادر زبردست خان	محمد یحیی ... ولد ...
خلعت	خلعت

جانثار خان ... فتح جنگ بهادر ... فتح ... در ...

اور ... قیمت ... | مالا مروارید قیمت ...

دوازده مروارید قیمت شش هزار روپیه در طلب نقدی شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر مرحمت فرمودند

دستور ... فتح الله خان بعرض رسید که فدوی جانفشانی نموده مورچال خود را نزدیک قلعه برسانیده قایم ساخته میخواهم بعد یک هفته یورش نمایم چنانچه پیغام صلح بمعرفت ترجمان ... والا رسیده و جانفشانی بنده را ... حکم شد که مخلص الملک روح الله خان فردا بمورچال فتح الله خان رفته ... بگویند که ... تردد از شمال ... بسیار است مصلحت همین نبود

مخلص الملک روح الله خان فرمودند که ضروریات در کارخانجات سرکار والا بدیهه ... طیاری کم نمایند

حکم شد که منعم خان معه ... قلیچ خان بهادر و اسمعیل خان ... جزدار ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اضافات دربار جهاندار

محرم الحرام سنه ۵ [illegible]

[illegible]

سر اولیم [illegible]

مسٹر [illegible]	مسٹر [illegible]	مسٹر ناکسی نارلس	ابردول نارلس
خلعت	خلعت	خلعت	خلعت

نصرت خان میر توزک و میر بخشی پانصدی ذات پنجاه سوار [illegible]
صدی ذات اضافه فرمودند

در شب [illegible] به ملتفت خان داروغه جواهرخانه فرمودند [illegible]
واقعه نگار [illegible] را طلبیده استفسار نمایند [illegible] راه [illegible]
چند روز [illegible] ورای دریافت [illegible]
[illegible] نموده
[illegible] حکیم [illegible] نمایند [illegible]
[illegible] برده [illegible] سپرده [illegible]
[illegible] موقوف نمودند مطلب خان [illegible]

خانموهن لال   مسعود خان
صد   پانصد

[illegible] خان داروغه [illegible] هزار و پانصدی ذات [illegible]
پانصدی ذات اضافه فرمودند

حکیم صادق خان [illegible] داروغه [illegible] هشتصدی ذات [illegible]
منصب داشت [illegible] صدی ذات اضافه فرمودند

عبدالرحمان خان هزار و پانصدی ذات یکصد سوار [illegible] هشتصد [illegible]
بحال [illegible]

سر اولیم نارلس فرنگی وکیل حاکم انگریز [illegible] همراهیان [illegible] بحضور آمده
[illegible] شمشیر [illegible]
[illegible]
[illegible] حکم [illegible]
حکیم [illegible] سر اولیم نارلس وکیل [illegible]
[illegible] انعام [illegible] همراهیان را خلعت [illegible] فرمودند

حکم شد که رفته ... مقرر نموده ... چنانچه ... دوازده ... بالا

منزل ... آمده بعرض رسانیدند منظور فرمودند

خواجه قلی بهادر ... خان مرحوم بعد فوت ... [illegible]

یک جلد مصحف مجید و یک قبضه ... گذرانید ... [illegible]

پانصدی ذات ... سوار اضافه و خلعت ... فرمودند

قاضی محمد اکرم را خطاب اکرام خان ... فرمودند ... صدی ذات

... سوار منصب داده

تنکر بردی قول ... همراهی خواجه منظور ... بابت ...

فرمودند

منصور بیگ ... دو صدی ذات ده سوار

... ذات اضافه فرمودند

حکم والا صادر ... خدمت ... اندرون قلعه ...

رفته بتخانه آنجا ... کنانیده ...

ROYAL ASIATIC SOCIETY

115 / 127

اخبارات دربار جهاندار

محرم الحرام ...

۳

... شجاعت خان ... دکنه تیر تفنگ کس گذرانید

اطر علی خان

عرب بیگ ... حکم شد برای معمور نمودن منازل از حضور

... نزد

میر شرف الدین حسین مشرف فراشخانه و دیوان شاهزاده محمد اعظم

صوبه دار بنگاله ... فرد ... صد اشرفی ... بابت فتح قلعه ...

دیگر از طرف ... شاهزاده ... اشرفیهای مذکور داخل

خزانه صوبه بنگاله خواهد کرد منظور فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

108

[illegible] 112 اخبارات دربار جهاندار

محرم الحرام سنه ۲۵

یوم ۱ غره

یکگهری ۳ گهری روز برآمده عدالت فرمودند

حکم شد بالفعل در همه مقامات قرنای نواخته باشد

فتح الله خان بهادر بتعاقب فوج نجم الملک بهرمند خان رخصت شده خلعت خاصه مرحمت فرمودند و بیست هزار روپیه مساعدت مرحمت فرمودند

حسن قلی خان به فوج بهرمند خان رخصت شده خلعت مرحمت فرمودند

محمد حسین دیوان فوج بهرمند خان رخصت شده خلعت مرحمت فرمودند باقدی ذات هشتصد سوار و بیست سوار اضافه فرمودند

انعام

پرسینگه قلعه دار مرادآباد رخصت شده خلعت
بمنصب اضافه
واصل پنجاهی عشو سوار
اسوار

محمد رستم قلعه دار
محمدنگر
بمنصب اضافه
واصل ماسوار

ساروات و بهرام
و غیره چهار نفر
هر یک خلعت

باباجی و غیره و نفر
دلسوگه گهاتون
هر یک خلعت

حکم شد به مردم بلداران و تبرداران متعینه فوج نجم الملک بهرمند دو هزار روپیه از خزانه اندرون محل بدهند

عبدالواحد قراول اول امنه داری روپ بس مقرر شده

حاکم شهر در کنج غله مردم تهانه و موکری از قلعه ندهند و مردم لشکر را مال نمیکرده باشند

شرف الدین را دیوان محتشم خان نیز مقرر فرمودند

به یار محمد بیک فرمودند حسب الحکم به پاسبانی خانه به نوکری قلعه ... ساه در

خبر گرفته باشد

میر وفا ... سرکار خان فیروز جنگ ملازمت نموده ... نذر گذرانید و عرضداشت

خان فیروز جنگ اوله ... نیز ... گذرانید ... میر وفا ...

خبر بودن ... در ... اوار ... داشتند

میر مذکور ... در آنجا رسیده مقابله ... مفسدان ... نموده

اوله در قید داشته ... امیدوار است میر مذکور ... منظور نموده

خلعت انعام داده ... مفسدان ... گذرانید

و عرضداشت ... گذشت

115
109

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سابق

اخبارات دربار جهاندار

محرم سنه ۴۷

یوم الاحد

...

عرضی ... حسب الحکم فرمودند ... جانب ...

و جای ... جهاوند ... مقرر کرده بیایند

حاکم ... محمد ... دارو ... ایشان ... قلعه ... فرمودند

حال ... ایران ... قلعه ... شاه ... گذرانید

موصوف ذیل

حاکم ... منوچهال

...

ماهه

... فرنگیان انگریز را انعام دادند

... اسپ	سرور ...	مهر ...
قیمت ماهیه	سردرس خلعت	هر یک خلعت

... سیار ... خان و ...

حاکم ...	حکیم صادق خانی	نصر خان	میر ...	عبد الرحمان خان
... سوار	...	...	...	... سوار

॥जेठ सुदी ३ ॥ اخبارات دربار معلی سابق
॥ ... ॥ محرم سنه ۴۵

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

یوم جمعه
۲ بهر دیوان موقوف فرمودند

فرمان والا در سایان بنام بابت شاه اللهٔ محمد معظم شاه صادر شد حواله حاجب
و غیره گرز برداران فرمودند

سابق حکم شده بود که قلمدان نساله بادشاه بینی در کمر نوشته باشند در شوالد
حکم شد که بینی بادشاه در کمر نوشته باشند

जेठ सुदी ४ संने

یوم ... ۳ بهر
... یکهر چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بابت شاه اللهٔ کابخشی بکمر داشت در شوالد ملازمت نموده

حکم شد که بتاریخ پنجم بهر چالک بروز دوشنبه کوچ رایات عالیات بسمت
گهاتیول مقرر است فرد پیشخانه روانه نمایند

نجابت الملک [illegible] خان بموجب حکم طویلهٔ مرغ رکاب سعادت طیار نموده و تربیت فوج
نظر گذرانید

کامحسن جودست راست	بهرهمند خان دست چپ	چین قلیج خان بهادر چنداول	روح الله خان التمش

تربیت خان پس	... دست راست همراه محمد امین خان	... دست چپ همراه بهادر روح الله خان

محمد کاظم منصور خان	خواص قلی خان	ابو الفضل ... خان

سهاجه ... لااقه ... سوار ... علیک ... سوار ... ماسوار ... میرخان ... فتح جنگ مرحوم ... هزاری ... ماسوار

ارواحه راکیو ... رسید که سمند خان قلعه دار و فوجدار انجا بهزاری
ذات یکهزار پانصد سوار بود بقضا الهی فوت شده

ROYAL ASIATIC SOCIETY
46/111

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۸

یوم اربعا

۳ پهر

محمد افروز و غیره پسران سمند خان کهر سنگه و غیره را بعد [illegible]
هتهی سنگه ولد ستر سال [illegible] راتهور

ستار اله
منصب اصلی [illegible] صدی

محمد بهادر [illegible]
[illegible] سوار

ستار الله
منصب اضافه [illegible] صدی [illegible]

بیری [illegible]
[illegible] هشتصدی [illegible] سوار

جماعه ذیل را قراولی مقرر فرمودند

عبدالله خان [illegible]

سمیر بیگ نبیره لعل خان مرحوم دست راست

محمد شریف دست چپ

عزیز خان [illegible]

انعام

رام چند ولد راو دلپت بوندیله را قلعه داری [illegible] از تغیر راو [illegible] بجهاله مقرر شده خلعت

تلک رام ولد جگرام [illegible] را قلعه داری [illegible] مقرر شده خلعت

منصب هشتصدی [illegible] سوار — اضافه [illegible] سوار

منصب چهارصدی ذات [illegible] سوار — اضافه [illegible] سوار

اضافه نوسر فراز

قاسم خان معزول از قصد [illegible] را او دگیر را قلعه داری فوجداری رانجور از انتقال سمند خان مقرر شد

خدمت [illegible] خان فوجداری و [illegible] نقارخانه [illegible] را قلعه داری گوالیار را از انتقال محمد فاضل مقرر شد

منصب هشتصدی [illegible] سوار — اضافه [illegible] سوار

منصب [illegible] — اضافه [illegible] سوار

او دراج [illegible] خان

منصب [illegible] سوار — اضافه [illegible] سوار

محمد [illegible] نایب [illegible] خان کوکه را از تغیر خدمت [illegible] دار و [illegible] نقارخانه [illegible] مقرر شده

منصب [illegible] سوار — اضافه [illegible] سوار

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سابع
اخبارات دربار جهانگیر

॥ श्री सा ६ सुदी

محرم الحرام سنه ۴۹

॥ २ दिवे

یوم
اربعه یکدو ساعت گهری روز بر آمده عدالت فرموده

غازی الدین خان بهادر عرضداشت و یکهزار اشرفی بابت فتح قلعه
تبی شاه درگ مصحوب غلام عبدالله ارسال داشته بود بمعرفت محمد امین خان
بنظر گذرانید

الخانم
خواص خان ولد ابو نصر خان را الخطاب عبدالخالق باعتمید خان از ولادت
خانه امتیاز موفق بخشید باخشی الملک مصحف خلد و اقباله خان خلعت الوام
بهرمند خان رحلت فرموده بالاصالت
ذات یکصد پنجاه سوار

حواله نعمت الله بالخطاب نعمت خان ممتاز فرموده بالاصالت ذات یکصد سوار
منصب مرحمت داری داده

از التماس فتح الله خان بهادر مستعفی فوج بخشی الملک بهرهمند خان بوصل رسید
به بجلوس بنده احوال پرتشان داده امید وار است که جای طلب مرحمت کرده
حکم حاکم ابزار اشرفی در طلب بطعون خان بهادر بهرهمند دیوان فوج حضور
ملاحظه نماید

اخبارات دربار معلی

محرم الحرام سنه ۴۵

روز جمعه

دیوان و عدالت ... فرمودند

... حکم ... قلعه ... شاه ... بنویسند در ... [illegible]

حکم ... شاه ... نوشته ... [illegible]

روز ...

... بر آمده عدالت فرمودند ...

... ملک ... بر آمده ... در دیوان الحضور ... نشستند ...

ترتیب خان ... عرض نمود ... همراه ...

... قلعه ... شاه ... بعد ...

... ذات ... سوار ... الله ...

... منظور نموده ... هزار ...

ذات ... سوار ... ذات ... سوار ... اضافه

فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

115 / 113

حال ... الملک ... طلبید

... کرده ... الملک ... رفته ...

چنانکه ... بعمل آورد

حکم ... نمایند ...

ب

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اضافات در باب جاگیرداران

محرم الحرام سنه ۴۸

یکم [illegible]

محمد کاظم ولد منصور خان چهارصدی ذات چهل سوار [illegible] سوار اضافه فرمودند

رادت خان چهار قلعه‌دار [illegible] عرف [illegible] کلید فتح عرف [illegible]
که به خدمت قلعه‌داری [illegible] دیگر عرف [illegible] بالا مقرر نموده
فرمودند مراتب [illegible] تعرض رسانید

جماعهٔ دیگر [illegible] خدمات [illegible] مال [illegible] مقرر نموده انعام و اضافه مرحمت فرمودند

راجه [illegible] قلعه‌داری لعل رام [illegible]
[illegible] قلعه‌داری کلید فتح عرف [illegible]

خلعت

خلعت

منصب اضافه — منصب اضافه
سه‌صدی ذات — چهارصدی ذات
[illegible] سوار — [illegible] سوار — [illegible] سوار
[illegible] سوار

[illegible] ایران [illegible] العبد [illegible] برادر
اضافه و [illegible] قرار فرمودند

قاسم خان [illegible] قلعه‌دار و فوجدار [illegible] را خدمت قلعه‌داری
و فوجداری [illegible] عرف [illegible] از انتقال [illegible] مقرر نموده
ششصدی ذات دو صد و پنجاه سوار [illegible] صدی ذات
اضافه فرمودند

به عرض رسید محمد کاظم قلعه‌دار گوالیار پانصدی ذات یکصد سوار [illegible]
فوت شد بعد معروض خدمت [illegible] عرف [illegible]
[illegible] را خدمت قلعه‌داری گوالیار مقرر نموده پانصدی ذات
یکصد سوار [illegible] بیست سوار [illegible] خدمات سابق [illegible]
شرط سابق [illegible] خدمت [illegible] چهل سوار اضافه فرمودند

محمد [illegible] خان [illegible] را خدمت [illegible]
[illegible] خدمت [illegible] مقرر نموده ششصدی ذات بیست سوار [illegible]
بیست سوار اضافه فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات دربار معلی

محرم الحرام سنه ۴۵

یوم [illegible]

۳

ذات

حسام الدین خان عوض عبد القیوم خان به فوجداری [illegible] بالاصل

دو صد سوار از اصل و اضافه یکصد سوار دو اسپه [illegible] بعد تغییر فوجداری [illegible]

پنجاه سوار کم فرمودند

نجیب الملک بهادر [illegible] خان [illegible] حکم [illegible] رکاب [illegible]

[illegible] نظر گذرانیدند

شاه [illegible] محمد [illegible] بهادر	[illegible] کام [illegible]	نجیب الملک [illegible] خان	[illegible] خان میر [illegible]
هراول	دست راست	دست چپ	[illegible]

[illegible] قلیج خان بهادر	رفیع الله خان	محمد امین خان [illegible]	فتح الله خان بهادر
چنداول	التمش	طرح دست راست	در فوج طرح دست چپ

[illegible] خان قراول	[illegible] قراول	محمد [illegible] قراول
[illegible]	دست راست	دست چپ

موسی الله	[illegible] سوار [illegible] فرمودند
اصل و اضافه	۳
[illegible] ذات [illegible] ذات	[illegible] ذات
[illegible] سوار [illegible] سوار	[illegible] سوار

حکم والا صادر [illegible] اضافه [illegible] عنایت

جانب [illegible] فرد [illegible] روانه نمایند

محمد [illegible] پسران [illegible] خان مرحوم [illegible] بعد فوت پدر اضافه

و [illegible] سوار فرمودند

موسی الله	محمد [illegible] سوار
اصل و اضافه	دو صدی ذات
دو صدی ذات [illegible] ذات	یک سوار
[illegible] سوار	

[illegible] الله [illegible] خان [illegible] حسام الدین خان فوجدار

[illegible] مقرر [illegible] بودند [illegible] سه صدی ذات یکصد

[illegible] پنجاه سوار [illegible] فرمودند

به سرکار عالم محمد بیدار بخت بهادر حکم شد که آن والا گهر را لعل فوج عرایض

بالفعل دربچه میکرده باشند

۲۱۹

45
116

اخبارات دربار جهانمدار

محرم الحرام سنه ۴۵

دیوانی و صدارت اول دو ... قلعه ... حسینی ... حاضر دولت گردید ...

صدارت ... مقرر بودند

صبح روز ... حسینی شرف ... تسبیحخانه در دیوان خاص ... موجب حکم تسبیحخانه را بار کنانیده تیار که در بارات ... نمودن ... حکم شد حکم نمود

حکم شد که ... خانی ... اول احدیان و قولار حیدرآباد همراه گردد

چنانچه بموجب حکم عمل نمودند

فضایلخان ... از برای ... احتیاطی قلعه ... در ... و قلعه ... رفته بود ... آمده ملازمت نمود

برایتخان ... سید ... خان ... همراه ...

... چنانچه قبل ... خان مذکور ...

قبل از ... خان مذکور به طلبند.

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

محرم [illegible] ۴۵
[illegible]

بعرض رسید یک خرس [illegible] بالای کوه متصل قلعه [illegible] کرده [illegible]
[illegible] محمد [illegible] نعماد خرس [illegible] کرده [illegible]
مطلب خان قراول [illegible] با [illegible] الله [illegible]

قاسم خان [illegible] قلعه دار و فوجدار [illegible] قلعه داری
[illegible] عوض [illegible] منصب دو صد پنجاه سوار
[illegible] پنجاه [illegible] پانصد سوار [illegible]

[illegible] قلعه دار و فوجدار [illegible] عوض [illegible]
[illegible] قلعه داری و فوجداری [illegible]
عوض [illegible] منصب [illegible] ذات پانصد سوار از انجمله [illegible] سوار
[illegible] منصب ذات دو صد سوار [illegible]

انعام

حافظ خواجه [illegible] داده [illegible] | خواجه یاقوت [illegible]
نقاش خانه از تغیر خواجه منظور | دو دیم [illegible]
معزز و ممنون شد | از [illegible] خواجه [illegible]
بالا شد | [illegible]
 | [illegible] صد [illegible] ذات [illegible] سوار

خواجه [illegible] امیر خانی [illegible] | همراه [illegible] عنایت الله خان [illegible]
دو دیم از تغیر خواجه یاقوت معزز [illegible] | [illegible] قلعه [illegible]
[illegible] | [illegible]
[illegible] صد [illegible] سوار | [illegible]

بیر [illegible] [illegible] شاد [illegible]
معزز [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible]

سابق داشت دوصد سوار از جمله منصب [illegible] بالا [illegible] و
تمام [illegible] پانصدی ذات دوصد سوار
دیگر اضافه فرمودند

فضل علیخان دار[illegible] عمارت و [illegible]
هفتصدی ذات یکصد پنجاه سوار [illegible] دوصدی ذات [illegible]
[illegible] اضافه فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/118

۲۵ [illegible]

اخبارات دربار جهانمدار

محرم الحرام سنه [illegible]

[illegible] یکپهر روز برآمده از دولتخانه [illegible] سواری [illegible]
[illegible] شدند [illegible] که در راه بود [illegible] معافت [illegible]
[illegible] نموده یکپهر و هفت گهری روز برآمده داخل دولتخانه [illegible]
شدند دیوان عدالت موقوف فرمودند

هرگاه سواری [illegible] رسیده شاه عالم [illegible] بهادر [illegible]
سواری در راه بود پیشتر آمده [illegible] موجب [illegible]
[illegible] اردوی معلی شاه عالم [illegible] رخصت فرمودند

سرداربیر	جیبت	حقه جواهری	
همه دار	نو [illegible]	عنبه	

خان عالم ولد خانزمان [illegible] مرحوم [illegible] شاه عالم محمد [illegible] بهادر
[illegible] سواری [illegible] ملاحظه [illegible] فرمودند

هرگاه حضرت از دولتخانه سوار شده نزدیک [illegible] رسیدند بادشاه [illegible]
برای [illegible] ملاحظه [illegible] به خدمت [illegible] فرمودند
بادشاه عالم [illegible] از عقب [illegible] سوار شده [illegible]
[illegible] ابلاغ حکم [illegible] بادشاه عالم از عقب سواری خاصه بحضور [illegible] آمده

45
119

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار جهاندار شاه

محرم سنه ۲۵

روز

سه‌شنبه صبحی شرف الدین مشرف فراشخانه عرض نمود فدوی بموجب حکم پیشخانه

طیار کنانیده در باب روانه نمودن پیشخانه امر حکم شد روانه نماید و نیکنام خان

میر تحویل صدیان و قولدار جدا جدا همراه پیشخانه بروند پیشی از نماز عصر

عدالت مرتب شد دو گهری نشسته برخاستند

مطلب خان قراول بیگ بعد نماز ظهر بحضور آمده بعرض رسانید که یک کس

بالای کوه پایین قلعه بوتی گل آمده بود او را قرق نموده اند حکم شد شاهزاده

بیدار بخت بهادر رفته بجرشش مذکور را گرفتار نمایند و خانه کو کمره باور

همراه [illegible] برود

فضایل خان بیوتات جهت عرض لغات مفصل جنس غله و غیره بعلاقه بنی شاه در

عرف برناله رفته بود آمده ملازمت نمود

هدایت الله عنایت الله خان تاریخ سارق قلعه بنی شاه درک بر باز گذرانید

خلعت مرحمت شد

راوت مال جهاله منزل قلعه دار فوجدار برد را بخدمت قلعه داری

فوجداری بنی شاه درک عرف برناله که مقرر شده بمنصب هفتصدی هفتصد

سوار منجمله ششصدی ششصد سوار بلا شرط تتمه مشروط بعد ششصد سوار مرود الله ...

تتمه مشروط ... خان حاکم در اسپه ششصد سوار الله مرحمت

تسلیمات بجا آورده بموجب حکم عالی عطیه بمنزل رسیده بود درجه آمدند

شیر خان جمعدار سواری چند یکهزار گذرانیدند معاف فرمودند

جماعه بندی سواری بیگ گذرانیدند

اسمعیل خان بیگها کمان قبضه	عصمت الله مصحف مجید جلد	تاج الدین برادر تاج الدین کتاب جلد	محمد عاقل برادر محمد عزیز قطعه تعلیم	...

مطلب خان قراول بیگ سواری بعرض رسانید فردا در باب کوچ حکم بود مقام است و منزل پیش چهار کروه پایاو بالا کشیدن است آرد زرانه است بیک منزل ساحل مقرر نمایند

دو قطعه عرضداشت شاه عالم محمد رفیع القدر آمده بنظر انور گذشت

محمد بیگ خان صدر یک جزو بنظر انور گذرانید

اعتقاد خان برادر امیر الامرا مرحوم صوبه دار اکبرآباد و فوجدار اسلام‌آباد عرف متهرا از بخدمت فوجداری گاماوان تیهاری نیز مقرر شد دوهزار پانصدی ذات دوهزار پانصد سوار دو اسپه و یک کرور و پنجاه لک دام انعام منصب هشتصد لک انعام اضافه فرمودند

وصلاح خان داروغه خزانه عامره و واقعه نویس کچهری دیوان اعلی منصب
یکصد سوار یعنی دو صدی ذات چهل سوار اضافه فرموده

میر راجب دلسوز که بنده شاه درگاه عرف ... مقرر شده بود
مرحمت فرموده

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

सा॰ अखबारात दरबार जहांमदार
ইদ্দহ ৫ ৱাই ১১
১১ ৪ সোম

سابق
اخبارات دربار جهانمدار
محرم سنه ۴۷

یوم ...
هفت گهری روز برآمده ... حضرت از دولتخانه متصل قلعه بنده شاه در
... سواری ... روان ... سوار شده جانب ... کوچ فرموده
در ... بر ... روان ... سوار شده ... یکنیم کروه ... و بالا ... لطیفه
یک پهر شش گهری روز برآمده داخل دولتخانه پیش از قلعه ... کرده شدند

هرگاه سواری نزدیک دولتخانه مبارک رسیدند ... محمد ... بهادر ...
سواری ... دو جلد مصحف پیشکش گذرانید بعد داخل شدن دولتخانه
... رخصت فرموده

... خان ... دستار ... پیشکش گذرانید

... خان میر ... قبضه کمان و دسته تیر پیشکش گذرانید

وکیل ... حاکم انگریز پیش ... بندوق ... پیشکش گذرانید
چند ... حضرت بندوق ... محمد خلیل
و ... خان مرحمت فرموده

... واقعه ... پیشکش گذرانید

ROYAL ASIATIC SOCIETY

سا
اخبارات دربار جهاندار

محرم سنه ۴۵

[illegible]

یوم ۱۶ ... بار

یک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بالبث اله محمد کانجش بانگیر [illegible] قیمت هزده هزار روپیه بانعم رخصت الوام مرحمت شد

ایاجی وکیل ... قلعه دار سابق قلعه ... شاه درک خلعت واسپ مرحمت فرمودند

منصور خان باحکم شد ... تا رسیدن قلعه دار قلعه ... شاه درک حروراریا شد

... خان میر آتش عرض نمود ... طلب مردم ... قلعه ... شاه درک ... روالد ... هرچه امر حکم شد ... هزار روپیه ... بدهند

موجب ... اجناس قلعه ... شاه درک ... والد درآمده

حقیقه ...	سیمیر ...	بهاله	بانس ...	...
...	...	...	...	...

...	غله ...	...	کوله آهنی ...

اضافه

... خان داروغه توپخانه		دیگر ... کوپک	
...	اضافه ...	... هزاری ... سوار	اضافه ...

بهرمند خان فرمودند ... در ... مانند ... هزار سوار همراه ... اظهار نمایند

... رسیده ... مردم رعیت ... قلعه ... شاه درک ... باشند ... مقدار ... گرفتن قلعه ... حکم شد منصور خان آنها را از قلعه برآرند

... قلعه ... شاه درک ... منصب ... داره

حکم شد فردا ... نماید

خان
... صوبه بیجاپور ... قلعه داری ... حواله ... دست ... الملک ... خان ... حاله ... مقرر ... پانصدی ... پنجاه سوار ... پانصدی ذات ... پنجاه سوار اضافه فرمودند ... معه اضافه موقوف داشته

عرض رسید که در منزل فردا کوتل بسیار سخت است راه عرابه نیست
فرمودند که امین خان با توپخانه و خواجه محمد با ملازمان سرکار پادشاهزاده
همراه عرابه های لشکر مبارک از دست راست باشند ما دولت براه کوتل
کوچ میفرمائیم

عرضداشت شاهزاده محمد معز الدین و سلطان اعز الدین مشتمل بر تهنیت
... مبارک باد و عید الضحی و عطای خلعت و غیره انعام الهی بنظر گذشت

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار معلی
سابع محرم سنه ۴۵

یوم ...
سه شنبه نیک بختی هفت گهری روز برآمده از دولتخانه مبارک واقع ...
بسواری تخت روان ... سوار شده بگاه از کوتل ... عبور شدند شاهزاده ... سید ...
بحضور رسیده ... چند ... جهت ... و یک ... و غیره پیشکش
گذرانیدند فرمودند که ... فردا روز ... مقام ... دار و غیره ...
و انگشتری ... عطا ... نمایند که بوقت رخصت عطا نموده خواهد شد ...
و ... یک ... گهری روز برآمده داخل دولتخانه مبارک
از ... شاهزاده ... شدند

... منزل فردا چهار کروه ... حکم که ... نمایند

... فراشخانه عرض نمود در باب ... حکم که ... نمایند
و ... روانه نمایند پس فردا ... دولت ... خواهند فرمود

... الملک ... خان فرمودند که ... شاهزاده محمد ...
... رخصت ... عالی ... روند

... خان ناظم اکبرآباد ... فوجداری ... مقرر نموده ...
ذات ... سوار ... انعام ...
انعام ... شده

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات دربار جهان‌مدار

محرم الحرام سنه ۱۶

[illegible]

روز جمعه ... حضرت بر آمدند
سه ۱۱ ... ۱ پهر و ۸ گهری روز بر آمده عدالت فرمودند دو پهر روز گذشته بر آمدند

ملکه زمان ... همشیره شاه‌عالم محمد بیدار بخت بهادر بهمه سلطان بیدار دل بحضور آمدند دو انگشتری قیمت پنجهزار روپیه به شاه‌عالم بهادر و یک اوربسی قیمت سه هزار روپیه به سلطان بیدار دل انعام مرحمت نمودند برای ... خان ... جهت فرمودند

نجیب الملک نعمت الله خان بموجب حکم هفتصد هزار و دو صد و هفتاد و هفت ... طومار جمع ... سرکار شاه‌عالم محمد بیدار بخت بهادر ... میر روز خان و خانعالم و منور خان و شیر خان ... و غیره ... نوشته نظر انور گذرانید ملاحظه فرمودند

شیخ ... شرف ... عرض نمود که در باب ... حکم شد ... روانه نمایند

میر عنایت الله ولد اسد الله خان مرحوم را خدمت بخشیگری و ... و داغ و تصحیحه لشکر ... سرکار شاه‌عالم محمد بیدار بخت بهادر مقرر نموده بانصدی ذات یکصد سوار ... عنایات ... خلعت مرحمت نمودند

... عنایت ... بیدار دولت سرکار شاه‌عالم محمد بیدار بخت بهادر ... خدمت بخشیگری دوم ... مقرر شده بود ... خلعت مرحمت نمودند
شصدی ذات و چهل سوار ...

عرض رسید که میران چهارهزاری ذات چهار هزار سوار متعینه ... سعادت شاه‌عالم بیدار بخت بهادر فوت شده پسرش در ماتم نشسته است حکم شد ... خان ... از ماتم برداشته بحضور بیاورد

اخبارات دربار معلی

محرم الحرام سنه ۴۸

یوم الجمعه ۸

دیروز ملا عصمت الله نایب محمد یار خان فوجدار مرادآباد بموجب حکم آمده ... یک جلد مصحف مجید و یک راس اسپ پیشکش گذرانید

دولتمند دار کوتوال لعیات همراه تربیت خان هزاری ذات دو صد سوار ... بانصدی ذات بابت فتح قلعه ... بموجب التماس تربیت خان میر آتش اضافه فرمودند

محمد محسن نبیره قطب الدین خان مرحوم را بمنصب دو صدی ذات ... سوار ... فرمودند

حکم والا صادر شد که قلعه ... کرده ... رسول ... باشد

حکم والا صادر شد که صدر الدین و محمد خلیل منصبداران همراه لطف علی خان و محمد باقر وغیره چهار نفر بابت محمد اکبر را به صوبه احمدآباد ... برسانند

عبد الحی برادر عبد الرزاق خان از ولایت آمده بمنصب ...

دو صد سوار ... فرمودند

چون هدایت کیش واقعه نگار ... فتح قلعه ... عرض رسانید ... بمور ... خلعت انعام مرحمت فرمودند

حکیم محمد ... فتح ... در ... خلعت انعام

فدائی خان ... ده دست ... و یک دست ... ایشان ... محمد امین خان ... فتح الله خان ...

حکم والا صادر شد که ... احکام ... باشند و ... به اضافه ... دارانی ... خواهند

انعام

... فیض الله خان ... خلعت

منصب ... هشتصدی ذات ... صدی ذات ... سوار

اسد الله ولد سیف الله خان مرحوم ... خلعت ... سرفراز ... فتح الله ... خاصه ... چهار صدی ... اضافه ... انعام مرحمت فرمودند

... محمد اکبر ... انعام مرحمت فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45/125

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۷

یوم ۱ جمعه

ابتداء هفت گهری روز برآمده شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر بموجب حکم بلی
رخصت در خوابگاه بحضور رسیده خلعت پیشکش دیوان خاص و انگشتری مرصع
بشاهزاده محمد سبو و یک اورسی بسلطان بیدار دل و یک اورسی بدختر سلطان
انعام شده و شاهزاده محمد سبو بلاخری با ارشاد موقف فاتحه تهنیت خیر خوانده
بملتفت مقابر جانب راه باغ هوگری رخصت موقف یک پهر سه گهری روز برآمده
عدالت فرموده

شاهزاده محمد معز الدین ناظم صوبه ملتان بالحنات بهادری جمعیت فرموده

فدای خان ناظم صوبه بهار عرضداشت مع ده دست بحری و یک بحری بچه
ارسال داشته بود بنظر گذشت از الجمله یک بهری بشیخ الله خان بهادر و یک بهری
به محمد امین خان انعام شده

حکم شد عصمت الله نایب محمد یار خان فوجدار مراد آباد و بادر موقع التمس تعین نمایند

حکم شد راو ما سنگه را همراه چین قلیچ خان بهادر چند اول تعین نمایند

تحت الملک سید امیر خان عرض نمود بموجب حکم ساقی (؟) همراهی رکاب سلطان کام
هفت هزار یکصد چهل سوار طیار موقف هر جا امر حکم شد چهارده هزار سوار
فوج همراه عنایت مقرر نمایند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار جهاندار

محرم سنه ۲۵

یوم جمعه

وقت [illegible] نیک بحضرت بهشت یک گهری روز برآمده از دولتخانه مبارک
بسواری تخت روان سایه بهار شده [illegible] تیر گروه جریب طی نموده
داخل دولتخانه مرصع تیار شدند

سری سواری سرکار نیز بگذشت

مطلب خان چرن	هدایت کیش خان	نعمت الله خان	هدایت الله خان
فاضل بیگ خان	عبد القادر خان	فتح نصرت خان	محمد حسن هزاری دراز

سپهدار [illegible]
ارشاد الله بهادر
الهام [illegible]

از التماس خواجه حسن وکیل [illegible] معز الدین بهادر ناظم صوبه ملتان [illegible] رسید
[illegible] رعایای [illegible] کار [illegible] [illegible] هداشته [illegible] امیدوار
[illegible] رعایت [illegible] منظور [illegible] یک لکه روپیه انعام [illegible]

[illegible] محمد امین داروغه نقارخانه [illegible] روز عاشوره است
نوبت نه نوازند

[illegible] خان [illegible] خان [illegible] نهصدی نهصد سوار [illegible] منصب [illegible] خان مذکور
صدی ذات اضافه شده

اخبارات دربار جهانمدار

محرم الحرام سنه ۵۲

ROYAL ASIATIC SOCIETY

یوم [illegible] جمعه

۹ پهر یک گهری روز برآمده از دولتخانه [illegible] قلعه ارک [illegible] گذشته

تخت روان [illegible] منزل شدند مسافت دو نیم کروه [illegible]

یک پهر و هفت گهری روز برآمده آمده داخل دولتخانه [illegible] شدند

و عدالت موقوف [illegible]

شیر خان [illegible] بمقتضای [illegible]

شاه [illegible] محمد [illegible] بهادر رخصت [illegible]

چهار [illegible] از [illegible]

به جیب قلیچ خان بهادر [illegible] محمد عارف

قول [illegible] رسانیده بیاید

معروض رسید [illegible] سردار [illegible] جمعیت جانب [illegible] آواره شد

بعد موقوفی فتح الله خان بهادر [illegible] خیر

فاتحه خوانده برای تنبیه [illegible] سمت [illegible] رخصت [illegible]

معروض رسید [illegible] ملک [illegible]

نواحی [illegible] شده چنانچه فتح الله خان بهادر [illegible] برای تنبیه مفسد

[illegible] رخصت فرمودند

معروض رسید [illegible] زمیندار [illegible] روانه حضور شده [illegible]

رسید [illegible] اسلام آباد عرف متهرا روانه حضور شده

[illegible] تاکید [illegible] برسند [illegible] متهرا اند

जेठ सुदी ९६ सने

یوم [illegible] ابتدا

[illegible] هفت گهری روز برآمده از دولتخانه [illegible] سواری تخت روان

سوار شده در راه [illegible] برای [illegible] فرمودند

خاصه سوار شده [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] مسافت [illegible] کروه [illegible]

[illegible] یک پهر [illegible] گهری روز برآمده داخل دولتخانه [illegible] شدند

[illegible] خان عرض نمود [illegible] دریای [illegible]

[illegible] حکم [illegible] امروز [illegible] دریای [illegible] از آنجا

چهار کروه [illegible] بگذرانند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبار دربار جهان مطاع

محرم الحرام سنه ۵ جلوس

روز

دو شنبه ... محمد امین قول ... حکم ... فرداعا تور ...

نوبت نصف شب ... و لوازم شادیانه نواختند و توفی ... نقاره ... موسی ...

امر ... حسب ... حکم عالم ... یک ... متصل ... روان

شیشه ... شده متوجه منزل شدند مسافت ... دو کروه ... و بالا ... و

یک ... روز ... آمد ... متصل ... شدند دیوان ... موقوف

...

شیخ نور الحق محتسب ... دو ... گذرانید ...

یک ... زنده ... و دو ... هزاری ... گذرانید

... و یک ... زنده ... محمد کاظم ...

... دراج ... برآمد

بموجب ... محمد ... دنیا

... آمد

... محمد ... فرداد ... حکم شد

حکم ... فرداکوچ ... رسیدند ... علیحده ... گستاخید

منزل ... عرض نمود ... کروه ... و بالا ... فرداو ... چهار کروه ... و بالا

منزل ... انحراف ... بود

فتح نصرت ولد فتح دولت قول یک قطعه تعلیم ... گذرانید

محمد ... یک جلد مصحف محمد ... گذرانید

یک قطعه ... یک قطعه ... و یک ... قطعه ... و ...

... و ... قطعه دو راس ... علام محمد ... مردم ... و ...

... شیخ عبد القادر ... مرحله ... و چهار ... دو راس ...

هزاری ... گذرانید حکم ... شد

در طرف ... محمد کاظم ... سلطان ... خان ...

دو	...	دراج	جرز	دراج	جرز	دو ...
	...	...	قطعه	... قطعه	قطعه	...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات دربار جهان‌مطاع

بر تو

محرم الحرام سنه ۴۵

ناسبولی منصب مبیصل از دولتی برآمدن بقدر کردن هفت الاول

شنبه متوجه منزل شدند بر دریای کشتار رسیده بر لوازم شده و ساعتی

محمد کامکش و یحیی الملک بهت بیندخان و رفیع الله خان و ملتفت خان و لفری خان میر محمد

نیز بموجب حکم والا بر لوازم خاصه بولاد شدند تسبولی بقدر دریای مامور علی محمد

بر تحت رتلی و از بولاد شده مرفتی سالم چهار گروه بباید بالای بمنزله بلیهر و نصب کرده

رفتند برامده آمدند از اتصال دولتی بر صوف کنار دریای شدند پیش از کار عصر یک

بکاری عدالتی نموده

کامیاب خان بقدر نسبت خان مرزا کمال بیک مجهادره بنظر انور رسانیده حکم والا شد

بیکمصطفی و بیکوصطفه گروانک ده هزار فوج محمد امین خان و بیک آمده و

چهار قصبه بوده محمد قاجان پیر خان نمکور و فوج و منیع بوده و چهار مرعات مصطفیخان

و بیکوصطفی و رجوع و بیک آمده فضلعلیخان دیگر ماده آمدند بهادرخان دلاور قورخانه و بیک

محمد خلیل پسر رفیع الله خان [illegible] و یک هزار و چهار دریای فتح الله قرب

الله و الا فضل و کرم الله بعد موقوفی شاهنشاه محمد معزالدین ...

نموده قصه یک لک روپیه دروغ العام از خزانه لاهور به آنجا بدهند

محمد باقر معزول ... نگار بندر سورت آمده ملازمت نموده یک جلد مصحف مجید

و دو راس اسب پیشکش گذرانید

خواجه عنبر ... یک ماده آهو زنده دستگیر نموده آورده بنظر گذرانید

بعضی از ... کرز بردار ... گشتند

رفته ... منزل گشته ... حکم ...

حسب الحکم مهر رفیع الله خان ... معلقخان ... عرض ...

طلب حضور ... محمد امان گرز بردار ... فرموده

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۵

११ ह्व न ह ५ ३ ११

११६२ हि

یوم

۱۱ مه نبکهی بخیریت شش گهری روز برآمده سواری تخت رواناً یا نه سوار شده

بمکانه بر کنار دریای کشنا رسیده ند از تخت روان فرود آمده نمونه بالب بتلاه محمد کاکش

وزیر الممالک بهادر [illegible] خان روح اله خان و ملتفت خان و مطلب خان و زور خان

میر بحر برگشته سوار شده در نظم دار وغه نواره ملک ایر و خان رکذرانیند دریای

مذکور عبور نموده بر تخت روان سوار شده بکمفت تا تک چهار گروه جریبی طی نموده

یکپهر هفت گهری روز برآمده داخل دولتخانه مبارک از طرف دریای شدند

جماعه دیل شکار ریکشن کذرانیند

محمد امین خان درا‌هو محمد فاضل خان مذکور مطلب خان درا‌هو محمد خلیل پسر روح اله خان

ملطه اهو ملطه طاووس

کامیابخان برادر بهخان میر فتح اله خیرز وصل علی خان بهور خان

بهکاری ملطه اهو اهو

مطلب خان عرض نمود که برادر فرزندان گروه پایو بالا منزل کس فتواد کرده پایو بالا جریبی

حکم شد که درینجا مقام میفرمایند برادر امراء یک فرزند کسی میفرمایم

جماعه دیل بخطابات خانی ممتاز فرمودند

حسین خان میر بخشی شکار شاه الله محمد علیم باظم محمد حسن میر بخشی شکار شاه الله محمد بیدار بخت

نبگ اله بخطاب علم خان بهادر خطاب حسن خان

توپخانه سری کلنی شیر الله کو کالا سد نموجب نوک وحب فرموده

باراسا محکم کاسی سلطان بند الفتر

اهو طاووس چرز دو لقع چرز اروانک دو لقع کوه

نور وصه وصو بالقو وصو وصو وصلان سالقو

مطلب خان مرغانشاه بیمه سواحکم شد که در قرق حاصی بیرم

لقو وصو

شرف الله حسین مترف قرابی عرض نمود هر شیخانه از عقب آمده هرچه حکم شود

حکم شد که در امقام است اما له نمیشد

زیر و ید لفراز معبعی رسیده او فرغانوره است و همان یکمود کمان بیتیم الغام

رحمت میشود در بولا هر چه حکم شود حکم شد یکصد روپیه اجرای طلا دادند و حواله

شیخ شرف الله شد هر یکمود کمان بنیم بدهد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
131

آصالله دعا رهای لله

محرم الحرام ۵ سنه

سالو

سپ الله بمقام منصب دولت ای کشنا بکهد و جبار کهای نغر برا آب دور عزا کی ...

۱۲/۲ کدی نشسته بر جا کشتند

صبح مبرا ق اللهی حسین نرف ... عرض نمود دهای ... منصب ... حاکم شود

حکم نعلقه ... ۷ سیر

محمد شرف مؤ و ل قلعلا و تعلیله فروز کی عرف ... تجیب ... و العلاس

مرتضی ... عرف صبح تقدی بود ... ملازمان منصب یکهزار ... بگلدار

مسوی ... خلعت انعام و حسب ... میر قلعدار و جلادی مرتضی ... عرف

صبح حضرت ...

اضافه منصب

فتح الله خان ... رضوی ... محمد ...

کما ... رفته

... صدی ... ذات ... مالولد ... مالولد ... بما لولد

زر داریکا ن ... رسید ... جی از اطراف مقاهیر قلعه دار ... شاه در ک

بونور المجید ... را اما ... جهنم در قلعه کهلنه رفته ملاقی شده انها حومی اله ...

کفته ... نمک حرام شد قلعه ... تصرف ... دله ظاهر موفور ... باروت

و غ ... تو ا رخه توپخانه کم بود و سما جز ... نبا برا ن تصرف و الدداله انها

مومی الیه ... در قتد ... نکاهد اشته

ROYAL ASIATIC SOCIETY

ملا عصمت الله نایب محمد یار خان فوجدار مراد آباد بموجب حکم بحضور آمده خلعت

محمد امین نایب ... خان کوتوال بخشی ... نیز مرحمت شد

اصل و اضافه
هزار ذات ... سوار
ماه ... سوار
ما سوار

اصل و اضافه
... ذات ... ذات
... سوار

فرمان ... الله ... خان مرحوم منصب ... الله خان بهادر

... محمد ... حکم ... خانه ... نیز مرحمت شد

اصل و اضافه
هفتصدی ذات ... ذات
ما سوار ... سوار

اصل و اضافه
... ذات
... سوار ... سوار

غازی بیگ ولد جعفر بیگ قلعه ...

محمد رضا ... علی خان

اصل و اضافه
... ذات ... سوار

اصل و اضافه
... ذات ... سوار

بعرض رسید که دیوان ... شاه محمد ابراهیم ولد ... خان مرحوم متعلق ...

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبار دربار جهان مطلع

محرم الحرام سنه ۵
... ۲ ...

بعرض رسید که ... محمد ابراهیم ... آمده ... از دیره ... عقب ... مقام ... توپ ... هفت هزار روپیه ... تا ... محمد امین خان ... شقه بوستان ... افغ

ارسد ... والد ... خان مرحوم ... شرف ... نقد ... محمد ... بهادر ... ذات ... هزار سوار ... جعفر

حکم ... صادر ... ماه ... محمد ... بهادر ... همراهان تنخواه دهند

بهادر
حکم ... هزار روپیه از خزانه ... همراهان فتح الله خان ... رفقا تنخواه دهند

بعرض رسید که ... همراهی فتح الله خان بهادر رسیده اند حکم ... شد ... ثابت

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

4.67
183

سنه
لفافه ارباب دیوان جهانگیر
محرم الحرام سنه ۱۰۴۶
سنه ۱۲ ابد

جماعه ... احدیان [illegible]

تغیر ... خان داروغه ... خان ... خانه ... از ... و ... خان
خطاب ... خان
خطاب خان ... خان
دوهزاری ذات
... سوار

... حسین ... خان ... حسین خان ... محمد علیم
... صوبه ... احدیان ... خان
... محمد ... بهادر ...
خطاب حسین خان

... باقر ... دیوان خاصه ... خدمت ... محمد ... عوض
از تغیر ... محمد ... شاه ... العام ... مصطفی

حکم والا صادر گردید ... جماعه ... محمد ... محمد باقر ... جهان ... بابت
محمد ... با یکصد و ... نوشتیجات ... فضل ... خان ... ادا ... نقد
... برسانند و خانمان ... بنیاد ... رسیده روانه ... بلده

حکم والا صادر ... گرز ... تمامی ... باب ... قلعه‌دار
قلعه ... شاه ... عرف ... بالا ... لیکه ... تنخواه ... خدمت ... بخشیده
و ... محمد ... راو ... سنه ... قلعه ... کلید قلعه فتح مقرر شده ...
... باشد

حکم والا صادر ... باشد ... وارث خان
خدمت امینی و ... بکار ... تنخواه ... باشد

... ذوالفقار خان بهادر ... عبدالرحمان ... محمد ... خان
... خاص ... حکم ... تغیر باشد

...	شیخ مجاهد	عبدالرحیم ولد ...
هزاری ذات	چهارصدی ذات	سه‌صدی ذات
... سوار	... سوار	... سوار

حکم والا صادر ... علی ... شیخ ... خان با یکصد ... قلعه‌دار
و ... قلعه ... شاه ... عرف ... بالا ... تحویل
با یکصد ... و پنجاه ... توپ ... نقره ... منصور خان
... اسپ ... توپ ۴۶ ... مذکور ... هزار

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
134

अखबारात १
1164 मोहरम

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۲۵

یوم
۱۲ اهــه
یکپاس و سه گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

عصمت الله نایب محمد یار خان فوجدار مرادآباد بالا خلوت مرحمت فرمودند چهار صدی [illegible] سوار
صدی ذات باضافه فرمودند

فتح الله خان بهادر را بهزار پانصدی ذات [illegible] صد سوار [illegible] صد سوار اضافه فرمودند
و بال طلب بالاذری یک هزار مهر تجبات [illegible] ماهیه مرحمت شد

فرجام خان متعینه فوج غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ بهزاری ذات [illegible] صد سوار [illegible]
یکصد سوار اضافه فرمودند

رگهو خان متعینه فوج شاه عالم محمد بیدار بخت بهادر [illegible] صدی ذات یکصد سوار [illegible] صدی ذات
اضافه فرمودند

ملتفت خان را بخطاب خانزاد خان و خانزاد خان ناظم پهته را بخطاب سعید خان سرفراز فرمودند

عاقل خان [illegible] را حکم [illegible] یکصد نفر بیلدار و پنجاه نفر سنگتراش و یازده نفر [illegible] برای
مرمت [illegible] قلعه شاه در [illegible] تموده [illegible] موجل تربیت خان و فتح الله خان و طیار
نموده [illegible] گرد قلعه مذکور [illegible] نمایند و در [illegible] فاصله ده جریب [illegible] طیار نمایند

[illegible] شاه عالم محمد بیدار بخت بهادر بعرض رسید که سرفراز خان را هراول و خان العالم و منور خان را
دست راست و دست چپ مقرر نموده امیدوار است که چنداول به اسمعیل خان [illegible] و
[illegible] او [illegible] سنگه تعلق شوند حکم شد که درینجا هم کار است حمید خان را تعلق نمایند

گجرات گردند و سید صدر الدین و محمد خلیل منصور الله خان همراه [illegible] علی خان
از حضور همراه شده در گجرات به ناظم انجا برسانند

بموجب التماس شاه عالم محمد بیدار بخت بهادر بموجب [illegible] رسد

اگر مردم متعینه جاگیر [illegible] تنخواه [illegible] الدین خان [illegible] شاه [illegible]
حکم شد [illegible] از فهرست [illegible] بعرض [illegible] خان
فوج برآمد حکم شد [illegible] فوج [illegible] [illegible] مقرر شود [illegible]
در جنب [illegible] مفصل [illegible]

هراول فوج سرفراز خان و الهمس و [illegible]
خان العالم [illegible] چنداول [illegible] در فوج
[illegible] اسمعیل خان [illegible]
[illegible] سنگه [illegible] چنداول
مقرر شوند حکم شد که حمید خان [illegible]
بعرض رسانند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبار دربار معلی

محرم الحرام سنه ۴۸

روز ... رسید که ... از
... مقام متصل ... دریای ... و ... [illegible]
... رسید

بموجب ... حکام ... [illegible]

... محمد ... بیرون لشکر ... [illegible]
بیرون لشکر ... مستعد ... بیرون لشکر
و ... لشکر ... مستعد ... لشکر را
... جهت ... [illegible]

بحکم ... خان ... خان ... [illegible]
عقب ... لشکر ... لشکر ...
چند ... مستعد ... مستعد

حکم ... [illegible]
رسیده باشد

حکم شد که بخشی الملک روح الله خان حسب الحکم بنام زبردست خان ... [illegible] شاه عالم
سردار بخت ... پای قلعه ... شاه ... [illegible]

به حمید الدین خان بهادر حکم شد که محمد باقر و ... چهار نفر ... صندوقچه و نوشتجات محمد اکبر
بحضور ... مهر فضایلخان به مصحوب ارندلی به ... خان رسانند
و خانه ... بنگاله روانه احمدآباد نماید و سید احمد الدین و محمد خلیل منصبداران
همراهی زبردست علیخان ... [illegible] ... خان ... الخبار رسانند

از التماس محمد ابراهیم ... خان مرحوم بعرض رسید که فدوی همراه سواری
حضرت بدولت بود متعلقان فدوی و اسباب نقد و جنس هفت هزار روپیه و هفت هزار
روپیه نقد ... طلب ... گردید که ... بود در راه غنیم تاخت ... نموده بردند
چنانکه محمد امین خان را با ... و کامیاب خان ... و تربیت خان و مردم
... را ... یک طرف خانه زاد خان و یک طرف کامیاب خان
... هر چهار ... را بیاید بقلعه رسانند

[illegible]
[illegible]
[illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
134

[illegible] جهان [illegible]

محرم الحرام [illegible] ۵

[illegible] سنه

۱۲۳۵

در شب [illegible] محمد [illegible] خان [illegible] دولت [illegible]
نموده [illegible] بر گشته [illegible] حکم [illegible]
[illegible] گشت [illegible] خاطر [illegible] الله [illegible]

[illegible] غایت [illegible] محمد [illegible]
[illegible] پدر [illegible] دولت
یکصد [illegible] علی [illegible] ذات بود
[illegible] ذات [illegible] محمد محسن [illegible] عثمان خان [illegible]
خدمت [illegible] موقوف [illegible]

[illegible] عبد [illegible] موقوف [illegible] ذات
یالصد [illegible] فرزند [illegible]

حسب الحکم [illegible] محمد [illegible]

155
136

نوشته [illegible]

عثمان خان [illegible] اول [illegible] عالی [illegible]
[illegible] بود [illegible] آنکه [illegible]
[illegible] گرده [illegible] بعد
[illegible] حکم [illegible] گرده [illegible]

[illegible] سرفراز خان [illegible] محمد [illegible]
[illegible] فوج [illegible] عالی [illegible] بود
[illegible] حکم [illegible] خان [illegible]
[illegible] ذات [illegible]

[illegible] سرفراز
عبد [illegible] خان [illegible] ذات [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] سرفراز [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

سال ...

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۵

[illegible]

سه شنبه ۱۳

یک پهر و چهار گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

سپهر شکوه و ایزد بخش و نواب گوهر آرای بیگم عرایض از شاهجهان آباد ارسال داشته بودند بنظر گذشت

رنبار خان تهانه دار کهولا و رنگ فیل ... تا ... عنیم ارسال داشته بود

عوض حمید الدین خان بنظر گذشت

عوض رسید ... فیلان از بنگاله و اسپان از کابل بحضور میرسانید حکم شد

کر ... رفته ... بحضور بیاید

به محمد امین نایب کوتوال حکم شد ... و گاوان لشکر معلی ... اجرا نمایند

رفتن ... هر کس ... نماید دو ... در لشکر ... نمایند

به قراولان دست راست و دست چپ در کوه مقام یک کروهی گرد لشکر رفته گشت میکرده باشند

در نور یک پهر روز باقی مانده ... الله خان حکم شد ... دریای ... عقب رفته بوقت شب ... تمام ... لشکر معلی عبور شود بحضور بیاید

بهره خانه ... دولت خان ... نموده ...

روانه نموده

ابیات ... بندی ... بحضور ... آمده ...

... محمد ... حکم ...

... عرض ...

حمید الدین خان ... فیل ... بیک ... تهانه ... مقام ... گرداند حکم ... نمایند

محمد رضا ... بهشتی ... الله خان ...

برنامه ... کارهای ... کاول ... تا ... کامیاب ... کاول ...

خلعت ... آمد

[illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

[illegible] ۱۱

محرم سنه ۴۵

یوم ۱۷ [illegible] بندگان حضرت بعد هفت گهری روز برآمده تخت روان اینه سوار شده

محمد امین خان بحضور آمده مجرای موقوف فرموده رسم معمول فتح مابین راه منزل پیشتر

جانب [illegible] در [illegible] جزدار موقوف [illegible] مرسوم لشکر معلی را تاکید تمام

روانه میکرده باشند مسافت راه انیم کروه یاو بالد [illegible] موقوف [illegible] در اصل [illegible]

مبارک متصل موضع کنبدل [illegible] شدند

نجف الملک [illegible] خان فرموده شد که محمد مراد خان بگوید که مابین راه منزل عقب مانده

بوقت شب در لشکر معلی بیاید

از التماس عصمت الله نایب محمد یار خان فوجدار [illegible] بعرض رسید که فدوی بموجب حکم

پانصد سوار از انجمله پنجاه سوار بکتر پوش [illegible] همراه [illegible] بنده [illegible] منصب سرفراز شوند

حکم شد [illegible]

[illegible] اند

[illegible] خان عرض نمود که [illegible] کروه یاو بالد [illegible] حکم شد [illegible] خانه

روانه نماید

عبد الفتاح پسر دلیر خان بمنصب هزاری ذات پانصد سوار [illegible] سرفراز فرمودند

حکم شد [illegible] قلیچ خان بهادر [illegible] نماید

صبح محمد امین بموجب حکم [illegible] مقدمات یافته [illegible] چنانچه [illegible] خان مذکور

بعرض رسید که کسی از جمله دزدان دستگیر نموده اینها ظاهر مینمایند که

متعلقان محمد ابراهیم [illegible] عزیمت در رنگ کدهی داشته اند [illegible] حکم شد

رستم کدهی را محاصره نمایند

بهادر

زمینداران [illegible] بعرض رسید که وکیل قلعه دار مردان گده [illegible] فتح الله خان [illegible]

جان بخش خواست ظاهر مینماید که اگر قول [illegible] بدهند قلعه را خالی کرده

بعرض [illegible] سید [illegible] خان بهادر قبول کردند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم [illegible] ۱۱۹۱۹ محرم الحرام سنه ۵۰

جمعه

۵ ابهه نیکا آنحضرت هفت گهری روز برآمده سواری تخت روان سوار شده
متوجه سیر [illegible] از کوه پایه و بالا جریب [illegible] یک پهر چهار گهری روز برآمده دریای [illegible] عبور
از طرف دریای مذکور داخل دولتخانه مبارک شدند

موجب [illegible] یافتند

جهت [illegible] چهکار دار	میر رستم قول [illegible] قورخان	[illegible] خان [illegible] حمه [illegible]

الغام

[illegible] محمد کام [illegible]	[illegible] بلند اختر [illegible]	[illegible] چهکار دار

به [illegible] خان میر بحر حکم شد که دو سه [illegible] بر دریای [illegible] نگاه دارند که مردم [illegible]
عبور نمایند

[illegible] الدین [illegible] عرض نمود که در باب روانه [illegible] امر [illegible] حکم شد که
روانه نمایند و [illegible] فرزا مقام [illegible]

[illegible] خان دیوان صوبه ملتان و [illegible] شاهزاده محمد معز الدین [illegible] رسید که [illegible]
[illegible] در باب [illegible] امر حکم شد که [illegible]

اخبارات دربار معلی سابق

श्रासढ बदि ११

محرم سنه ۸۵ ११२ फ्रके

یوم جمعه سار

۱۶ ابهه دیوان موقوف فرمودند

زنا ملکار بعرض رسید که کاوان و شتران لشکر معلی که برای چرانیدن
بیرون لشکر رفته بودند مردم دزدان منزه کهی برده بودند در نیصلی بخشی الملک بهره مند خان
شتافته کاوان مذکور را استخلاص کنانیده یک نفر را بزخم رسانیده و از کس ماو
بدست اوفتاده

श्रासढ बदी ३ सने

یوم ... ۱۷ ابهه بندگان حضرت یکپهر روز برآمده بسواری تخت روان اینه سوار شده ...
دو نیم کروه جریبی طی نموده یکپهر ... روز برآمده داخل دولتخانه
مبارک متصل موضع ... بر پا شدند

وصلعا خان ... رحلت ... وده پیاله لعوه کانید قهوه خوری پیشکش گذرانید
از الجمله شش پیاله به ماه ... محمد کاظم مرحمت فرمودند

یوم حبیته بابای بیک آهو ... شکار کنانیده پیشکش گذرانید

حکم ... یک زنجیر فیل مالک الام منعم خان و یک راس اسپ ... محمد کاظم ...
پنجاه مهر به ... مرحمت فرمودند

حکم ... میر خان ... پسران امیر خان مرحوم و باقر خان پسر روح الله خان مرحوم
بخشی الملک بهره مند خان بعرض رسانند

ارسال ... محمد اعظم شاه بعرض رسید که ... بموجب حکم
از برهانپور روانه اوجین شده

فیض الله بیگ گرز بردار حسب الحکم و عرضداشت ... الرحمان خان بنام ...
محمد اعظم شاه بعرض رسانیده نشان در جواب ... گذرانید

سابق
اخبارات دربار معلی
محرم سنه ۴۷
ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

श्रावण ॥
बदी ४ ॥

یوم
۱۸ اربعه بندگی حضرت هفت گهری روز بر آمده بسواری تخت رواں اینه
سوار شده مسافت یک و نیم کروه پاو بالا جریبی طی نموده یک و نیم گهری روز بر آمده
داخل دولتخانه مبارک متصل موضع ... کانو شدند

عبد المجید خان منعیه کابلی شاه عالم محمد بیدار بخت بهادر بالا تهانه داری کهولاپور مقرر کرده
هزاری ذات هفتصد سوار بو ... صد سوار اضافه فرمودند

درین ولا از نوشته هرکاره نوشته رسید که بنقب زدن شتر بر اسباب از تاراج سلطانی
و غیره محالی اهلکاران محمد کام بخش همراه پیشخانه عقب پیشتر می رفتند در مقام مقلبیر
بالابه در سیاه راه نوبت بقعه حکم شد که غلام محمد موهن حوکی رعایای شب شب رفته
مفسدان را واقعی تنبیه نموده استرداد اسباب خلایق نماینده بحضور رسانند

نوشته رسید که دایاپول بحضوری ایلچی کاه در کن به هوم تعلقه فوجداری عزت خان رسیده
یک دانه الماس قیمت یک دانه بحضور رسیده چنانچه عزت خان هفتصدی ذات هفتصد سوار بود پنجاه
سوار کم فرمودند

بر سواری اینه شیخ هدایت کیش رسیدند از کهتا بون نگاه چند فراست
عرض نمود که سه و نیم کروه جریبی یازده هزار است باقی هی و سه و دو کروه اسپ جریبی

حکیم سعید خان عمده الملک رسید خانه را خطاب حکیم محمد خان سرفراز فرمودند
هشتصدی ذات پنجاه سوار منصب برقرار دارند

حکم شد که دو روپیه یومیه برای خرج علوفه خانه قلعه مینه شاه درک و رسوا کنن
مقرر نمایند

محمد علی بیگ گرز بردار را تعین نموده فرمودند که شکر الله معمار را که رخنه بنیاد سرای
نموده بود برای مرمت نمودن مسجد قلعه مینه شاه درک رخصت میفرمایم

حکم شد که ربانی خان تهانه دار کهولاپور که دست ها از کار سعادت گرفته که در
دریای مرحمت بار رسانند خانه که قبول نکرده استعفای خدمت کرده بنابران
هفتصدی ذات پانصد سوار منصب برطرف فرمودند

از نوشته هرکاره نوشته رسید که فتح الله خان بهادر برای سوختن باری قلعه مرد ایلکنده رفته
بود مردم مقاهیر از قلعه بر آمده مقابله نموده جنگ تیر تفنگ درمیان آمده بسیاری
را بقتل رسانیده و اکثری را زخمی ساخته و بهیل کسی مردم مقهور را دستگیر نموده
مالی گرفته در قلعه مذکور رفته باری را آتش داده سوخته و انبار مورچال ساخت.
او ده چند کس مغلیه که نوکری خان بهادر بکار رفته فرمودند که مجرای شد. حسب الحکم
بهره خان [redacted] خانی بنام خان بهادر صادر نماید

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سابق
لحضار اخبار دربار معلی

॥ श्रासट
॥ बदी ४ सोमे

محرم الحرام سنه ۱۰۷۵

لوم

۱۹ ابهسه   بنگاه بحضرت یکدرو ز برآمده از فیلخانه مبارک مبارک سوار شده برآمده مواضع ریت کالونی سواری کرده روان
اسپ سوار شده مسافت یک کروه پایو بالا جریبی طی نموده یکدو نیم گهری روز برآمده داخل
فیلخانه مبارک مواضع هم پور متصل هوسان کرده شدند اکثر روز بعد آن فرمودند

مزی سواری یکی کدکدرانید

حسب کدار خان موته صندل و جواکره   ملتفت خان حسن   اسدالله درکاه
بید بافت عرد   وطلعه   بو وطلعه

ملتفت خان عرض نمود که مراد اکرده حکم کرد که شرف الدین مشرف قورخانه توپخانه
روانه نماید که ما بدولت بروز پنجشنبه در جای مقامات مابین کهاتیون و مرداله که تشریف می آرند

به قطع خان حکم شد که کار خانجات سرکار والا را محافظت اهتمام نمایند

محمد کاظم پسر شمیم خان بموجب دنبالۀ فتح الله خان بهادر رخصت فرمودند

سیه پوشان   کهرکهسی هزاری   مردم رساله
نفر   بمه بلوری صمانفر

زمینداران کاری بعرض رسید که بلاج باپاطه کالونی رسید غله در قلعه چندل چندل می رسد
حکم شد که انور بیگ کرزبرداری رفته قصور آن از قلعه بلا اماکنند که رسد غله راه نی نرسد

به محمد امین نایب کوتوال حکم شد که بعضی مردم لشکر میانه پایه چهار گهری روز باقی
مانده پیشتر رفتن ندهد

شرف الدین مشرف قورخانه بموجب حکم توپخانه روانه نمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

॥ अखबार सन ठ
॥ बदी ६ जोमे

اخبارات دربار جهانمدار

محرم سنه ۴۵

یوم الاربعا

۲۰ بهـ شبکل حضرت بهفت گهری روز برآمده از دولتخانه موضع [illegible] کانتی

سواری تخت روان اشرف سوار شده در راه ملا عصمت‌الله نایب محمد یار خان را

فاتحه تیر خورانده بتعاقب فوج فتح‌الله خان بهادر رخصت نموده مسافت راه [illegible] گروه جریبی

طی نموده یک و نیم گهری روز برآمده داخل دولتخانه مبارک متصل موضع [illegible] شدند

امروز عدالت فرمودند

محمد کاظم پسر منعم خان را دستور بحضور طلبیدند یک قطعه [illegible] انعام داده رخصت فرمودند [illegible]

[illegible] فتح‌الله خان بگویید همون بکنند و برادر حمیدالدین خان بهادر و [illegible] خان همراه فتح‌الله

نیز رخصت فرمودند

جماعه ذیل [illegible] گذرانیدند

مطلب خان قراول بیگی دیانت ... قطعه	مردم جمعیت بابان ... کار ... ابتو دار	عبدالرحیم قراول ... قطعه

به [illegible] خان میر آتش حکم شد [illegible] هر روز [illegible] مقرر نمایند [illegible] مردم [illegible]

با محافظت [illegible] گران باشند

حکیم محمد خان [illegible] الملک اسد خان [illegible] سعید خان [illegible] ممتاز فرمودند

رفیع‌الله خان را [illegible] انعام داده [illegible] الملک [illegible] بجا آورده

[illegible] رسید [illegible] مقابه [illegible] بوده که جهاوند کرده چنانچه [illegible]

خان [illegible] صادر [illegible] حواله عوض بیگ [illegible] فرمودند [illegible] خان بهادر را

از [illegible] تا [illegible] در [illegible] مقدار [illegible] کنانند [illegible]

[illegible] کارگیری [illegible] بحضور رسانید و عوض بیگ [illegible]

خانه ممتاز فرمودند

[illegible] خان مرحوم قلعه‌دار و فوجدار [illegible] عرضداشت ارسال [illegible]

[illegible] گذشت [illegible] قلعه [illegible] از [illegible] بتصرف [illegible]

بعد [illegible] خاص فرمودند [illegible] رفیع‌الله خان [illegible] بعرض رساند

[illegible] بعرض رسانید [illegible] ذات اضافه [illegible] خان

ممتاز فرمودند

میر حسین تن مخاطب الصدریان را خدمت کوتوالی و فوجداری شاهجهان اباد مقرر
فرمودند از تغیر ذوالفقار بیک خلعت دادند خلعت فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45/144

ساب

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۵

॥ सन २१ ॥

॥ बदी ३

یوم ... ۲۱ ماه

بندگان حضرت ظل الله دولتخانه مبارک بسواری تخت روان امده سوار شده
مسافت یک کروه پیاده ... طی نموده بکهر بخکهری روز ... داخل دولتخانه متصل
موضع کروری شدند

جماعه ... سواری یک کس ... نمایند

میر رستم ... مردم چینه پایان ... سوار
طلا انعام شده

رفیع الزمان خان فرمودند حسب الحکم بنام سید محمد پسر وزیر خان مرحوم که در ... تیور
... راجه ... زمیندار ... طلب حضور شده ... سزا انعام نموده بحضور
بیاید و حسب الحکم بنام راجه مذکور ... برکات معارف بیاید
... رفته ... راجه مذکور را ... دند
انچه از راجه مذکور یافته باشند و طلب درکار شده باز یافت نمایند

محمد مراد خان فوجدار کوده در حضور ... سواری بابت تحلیه ... و یک قبضه ... و جلد مصحف ... کذرانید ... ملاحظه نموده ... و مصحف
کرفته ... واپس دادند

॥ सन ... बदी २

یوم ... ۲۲ ماه
بندگان حضرت بکهر روز برامده از دولتخانه مبارک بسواری تخت روان امده
سوار شده ... کروه ... طی نموده بکهر ... روز برامده داخل دولتخانه
مبارک متصل ... شدند

॥ अ्रसाढ बदी ॥
॥ २ सुक्रे ॥

اخبارات دربار معلی
محرم سنه ۴۸

45/145
ROYAL ASIATIC SOCIETY.

جمعه

یوم ۲۳ بهره

دیوان موقوف فرمودند

صبح حکم والا صادر شد که مخلص الملک رفیع الزمان خان و فتح الله خان بهادر و سلطان خان رفته جای دولتخانه ملاحظه نموده باید چنانچه خاطر الله موافق حکم عمل نموده یک جای از آنجا سه کروه پایاب و جای دوم چهار کروه ملاحظه نموده به بره خوب الله حقایق مکانات آنجا نقشه بحضور فرستاده بعد ملاحظه فرمودند

असाढ बदी १० सने

یوم ۲۴ بهره

مقام متصل کهتاون یک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

محمد فاضل برادر زاده عبد الصمد ناخدا جهازات هفت راس اسپ واقعه شیمر و یک توریا و یک کتار ارسال داشته بود بنظر گذشت

از بیداری ...ن بعرض رسید که هنگام شب مردم مقاهیر که در قلعه مرد انکله بودند علیم را خانه گذاشته گریخته رفتند بعد معروض حکم شد که محمد کاظم پسر منصور خان رفته از قلعه جزدار سو و منعم خان و محمد کل و سلح بهادر است گشتی نیز در قلعه مذکور بروند

حکم شد که سید علی رضا داروغه پهری خان سامانی و محمد خلیل پسر سلطان خان و فضایل خان سالار ... متوفی آن اختیار قلعه مرد انکله بروند

فتح الله خان بهادر بحضور آمده بملاحظه رسانید که نکهبه روپیه نثار گذرانید عرضیهٔ ... فدوی و محمد کاظم و کسن راو و بدا جی بموجب حکم شتافته تهکان که متصل ناندگری رسیدند مردم مقاهیر از قلعه برآمده تفنگ بیله نموده جنگ تیر و تفنگ بواقعه شد بسیاری مفسدان بقتل رسانیده و اکثری زخمی شده و از بین طرف نیز یکه از بیله و زخمی شده آخر شکست مفسدان گریخته در قلعه رفتند باری قلعه بالا الشکن دلفه و دوازده راس اسپ مادیه و واصد مولیه بدست آمده فرمودند مجرای شد

... سواری سار ... گذشت

محمد کاظم	بدا جی	کسن راو
...	...	اضافه ...

سلطان خان بعرض رسانید که فدوی بموجب حکم برای دیدن جای دولتخانه در نواحی کهتاون دیده آمده عرضه فدوی همه برادری فتح الله خان بهادر ... کروهی ملاحظه نموده لیکن یک جای قابل جهاو زینت بنده کان حضرت نیست که خاطر نشان نمایند

رفیع الزمان فرمودند که فردا رفته قلعه مرد انکله را از چهار طرف ملاحظه نموده باید

بهره خان ناندره را فرمودند که در مورچال رفته رسد غله بحضور بیارد

... فرمودند که درباب ... عرض نمود که در باب ... برصد امر یسو حکم شد که آتالیه نماید

بس از دیوان عدالت به فضایل خان حکم شد که بدیره بخشی الملک بهره مند خان رفته ابلاغ حکم نماید که سماوات موقع فتح الله خان بهادر تعلق سنج قلعه جنید ل منذل کنکر خلعت میض هایم لاله رخصت سوی خانه کو معمل اورا خیالخر بخشی الملک بهره مند خان در دیوان لاله حاضر شده بخشی الملک را خلعت با بالا ترحمت نموده بالا قلعه حاجات مذکور و رخصت نموده فرموده طلاره بهمراهی بخشی الملک تمغه فتح الله خان بهادر و ناهر خان و لسل خان و غیره طیار نمایند

از التماس فتح الله خان بهادر بعرض رسید که تعلقه کرشکر میاکران لکبار مست و عمل سید لام الدین کرور کنج زون است امید وار است خدمت مذکور یکی دیگر مقرر شود منظور نموده فرمودند که سماکی را تجویز نمایند

اخبارات دربار معلی سابع

वाकाप्रद ११
१०६ी२२ रिवे ११

محرم الحرام سنه ۴۹

45/146
ROYAL ASIATIC SOCIETY

یوم
۲۵ بهمه

بکبهدیسه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

اسحاق

قرآن مجید حمایل مبارک لکنت بنام عمده الملک مدار المهام صادر نموده حواله مرسلی راست بهمان ارامیر فوج نموده که برساند

بخشی الملک بهره مند خان نامک رنگیلی فیل قیمت نه هزار روپیه و یک فیل مادیه قیمت چهار هزار روپیه در واجب مساعده مرحمت فرمودند

انعام

اسفندیار کوکه محمد اکبر یک قیمت یکصد مهر به	محمد کاظم پسر منعم خان به قیمت پنجاه مهر به	محمد معتصم بخشی راو کفار عوض مهر مقرر شده سالی

فضل الله خان دیوان صوبه اله آباد از انتقال ابوالفضل خان ممتاز شده بالصدی ذات بیست سوار منصب دارد

محمد حسین پسر مخلص خان مرحوم بعرض رسانید که یکصد پنجاه بلکتر و پیش یار فیل و بیش یار اسپ مابیت بخانه مرحوم بلادرگشته داخل سرکاری شود منظور نموده فرمودند که به عباس خان قلعه دار کجاب نویسد خوب الکاهدارد

فتح الله خان بهادر عرض نمود که قلعه دار جنید ل منذل و نانده کری پیغام داده که قلعه جات را تصرف والا امید بهند منظور نموده فرمودند که لایق دلاسا نموده قلعه جات را بتصرف و الا بسپارند

॥ श्री सा॥ اخبارات دربار معلی

॥ बदी १२ सोमे॥ محرم سنه ۴۸

یوم

۲۶ ماه یکپهر و سه گهری روز بر آمده عدالت فرموده

رفیع الزمان خان طوماری فوج شش هزار و پانصد سوار همراه یحیی الملک [illegible] خان بعرض رسانید

اخلاص خان میانه پانگرانس [illegible] طلا قیمت یکصد مهر به انعام داده همراه یحیی الملک بهرمند خان رخصت فرموده

مصلح خان داروغه دیوان خانه و داروغه عسکر و تجابه [illegible] بهرمند خان و محمد امین یحیی و واقعه نگاری فوج مذکور مقرر شد

محمد سعید ولد سعید خان همراه بهرمند خان رخصت فرموده چهار صدی یکصد سوار دو بیست سوار اضافه فرموده

[illegible] بعرض رسید که قلعه دار ال حیدل مندل کدن و مانند [illegible] متعلقان خود را از قلعه جات بر آورده جای مسکن خود روانه کردند

[illegible] داروغه کچهری میر سامان بر [illegible] بعنوان اخراجات قلعه [illegible] رفته بعرض رسانید که [illegible] نقاره [illegible] علیه بوزن [illegible] جهاز من سرب و باروت و شش صد توپ کلان و زنبورک براه [illegible] رواللّٰه [illegible]

قلعه مرد [illegible] صادق کدن اسم مرحمت موقد

[illegible] سنگه [illegible] او دو [illegible] سنگه چهار صدی ذات [illegible] صد سوار [illegible] فرموده

سید جعفر [illegible] داروغه کچهری دویم مقرر بود خلعت انعام داده فرموده

در رسید غله صوبه حیدرآباد و صوبه بیجاپور در کچهری دویم [illegible] صدی ذات و یکصد پنجاه سوار منصب دارند

حکم شد [illegible] خان بجای التجا خانه لدی [illegible] دهلی بیاید

ROYAL ASIATIC SOCIETY
145
147

۱۵۶ ۱۰۲

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۵

یوم السبت اکبر

۲۷ سنه … یکپاس و سه گهری روز برامده عدالت فرمودند

درین روز حمید الدین خان بهادر و فتح الله خان بهادر جای جهاوند از طرف کهانون
دیله لیله فتح و عرضی بحضور فرستاده جای جهاوند نصرت … الدین … فرمودند
جای محمد علیخان و کامیاب خان دیله لیله که انجای … نمایند

مطلب خان را نیابت بخشی الملک بهره مند خان مقرر فرمودند

میر عزالله ولد میر معصوم را داروغگی و میر … الله را امین داغ [و] تصحیحه بخشی الملک
بهره مند خان مقرر فرمودند

میر محمود داماد اسد خان را دیوانی … بخشی الملک بهره مند خان مقرر فرمودند

محتشم خان را دو هزاری ذات و هزار سوار اضافه فرمودند … و جاگیری

از التماس مطلع خان بعرض رسید قدوی را دیوانی … بهره مند خان مقرر
شده و فتح الله خان نیز در منصب مذکور تعینات است نبدل را از فتح الله خان مذکور
صحبت بر ارنیت … خانه مذکور هفتصدی ذات یکصد و هشتاد سوار … صد … بیت
سوار کم فرمودند … در رکاب … باشد

خواجه بیک همراه چیره با فتحانه پالکی گوهر ارای سکم از
شاهجهان اباد الله خلعت … مرحمت فرمودند

محمد ابراهیم ولد کفایت خان را تعینات صوبه بنگاله فرمودند

رفیع الله خان بموجب حکم جای جهاوند دیله لیله که … رسانید
از … یکنیم کروه جای جهاوند خوب است … الحال اسکم گشت
حکم شد … رفته جای دیگر ملاحظه نماید

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

محرم سنه ۴۵

۸ ... یکپهر و سه گهری روز برآمده بعدالت فرمودند

نیکنام خان میر بخشی احدیان هزاری هفتصد سوار بعوض پانصدی ذات اضافه فرمودند

رستم [illegible] بقلعه‌داری مهندرگده و [illegible] بقلعه‌داری صادق گده [illegible] مقرر شد

محمد کاظم پسر منعم خان بخشی و واقعه‌نگاری [illegible] و داروغگی توپخانه [illegible] بهرمند خان مقرر شد

[illegible] هدایت کیش [illegible] در لشکر [illegible] غله [illegible] روپیه [illegible] در [illegible] خان عرض نمود [illegible] روپیه دو [illegible] خلاف [illegible] عرض میکنید [illegible] شنیده خاموش ماندند

[illegible] بعرض رسید [illegible] را و [illegible] غله جانب [illegible] رفته [illegible] و [illegible] الله [illegible] رسید غله مردم [illegible] از کوه [illegible] محاصره نموده [illegible] قلیچ خان بهادر [illegible] خلعت نموده فرمودند [illegible] خان همراه [illegible] بهادر [illegible]

ارسلان خان عرض نمود [illegible] خان نیز [illegible] از منصب برطرف شده امیدوار بجای [illegible] منظور نموده فرمودند توپ‌های از قلعه [illegible] شاه درگ همراه گرفته بحضور باید

محمد اسعد [illegible] پسران سعید خان [illegible] بهرمند خان [illegible] غیر موقف هر سه [illegible] اسپ انعام مرحمت فرمودند

बरकी २ सं. १७५५ नाम ० सुदी १४
शीकारनाट बदी १४ न्हूधी सं. १७५८
मारवावन बुदी १० श्रुक्रे रात्र घड़ी १ जा
ना ज्यारी

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

॥ अ साढ बदी ११ गुरे रा समाचार ॥

سانحه اخبارات دربار معلی
محرم الحرام سنه ۴۸

یوم
۲۹ ماه
حضرت بندگان خلافت پناه ظل سبحانی هفت گهری روز برآمده از دولتخانه همایون بسواری تخت روان سوار شده مسافت یک کروه پایاب طی نموده داخل دولتخانه متصل قلعه مردانگی شدند

فرمان بنام پادشاهزاده محمد اعظم شاه حواله سیار التجانی نموده فرمودند مصحوب گرزبرداران بفرستند

فرمان بنام شاهزاده محمد معز الدین بهادر و فرمان شاهزاده محمد عظیم ناظم بنگاله مصحوب گرزبرداران بدا کوکتا بتاکید تمام بفرستند هر ضروری اند نرسانند

یک دارایه ابنه باستم بندی چهو نام او دیوری محل دیگ دارایه محمد مسکار خان ناظم در بنگاه اصادر فرمودند

نسخه کلام الله یک جلد مصحف الوام داده فرمودند که این را اوقات طعام حاضر نموده باشند اثار بادام هر روز رسیده باشند

از سوانح صوبه کشمیر بعرض رسید که ابراهیم خان ناظم انجا تا کاه تاریخ ادی پنج انجا رسیده وفاضل روانه حضور شده

نام رای سیاه و خواجه نعمت الله و دیگر اسپ به محمد براق در وجه مساعدت مرحمت فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
151

اخبارات دربار معلی

॥ श्रीसत्य सहाय ॥

فهرسنه ۴۵

॥४ सोमे ॥

یوم ۱

۴۵ ۳

یک پاس و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

عرضداشت شاه عالم بهادر ... در سورت وکیل ایشان بنظر گذشت

عرضداشت ... که ماده متعینه فوج ذوالفقار خان بهادر ...
پنجاه اشرفی بابت فتح قلعه ... شاه درک ... گذشت

ترلوک جلال الدین خان میر بخشی ... محمد ... شاه ...
رعایا بموجب حکم دریای نربده عبور شده فدوی ... خرابی
دردکهن ... دریای نربده عبور نکند ... در برهانپور گذاشته ایم
حکم شد بجا ماند ... بحضور بیاید

حکم شد محمد ... ارسلان خان با احمد ... در عدالت ...

روح الله خان ... فدوی در ساعت ... روانه ... گشته
کارها ... میکنند ... موسم برسات ... دفترخانه ... الدین
... حکم شد ... مسطور گشته

معقول خان ... قلعه دار ... حضرت
... کلید ... فتح قلعه ... بنظر گذشت

श्रीसत्य सहाय पुस्तके

یوم ۱ جمعه

۴۵ ۳۰ ... دیوان موقوف فرمودند

اخبارات دربار معلی

[illegible]

صفر سنه ۴۵

یوم [illegible] سنه [illegible]

یکپاس و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

دستخط فرمان بنام بادشاهزاده محمد عظیم شاه صادر شده مصحوب بداغ یک
روانه شد و فرمان بنام زینت النساء بیگم نیز بداغ یک صادر
فرمودند و یک قطعه حسب الحکم بنام جمدة الملک اسد خان بمهر روح الله خان
نیز صادر فرمودند

حکم شد که فرمان بابت [illegible] بادشاهزاده محمد معظم شاه حواله منعم خان
و بابت بادشاهزاده [illegible] شاه حواله [illegible] نمایند

تربیت خان میر آتش جهت ملکیان [illegible] گذرانید

حکم شد به متصدیان صوبه احمدآباد [illegible] از جمله اموال صیانت خان
مرحوم نقد به وارثان خان مرحوم معاف [illegible] فیلان و اسپان و نقد
جنس در سرکار والا ضبط نمایند [illegible] از جمله اموال بحضور برسند

حکم شد دو نیمه [illegible] مرحوم [illegible]
بفرستند

حکم شد [illegible] خان پسر [illegible] خان مرحوم صوبه [illegible]
[illegible] طلب حضور فرمودند [illegible]

بخطاب [illegible] خانی سرفراز فرمودند

حکم شد که بالفعل [illegible] خانه [illegible] موقوف دارند

بخطاب [illegible] ولد جهانگیر قلی خان مرحوم قلعه‌دار [illegible] منصب [illegible]
سوار [illegible] منصب [illegible] اضافه فرمودند بخطاب جهانگیر قلی خان ممتاز فرمودند

اخبارات دربار معلی ۱۱ [illegible] ۱۱ صفر سنه ۴۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

یوم ۱۱ سلطنت اسار

۱۷ ماه یکپهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

بابت سرانجام مهمات شاه عالم عرضداشت ارسال داشته بود موقوف و کتابت

بکار کردند

چاپن قلیچ خان بهادر عرضداشت ارسال داشته بود بکار کردند مرقوم بود که

شاه جهان آباد مقهوران ملک باشندهٔ مولف تاخت کرده متصل

رسیده بود فدوی شتافته مقابله نموده لشکریان مفسدان را بقتل رسانیده

ملک داده و هشتصد راس اسب مادیان و یکهزار مولیشی و پیاده و غیره اسلحه

مدت اولیا فرمودند گردید

منعم خان بموجب حکم مختار الملک امیر خان را جانب چندی از منصبداران کوچ

کنانیده بعرض رسانید که طلب مردم صاحب دیگر در سرکار والا

مبلغ بیست هزار روپیه از خزانه اندرون محل بدهند

حکم شد بیست نفر بیلدار و ده نفر سنگتراش و بیست کهار بمحل درست نمایند

پست و بالای مردانگی تعین نمایند

حکم شد ده نفر منصبدار ده نفر احدی و پنجاه نفر پیاده بکار سرکار و در قلعه

همراه سید جعفر داروغه کلخ دویم تعین نمایند

هفتصد سوار دو اسپه

یک اورسی انگشتری زمرد قیمت پانصد روپیه و یک پهونچی قیمت

یکهزار روپیه و گوشوار نیلم قیمت پانصد روپیه و کنٹهه مرصع

قیمت هفتصد روپیه و چمک مرصع قیمت پانصد روپیه به امة الحمید

دختر حمید الدین خان بهادر ... مرحمت فرمودند

بعرض رسید که شتران و گاوان سرکار والا و لشکر

برای چرانیدن بسمت تانتون رفته بودند ازان جمله هشتاد

شتر سرکار والا و غیره لشکر مفسدان گرفته بردند

چنانچه کلاب خان داروغه شتران نو خرید هفتصدی پانزده

سوار پنجاهی کم فرمودند

محمد باقر و ضیاء الدین و ... والدین و ذکریا برکت الله حاجمه بار اید

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

115 / 1511

اخبارات دربار جهاندار

صفر سنه ۴۵

یوم

سه شنبه

۲۵

یک پهر و سه گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

عرضداشت بادشاهزاده محمد معظم شاه بهادر مصحوب محمد شفیع وغیره از نظر مبارک گذشت

چنانچه محمد ... چیزی و ... به ... الوم ... دادند

حکم شد که القاب مطلب خان ... لایق المرحمت والاحسان می نوشته باشند

حکم شد که ... غازی الدین خان بهادر در ... برسد و جمدة الملک مدار المهام اسد خان

... خان کوتوال را گذاشته معه فوج بحضور بیایند

به ... خان حکم شد که چهار نفر ... و یک ... نفر ... همراه غازی الدین خان

طلب حضور نمایند

... خان موافق حکم سید ... حقایق ... رسیده ...

... التماس می نماید که تمام رسد غله در گنج قدیم بابت امام الدین خان ...

ارزان ... حکم شد که رسد ... در گنج امام الدین خان و ... خان رسد

صوبه بیجاپور ... و ... خان ... گنج مقرر فرمودند

و حکم شد که ... خان ... دولتخانه گنج ... نماید

حکم شد که ... تهانه دار ... متعهد ... خان ...

حدود ... محافظت قافله ... کرده

اخبارات دربار معلی ساله ۴۵

२ ॥ स्रावण बदी ॥ ७

صفر سنه ۴۵

روز ... پنجشنبه ... ۲۶ ساعت

یک پهر و سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

محمد بدیع و عوض و ده نفر گرزبردار عرضداشت ذوالفقار خان بهادر در اوقات باب تنخواه مزدوران دهنا جاولان ... بنظر گذرانید

حکم شد که ... ده هزار روپیه ... الملک بهرمند خان رسانیده بیاید

از مطلب خان پرسیده بودند امروز کدام تاریخ ... مردلو ... خانه‌زاد کور واقف نبود عرض کردن نه توانست حضرت تقویم ... خانه‌زاد کور دلاور نقل کرده بگیرد خانه‌زاد کور قیلمان ... بجا آورده

قبجاق خان قراول دست راست و شمشیر بیگ قراول دست چپ مقرر شد

اسفندیار کوکه محمد اکبر ... فوجداری ... صوبه بنگاله از تغیر عابد خان عوض میر عبدالله مقرر نموده فرمودند ... مراتب بعرض رسانند

از ... الله خان تهانه‌دار ... بعرض رسید ... با جمعیت ... در ... خالد ... بهم رسانیده ... نه اکر ... از حضور دیگر ... فرمودند تنبیه نمایند فرمودند تنبیه نام داران ... فهمید حسین قلیچ خان مقرر شد خانه‌زاد کور نیز [illegible] خان برود

از ... قادر داد خان ... حسین خان فوجدار ... بعرض رسید ... سه هزار ... متصل ... دیوار ... محاصره نموده

از سوانح صوبه بهار بعرض رسید که احمد ... خان دیوان آنجا ... ذات یکصد پنجاه سوار بود بقضای الهی فوت شد حکم ... اسد خان دیوان آنجا یک تجویز نماید

محمد نجیب ... فوجدار ... از تغیر ... اکبر پور نیز مقرر نموده پانصدی ذات ... صد سوار بود پانزده سوار اضافه نموده نیابت محمد ... بدستور مقرر نموده صدی ذات بود پنج سوار اضافه مرحمت شد

بعد از بن استماع نبذه شتافته مفسدان از اتهمه بعنف رسید مذکور با اخلاص
نموده در تهانه حبل الاسلام عرف کوه مهادیو رسانند در هنولا همراه
رسد غله در پهلواری رسید امیدوار ملازمت ایم فرمودند باید
به منصبداران شش صد سوار منصب دارد

کار طلب خان دیوان صوبه بنگاله و فوجدار مخصوص آباد با خدمت فوجداری بردوان
و مید نیپور بیرار از تغیر شمشیر خان مقرر نموده با ... صد سوار بود و بالقدر سوار
و چهل لکه دام انعام اضافه شده معزول هزاری بالفعل ذات یکهزار سوار از انجمله
شش صد سوار دو اسپه بود و شش صد لکه دام انعام با پانصد سوار و چهل لکه دام
انعام مرحمت فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.
45
156
॥ अखबारात ॥
॥ ... ॥
روز ...
۲۷ شهر
جمعه
یک پهر شش گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

بهادر دلو خان ملازمت نموده یک پهر دو روپیه نثار گذرانید خلعت انعام داده فرمودند

دو یکهزار گاو رسد غله به فوج نجیب الملک بهرمند خان رساند

مصلحت خان نایب نجیب الملک بهرمند خان عرض نمود نجیب الملک بالقدر روپیه بابت
علاوه یکم تنکه در باب دادن عمله فعله جواهرخانه فرستاده بهچه امر حکم شد معاف

... بیک و بهادر بیک گرز برداران را اقتل نموده فرمودند محمود صدیق وال کولسنداران
و توپهای از قلعه بام گیر زاویه نموده با بدرقه رحمت الله خان به فوج نجیب الملک بهرمند خان
رسانیده باید

کهرکسین با هزاری بندو قچیان و بهلینه بابت اگاه داست سپهدار خان بهادر
مقرر نموده بالنعام داده

دنکت زمیندار کونیل هزاری و ... صد سوار بود بالفعل ذات هزار کمی بموجب تعین نجیب الملک
بهرمند خان اضافه شده

اسفندیار کوکه محمد اکبر با فوجداری سلطنت مقرر شده بالفعل پنجاه سوار بود
شش صد پنجاه سوار و بیست لکه دام انعام اضافه فرمودند و خلعت مرحمت شد

رعایا و زمینداران پرگنه مراله ما بین کهلنه و پرالیه واقعه استعانه شدند
مردم مقاهیر برای رسانیدن سرب و باروت بندهای با بیکار میگذرانند
وار است تهانه دار انجا به سنگر ... واقف القلعه ... مقرر نمود

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

ساير

اخبارات دربار معلی

صفر سنه ۴۵

॥ सावण बदी ९ ॥
॥ [illegible] ॥

یوم جمعه

۱۲ شهر

دیوان موقوف فرمودند

حکم شد امروز تاریخ بیست و ششم شهر مذکور است از بیست و نهم اعتبار نمایند

॥ सावण बदी ११ सने ॥

یوم

غره شهر ربیع الاول سنه ۴۵ یک پهر چهار گهری روز برآمده عدالت فرمودند

تربیت خان چهار کلنگ [illegible] گذرانید

حکم شد حسن قلیچ خان بهادر را بخدمت فوجداری کرناتک بیجاپوری از تغیر معمور خان مقرر نموده مراتب بعرض رسانند

حکم شد خدمتگار خان ناظر و سربراه خان کوتوال و حکیم محمد شفیع و محمد حسن و میر بدل خان و غیره یکهزار و ششصد و بیست و هشت سوار از ارکان عمدة الملک در شکارگاه بعد درست [illegible] نمایند

خلعت وراثت [illegible] بمرحمت فرمودند و یک راس اسپ بمهر [illegible] عبد الغنی بمرحمت فرمودند

حکم شد عامل متعلقان مخلص خان مرحوم را در خجسته بنیاد برسد

اضافه منصب

معز الدین

قادر خان زمیندار [illegible] ملتانی تجویز [illegible]

سرکار التمش

بصد بالصدی ماه سوار

اضافه اصل [illegible] سوار

محمد عابد برادر [illegible] خالد گور بصد دو صد [illegible] سوار

اضافه [illegible]

کار طلب خان دیوان صوبه بنگاله فوجدار میدنی پور و بردوان

بصد [illegible] سوار

اضافه ما سوار

منظور فرمودند پنجهزاری سه هزار سوار منصب دارد

بعرض رسید که در خانه لطف خان پسر انور خان مرحوم دزدی شده

تمام متاع دزدی رفته حکم شد محمد امین نایب کوتوال رفته تحقیق نماید

محمد یوسف ولد محمد یعقوب خویشگی متعینه تهانه درداخان بنوره صاحب فتح جنگ خان
بهشت آرامگاه محمد معظم شاه مرحوم

بقصد اضافه احدی بانبه اکا سوار	بقصد هفصدی هما سوار	اضافه صدی سوار	بقصد هشتصدی سوار

گذارش دربار معلی
مولانا محمد ... سنه ۵ جلوس

... خان حضرت یکهزار و چهار صدی ... برآمد ... منظور است و مقصد

برادر حکم ... نحی الملک روح الله خان عضد الملک ... الاهی ... فرزند ...
که بسیارت خان را رخصت ... شود ... باید ... مطالب عرض
ازین رساله کفه ... وار فدوی ... شده ... منظور ... مرده

تصحیح

تحریر الملک عبدالرحمان خان عضد ... در صوبه کشمیر و حضرت ...
... حکم ... کسی را از ... آگاهی تحریر نماید

... میر آتش ... عضد الملک اسد خان نزدیک رسیده ... شود
فدوی ... منظور و مقصد

... محتشم خان ... سه ... بکذارد ... سوار ...
فدوی بحال شده ... مقصد ... مجدد ...
... منظور و مقصد ... دارد

حکم ... جعفر ... آرا ... حضور ... آگاه ... مقصود ...
رسید ... تصحیح ملاحظه نماید

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۸

॥ [illegible]

یوم ۱
۲ پهر سه گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند.

یک قطعه فرمان و سه قواله عطر اکر و تحت قواله چوره به نام شاهزاده محمد معظم شاه مرحمت فرمودند

رفیع الله خان معروض نمود که حسب الحکم اعلی شاه جیو به بنده نشان فرستاده
نور حسن علی پسر حسن علیخان مرحوم تنخواه فوج عالی را ازجاگیر او
نمی‌رسد بنابران امیدوار است یک ساله را رخصت بجاگیر مرساله
در هندوستان واقع است مرحمت شود منظور فرمودند هفتصدی ذات
هشتصد سوار منصب دارد

بعرض رسید که مردم متعاهین تواجی بهادر پور او را ریکه دارند چنانچه سیادت خان را
بیلدار شه مقدان رحلت نمودند وترکمان خان و محمد لطیف و محمد امین و ... سنگه
وکشن راو و تهاندار رکهتی پور و زوراور سنگه و شمشیر بیگ وغیره او نفر چهار صد
پنجاه سوار را وقت همراه خاندکور رفتن فرمودند بموجب ضابطه نوازش بوکاله تولی
فرمودند

بهلسمه | سه‌شنبه دار | الصدر | بابان | بابان دار | سنتر بابک
ماه اهه | ماه اهه | ماه ع | ماه ع | للعه اهه | صمه ضرب

حکم شد که اهل حرفه روز ... دارالحرب تغییر شده بحضور
می آیند تا آنکه از کاغذ مفقود نمی شوند بلدار ... آن ... نمی شود از
آنکه بلدار ... ممکن نیست باشند بعد بلدار ... کاغذ
در دفتر دیوانی مداده باشند

محمد امین خان صدر را خلعت خاصه انعام داده برای تنبیه مقاهیر والاجاه
از حضور تا بنگاه بجا رجاین قلیچ خان بهادر بجانب کاشغر ورز
رخصت نمودند فرمودند فوج همراهی خانه کور بهمراه سر اله لعلی
نمایند و خان بهادر را بنویسند بحضور بیاید بعلاوه فوجداری
کرناتک بیجاپور رخصت می‌شود بر مفسدان را رفته تنبیه
نماید

از نوشته عبد الرؤف پسر ... خان بوضوح رسید که فدوی موافق
حکم هشت هزار رکاب ... غله از دریای بهیرا گرفته روانه حضور
شده بود در اثنای راه ماهی تهانه بارامتی متصل موضع
مال مردم مقاهیر مقابله نموده جنگ تیر و تفنگ واقع شد مفسدان را
فرار ساخته از اقبال حضرت ... فرمودند مجرای
شد بحضور بیاید

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
160

اخبارات دربار

ربیع الاول سنه ۴۴

॥सावण सुदी २॥ सोम॥

دوم

۳ ماه

یک پهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

دیروز ... از واقعه صوبه احمدآباد بعرض رسید که شجاعت خان ناظم
آنجا و فوجدار جودهپور پنجهزاری ذات چهار هزار سوار از آنجمله سه هزار
سوار دو اسپه سه اسپه دو کرور دام انعام منصبدار بقضای الهی فوت شد بعد موقوفی
خدمت صوبه داری احمدآباد نیز به بادشاهزاده محمد اعظم شاه مقرر نمودند
حکم شد که عنایت الله خان دیوان تن و خالصه جاگیر بادشاهزاده درست کرده
بنظر انور بگذرانند و بادشاهزاده چهل هزاری ذات سی هزار سوار
یک کرور دام انعام منصبدار اند

بادشاهزاده محمد معظم بهادر شاه عرضداشت بمصحوب ... بیگ و
سه نفر ملازمان سرکار خود ارسال داشته بود بمعرفت منعم خان بنظر گذرانید

باقر خان [illegible] الله خان مرحوم را نایب سیادت خان داروغه غسلخانه
نمودند پانصدی یکصد پنجاه سوار منصب دارد

دنیا نایک ... بمعرفت سید علی ... ملازمت نموده هفت اشرفی نثار گذرانید
موهن ... الله را خلعت و اسپ ... انعام داده ...
غله رخصت نموده فرمودند ... کرناتک ... معه پروانه دیوانی همراه ...

دیهات ... دربار معلی

... ربیع الاول سنه ۵ جلوس

بسم الله ... ربع

موجب ... ملک آنحضرت ... ... عرضداشت نمودند

مطالب ... ... بعرض رسید

اول آنکه ... ... بیت آثار کوله بحوز دوده ... ریگله با ... ... زبان ... وعده ... وسط ... محمد ... حکم ... منصور ... بنام ... رسید

دوم ... گاه ... برای ... مقابله ... سوار ... بنده منصبداران ... قلعه ... بزرگ جمع بردم ... بنده در قلعه باشد منظور ... فرموده ... حال ... بخوبی باشد ... صدور ...

سیوم ... سواران ... مشروط معاف شود منظور حکم ... چهار ... مشروط ... سوار ... سوار

چهارم میر محمد فاروق خان ... سوار و عبد العظیم ... سوار ... ... منظور حکم شد

پنجم ... ... محمد ... ولایت ... سوار ... بخواه ... حکم ... ... نخواهد

ششم اسمعیل خان ... بنده ... شود منظور ... فرمود

مذکور ... عدم مزاحمت تعلق نمایند

مرحمت خان داروغه جواهری بازار ... بهوج ... است ... هزار روپیه ... کدراند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/762

اخبارات دربار معلی

رفیع الدوله ... نقل

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

[illegible]

بسم الله ... [illegible] ... عدالت و ...

... ملکان حضرت ... سنه ... [illegible]

مرحم

به بخشی الملک رفیع الدوله حکم شد که ... ایران امیرخان

برای شوای صدر الملک اسد خان بروند صاحبه موافق حکم ... آورده

... صدر الملک برای ملازمت بحضور آمده حکم

... ملازمت ... کرده ... [illegible]

چهار هزار روپیه ... گذرانیدند ...

والیس ... دست راست ایستاده ...

خلعت خاصه ... الهام ... [illegible]

... [illegible] ...

... ملازمت ... گذرانیدند

محمد صالح و محمد کاظم	ابوالفتح خان	جنت ... کامان
نبیره های صدر الملک	مصحح مجید	
... مهر	جلد	... مهر

محمد فاروق خان ... قصدار آدونی بحضور ... آمده

ملازمت ... مهر ... گذرانیدند

حکم ... محمد معز الدین بهادر و سلطان عزیز الدین ...

نائب صوبه ملتان مقرر ... نائب ...

محمد ... بهادر شاه ... صوبه ... باید

حکم ... القاب عبد الرحمن خان ... [illegible]

... [illegible] ...

دادن چهار صد ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

ساىہـ
اخبارات دربار معلی

॥सा व रात सुदी
॥ ११ ॥

ربیع الاول سنه ۴۸

یوم ... بنـ ... ا ... ر

یکپهر ساعت یکری روز برآمده عدالت فرمودند

ماه ... محمد معظم شاه بهادر بسلام آمده دختر ... بالفعل مهر ارسال
[redacted]
داشته بود بنظر گذشت

[redacted]

حکم شد بازو بند فرصع جواهر قیمت پانزده هزار روپیه به اهلیه
نائب شاهزاده محمد معظم شاه بهادر بفرستند

فرمان بنام شاهزاده محمد معزالدین بهادر صادر شد موضع حواله یار علی بیگ
کرده بفرستند

حمید خان بیجاپوری عرضداشت ارسال داشته بود موقوف
یار علی بیگ بنظر گذشت مرقوم داشته بود که فدوی قلعه
اودهی کرده بعلاقه بادامی ازدستهای مفسد تصرف والا او نصر
فرمودند که بجای سند

فضل علی خان معروض داشت که انبار غله در کنج بهم ... سرکار
بنجاره سپار ساله سید عصام الدین خان ... انبار میفروشاند و یک کرری
کلیچ وا میکنند بعد آن بند میدارد چنانکه سید امام الدین خان

نبی سلسله برادر ... عنصر بهادر

با قی بیگ ... قاسم
عنصر بهادر
... ...

نظام الدین ... مصحف مجید جلد

خالصه شریفه

صلاح الدین خان عنصر بهادر

لطف خان ... بیانه زر زنانوسی عنصر بهادر

عبد الهادی ... سید شریف
... بیحوره جلد

بعض

بعض

... خان
... روپیه
... ...
حکم ... کرده باشند
... ...

کامیاب خان برادر ... خان را ... قیمت ... یکصد ...

رفیع الدین خان ... خان قصدار اتاوه وجب ... بود که
دو صد نفر نقب کند ... بدر رشته ... محصول ... باشد

خان
الوس طعام ... میوه ... خان حواله حکم خادم
دو الف ... عنبر ... مفرده ... رشانید

१२ क १६ सी ० ७ ६ ८ ९६ = आसो जसुदी
१० नोमे आवी

پانصدی یکصد سوار بعد بیست سوار کم شد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

سال ...

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۱۷۵

॥ [illegible] ४ ॥
॥ [illegible] ॥

یوم

جمعه

۶ پهر

یکهر سه گهری روز برآمده عدالت فرمودند

نامه شاه عالم محمد کام‌بخش عرضی ... محمد رستم دلخان نایب بنده صوبه
دار حیدرآباد با یک زنجیر فیل و دو راس اسپ و یک دست سپر و یک قبضه
شمشیر وغیره برای پیشکش فدوی فرستاده بهمه امر حکم شد بگیرند چنانکه
عاید السلطنت نخالو... [illegible]

حکم شد خواجه عبدالمجید دیوان و ابوالفرج قاضی احمدآباد بجای دیگر
متصدیان آنجا طلب حضور نمایند

از نوشته بهره‌مندخان که محاصره قلعه چندن مندن کرده است
بعرض رسید که راجه جادون معفد و ... را او وغیره پاسداران
با جمعیت بیست گروه او اراده دارند میخواهند که کومک قلعه‌جات
مذکور نمایند امیدوار است دو صد دسته تیر و دو صد قبله بان
مرحمت شود حکم شد که بهره‌مندخان بنویسند

حکم شد که ابراهیم پانصد سوار با طلب مع ... خواجه خان و محمد کام‌بخش خانی
و خواجه محمد وغیره همراه مطلب‌خان طیار نمایند که بالای کومک ... الملک
بهره‌مندخان رخصت میفرمایم

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

سال
اخبارات دربار معلی
ربیع الاول سنه ۴۸

॥सावन बदी॥
११

یوم جمعه ... سال

۷ هله

دیوان موقوف فرمودند

بعرض رسید که نذر نه هزاری پانصد سوار بموقوف گشت محمد امین
پسر مرحومی در ماتم نشسته است حکم شد که خواجه بابا رفته برداشته
بحضور بیارد

بعرض رسید که صفت الله داروغه عدالت دوم چهار صدی
پنجاه سوار بموقوف گشت چنانکه خدمت مذکور به سعد الله پسر مرحومی
مقرر نموده فرمودند که از صوبه بهار طلب حضور نمایند

सावन बदी २ सने

یوم ... ایضه
یکدسته گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

نگه داشتند

... خان ... متعاهیر رفته ... ملاقات ... دو پهر

حاجی محمد جلیل داروغه ابتیاع اسپان سرکار ... از تغیر
عیوض بیک مقرر شده

خاصه ... مقرر شده

موسوی خان میر سامان سرکار ... محمد اعظم شاه تحت اول سرکار ... از تغیر
جلال الدین خان نیز مقرر شده بالاصل ... سوار

میر احمد خان ... از کابل طلب حضور
... داروغه ... صوبه احمدآباد
از ... شاه الله ... مقرر شده
بالاصل ... سوار

حکم شد که نائب ... دو صد بان و ... سنتر ناک و چهار بان انداز
... باروت همراه مطلبخان بفرستند

حکم شد که عزیز الله خان و ابوالفتح خان و نصرالله خان و تاتارخان ... وغیره همراه عمدة الملک مدار المهام اسدخان بحضور بیایند

به حمید الدین خان بهادر و مطلب خان ... کلاه ... مرحمت شد

اکرام خان ... محمد اعظم شاه طلب حضور فرمودند

پسران سبحان سنگه کرن و ... چهار سنگه ... جواب ...
معاف فرمودند

بعرض رسید که محمد ... دیوان کرناتک حیدرآبادی ... لکه روپیه
پیشکش ... زمینداران ... داخل خزانه عامره
فرمودند حکم شد که تحصیلداری آن ضلع ... مقرر نمایند

... خان فرمودند ... داروغه ... سوداگران
... بحضور ... تا کسی ... همه اسپهای بحضور
بفرستند از راه متفرقه نشوند

[illegible Devanagari heading]

اخبارات دربار معلی

۱۸ ربیع الاول سنه ۴۸

یوم ا[illegible]
۹ ... بیک پهر ۳ گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

محمد [illegible]

مطلب خان عرض نمود که ارجن سنگه پسر راجه سهم [illegible] متعهد فوجداری [illegible] سهار[illegible] کتخدایی از عالی رخصت شده به وطن آمده بود در مولد سید عبدالله خان ناظم احمد در صد سوار در سرکار [illegible] داشته همراه موتی الله فرستاده در باب ملازمت [illegible] امر حکم اجتماع ملازمت نشد همراه مطلب خان برود

در این ولا برسالهٔ هرکاره بعرض رسید [illegible] خان مغفور خبر یافته که خان [illegible] رسیده از آنجا جانب گوالیار رفته

سید محمد خان

مطلب خان میر تزک اول را برای [illegible] مقامی [illegible] تعلقه چندن منزل رخصت [illegible] موخر [illegible] همراهان را الزام شد

اسد الله خان بهادر	کامیاب خان	خیر الله محمد یحیی اول [illegible]
قیمت اسپ ... ماهه	قبضه خنجر	[illegible] محمد [illegible] سوار [illegible] خلعت

ارزوی علیم الله خان بعرض رسید که یک لک روپیه بابت [illegible] جاگیردار جانشه موجود است حکم شد که [illegible] بحضور فرستند وکلای نواب شاه عمو تخت بلند کم بخت فرستاده [illegible] گذشت

نذر یک [illegible] سرکار والا [illegible] مهر النساء دختر محمد امین خان مرحوم [illegible] به نگاه رسانید

بعرض رسید که سید عظمت الله خان [illegible] احوال در [illegible] نشسته است امیدوار است بمنصب یک [illegible] مرحمت [illegible] دو هزاری پانصد سوار

معتمد خان دیوان دکن هفتصدی [illegible] سوار [illegible] اضافه شد

[illegible] १७० [illegible] आसोज वदी १० [illegible]
[illegible] ४ दिन [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۵ ...

یوم الاحد

بعد یک پهر ۳ گهری روز برآمده عدالت فرمودند

حسن قلیخان بهادر که بخدمت فوجداری کرناتک بیجاپوری مقرر شده
ملازمت نموده نه مهر نثار گذرانید

دولت

دی روز بعرض رسید که ارشد خان دیوان خالصه شریفه هزاری پانصدی
پانصد سوار بود فوت شد حکم شد که منعم خان وغیره متصدیان رفته اموال
جائیداد ضبط نمایند چنانچه بعرض رسید که ... پانصد مهر و شش صد روپیه و
هفده راس اسپ و یکسر فیل وغیره اثاث البیت اموال خان مرحوم
برآمده حمید الله خان بهادر فرمودند که محمد حسین پسر خان مرحوم بنویسند
که ازینجا بحضور بیاید

از انتقال ارشد خان مرحوم خدمات مقرر شد

عنایت الله خان بدیوانی ... دیوانی
خالصه شریفه مقرر شد

محمد باقر ... صفحه الله ... رحیم
داروغه عدالت دایم باشد
سعد الله مقرر ... شد

اضافه
هزاری پانصدی
ماهانه ... سوار

خان

مطلب خان عرض نمود که در باب حواله نمودن مهر بخش اهلک [illegible]
هیچ امر حکم شد حواله اهله بخشی اهلک نماید

طلب سبحانی خلیل خان داروغه کمانداران را باالموقف چنانچه حاضر آورده
محی ... فرمودند با براق در عدالت ... چنانچه آمده فرمودند
در یکصد کماندار ... همراه مطلب خان تعین نماید اگر موجود باشد
از کارخانجات گرفته تعین نماید

حکم شد

بعرض رسید که پانصدی ... از کابل آمده به ... رسیده
که از زر دار رفته بحضور بیارد

نماید

حکم شد منعم خان با آمدن مطلب خان ... [illegible]

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۹ ۲

ابد پیوند یک پهر و سه گهری روز برآمده عدالت نمودند

محمد مراد خان را فوجداری بیر و سلوکالو و راهداری از گهات تا تهانه که از تغیر سید وجیه الدین خان مقرر نموده نهصدی سه‌صد سوار بود و هفصد سوار بلکلک روپیه ... هندی افزوده ... هزاری هفصد سوار بود و یک لک روپیه ... هندی داشت ... سوار ... که منصب ... برای ... بود

لشکر خان بخشی فوج شاهزاده محمد عظیم هشصدی ... سوار ... صدی دارش للاولی ... اضافه منصب

حکم شد اموال ارشد خان مرحوم محمد حسین ... مطالبه سرکار ادا سازد

شاهزاده محمد عظیم ناظم بنگاله بالصد مهر ... ارسال داشته ...

کارطلب خان دیوان صوبه بنگاله برادر امین خان ... شد

حکم شد ... در طلب بندهای جلو ... مطلبجان بدهند

مطالب ... محمد سعید قلعه‌دار ... بعرض رسید

اول در قلعه ذخیره نیست حکم شد ... شده

دوم ... به ... خان مقرر است ... حکم شد ... که ... بدهند

سیوم دیوار قلعه ... فتح الله خان ... شده ... هزار روپیه ... که مرحمت شده بود ... خان است حکم شد ... حواله نماید

چهارم طلب ... شده حکم شد ... رسانند

اخبار دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۸

یوم الاحد بیست و نهم

۲۴ ابد به شرف اللهی منزل قرانتجانه حکم برای امروز دوالوس

وفات بست ارزم لیتجانه مبارک تا آثار شریف سراپچه ها

استاده بکنانده ماند دولت برای طواف شریف میرزا نام

مومی الیه برحسب حکم بسمع آورده میگا حضرت بیکپهر روز برآمده

به سواری میانه سوار شده در آثار شریف تشریف برده تلاوت

قران مجید بمعه فاتحه خوانده طواف کرده تا سه پهر در آنجا مانده

دو صد اشرفی نذر گذرانده بعد ان خواجه منظور یک جلد مصحف

و یک جلد رساله شاکس گذرانده بعد کا حضرت بسواری مذکور مراجعت

نموده آمده داخل دولتخانه مبارک شدند دیوان و عدالت

مرقوف [illegible] نمودند

را

از سوانح فوج ... جالندهر ... مرقوم ... که جالندهر ... خود

در شولا لبور رگذاشته برحسب حکم برای تنبیه دزدان شتافته آنطرف

بریده با دزدان مقابله نموده جنگ واقع شد بسیاری مفسدان را

بقتل رسانیده و زخمی ساخته مفسدان شکست خورده گریخته

بعد تنبیه متهوران جانب ... روانه شد فرمودند ... مجرای شد

حکم شد برای دلاور خان به صدارت شاه آباد بلادی از تغیر ... مارث ... محمد

اعظم شاه تنخواه خود در ...

... قلی که زنده است به حکم ... طلب حضور شده

بموجب ... صوبه ... مقرر شد

میر عبدالواسع داروغه عوایر ... صدی ... سوار | ملا عالم داروغه عدالت صدی | ... داروغه داغ و تصحیح دو صدی

محمد ... امین داغ

تصحیح صدی

د

حکم شد برای ... ده هزاری ... هزار سوار و بهادر ... هزاری ... صد سوار

دل ... هزاری ... صد سوار از ... باب ... محمد اعظم شاه

... به حضور ...

گرزبردار

خلعت ... برای ... خان ... الله ... حواله محمد امین

فرموده که رسانند

فرمان ... بنام ... خان ناظم صوبه ... صادر شد

॥ स्रावन सुदि १३ गुरे रासमा
॥ वार

بسم الله الرحمن

۱۳ اپهر ملک الحضرت یک بهر چهار گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

نامدار علی بیگ داروغه هرکارها عرض نمود که در دولت‌آباد هرکاره فرمان بنام خان لشکر ور جنگ بهادر که شب برده بود رسانده عوضداشت خان لشکر در جنگ آورده خانچه ببست روپیه و دو دستی از خان لشکر در حد متانه یافته هرچه امر شود حکم شد معاف عوضداشت برطاالدر گذرانید

زمانی هرکاره بعرض رسید که در دولت‌آباد خان بهادر لشکر جنگ از زمان حادونی و غیره مفسدان از قلعه اعظم گده شتافته بود در بخشی الملک بهره مند خان رسیده از بخشی الملک ملاحظه ای تمام شب یکی مانده بعد از آن خان بهادر تعاقب مفسدان کوچ نمود

کامدار ناصر خان بهادر چکله لک را الحمد که دارو علی بوجاره مصور بر لذ تیغ بر صوبه داری خان نموده نوشته بود اشارت شد زاده محمد میرزا بهادر شاه نمیرزا نمود بهر از یا بصدی بهفتصد سوار از جانبه بکصد سوار در مه استیه

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

45
170

॥ सावन सुदि १४ शुक्रे रासमा वार ॥

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۸

جمعه

۱۲ اپهر دیوان موقوف

دیروز در حولچه مسعود عرض نمود که فدوی برای محافظت باغات واقعه بده بیجکا بوده رفته بود در حصن ابوالحسن پسر امیر خان مرحوم با جمعیت پنجاه کس برای دیدن تماشای آمده شراب خوری نموده درخت‌های باغ مذکور را از فیل ضایع میکنانند خانچه نوکران حاته زاد مانع شده بجنگ پیش آمده چهار پنجکس را زخمی نموده و یک کس را از اینها بجان کشته خواسته بود که بنده را نیز بجان بکشند از کرم خدا و فضل حضرت زنده آمدم خانچه مومی الیه هفتصدی دو صد سوار بود دو صدی یکصد سوار کم نموده فرمودند که پسران امیر خان مرحوم را از آمدن مجرای دیوان خاص مانع نمایند و فیل ده راس از ابوالحسن را در سرکار والا ضبط نمایند

॥ सावन सुदि १५ सनेरासमा
॥ वार ॥

بسم الله

۵ اپهر یک پهر سه گهری روز بر آمده عدالت فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبار دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۵

بسم الله

عبدالله بیگ بدرستکاری روزنامه عدالت میکند

حاجی عبدالله بیگ کوکه مجاهد خان مرحوم وغیره بنشنی بود منصبدار
عرضه داشت عارالدین خان بهادر فیروزجنگ اولقه سلطان پور
کلانهند مورچل داشته بوده دادجی وغیره با سرداران غنیم همراه دراطراف
کانتی و مارسی جنگ سلمنجه بوفوری برای تنبیه آنها شتافته راهی
رسیده مقابله نموده جنگ واقع گردید اکثر کسان با سردار
مذکور را مجروح ساخته با سردار دیگر وغیره دردان لشکر بقتل رسیده
مجروح خسته گشت دلیرخان وسه اقتان وده رورتحلقاره
وغیره غنیمت آنها بدست بندهای بادشاهی آمده چنانچه شده گلهٔ سرداران
مذکور همه اسباب دیگر بابت تاراج بحضور ارسال داشته حکم شد اسباب
مذکور ضبط بکردانید چنانکه ضبط گردند وموده اند که مخفی شده و
حاجی عبدالله آمده عرضه داشت راحلت الحاق مرحمت کرده اند

میر محمود ومحمد حسین ولد ارشد خان مرحوم را حکم شد که برای

مشده

محمد حسین پسر ارشد خان مرحوم که بخدمت دیوانی صوبه مذکور
بخطاب کفایت خان ممتاز نموده با اصل یک هزاری بیک هزار دو صدی اضافه
شد

رسیده اند

بعرض رسید که هفت شتر پر از چیزه با نجابه ارشد خان مرحوم درینگاه رسید
حکم شد که درتمام اموال خان مرحوم درسرکار والا ضبط نماید

حکم شد که منصب خان بر طرف شده از دیگ شاه عالم بیگ بحضور بیاید

از پیشکش قلعه معرفت معتمد خان داروغه عدالت بعرض رسید
درفدوی ازگفته عوض کوهان رد کردان شده بود چنانچه پسران خود
رسیده بعد دارالسلطنه تقصیر معاف نموده قول وپنجه مرحمت شود
درخاطر جمع بحضور آمده درکار باشد خاطر جمع بنمایم منظور نموده
ومعقد وامی دیگر نماید رادهر کاره برای آوردن جانب اسدی بردند

محمد یوسف الدین فاطمی و گاه نائب نایب هم بعد محمد مسلم از
راحد مثت قضای صوبه کابل مفوض شد

کنج علی خان معزول داروغه توپخانه صوبه کابل طلب حضور شد

॥ना दो बदी
॥ २ सो पेठ सम
॥ चार ॥

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
172

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵۰

یوم الاحد
یک پهر و چهار گهری روز بر آمده بعدالت برآمدند

بیتجان

فرمان و خلعت بنام کشن چند زمیندار کالون صادر شد حواله گرز
بردار که مصحوب منصبدار نوشتند که زمیندار مذکور آمدن حضور
نیک [illegible] که در انجا است حضور بیارد

شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر عرضه داشت [illegible] بنوبت
سلطان [illegible] بنظر انور گذشت

حب

بعرض رسید که یحیی ملک [illegible] خان بیمار است و مطلبی [illegible]
حکم از یحیی ملک مرخص شده [illegible] گروه از طرف آمده بود
استماع [illegible] یحیی ملک رفته به حکیم صادق خان حکم
که رفته معالجه یحیی ملک نماید [illegible] الیه
بدهد

به عنایت الله خان دیوان خالصه فرمودند که چون ملک مدار المهام
سرانجام کارخانجات سرکار والا واقعه نگار [illegible] فرموده
مدار المهام طلب حضور شده اند شما برای سرانجام کارخانجات آنجا
کسی را تحریر نماید

محرری باپراق در عدالت می آمده باشد [illegible]

ف

راو دلیپ [illegible] و سردار سنگه قلعدار [illegible] کرده و
نجیبی و شیدا اسمعیل [illegible] را در قلعه صوبه [illegible] داد امان الیه
ولد [illegible] ارسال داشته بود بنظر انور
گذشت

حکم [illegible] میرزا [illegible] مرحوم [illegible] دیره محمد الله خان بهادر
سوار [illegible] عقیدت خان و [illegible] خان وغیره [illegible]
[illegible] مرحوم [illegible] دیره منعم خان فرود آمده اند
و محمد الله خان بهادر و منعم خان [illegible] دیره
[illegible] خان [illegible] بدهند

ना दो बदी ॥ اخبارات دربار معلی

३ चौपेरा ॥ ربیع الاول سنه ۴۹

॥ समाचार

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/173

ر[illegible]

کرم الله

ذابه یکپهر و چهار گهری روز بر اپه عدالت فرمودند

منفعه

فرمان والاشان بنام پادشاهزاده محمد معظم بهادر شاه حصار
حواله یار علی بیگ کرده فرمودند که زود بگذرانند

مرحوم

حکم شد که میرجان و عقیدت خان و میر حمید خان پسران امیرخان
برای مجرا در عدالت آمده باشند

آقا یحیی الملک

بعرض رسید که ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ در [illegible] آمده با
[illegible] خان ملاقی شده بار تعاقب مقاهیر شتافته

بعرض رسید که یحیی الملک [illegible] خان صحت یافته

از نوشته جالندر [illegible] بعرض والا رسید که بنده براه صلوه داری
[illegible] آمده [illegible] آمده چون عمل [illegible] حرب است امیدوار است
که [illegible] منصب [illegible] [illegible] [illegible] رعایت کرده
حکم شد ان شاء الله تعالی

वरक ८ सं. १७५८ वा आसोज वदी १०
छावीघडी पदिन रहतां

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۸

یکم ربیع الاول

۹ الف اعلی حضرت یک پهر و سه گهری روز بر آمده [illegible]

نشست [illegible]

شیخ محمد مقیم ولد [illegible] خان [illegible] بحضور آمده [illegible]	میر احمد ولد [illegible] خان از صوبه کابل آمده [illegible]	محتشم خان تعلیم قطعه	[illegible] خان [illegible] قطعه

[illegible] از عرضی [illegible] محمد معظم بهادر شاه بعرض رسید که عبد القیوم خان [illegible] سرکار [illegible] بر جلد [illegible] داغ [illegible] مهر [illegible] ضابطه [illegible] داغ [illegible] ضابطه میکند [illegible] حکم شد [illegible] که [illegible] ضابطه نکند

میرزا [illegible] سرکار بادشاه [illegible] محمد معظم بهادر شاه [illegible] ذات [illegible] ذات اضافه فرمودند

پرگنه [illegible] از تغیر محمد یار خان [illegible] اسد خان [illegible] بود [illegible]
فوجداری پرگنه مذکور [illegible] مدار المهام مقرر فرمودند

از نوشته [illegible] بعرض رسید که [illegible] خان وغیره در [illegible]
[illegible] تردد [illegible] حکم شد [illegible] بعرض [illegible] رسانند

ROYAL ASIATIC SOCIETY
45/174

45
175

یوم ... اول

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵ ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

... الله

۲۰ ... خلد سبحانی یکپهر روز در بارگاه عدالت فرمودند

بموجب دیلی خوراک دواب سرکار والا ... خرج ... بعهده شاهزادهای
والاتبار منظور فرمودند

شاهزاده محمد معز الدین	شاهزاده محمد اعظم	شاهزاده محمد ...
ما رر	ما رر	ما رر

حکم شد ... لطف الله خان ناظم ... بجا ...
بعرض رسانید

اضافه

حاجی عبدالله زاده ... رحمت الله ... مرحوم

حال ... حکم

نصف ... اضافه ... نصف ... اضافه
سه ... سه ...
صدی ... صدی دات
... سوار ... سوار

الله داد ولد احمد ... مرحوم
نصف ... اضافه
صدی ...

از نواح بجانور بعرض رسید که جمعیت دزدان آمده طرف دروازه اعلی پور
پارچه مردم کاروان و مواسی تا حیت تاراج نموده بردند مرحمه اگر
نشود حکم شد که تا جسم آنجا بنویسند

حاکی بهار

از نواح اسلام آباد عرف مشهور بعرض رسید که محمد سمیع الزمان
مرحوم متعه محمد یار خان تا طعن سابجهان آباد در اینجا آمده اکثر
مردم مشوره های چوکیات و بر مردم کنهره مسجد جامع اینجا تعدی
مینماید حکم شد که تا طعن بجهان آباد بنویسند که او را تعدی
کردن ندهد و برود خود طلبد

مطالب ترکتاز خان که برای آوردن توپ های کمر آباد
می رود بعرض رسید

اول اینکه قبل برای توپ کشی مردم طلب برادران بار ایجان
مرحمت شود حکم شد که بدهد
که با بعضی قبض شده اند
مرحمت شود حکم شد که
یک ماهه بدهد

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
176

الحمد لله

شاه الدین

بعون الله

۲۳ مد ملک تحصیل مرد دیوان موقوف فرمودند

به ترسیخان مرالتمس فرمودند تحسیل ملک سامرجان را فرصت شده
بحکم خاقان خان بهادر در حضور رسید

॥ ता दो बदर से नैरासमा ॥ ज्वार

بعون الله

۲۳ مد یکپهر روز برآمده عدالت فرمودند

بعرض رسید که موجب حکم قدسی آیت یکهزار روپیه با جواهر برای
محل بالت هر روز محمد سلطان بهادر شاه طیار شده بعد امر نشود
حکم شد که حواله سمیعخان نامه را بنویسند

ترکتاز خان عرض نمود کشن راو بهادر کنهایون با بنده تعین
مسطوری فرمودند

گو بعد سرکاره بعرض شده مردم سرکار های همراه بنده موافق حکم
فرمان پای هر روز محمد اعظم شاه نعم بعد تاریخ روز حضور برای
فدوی دگاه ده هر کارها یکصد روپیه و یک سال الام داده اند

[illegible]

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۵

بلوده

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم الاحد

۲۳ رجب سلطان حضرت بیک ساعت ۳ پهر ... روز برآمده دیوان خاص جلوس نمودند

ملازمت

مطلبی خان از احمد نگر | کامیاب خان | حکیم صادق خان | صدر الدین ... مصطفی
رحمانداد خان آمده | برادر ... خان | ... | [illegible]

حضور

یار علی بیک عرض نمود محمد اسحق و محمد علی پسران امیرخان مرحوم از مرحمت ... جهان آبادی روند در راه ... تنخواه ... نقدی ... حکم شد ... از منصب ... محمد ... را سه هزار روپیه ... و محمد علی را دو هزار روپیه مقرر فرمودند

... را اسپ
محمد علی چهارصدی ذات
چارصدی
... سوار

متوجه بنگاه

از ... بیک ... بعرض رسید ... خان ... بیک ... خواهر ... را در خانه خود ... گفته ... خواهر را ... نوشتند ... قبول نکرده حکم شد ...

همه امیر ... حکم شد ... حاجی ... الله ... رسید حضور آمده
سلیمان ...

بعرض رسید ... خان ... محمد حسین پسر ... خان ... حکم شد ... بحضور ... حکم شد ...
منعم خان ... برداشته بیارد

خان

حکم شد ... خان ... خان و محمد ... عبد ...
در بنگاه باشند

علی خان

بعرض رسید که فوجداری ... صوبه احمدآباد بعهده ...
مرحوم ... حکم شد بعهده ... محمد ...
مقرر شناسند

به محمد امین خان حکم شد در بنگاه رفته ... بحضور بیارد

... خان فوجدار ... جمعیت ... خان ... نماز
و دو ... نماز گرفته ...
واپس دادند

45
178

از اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵۰ بهر

بخود

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

روز ... الاول

بندگان حضرت بکچهر ۳ گهری روز برآمده عدالت فرمودند

از التماس حواله حسن وکیل شاهزاده محمد معز الدین بهادر بعرض رسید که حکم والا در باب خوراک دواب یکصد راس اسپ سرکار والا صادر شده فردی بمهر رسانیده ... ... تا الحال جواب مهلت ... فرمودند که ... حکم شده خوراک ... نماید

هرگاه جواب برسد از تاریخ که حکم شده خوراک ... نماید

از التماس سلطان ... وکیل شاهزاده محمد اعظم شاه شاهزاده والا جاه بعرض رسید که فردی بمهر رسانیده تا الحال جواب مهلت خوراک دواب یکصد راس اسپ سرکار والا مرحمت شود ... فرمودند

که محکمه ... بگیرند

بندگان حضرت به محتشم خان فرمودند که اگر جاگیر در صوبه بیجاپور ... ... جاگیر ... عوض ... خانه زاد ... هرجا که حضرت عنایت خواهد ... قبول است ... دو هزاری ... ذات ... سوار اضافه فرمودند

یک ... مرصع برای ... بحکم حواله ... فرمودند

ملک ... نماید ... بحضور بیارد

بعرض رسید ... حکم ... عالی ... فرود ... نماید ... نمایند

بعرض رسید ... حکیم صادق خان رفته معالجه نماید

اخبارات دربار معلی

روز ... ربیع الاول سنه ۵۰

ROYAL ASIATIC SOCIETY

۱۷۹

بسم الله

۵ بیست و یکم ... روز برآمده عدالت فرمودند

جماعه داری را احدیان مقرر شد

میر محمد حلیم ... عوض ... معتمد خان را ... رام ولد دیانت رام

دیوان ... از ... عوض ... منصب ... عبدالرحمان ...

... عبدالرحمان مقرر شد مقرر شد ...

ابوالخیر را خدمت داروغگی ... عبدالرحمان مقرر شد

حکم ... بهادر ... در ... به ...

همراه ... برود

به یار علی بیگ ... حسب الحکم ...

اعظم ... و غیره ... خان به ماند

به فیض الله خان ... حسب الحکم ... محمد بیدار بخت بهادر ...

... رفته قلعه ... را محاصره ...

عبدالرحمان خان ولد اسلام خان ... خدمت ...

مقرر ... هزار ... ذات ... سوار ... ذات

اضافه ... خلعت الهام مرحمت فرمودند

... مندخان

... را ... رسانیدن سرب و باروت نزد ...

رخصت ...

... بیک

... خلعت ... آتش برای ... خزانه عبدالله

منصب دار ... کور فرمودند

از التماس ... عبدالرحمان دیوان خالصه ... بعرض رسید

... سرکار شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر از ... به ...

خانه زاد ... منصب ... یازده سوار ... ده ...

اضافه فرمودند

یادداشت اضافه ... از ... صوبه دار لاهور مقرر شد

در عوض ... حاکم ... یکهزار سوار ...

سوار ... اضافه کم ... مذکور تغیر کرده ...

صوبه ... مرحمت فرمودند

رسیده

از ... صوبه ... به عرض رسید که ... تاریخ ... حال ...

لشکر ارک دربار معلی

ربیع الاول سنه ۹ جلوس

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
180

روح الله
خان طلب سبحی یک بیست و سه لشکر ... در آمد عدالت فرمودند

للعام

نامبرده خان ولد روح الله خان مرحوم را
خدمت داروغگی زره‌داران
از تغیر فضل الله خان مقرر

بالاصل
منصب اضافه
بالاصل ذات صدی ذات
ماه سوار

حکم شد برای خدمت قلیچ خان بهادر بخدمت فوجداری کرناتک
بجا آوری مقرر شده خلعت و یکقبضه شمشیر علحده نمایند
که فردا بوقت رخصت عطا نموده حواله ایشان و مراتب
بعرض رسانند
نشانه شد

حکم شد هدایت الله ولد عزت الله خان در دکن اول ا
بان

نجیب الملک روح الله خان عرض نمود خدمت قوربیگی بجای
حبیب قلیچ خان بهادر به عبدالله خان مقرر شود منظور فرمودند

رسالۀ هرکاره بعرض رسید که ابلهه را ما جهنمی دوستخان همه یکبار
بالاصل سه پیاده نزد و نهها جادون و داد و ملهار و بهوپ راو و غیره
مقاهیر در ... ازاجمله بالاصل پیاده را نزد خود داشته باقی
را در قلعه کوندانه و راجگده و غیره چهار قلعه ... بسته و
نوشته است که حضرت تمام ملک ما را متصرف شده می شوند
یکمرتبه شما در کهیلنه گرده بیایید در مصالحت نمائیم چنانچه مردم مقاهیر
بعضی راضی اند و بعضی راضی نیستند در میان خود نفاق دارند

دول

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۵

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.
45
181

یوم الاحد

۲۷ ماه ... مکان حضرت شاهنشاهی [illegible] ابد [illegible] عدالت

بحکم [illegible] علی [illegible] خان [illegible] صوبه لاهور [illegible] محمد [illegible] سالار

بدهد

عرضداشت [illegible] محمد عظیم ناظم [illegible] الله [illegible] نصرالله

بنظر انور گذشت

خان قلیچ خان بهادر فوجدار [illegible] خلعت خاصه [illegible]

جیغه قیمت دو هزار روپیه انعام [illegible] چهار هزاری ذات [illegible] سه هزار

دوصد سوار [illegible] هشتصد سوار اضافه [illegible] خیر فاتحه خوانده

رخصت شد

[illegible] برادر [illegible] خلعت [illegible]

[illegible] انعام مرحمت شد

حافظه

یار علی بیگ [illegible]

همراه [illegible] فاتحه [illegible]

خبری رعایت شود [illegible] بحضور [illegible]

بوله

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵ جلوس

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45/182

یوم الجمعه

۸ ۲ پهر برخاسته دیوان موقوف شد

॥ज्ञादेव२८८ सेनैरांसमांवार

یوم السبت

۹ ۲ پهر یکپهر یکگهری روز برآمده عدالت فرمودند

چهار هزاری ذات

حبیب قلیچ خان بهادر به خدمت قلعه‌داری [illegible] جاگیرداری سرافرازی یافته به چهار هزاری ذات چهار هزار سوار و یک کرور دام انعام و یکهزار و پانصد سوار سه اسپه منصب مرحمت فرمودند

منور خان قلعه‌دار [illegible] هزاری ذات یکهزار سوار [illegible] اسپه یک کرور دام انعام یکهزار و پانصد سوار سه اسپه از جمله ششصدی ذات و پانصد سوار ششصد سوار [illegible] صدی ذات [illegible] یکهزار سه اسپه کم کرده طلب حضور فرمودند

سید [illegible] هزار و پانصدی [illegible] ششصد [illegible] سوار و [illegible] ششصدی یکصد سوار [illegible] همراه منور خان را با حبیب قلیچ خان [illegible] حضور فرمودند

عبدالعظیم دیوان فوج [illegible] [illegible] الملک [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

... ربیع الاول سنه ۴۸

45
183

بسم الله

بتاریخ سلخ مکان حضرت بکهیر و چهار گهری روز بر آمده دولتخانه بر آمدند

بعرض رسید که یک کس معتبر از قلعه نشینان جیدن کسه بموقت
ناهر جهی تو نحس الملک اسد مند خان آمد تا فردا قلعه مفتوح متوقف

بجانب نحس الملک رفیع الله خان از دختر امیر خان مرحوم صبیه
متولد شده خان مذکور را اسپ با ساز طلا و یک جوکهه ... آن
تا کس که دراز ... یک ... مقبول

بعرض رسید که راجه ... سنگ زمیندار ... ستوار ... بدفلاد ...
رسید و او داعیه آمدن بدرگاه جهان پناه دارد اما ...
از گرد ... بهجوم نموده میخواهد با او در آویزد رفیع الله خان
حکم شد ... خان ... شد ... رفته با جوق ... لو

به الواجبی ... خان ... ملتفت خان ... گلستان
مرحمت شد

رابلیه هرکاره بعرض رسید که مردم قلعه جیدن مندن کسه برای صلح نزد
نحس الملک اسد مند خان رجوع نموده مردم ... نزد آنها العداوت
دارند

حکم شد که از جهت ... سیدان ... بحضور می آید ... لک روپیه به فوج
جانفرود ... جنگ و دو لک روپیه به فوج خان نصرت جنگ بدهد

اخبارات دربار معلی

بتاریخ ربیع الاول سنه ۵ جلوس

یوم الاحد

بسم الله

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

45/184

بود

عرضداشت حضرت ملک مدار المهام مصحوب هرکس ملازم خود ارسال داشته

بموقف عرض رسانیده بود که درست بود مطالعه خاص حکم الله مبارک

در ارم بنجه مبارک خانه دستخط خاص اجمل قلمچه مبارک

فرود آمده تواب حاجی بخشیدن حضرت ملک مدار المهام حاجی آمد نمایند

محمد امین پسر خواهر عبدالرحیم خان مرحوم بیگ جلیل قاب بیگ بیگلربیگی بلدار رسید

بمت رانده حکمت در ... محلی مقدمه مستوران سرکار والا

در نواحی قلعه باتوش سرداری رفته بود

مطالب ابوالحسن بیسار منوچهر خان نصر محکمه برسد رسیده

شد دیگر حکم

از امیدواری نسبت ... سر بلند گشته خان نصر محکمه مقصد دارند

سیصد سوار منصب داشت با اصل ذات و چهار صد سوار منصب بیگی اوکس

هزاری ذات برادرزاده محمد ...

امیدوار نیز برای داشتن حکم ... لطف و مرحمت

تحصیل رسانند

مصطفی ملک محمد ... داخل ساخت

بهنگام عطای منصب در دربار حضرت

شد به عنوان اجرا در طلب

محمد مهابت امیدوار است

در دعای آن حکم نمودار

از جاکیر ... حرز نمی رسد

در ملک قدیم و جدید شود

حکم ... معتمد خان عرض

رسانند

اخبارات دربار معلی

... ربیع الثانی سنه ۵ ...

دول

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

کیا
185.

یوم الاحد ... عدالت گستر برآمده
غسل ... بندگان حضرت بکیمه جهاندار کدی روز برآمده ...

جمعیت

مطلب خان عرض نمود از آنجا که ... متوسل ...
و وصیت التماس سید عبدالله خان ناظم اجمیر از وطن
بحضور آمده امید دار ملازمت است حکم شد
بیابد ... ملازمت ... محمد ... روزانه ... کرده اند
ذات ... هزار ... سوار ... صد ... سوار اضافه ...
الهام مرحمت شد

حکم شد شیخ سعدالله برای تحقیقات ...
... بحضور برساند

به ... خان میر آتش ... برای ... قلعه
گوندانه رخصت ...

اخبارات دربار معلی

ربیع الثانی سنه ۵۰

بلده

یوم الجمعه

۵ ماه دیوان مزیوری و مهر

معتمدخان داروغه عدالت کدی شد گذشته ارزد

یحیی الملک بهرام مندخان بحضور آمده ملازمت نموده روپیه

نثار گذرانیدند بعد آن عرصه داشت همه کلید طلای بار

فتح قلعه جنیدل که همراه یحیی الملک نظر گذرانیدند در باب

بعرض رسانیدند کرده‌ها یارشاهی همه آن شان یحیی الملک بهرام مندخان

بالای قلعه رفته از بند و بست آنجا خبردار شده و مردم معاهد

پایین قلعه فرود آمده بجا مذکور فرمودند که مستند ادقلعه را

محمد امین خان نزدیک آورده است شما شتابی رفته آن

دلاسای او کرده فردا بحضور آورده ملازمت نمایند

بیجاپور بجا مذکور بموجب حکم تعجیل آورده

نقل روبکار صدر عدالت

سنه ۱۲۰۹

ROYAL ASIATIC SOCIETY

بسم الله

روبکار بتاریخ سیزدهم ... عدالت و محکمه

مسمی خان داروغه عدالت بحضور آمده عرض نمود دستاویز قلعه

موافق حکم برای ملاحظه حضور آورده ام هر چه امر شود حکم

درست است بحضور ... که موافق حکم درست شد همه ارکان

و بنابران بحضور آمده ملاحظه شد مطابق حکم درست ... و

تفصیل ... و ... حکم ... و ... حکم العام داده

... و ... نوشته ...

خان ... در عدالت ... کرده ... حاجی حسن

و ... مهره های دستاویز قلعه را حکم از محکمه

سید ... الله خان داروغه ... داروغه ...

... بالله ... العام

... الله خان ... العام ... محکمه

حکم شد قلعه جندول کشاده را مفتاح کرده ممهور ساخته باشند

45
188

اخبارات دربار معلی

ربیع الثانی سنه ۴۹

مطالعه

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

یوم [illegible] الله حضرت یکپهر چهار گهری روز بر آمده بدیوان خاص [illegible] برآمد

ملازمت

عبدالله خان برادر روح الله خان محمد یحیی خان صدر بموافق حکم ستوار [illegible]
از بنگاه آمده [illegible] بدلالت بحضور آورده

حاملسار الله
[illegible]

محمد فاضل [illegible]
[illegible]

نجیب خان [illegible] دار [illegible] موافق حکم
همراه [illegible] آمده [illegible]
[illegible]

[illegible] محمد بیدار بخت بهادر [illegible] داشت [illegible] سلطان
وکیل [illegible] گذشت

ستوار قلعه [illegible] روبه [illegible] اللعام و حجت [illegible] فرمودند [illegible] داد
آمده باشد

منعم خان داروغه عدالت [illegible] فتح قلعه فتاح کرده و آورده ستوار
قلعه [illegible] اللعام و حجت [illegible]

حکم شد قلعه جندول کرده را قلعه فتاح کرده ممهور ساخته [illegible] حکم
قلعه مفتاح کرده ممهور ساخته

اخبارات دربار معلی

سلخ ... سنه ۴۵

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
189

یوم الاثنین

۸ ... مبارک حضرت ... یک پهر و سه گهری روز بر آمده بعدالت فرمودند

بسلامت رفت.

شاهزاده محمد معز الدین بهادر صوبه‌دار ملتان عرضه داشت ارسال کرده سنه ...

الحمد لله.

مدار الملک ... شاهزاده محمد معظم بهادر ... رخصت فرموده ... یک هزار و ... سوار

آیینه

بخت خان بهادر ... همراه ... بحضور آمده بودند ... در موقف ... سه ... بر آمده و یک ... آیینه قفل دار ... و المائه قلم و مقراض و دوات و کارد بر آمده ... ملاحظه ... فرموده ... داشت ... خان ... منظور گردید.

حمید الدین خان بهادر ... فیل ... بسال ... زنجیر فیل ... زمینداران ... بحضور ... در راه ... زنجیر فیل ... با ۲ ... ... زنجیر بحضور رسیده اند ... منظور ... حکم ... زنجیر فیل منظور گردید.

سید ... الدین خان ... فوجداری ... بهار و ... زمینداران ... و غیره زمینداران ... علی‌وردی خان ... هزاری ذات شش صد سوار ... یکهزار سوار ... هزاری ذات ... صد سوار از جمله چهار صد سوار دو اسپه ... علی‌وردی خان صوبه‌دار ... هزاری ذات ... سوار از جمله یک‌هزار سوار ... هزار سوار ... حکم فرمودند

حاجی ... عرضه داشت فتح الله خان بهادر ... فتح ... چند ... سوار ... فرمودند

بسر

یحیی ... روح الله خان حکم ... صوبه بهار و صوبه اوده ... و غیره جانوران شکاری ... بحضور ارسال ...

45
190

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۹

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

صبح از ... برآمده ... وبعد ملکان حضرت ... از ... عدالت ومعدلت

از التماس جواهر خان ... محمد معزالدین بهادر بعرض رسید از ... با ... ز فتح قلعه ... حاکم ... حکم ... دیگر شد

حمیدالدین خان بهادر ... حکم شد ... بیکاری ... محمد عظیم ... بالصد ... و ... محمد رفیع القدر ... گذاشته

عبدالله خان برادر رفیع الله خان مرحوم ... حلی ... بهادر ... بالصد ... سوار

فرامین بنام ... صادر شد

بنام خان ... حواله ... بنام ... بهادر ... خان

قطعه

حواله ...

قطعه

حکم والا صادر شد ... خان ... ملاحظه ... کرد

عطا ...

عبدالرحمان خان ... اضافه بالصد ... حکم شد

... شود

از نوشته ... بهادر ... خان ... بعرض رسید ... امیدوار ...

... عبدالرحمان خان حکم ... بهادر ... بعرض ...

... هزار ... هشتصد سوار ... بعرض ... حکم ...

... هزار ... سوار ... بالصد سوار ...

... ملا ...

... خان ... فاتحه ... برای ... بهادر ...

... رخصت ...

45/191

اخبارات دربار معلی
ربیع الاول سنه ۴۹

۹۹

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

بسم الله ربیع الاول روز
امه بنگال حضرت ... ۳ گهری روز بر آمده ...

سیدی داود ولد سید حسن خان مرحوم از پیشگاه ... مهر ...
نثار گذرانید

ملا محمد کام بخش ... مجلد رساله ... گذرانید

شاه ... محمد اعظم ناظم بنگاله عرضداشت ارسال داشته
ملاحظه کردند

فرمان ... فتح الله خان بهادر ... حواله حاجی ... وغیره
آرند ... عرضداشت ...

حاکم الله ... سردار ... خان بهادر ...
... را ... ملک ... خان ...

محمد حافظ ولد حفظ الله خان مرحوم فوجدار ... حافظ خان
سرافرازی ... منصب ... هزاری ... اسپ ...

45/192

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

ربیع الثانی سنه ۵ ۴

یوم الجمعه

لا ایب یک پهر و چهار گهری روز بر آمده بعدالت فرمودند

عنایت الله خان دیوان خالصه بر لعیه وغیره بموجب حکم بدیره میرزا خان

که از منصب سه هزاری ذات دو هزار یکصد سوار بر طرف نشسته آ

نعمت خان کور را همراه دیوانی خالصه بحضور پر نور آورده ملازمت نمود

یک دست سپر و یک جلد کتاب تقویم حسنی و سی و چهار لولیچ

وده ماسه عنبر شمامه تکش کلید انسر جیانکر حلقت خاصه از

روی مهربانی انعام داده شش اسرجات عدالت بدیره

رخصت فرمودند

نسان باکیت بقیه محمد اعظم شاه مهار مفصله صالح یار علی

که فرموده ر بدالکو نکدر رواره نماید

حاجی میر محمد عاشر منصب دیوانی خاص همراه لطف علی خان بن میر علی

لا لا رام نثر بدر برد گذشته بحضور آورده حسب الحکم خانه گور

ملازمت نمود و نذر دو مهر و ده روپیه نثار گذرانید خلعت اول

محمد یار خان صوبه دار شاهجهان آباد موهر کهید این سه دیگر لارد مهار فتح

قلعه سیتاره در کی ازین اداشته بود حال الور گذشت حکم شد

این سه بکمر بدور وی مهاف

فدائی خان ناظم صوبه بهار عرضه داشت موهر کهید این سه مهار

فتح قلعه سیتاره در کی ازین اداشته بود حال الور گذشت

سه انگشتری مرصع قیمت سه صد روپیه و یک چادر زربفت

برای والده جان تقی دور خانگی حواله سیادت خان کرده فرمودند

ارسال نماید

باقر خان برادر رفیع الله خان برادر و عرض عنصر زربفت

سیادت خان مقرر فرمودند

حکم شد که احکام برای منصبدان فتح بهادر تعلق مند خان حواله

راوستخان سنکه نمایند از همراه خود برد

متصل حکم شد که یکصد سوار از منصبدار نواحی قلعه بهادر گیره اولاد کرد

حکم محمد علی خان رفته تنبیه کنانند

دلالله

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
197

اخبارات دربار معلی

جلوس سنه ۴۸

بسم الله جمعه

۲ اپهت [illegible] دیوان موقوف [illegible]

یحیی خان ملک رفیع الشان را برای تسخیر قلعه [illegible]

رخصت و منصب [illegible] در [illegible] موقوف [illegible]

یحیی خان [illegible] خان [illegible] قلعه [illegible]

مقصود [illegible] و مطلب [illegible] یحیی خان [illegible]

نواب [illegible] بنده [illegible] و حکیم صادق خان

برای [illegible] یحیی خان رخصت [illegible]

انعام داده یحیی خان رفیع الشان [illegible] بجاپور [illegible]

اندرون [illegible] بگوید [illegible] اعظم [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] قصبه [illegible]

[illegible] و دربار شما [illegible] اعظم شاه [illegible] قلعه

[illegible] آنچه [illegible] در [illegible]

[illegible] شما [illegible] دولت [illegible]

[illegible] در کار [illegible] بجاپور

[illegible] شصدی ذات [illegible]

منصب دارد و [illegible] بجاپور [illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

[illegible]

از نوشته یحیی خان [illegible] خان [illegible] رسیده [illegible]

[illegible] فتح الله خان [illegible] برادر [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] منظور [illegible] رخصت [illegible]

یحیی خان رفیع الشان انعام داده [illegible]

[illegible] برای تسخیر قلعه [illegible] رخصت [illegible]

یحیی خان [illegible] خان [illegible] رفیع الشان [illegible]

[illegible]

اخبارات دربار معلی

سنه ۴۵

45
194

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

بسم الله

۳ ... حضرت ... چهار گهری روز بر آمده ... و موقف

نور ... همراهی لطف علیخان ... ملازمت ... روپیه نثار گذرانید ...

... ذات ... یکصد سوار ... صدی ذات ... مقرر شد

از آنجمله

لطف علیخان پسر ... خان مرحوم ... صدی ذات ... سوار ...

... سوار ... صدی ذات ... یکصد سوار ...

... خدمت ... گهری ... در ...

للعام ... فوجدار

... حضرت ... داروغه ... خدمت ...

... از تغییر ... مقرر ... از تغییر ... خان ...

... حقیقت

... سوار ... سوار ... صدی ... سوار ...

... سوار

... سوار

... علیخان ... ذات ...

یکصد سوار ... حسب ... مذکور ... سوار ...

... ذات ... صدی ... ذات

اخبارات دربار معلی

بتاریخ ... سنه ۴ ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم الاحد ...

ساعت بکبدت ... نزول ... عدالت و ... جهت کرده

فرمان ... محمد ... هزار ... حواله ...

... روانه شد

حافظ ... عرض ... احمد بیگ ...

... حاکم ... جاگیر ...

... والا ... حاکم ... بنگذارد

حاکم ... برابر ... متصل ... سر ... نماید و

محمد ... روانه ... براو

... ملاحظه ... و ...

... حضور ... عدالت

... اللہ ... داده بمکه معظمه

کلیان ... یکصد ... احکام ...

هی ده سوار اضافه ... در باره علی بیگ ... برد ...

قاسم خان ... خدمت ... قلعداری ... برادر

... صد ... ده سوار ...

هی ده سوار اضافه ...

عزت خان قلعدار ... چهار صد سوار ...

... سوار ... صدی ... سوار ...

اخبار دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵ جلوس

بلوکه

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

۸ ماه یک پهر یک گهری روز بر آمده بر دیوان خاص آمده نشست

نجابت خان برادر ... شجاعت خان ... از دارالسلطنت لاهور در حضور آ[مده]

بخطاب ... خان ... و منصب ... دو هزار و پانصد سوار

سیدی مفتاح خان را ... دو هزار ... سوار

... و منصب

مطلب خان ... به ... خان ... کرد

موافق حکم ... سوار ... خان ... می برد

در ... همراه

... خان ...

... خان ... خان ...

... خان ... خان ... و ... گاه ...

... دو هزار و پانصد سوار

... خان ... داد ...

... سوار ... در ...

115/197

اخبار دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۵

ملاحظه

یوم الجمعه

واقعه دیوان برخاست موقوف ماند

یوم السبت

به عرض رسید که جمعه ... روز ... عرایض ... ملاحظه شد

اردو بور

حکم الله ... از حضور ... به ... خانه زاد ... تعیناتی ... علیحده ...

سابق ... محمد ... به ... عرض ... از ... تعین ... گشت

... سلطان ... الدین ... کلو ... و ... از ... حسن ...

... و ... حسین ... حسن ... اتالیق ... حضور ... و

... محمد ... حسن ... گوپال ... حضور ...

... سوار ... سوار ... همراه ... و ... سوار و ...

... ساله ... صوبه ... ملتان ... صوبه

کوچ ... لاهور روانه شد

به ... میر ... فرمودند ... از ... روانه ... محاصره قلعه

... میر ... حضور ... علیحده

و ... همراهان ... علیحده ... لاهور

حاکم ... یکهزار سوار ... مقرر شد

... فیل ... داد و ... مهمان ... حضور

... سوار ... همراه ... ساهو ... منصب ...

... الله ... مرحمت ... کرده ... شد ...

... حاکم ... و ... سرکار ... ساعت ... شد

... اسپ ... و ... مال ... او مقرر شد

[illegible]

اخبارات دربار معلی

ربیع الثانی سنه ۵ ...

روز ... ایند

... بیگمان حضرت بگمبر ... و دیوان خاص فرمودند

جمله الملک اسد خان ... انگشتری و یک سرپیچ مرصع ... نمی ... کرده ... یک دام

مراتب راجه جی سنگه زمیندار امبر موافق حکم ... ذات ... سوار ... سه ...
... اززوی ... ذات کم فرمودند

محمد ابراهیم ... واقعه نویس ... اللهم ... کله ... مذکور
موافق حکم ... خاص ... مسطور طلب ... روانی
... مذکور ... مبارک ... سنه ... بالک
... که ... و ... تکه و
یازده ... حکم ... ...

لطف علی ... شش صدی ذات ... سوار ... شش صدی ... سوار ...
... یکصد سوار ... فرمودند

... لطف علی ... فرمودند

محمد علی ... صد ... | محمد قاسم ... | محمد عسکری ... | محمد ...

رفیع الله خان حکم ... هزار ... بهادر ...

... سید محمد ... در حضور ...
... راجه ... زمیندار ...
... خان ... دکن ...
در حضور ... خدمت ... و ...
... در حضور ...
... راجه ... محمد ... حکم ...
... راجه مذکور
... سهد

... محمد ... سید ...
و ... دکاه ... زمیندار
... آوردن ... فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

لقا رات للار حکم

سالگذشته سنه ۵۹

۲

حکم الله

۲۲ مت ملکان حضرت سکندر سو کمر اللرالله عدالت و ممهد

الف ۲

امرا اسم یک بخشی واقعه نگار شهر بند سا حضرت دارد عاقبت اس کهنا بهدر و مهر منه

و منفرد بخش کی دو واقعه نگار رای شهر بنکه به پر سس مهور تا بهر حلقت الیان

محصنت نهال صدری تعود صدری الان الصادر و مهد و حکم ان اغوا کی

تکش حوادث نگار ه بعده بولات رای دیکم نماید بجسه

معرض ... از ... مرزا الس مولوی حسکم برای رخصت حاضر است حکم کی برد

رخصت مسعود هم

حکم حاوی خان عوض مور بخشی الملک ... مثال ... بعد بای و یک حصه ... دارد

دلهه است بهه ار حکم ای گرد

قحاوی خان ... یک ... و یک روپیه ... صرر و سر الوام دلهه

به هزار ... رخصت و مهد

سیم خان دللا ... عبد الله ... مرزا الس و هد

اله بار بیک دادا اسحق عبد خان مسکم بالصدری ذات هصد سوار ... بکهد سوار ... و مقرر

... کرای ... سنواد دلهه ... بیلر امر الراله ... سوار

محمد دمحاف ... و شیخ ... سوار ... جاگیر ... مقرر

حاجی لرکلال
سرار ... الصدی ذات
الف ... سوار ... ی

محمد حسن ... شیخ ... بر ... سنواد ... و یلر
... الصدی
... سوار

تمکل رنجان ... برار اوکلون ... قلعه ... ه ... راضی ...

حاکمه توب ... کرک ... بخ ... صاحب ... دراهکام ... لا الله

تو کی ... در مرتضی ... همراه ... آولاه ملازم ... یک ... ارسند

و ابدال ... ایی خانه ... ملازمت ... کردند

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵۰ جلوس

بسم الله

۳ ... سلطان حضرت ... ساعت ... گذری روز ... عدالت ... مقصد

فدای جان ناظم ... رقعه بشنیده از غوغای ... روان ... مکتب اسب ... داری سوار کرد

ملازمت

معتمد ... ملازمت ... ابراهیم ... جاگیر ... نمود

فرامین بنام جماعه ... حواله ... روانه

بنام ... محمد ... بنام ... محمد اعظم ... بنام ... قطعه ... قطعه ... قطعه

فرمان بنام عبدالله محمد ... ناظم ... حواله مرزا ... که ... دارالملک ... رسید ... سرافراز ... بحضور ... شود

سلطان ... عرضداشت از ... ارسال ... نمود

... که ... بیدار ... حضور ... دستور ... رفع ... بحضور رسید

... سلطان ... بحضور ... بیدار ...

سنه ۴۸

[illegible]

۲۴ ... سکان حضور ... جار ... روز ... عدالت ...

ولید ... خان ... قلعه‌دار ... قلعه‌دار ... باشد ...
... ذات ... سوار ... احمد ... سوار ...

رابعه ... سردار ... ذات ... سوار ... دام
الغام ... دام الغام ... حویلی ... واقعه صوبه
... صوبه لاهور ... مذکور ... خالصه ...
ضبط ...

... قلعه‌دار ... ملک ... ملتان
... قلعه ... حاکم ... ملک ...
... مردان ... سوار ... قلعه ... مردان ...

حواله ... راسک ... قیمت ... هزار ... روپیه الغام ...

حواله ... روز ...
... الغام ...

عمارت ... محمد ... واقعه ... محمد ...
... بودند

... واقعه ...
... حضور ... ذات ... سوار ...
... سوار ... حال ...

... ملک ... حکم ... برای ...
... رفته است

45
202

تقاضای ... سال ...

سال ... سنه ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

شنبه ... حضور ...

۲۵ ... ملک ... بلکهر جهار ... روز ... عرض ... رسید

... بنام ... محمد ... ارشاد ... بدارالحکومه ... روانه ... رسید

... حال ... العبد ... ترتیب ... رسید

... نصب ... منصب

سه هزار ... ذات

... سوار ... سوار

... سوار

... سید ... بکمال ... حیدرآباد ... محمد ...

محمد ... خزانه ... یک ... قلعه ... هزار

... کس ... حاکم ... حکم

... رسید

... بشت

... حضور ... محمد ... قلعه ...

... رسید

॥ आसोज ॥ बद १३ के ॥ समवार

[illegible] سنه ۴۵

بسم الله

۲۶ ... دیوان ... موقوف گردید

॥ आसोज बद १४ सनैरासमो ॥ वार

بسم الله

۲۷ ... طلب ... یک پهر ... ۳ گهری روز برآمده ... گردید

ملازمت ... دستک ...

[illegible] ... پسران ... محمد طاهر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]	محمد تقی	[illegible]	محمد [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] ... از ... آمده

[illegible]

ابراهیم ... [illegible] ... محمد ... [illegible]

[illegible] ... محمد ... [illegible]

... [illegible] ... اند

[illegible]

اکرمی ناظر حضور — حمله مسطر رااردو ... — الواقع ناظر [illegible]

قبلت رنجز — قبلت رنجز — [illegible] رنجز

[illegible]

[illegible] اسد خان حجامت طلب [illegible] بمعه ... الهام [illegible]

[illegible]	[illegible]	اشرفی	[illegible]
	روپیه	[illegible]	[illegible]

از نوشته ... خان [illegible] رسیده مردم شغالان قلعه نشینان باندول [illegible] ملدکس [illegible] دشکر [illegible] نجم الملک [illegible] منوهر [illegible] ... امر [illegible] حکم [illegible] رسیده [illegible]

از نوشته نجم الملک [illegible] رسیده [illegible] قلعه دار [illegible] دار داخل قلعه [illegible] والا قرار [illegible] محمد بخش [illegible] محمد [illegible] را زخم گوله [illegible] رسیده و ... [illegible] و باروت [illegible] محمد [illegible] همراه محمد معصوم [illegible] داده [illegible] دار [illegible] ... نجم الملک [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45
204

[illegible]

[illegible] سنه [illegible]

[illegible] ۲۷

[illegible] عرضه [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] حکم [illegible] هزار روپیه [illegible]

اخبار دربار معلی

ربیع الاول سنه ۵۰ احد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم الاحد ۲۸ مه بندگان حضرت یکپهر سه گهری روز بر آمده بدیوان خاص قعود

در شب یکپهر گذشته بخشی الملک روح الله خان را طلبیده خلوت نمودند
بعد شش گهری بدستور رخصت فرمودند

ماهر خان میر [illegible] و [illegible] برادران بموجب حکم از فوج بخشی الملک آمده ملازمت نمود

حامد راسی	زبردست خان	سنگرام خان	مرتضی	مهابت خان	[illegible]
[illegible]	اضافه صد	اضافه صد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]				

نیک نام خان میر بخشی [illegible] انگریز [illegible] قیمت [illegible] صد روپیه انعام و مرحمت شد

حکم شد که [illegible] رحمت خان [illegible] عمده [illegible] سر راه [illegible]

اخبارات دربار معلی

از ... سنه ۴۹

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]

۹ ... بعد ملکه سه گهری روز بر آمده عدالت ... مقصد

حامد بیگ را خلعت منظور شد

عاقل الدین خان بهادر حارس ... را خلعت ... حامد خان بهادر برادر خان عالم و ...

صوبه داری ... لطف الله خان و ... الدین حیدر ... فصل الدین ... محمد ... خان

از ... تا ... منظور شد و محمد ... خان را بجای ... الدین خان بهادر صوبه داری ... منظور شد

لطف الله خان ... صوبه داری ... میرزا صدر الله محمد خان را ...

صوبه داری ... خان منظور شد صوبه ... و منصب

و ... خان را ... صوبه داری ...

... صدر الله محمد خان منظور شد

عرض ... محمد کاظم ... منعمی ... داروغه توپخانه و ... کار ...

... خان ... در ... حاجت ...

... دارند ... حکم ... حکم ... خان ... منعمی ...

در ... نمایند

... ادویه ... برای ... محمد ...

نوشته شد

اخبارات دربار معلی

ربیع الاول سنه ۴۵

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

45
207

بسم الله

عنایت ملکان حضرت ملکه جهان بیگم در راه عراق رسیده

بموجب حکم

عبدالرحمان خان بخشی سیوم از جهانگیری صحبت یافته به حضور اقدس ملازمت نمود

تا رکوع رسید

از عرضداشت ملک توختمال بهادر از درگاه جهان آباد رسید که عرض رسید

که محمد یار خان صوبه‌دار آنجا در دیس است اگر حکم شود برای دیدن حضور آید

لهذا روی شقه بغیر قسمت با هم سطر فرموده

شده

عباس خان بخشی معز الدین به همراه منصبدار جواسه به بیگاه

حکم کرد ارقصار دالو

محمد خان

محمد کاظم پسر منصور خان را داروغگی توپخانه فوج سرکار

منصور و مقصود از اضافه شصت سوار

از اصل و اضافه

راجه اسلام خان منصبدار را بلم لوره اسلام خان کرد از اضافه

یکدار سوار

حکم معز الدین خان پسر جاهر در جنگ برای کار از یکصد

از ابوالحسن دولت‌آبادی پسر ابوالحسن حیدرآبادی در بیجا قید بود قصاید

شد

به محمد امین نایب کوتوال حکم الله صادر شد که زیادی در لشکر جمع بگردانند که مردم

مستعفان چو در لشکر بیارند همراه نه برد در بنگاه با جای بگذاشتند

محمد امین خان کوتوال را طلبیده فرمودند هرگاه نابرد شکوه

منع نمایم راه جوان روغیره مردم لشکر معلی بار نکند

سامان زمستان خود ها نساخته نگاه و باجای دیگر بفرستند

वरक ११ सं० १७५८ का काती सुदी ५ आ.वी

पोथी० ४२ इंद्रचंद काती सुदी १० उरे सौंपी

॥ सं० १७५८ ॥ काती सुदी ४ ॥ समाचार

اخبارات دربار معلی

جلوس الدول سنه ۴۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
208

بسم الله

۴ سه شنبه حضرت بکیمه حصار گذری روز برآمده بعدالت فرمودند

آمده

حکم شد که کلب را با امر شکه زمیندار او بود در نگاه بود در نزدیک همراه جماعه ملک السلطان حضور را بود

مددرست نموده یک مهر شرف و دو هزار کرد از ظل سبحانی به جماعه ملک فرمودند او موم اش فیم کابهره دوم

سپ عرض نمود که سه دو ملک قدم است جالچه اردو بهاء حلمه مرحمت فرمودند

تصانه

عارف الدین خان بسیار صوبه دار جالور و غیره	لطف الله خان صوبه دار احمد بهار
تصدیق تصانف نسبت برادر والت ملدی ط	تصدیق تصانف سته برادر والت
امین الله جلیسه الف نوار جعفر حکم	ای مانوار جلیسه نامه نوار حلمه ممانوار لما سنه

نجابت خان صوبه دار بربار رو	محمد مراد خان نایب صاحب فوجدار جلک صوبه دار جالور
تصدیق تصانف هو برادر بالصدی جلیعت الف نوار جانوار حکم وقال لما سنه	تصدیق تصانف بقصدی والت ممانوار مانوار حاره دونوار

صدر الدین محمد خان را فیصل اکبر آباد تعیین الدین مرحمت بود فرمودند بدانید تکرار نوار اجلمه

ترددات بود کم محمد یکصد نوار اضافه فرمودند

اسار

حکم شد عبدالصمد خان کردن لشکر جار رفته جای بهار شد مردم دوردان را آنجا

فرمان بنام هابله محمد مراد الدین بسیار صوبه انگوی که جهار فرمودند

[illegible]

اخبار دربار معلی

[illegible] الدول سنه ۵ هم

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45/209

مع الخیر

۳ [illegible] یکشنبه سه گهری روز برآمده [illegible] فرمودند

سنه اله

حکم شد که طلب مردم سقه ها و تبرداران و [illegible] داران [illegible] حالی اللدوله

بخواه دهند

حکم شد که لطف الله خان صوبه دار [illegible] [illegible] باشد

بحالور

رگوجی [illegible] لطف الله خان [illegible] صوبه دار

مرحمت

[illegible] فرمودند [illegible] راه جانب [illegible] مرحمت

[illegible] کاره [illegible] مردم دردانجا [illegible] خان [illegible] کوه [illegible] دادند

شتران [illegible] حکم شد که محمد امین خان [illegible] [illegible] رسید

[illegible] جاهدکور [illegible] آورده [illegible] مالکان [illegible]

[illegible] محمد امین خان [illegible] حکم شد که [illegible] آورده [illegible] داروغه

[illegible] نگر [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45
210

[illegible]

[illegible]

॥ आसोज सुद ७ [illegible] समाचार

بسم الله

[illegible]

॥ आसोज सुद ८ संनैरा समाचार ॥

بسم الله

[illegible]

[illegible]

برشکاری فولاد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اخبارات دربار معلی

الله ... سنه ۴۲

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
211

بسم الله

۶ ماه ... سنه ۴۳ ... برآمده در دیوان خاص و عام

عرضی سید مصطفی موافق حکم نثار شده برای رخصت آمده ... خان سکنه

بحضور طلبیده خبر از ... کوچک بخش الملک ... خان ... ۳ هزار ... صد

حمایت ... از دیوان رخصت ... اسب ... طلبیده ... محمد

و ...

... الملک رفیع الله خان ... محمد باقر حاکم ... قطب ... کار

... ۹۶ ... بحضور

ارسال داشتند

حکم ... الملک ... خان ... قلعه ... کرده

... قلعه ... قلعه ... الملک ... خان ...

حسب الحکم ...

حکم ... حامد خان بهادر و ... خان و ... ابراهیم خان و حاجی صدر

... الله ... ساید

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

حکم ... ابراهیم خان ... بحضور ... فتح الله خان بهادر ... خان

رسانید

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
212

اخبارات دربار [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] الله سنه ۵ [illegible]

[illegible] بسم الله [illegible]

و [illegible] یکشنبه چهار گهری روز برآمده عدالت [illegible]

[illegible] محمد خان بیگ [illegible] [illegible] گذرانید

عنایت الله خان دیوان خالصه [illegible] گذرانید [illegible] مطالبه ابوالنصر خان

امر الله [illegible] مرحوم [illegible] جاگیر [illegible] [illegible] بالتصدی [illegible]

[illegible] ۱۵ [illegible] [illegible] جانی [illegible]

۳۰

[illegible] ولد ابوالنصر خان [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] مقرر شد

بالتصدی [illegible]

عبدالله خان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هزار

[illegible] بالتصدی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] محمد [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] قلعه مذکور [illegible]

[illegible] [illegible]

اخبارات دربار معلی

۱۱ جمادی الاول سنه ۵ ھ

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

یوم الـ...

امروز بکپهر ... برآمده به دیوان خاص برآمدند

ملازمت

ابوالحسن ... الوصال
عبدالله ... محمد ...
...

بکمر خان ... قطب ... ده هزار ... در ... الله
... در ... حضور ...
... خواجه ...

اکبر خان ... محمد ... طلب ...
در ... محمد ... در ...
بکمر ...

... محمد ... راجه ... قلعدار ...
... به ... خاص ...

... اضافه

حسن ... خان ... سوار ...
... سوار ... اضافه ...

... محمد ... قطب ...
... خلعت خاص ...

215
214

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبار دربار معلی

جلوس الله ... سنه ۴۸

بسم الله

راجه دلالا رام ... حضور

॥ ...सो जस सुद १५ सनै रासमा वार

یوم الله شنبه

۲ ... ساعت حضرت بگهری ۳ گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

جهان گرد.

... بدرگاه ... کسی مطلبخان و عثمان خان فرمودند ... تا کرداران ...

حکم ... مطلبخان و عثمان خان فرمودند ... حضور ...

... نموده باید

ملازمت

مطلبخان ... | محمد خان ... | ... | ...

آمده

حلقت | حلقت | حلقت

... العرض

ابو ... خان ... برادر ... دولت ... بعد ... سوار ...

... خان ... نموده ... فرمودند

محمد ... خان ... حامد خان ... الله

... محال ...

... لشکر ... محال ...

نمود

... قلعه ... بخش ... خان ...

... وحاکم بخش ... قلعه ... اله ... بسمت ... احوال

... خان ... نوشته ... ال ... بار ... خان

... قلعه ... نموده ... ان خان

... بخش ... سه ... وده ... کمه

... ولد ... قلعه ... اوسا

... قلعه را ... امروز و فردا ... های

... داخل قلعه مذکور خواهند

بگاه

... کور ... حاکم ... متعلقان ... سوار ...

... ناهید

[illegible]

اخبار دربار معلی

بتاریخ جمادی الاول سنه ۴۸

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45
215

روز ... الله

۲۳ ... سلطان حضرت ... جهار گهری روز ... عدالت فرمودند

... سادات خان ... از ... عادل ... از ... بحضور

... ملازمت ... گذرانید

حافظ ... الله	حاجی ... داس	... خان	... خان
... مهر	... مهر	... مهر	عنصر مهر
... محمد لطف	سعد الله بیگ	محمد ...	عبد الصمد خان ...
...	... مهر	...	... خان عنصر مهر
...	...	سیدی ... خان ...	
عنصر مهر	...	عنصر مهر	

فرمان ... معتمد خان ... سیدی ... خان

قلعه‌دار ... سادات خان ... فرمودند

... روانه ...

... محمد ... الله

... روانه ...

رخصت ... حامد خان ... خواهد بود

... خان ... بار بردار ... والا ...

... کارخانه ... بار ... نمایند

... سید ... ایشان ...

... آمده ...

... محمد ... از قلعه بود ...

... است

॥ कागद अखबार ॥

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45 / 216

اخبارات دربار معلی

صاحب القران سنه ۴۴

بسم الله

سه شنبه دولتخانه عدالت موقوف در صبح

॥ कागज अखबार हजूर मेरा समाचार

بسم الله

دوشنبه تشکان حضرت بکبیر حاضر گردی بدولتخانه عدالت در صبح

دستور قلعه دار

دیروز بر آستانه سرکار بعرض رسید در گرد حوالی قلعه از مندگیره موم مردم خود بند

نیابت ماه درک ارقلعه مذکور فرود آمده حالت منزلی حضور فرستاده بود ما ببالک بیک

داخل قلعه مذکور شد

برادر داروغه

ار سرواح فوج بهادر بعرض رسید از سر راه منسوبه ایمنی حصار

دو بهادر بو فوت شد و عبدالرحیم داروغه مذکور اموال مرحوم یکقبضه کتار

ویک قبضه جمدهر ویکقبضه شمشیر ویک انگشتر و غیر از اسپ ویکیک شتر

کنند ضبط نمود

حکم الله بهادر از الحضور سرکار سلطان بوالی بالکی سردار حال الامسلم

با یکدسته ملازم نوکر است در حضور آمده باشد

مطلبی از فرادات سرکار موجب حکم بازو بهادر دارو مسکر و غیره

را طویله و فوج کهنه ازو از همراهی حضور بجهت منصبی مواجب نبود از حضور

نا کرده اما تمام کنی مانع نظر کردند طلب بیستی بعد ملاحظه در صبح او حواله

منصبداران ننمایند تا همراه و سپاه و منصبداران راتب حرزاد و کلیدان را

بحضور ننموده نهم طلب تنخواه میشود

ر بایبلی سرکار بعرض رسید در روز دیوان صاحب فوجدار منصور خواست

برفوج سخن ملک نشانه پای ملک حسن بسکار بجهت الملک و فتح الله بهادر

حردار شد بعد از دو الفقار خان بهادر ایلچی حکم رسیده تا بر منصور مقابله

معه حاکم و تفنگ وادعه گردید اراده از اراده حکم نواب منصور خان

تفنگ رسیده جنگ داده و اکثر جان نثار حالت گرفت و غیره همراهان

لکار آمده و زخمی شدند در مقدمه آخر تا آخر مفسدان را تنبیه رسانیدند

سه حمید الدین خان بهادر در صبح همراه کنز اورد و ار برادر سردار بخصه

حکم زره نیست برابر سردار ادرکاه آسیان سرکار داد الله

را حضور نسبت داد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

لعل ساز [illegible]

جمادی الاول سنه ۱۹

45
217

یوم الست [illegible]

۲۶ [illegible] سلکان حضرت بکمر جار [illegible] رسالہ علی [illegible]

شاہ [illegible] محمد مراد [illegible] عرضه [illegible] فوج [illegible] گذشت

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible] عبداللہ [illegible]

[illegible] محمد [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] جار [illegible] قلعه [illegible]

[illegible]

[illegible] عرض [illegible] مراد [illegible] داراکاہ [illegible]

[illegible] حاکم [illegible] منصب [illegible]

[illegible]

[illegible] کذشت [illegible]

[illegible] ماہر [illegible]

[illegible] عرض [illegible] سلکم [illegible]

[illegible]

[illegible] الملک [illegible] محمد خان عرضه داشت [illegible] قلعه [illegible] کرده

منصوب [illegible] رسالہ نوشته [illegible] گذشت حکم [illegible] فرمان

بنام [illegible] الملک [illegible]

حکم [illegible] قلعه [illegible] کرده [illegible] صورت [illegible]

قلعه [illegible] مقرر [illegible]

[illegible] محمد [illegible] گذشت

حکم [illegible] قلعه [illegible] کرده

مقرر [illegible]

[illegible] عبداللہ [illegible] قلعه [illegible] کرده

مقرر [illegible]

[illegible] قلعه [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

46
218

تعالی شأنه

حسب الله سنه

بسم الله

ما امشه دیوان موقوف صوبه ... ممالک ... حیدرآباد

حواله ... آنکه ... مقرر ... دار ...

... قدیم ... شده ... به ... ...

... آگاه باشند

بیک ... محمد ... الله ...

... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

فرمان ... ممالک ... ...

حواله ... ...

[illegible]

[illegible] سنه ۴۹

॥ कातिग बदि ९ [illegible] वार

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/219

جمع

بسم الله

واقعه [illegible] دیوان [illegible]

॥ कातिग बद ९ संनैसर समाचार

بسم الله

واقعه یکشنبه [illegible] سلخ [illegible]

سرکار

کار طلبی [illegible] فوجدار [illegible] دیوان [illegible] سرکار [illegible] دیوان

شاهزاده محمد اعظم [illegible] منصب [illegible]

[illegible] منصب [illegible]

عرایض [illegible]

[illegible]

محمد [illegible] خان	شیخ الله یار	حسن [illegible]	محمد [illegible] خان فوجدار [illegible]	
قطعه	قطعه	محمد اعظم شاه [illegible] قطعه	قطعه	

موسی خان [illegible] شاهزاده محمد اعظم شاه [illegible]

اول [illegible] مذکور [illegible] خان [illegible]

بوقت [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45/219

[illegible]

حکم [illegible] کالپی [illegible] خان [illegible]

فوجدار [illegible]

[illegible]

حکم [illegible] خان [illegible] خان [illegible]

[illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
220

اخبارات دربار معلی

جلوس ... سنه ۴۵

... الملک ... و بودند

روز ... ملکان حضرت ... جهار گهری روز ... دلوان دار اهتمام ... بودند

صدور ... کوررا قلعه داری ... کرد ... خان ... بالضروری ... صاحب دار

بو ... یکصد سوار ... دادند ... شد

عارض ... سوار ... بخشی ... حوالات ... دار ... دار

... گذشت ... حکم ... (الی) ...

حکم ... جلوس محمد اکرم ... سوار ... اداری ... حاکم ... شد

... الفقار خان بهادر ... رسید ... دیوان ... خان ...

... فرمودند ... رسید ...

عرض ... دوالفقار خان بهادر نصرت جنگ ... اسد الله خان مرحوم

... دربار ... نوبت ... امر ... حکم ... امر ... سعادت

... دولت ... دختر ... کور ... در

... مقصد ... نجابت ... محل ... بهم

محمد ... دختر مذکور ... خان نصرت جنگ ... نواب ...

... بحضور ... حکم ... الملک ... همراه ...

شاهی

... محمد ... دختر اسد الله خان مرحوم ...

... قلعه ... کرد ... فتح

... موقر

... حکم ... بهادر ...

حکم ...

... بهادر ... کرد ... الله ... اندیال

... آمد ...

बरकी १३ सं-१७५८ मागसर सुदी ८
घडी ४ रा तजाँ ता मे... रुपा कान्हा
पे माल आया

اخبارات دربار [illegible]

جلوس [illegible] سنه ۴۵

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
221

بسم الله

و [illegible] حضرت [illegible] چهار گهری روز برآمده دیوان دار السلطنه ...

در [illegible] چهار گهری [illegible] گذشته عمدة المعارف سپهسالار نصرت جنگ [illegible] عمدة الملک اسد خان

و [illegible] الملک [illegible] خان [illegible] حکم همراه کرده از ذره حضور [illegible] یاد [illegible] اسلام خان مرحوم

[illegible] بحضور آمده [illegible] طلب [illegible] مرزا [illegible] مرحمت کرده [illegible]

[illegible] بنده خان [illegible] عرض نمود [illegible] کند [illegible]

مذکور [illegible] شیخ نور [illegible] محمد [illegible] و

محمد [illegible] خان [illegible] نکاح [illegible] دختر

اسلام خان مرحوم خوانند [illegible] بمجلس [illegible] حضرت خلعت خاصه و [illegible] ملک

مرصع [illegible] چهار [illegible] روپیه [illegible] مرصع [illegible] خان سپهسالار العام داده [illegible]

رخصت [illegible]

حکم [illegible] نقاره برای [illegible] داده حواله عمدة المعارف خان سپهسالار نصرت جنگ [illegible]

[illegible] خان [illegible] نمود [illegible] خان نصرت جنگ

امدادار [illegible] حکم [illegible] امدادار [illegible]

[illegible]

[illegible] کرده اند [illegible] ملاحظه [illegible] حضور [illegible] کرده اند [illegible]

[illegible] حکم [illegible] آورده

[illegible]

حکم [illegible] خلعت خاصه و [illegible] مرزا [illegible] خان نصرت جنگ

[illegible] الله [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

رحمت راث دربار کیس دار

مطابق للکانشه

۹۰

45
222

بسم الله جمع

از منشه دیوان هم مرزبان دیودند

در روز پنج تولد عطیه جان اشرف حاکم العام مرحمت فرمودند

که وطن دان ملک بنام بحالی وغیره لبران مهدا احمد حکم بود وغیره لبران

ماهوجی صادر شده حواله شمعی موقوف فرمودند که دستور دفتر آنها را دیگر

ثبت کرده بحضور سازند

काती सुदी ११२ को

بسم الله

از نسخه بکمهری روز پرابند دیوان دار اعظام فرمودند

مالوجی

شمعی معتبک حکم بحالی وغیره لبران مهدا احمد حکم بوراد وغیره لبران

راکه در رقاقت مظاهر بودند از بده بیجکانو آورده ملدار معاف جاگیر آنها

معاف دیک نشار کرده رسند بهر یک حکمت انعام مرحمت فرمودند

لبران مهدا احمد بریه بهاجهی لبران مالوجی

مس راله ماوجی حکم بوراد فرنکوجی

لع مهر لع مهر وعیت اعمه مهر

العام

بحی الملک

نروز خک

ماهرجان بعا و فوج خان

میرخان رانا دهر

رخصت

هندمند خان لسب موران

خلعت خلعت

عرض سید محتار خان ناظم اکبراباد جمعیت مرجوع نداره حکم اثری که زاقم کار

آنگی را تعبیه نماینده

عرض سید دینا خان معتبر نواحی بهار بلبهنس آواره که دارد

حکمی در خان اشرف حاکم بروز دوشنبه بارای حیدر رخصت تعویق

به حواله دالنش حکم از بار توشمار از رخصت تماهم قابل مرد

لشکر معیت را همراه خود بر کنار ببرد

اخبارات دربار معلی

جلوس ... سنه ۴۵

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

कातीसुदी [illegible]

45
223

روز الله

۲ انسه دیوان مربوط نبودند

कातीसुदी १२ सोमे

روز الله

۳ انسه یکشنبه چهار گهری روز برآمده دیوان دار المظالم فرمودند

حکم شد که دار المظالم را دیوان مظالم مسمی سازند

بجای جر افتاب و ماهوجی را و چکلدار را و ... یکوجی ... را ایک

را کسی ... العام مرحمت فرمودند

مطلب خان قراول ... را فیل ... قیمت ... الهام داده

فرمودند ... شما ... خان ... رخصت ... و ... تحصیل

... خان حکم شد که ... و ... دوهزار سوار ... با

قاعده کور ... تعین نماید

حکم شد که ... فیل دار ... ان و ... رفته راه ... کوه

صاف نمایند

از سوانح ... بعرض رسید که خان ... حکم موافق حکم از اطراف ...

... عبور نموده در حویلی مخلص خان مرحوم سکونت گرفته و به سر راه آن

کوتوال ... خان ... داخل ... را ... حلقه ...

دیگر ... تکلیف ... امر ... حکم شد ... بگیرند

اخبارات دربار معلی

جمادی الاول سنه ۴۹

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
224

یوم السبت

۱۴ [illegible] یکپهر و چهار گهری روز بر آمده دیوان مظالم فرمودند

مطلب خان علی [illegible] شاهد

حکم والا صادر شد که [illegible] مرصع برای [illegible] خجسته [illegible]

محمد [illegible] فراش [illegible] عرض معلی [illegible] روانه [illegible] حکم شد که روانه شاهد [illegible] همراه [illegible]

[illegible] محمد امین خان [illegible] حکم شد که [illegible] بر کنار راه [illegible] قبایل مردم لشکر معلی را [illegible] نشدن بدهد

حکم شد که [illegible] برده بر کنار راه [illegible] روز کوچ در آمد [illegible] برده [illegible] در آمد [illegible] خواهیم رسید

حکم شد که [illegible] خان [illegible] همراه [illegible] گران باشند

نامک

سید محمد [illegible] ارسال [illegible] از [illegible] معلی [illegible] بالابد الی الامام [illegible] فرمودند

[illegible] خان بهادر [illegible] را [illegible] دستار [illegible] مرصع [illegible] الامام [illegible] دادند [illegible] فاتحه خوانده [illegible] هزار [illegible] سوار [illegible] ده لک [illegible] بندی

[illegible] الرحمان [illegible] بحضور [illegible] امیر [illegible] حکم شد که [illegible] چهارشنبه [illegible] کوچ [illegible] باشند

[illegible]

کمک [illegible]

[illegible] محمد امین خان [illegible] حکم شد که [illegible] قبایل مردم لشکر معلی [illegible] نشدن بدهد [illegible] همراه [illegible] روانه [illegible] شاهد

[illegible] عرض معلی [illegible] امیر [illegible] حکم شد که همراه [illegible] روانه شاهد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

45
225

اخبارات دربار معلی

۹ ماه جمادی الاول سنه ۵ جلوس

[illegible]

یکشنبه

روز الله حم [illegible] بمقامات [illegible] متصل قلعه [illegible]

واقعه ملکان حضرت بکهر [illegible] از دولتخانه عبور کرده بکیدرش

سواری تخت روان سالکه مسافت راه یا دکم کروه طی نموده از [illegible] عبور کرده

بکیدر [illegible] داخل [illegible] مبارک [illegible] شدند

حواله

بادشاه زاده محمد کام بخش یک قبضه بندوق و یک قبضه شمشیر [illegible] حضرت بندوق

ترتیب [illegible] کرده شمشیر را علم نموده ملاحظه [illegible] حواله [illegible] خان

درمورد

شکس [illegible]

محمد امین خان بهادر شمشیر قبضه	عزیز الله خان شمشیر قبضه	فتح الله خان بهادر کمان قبضه	سید دلاور خان کمان قبضه	[illegible] خان کمان حلقه
[illegible] خان کمان حلقه	حمید الله خان شمشیر قبضه	[illegible] علی خان کمان قبضه	[illegible] یک [illegible]	[illegible] دو دانه [illegible]

شکس [illegible]

[illegible] خان یک پاره [illegible]	امان الله خان [illegible] قطعه [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات [illegible]

[illegible] سنه ۴۹

45
226

بک آمده

بسم الله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]	اسد الله [illegible]
آمده	[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] آورده آمده

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

مردم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

فتح الله داروغه [illegible] ارکان [illegible] هزاره

محمد کام بخش

نوه

[illegible] قطعه

انعام [illegible]

[illegible] هزاره محمد کام بخش | [illegible] اسد خان | [illegible]

نوه قطعه | نوه قطعه

حسب الحکم [illegible] شاهزاده محمد معز الدین [illegible]

شاهزاده محمد عظیم [illegible] [illegible]

محمد [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

اخبارات دار السلطنه

[illegible] سنه ۱۲۹۰

[illegible] ६ [illegible]
45
227

بسم الله ... [illegible] در مقام رحمت [illegible] سلام فرمودند
بر [illegible] حضرت [illegible] بجا [illegible]

[illegible]

[illegible]	محمد حسن [illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible] احوال [illegible] در [illegible] مدتی [illegible] فرمودند

[illegible] میرزا [illegible] مرحوم [illegible] منصب [illegible]
[illegible] فرمودند [illegible]
[illegible] نموده

[illegible] مردم [illegible] اکثر [illegible]
[illegible] عدالت [illegible]
[illegible]

حکم [illegible] محمد [illegible] آدرده است [illegible]

[illegible] محمد [illegible] حسن خان [illegible] مردم [illegible]
[illegible] الله [illegible] کم [illegible]

اخبارات دربار معلی

جلوس والا سنه ۴۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY

[illegible]

45/228

یوم السبت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] الطاف و رحمت [illegible] روان [illegible]

[illegible] راه [illegible] گرده [illegible] منزل [illegible]

روز [illegible] داخل [illegible] مبارک شدند

کیفیت حال [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] شدند

[illegible] بیگ [illegible] محمد [illegible]

حکم [illegible]

[illegible] عزت [illegible]

[illegible] بیگ [illegible] ربیع الله خان [illegible]

بحضور [illegible] حکم [illegible]

[illegible]

[illegible]

عبدالصمد خان
[illegible]

شیخ عبدالغفار
[illegible]
[illegible]

رحیم بیگ برادر [illegible]
[illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
229

اخبارات دربار معلی

جمادی الاول ۲ سنه ۴۵

بعد

یوم السبت ۲۳ منه مطابق روز رابعه ... حضرت اقدس اعلی بنابر شکار موضع ... سواری ... روان ساله
سوار شده مسافت راه یک کروه ... طی نموده ... شکار ... گذشته
داخل دولتخانه ... موضع ... شدند

سلطنت

میر محمود ... الله خان مرحوم	محمد امین خان	
آمر ...	در باب قطعه	...
محمد خان ... سواری	دیوان ...	
عصا ... ... آمد	...	...

محمد ... ... حضور در باب روانه نمودن ... ... نمود
حکم ... روانه ... شد

... هرکاره ... ...
در ... ... آورده ... ...

اخبار آستانه دربار معلی

جلوس الهی سنه ۵۰

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

[illegible]

45
220

بسم الله ... الحمد الله الحی السلار سواری بشد سالم روان تخت
سوم ماه یکشنبه روز ... از ... سواری
تشریف آوردند در مسجد گرز آباد رفته قنات آنجا که ... تخت ... ترتیب میفرمایند
چنانچه بعد از ... که از ... مسجد ... چهار کنار ... سامان ... حکم
تخت روان مبارک در مسجد برده حضرت فردوس آرامگه دوگانه خوانده ... عنت
توقف کرده بعد آن نماز ظهر ... سواری تخت روان ... مسافت راه ... کرده
طی نموده در ... داخل ... دریای ... ترک
گرز آباد شدند

... دار گرز آباد ... امان ...

جانثار الله ... بیک	عبدالرؤف	عبدالله ...	...

حکم ... گرز آباد ...

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
281

[illegible]

صاحب الملک سال سنه ۴۸

بسم الله

[illegible] منه [illegible] روز برآمده [illegible] متصل [illegible] بر [illegible] روال [illegible]

[illegible] شده [illegible] هم با و کم [illegible] کرده [illegible] روز برآمده [illegible]

متصل [illegible] شدند

[illegible]

محمد [illegible]	[illegible]	محمد [illegible]	[illegible]
آبوجه [illegible]	آبوجه	[illegible]	آبوجه [illegible]
[illegible] قطعه	[illegible]		[illegible]
محمد [illegible]	[illegible]	شیخ [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] قطعه	[illegible] قطعه	کارد [illegible]
[illegible]	[illegible] کشمیری	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible] قطعه			

[illegible] را دارد [illegible]

[illegible] داد [illegible]

اخبارات دربار معلی

جلوس ... سنه ...

ROYAL ASIATIC SOCIETY

मासा... ९९ ... [illegible]

45/282

بسم الله

... یکشنبه ... روز برآمده دیوان مظالم ... نمودند

مرحوم ... عرضداشت شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر در ... ان ... رسید ... بکشند ... الهام ... شد

شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر ... بخت ... الله ... سلطان ... و کتاب ... نظر انور گذشت

حسب الحکم ... عرضداشت ... شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر ... روانه نمودند

و ... اینجا ...

... فرد ... کرده ... محمد ... حکم ... رداره ...

حکم والا ... صادر ... در جلوت خاصه ... شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر ...

منور ... بالا ... الهام ... محمد ... با ... دولت

و ... محمد ... نمودند

... ملک ... نواحی ... آواره شده حکم ... بخت ... حکم ... در ... فوجدار ... منصب ... نمایند

فتح الله خان ... عرض ... بکشد ... اکبرآباد ... در ... حکم ... مقام ...

بعد از ارضای ... بعد از ... سواره عرضه داشت ونه از ... [illegible]
تا ... فتح قلعه ... ، در ... [illegible]
... را تا ... [illegible] نمودند

45
283

[illegible]
صلی الله ... [illegible]

मागसर वद [illegible]

بسم الله [illegible]
[illegible] دیوان [illegible] نمودند

मागसर वदी [illegible]

بسم الله [illegible]
[illegible] دیوان [illegible] نمودند

[illegible]

[illegible] حکم [illegible] ابراهیم [illegible]
محمد [illegible]
[illegible]

[illegible] قلعه [illegible]
[illegible]

[illegible] حکم [illegible]
[illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY

46
234

اخبارات دربار معلی

رجب سنه ۵۰

یوم الله جمعه

عبادت منه دلوان مرتبه در [illegible]

محمد خان تبرع فراشخانه حضور شبخانه سلامت [illegible] حکم بازموقعه حکم اسلاف از مبالغ

بیشتر رداده کار

मागसर सुदी २ शनौ

یوم الله

٢ مد بکهد بکگدی روزی ابلبه طلب [illegible] رده هی به مبضل سراله ار محمی روان

سالمه بوارث شده بر فتر راه آن کروه نیمیاد کم که محمد در عملت الهداد حکم

داینی به میصل مصلی ساکاو شده

به فتح الله خان بهادر حکم شد در راه کتک [illegible] بیش [illegible] بگذارند

ملاذ قدمت

منصب حکم

می بدصاحب کے در لعمر در حکمت

نوبت مالی رار ابکاه آلالله سرکاری

محمد ابراهیم ملا دا حسین

تعلیم قطعه

حکم مهر

حسب حکم عمده اینت [illegible] ماه شاه نظر محمد شمول اللہ بهادر [illegible] موقعه

سرانجام کرده شد

شاه ولی

منصوره خان ملاذ دعه بوکی به دلیت عرض محمد ولاول مال حماله فلعداد فوجدار [illegible]

عرب با او کس بیست نمک حضرت مراد لیست بردیک لیر بود مراد اله اکر

حکم شد تا کداران آنچه ملاذ است سام حکم از مبالغ بیشتر باید

رعلی هرکاره بعرض رسید متعلقان را اما حینمه شاه الکه

بکس ... رحم بهادر خان سه الله از قلعه کهلیه کیسه فرود آمده

حان قلعه کدام رفته

حکم

رعلی هرکاره بعرض رسید در شاه لطف محمد عبد الرحیم بهادر از مراکش

بکاه محوله در کنول البوز کدام سالم سنگ [illegible] کشیده کده

روان شد

حکم شد فتح الله خان از همه هم صد لوه ملاذ رفیه راه کتک در [illegible] بکیاه

حکم شد فرد اشتی به برادر برادر [illegible] ماید دولت [illegible] بنو یالم

اخبارات دربار معلی

رجب سنه ۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
235.

سه شنبه
یکپهر و شش گهری روز بر آمده در دیوان عام [illegible]

شاهزاده [illegible]

راو [illegible] چهار هزاری [illegible] در [illegible] حال [illegible] مطلبی [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] شاهزاده محمد بیدار بخت [illegible] شاهزاده [illegible] مطلبی [illegible]
و [illegible] و غیره [illegible] رفته [illegible] قلعه [illegible] آتش داده و سواران [illegible]
[illegible] مطلبی [illegible] و غیره [illegible]
[illegible] خبر [illegible] براق [illegible] شدند [illegible]
بقلعه [illegible] زخمی کرده و [illegible] آمده [illegible] زخمی شده [illegible]
سواری [illegible] زخمی شده [illegible] گشته [illegible] قلعه رفته [illegible]
[illegible] مطلبی [illegible] قلعه [illegible]
[illegible] بالصدی ذات یکصد سوار [illegible]

[illegible] شاهزاده محمد بیدار بخت [illegible] در [illegible] گرده
رفته قلعه [illegible] کرده

حکم [illegible] مستحق [illegible]

[illegible] بود
[illegible] و کیل [illegible] بنگاله [illegible] نموده [illegible]
[illegible] مذکور [illegible] احوال [illegible] امید وار [illegible]
[illegible] مذکور [illegible] سال
[illegible] احوال [illegible] و کیل [illegible]
[illegible] مذکور [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] کننده قلعه [illegible]
[illegible] بالصدی یکصد [illegible] سوار [illegible] سوار [illegible]
یکصد سوار [illegible] هزاری ذات
[illegible] یکصد سوار [illegible] یکصد سوار [illegible]
تحصیلدار [illegible] کننده قلعه [illegible] حکم [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY
45/236

मा गरदरयुदी [illegible]

اخبارات دربار معلی

رجب سنه ۵۰

بسم الله

یوم سه شنبه حضرت جهانپناه بعد گذشتن یک پهر و گهری روز برآمده از محل خاص بر جهروکه درشن [illegible] برآمده [illegible]
[illegible] راه [illegible] کم [illegible] کرده [illegible] در [illegible] احوال [illegible] اطراف ملک [illegible]

ملازمت همراهیان سلطان

عثمان قراول	سیدی بلال خان	خواجه خان	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

روح الله خان حکم شد که هزار و پانصد سوار همراه محمد [illegible] خان بهادر و دیگر [illegible]
همراه فتح الله خان بهادر [illegible] در [illegible] شاهزاده [illegible] خان بهادر حکم شد [illegible]
در [illegible] ملاحظه [illegible] کنند [illegible] رخصت [illegible]

मा गरदरयुदी १५ [illegible]

بسم الله

یوم شنبه بعد گذشتن یک پهر روز برآمده بدیوان عام برآمده [illegible] فرمودند

[illegible] الملک اسد خان و [illegible] الملک [illegible] و منصور خان حکم شد که [illegible] ملازمت
شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر [illegible] شوال رفته [illegible]

[illegible] حکم شد [illegible] فردا [illegible] رسد

[illegible] نموده [illegible] کرده [illegible] و [illegible] عرض [illegible] محمد [illegible] فرمودند

[illegible] شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر [illegible] رسید [illegible] حکم شد
ملازمت [illegible] حکم شد [illegible] فردا [illegible]

[illegible] خان [illegible] از [illegible] رسید [illegible] دلاوران
[illegible] قلعه [illegible] کنند [illegible]
رفته [illegible] کرده [illegible] میبرد [illegible]
[illegible] مقابله [illegible] جنگ [illegible] مفسدان [illegible]
مفسد را [illegible] فرمودند [illegible] ده هزار [illegible]
[illegible] گشته [illegible]

ربا بلکه هرکاره [illegible] سید [illegible] آمله [illegible]
[illegible] شایع [illegible] آبادر [illegible] شده

حکم [illegible] ماه رجب [illegible]

بحکم [illegible] الرجال [illegible]
[illegible] سیار [illegible]
بدستور [illegible] جمادی [illegible]

زهی [illegible]
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] داشت

ROYAL ASIATIC SOCIETY
45/287

मागसर सुदी ६ [illegible]

احکام [illegible]
[illegible] سنه [illegible]

بسم الله [illegible]
[illegible] مرتضی [illegible] روان آمده [illegible]
[illegible]

حکم [illegible]

[illegible]
[illegible] الله [illegible]

मागसर सुदी ६ [illegible]

بسم الله [illegible]
[illegible]
[illegible] حکم [illegible]
[illegible] حکم [illegible]
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] فرمودند

मागसर सुद ३

اخبارات دربار معلی

رجب المرجب سنه [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

46/238

یوم الجمعه

امروز دیوان موقوف فرمودند

मागसर सुदी [illegible] शनौ

یوم السبت

امروز بسبب باران رحمت الهی دیوان موقوف فرمودند

بخشی الملک روح الله خان و حمید الدین خان بهادر و فتح الله خان بهادر بموجب حکم جای [illegible]

از حضور بالا از طرف [illegible] که منازل مسجد [illegible] بحضور [illegible]

طلب [illegible] بخشی الملک وغیره به [illegible] حمید الدین خان بهادر [illegible]

[illegible] فتح الله خان بهادر [illegible] بخشی الملک [illegible] مانده و بنده [illegible]

[illegible] از حضور [illegible] ۳ کروه [illegible] جای لائق [illegible] مبارک [illegible]

دو منزل مقرر کرده [illegible] کروه [illegible] کرده [illegible] حکم [illegible]

فتح الله خان بهادر [illegible] آمده [illegible] فرمودند

मागसर सुदी [illegible] रवौ

یوم الاحد

امروز [illegible] دیوان عام [illegible] فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY

حکم [illegible] طعام و ۳ خوان میوه [illegible] شاهزاده [illegible] شد

[illegible] حکم [illegible] بخشی الملک روح الله خان [illegible] زاده [illegible]

[illegible] بخشی الملک [illegible] فرموده آمد

بخشی الملک روح الله خان حکم [illegible] که [illegible] جای لائق

[illegible] منازل مسجد [illegible] بردم

جلو [illegible] بخشی الملک [illegible] حمید الدین خان بهادر و فتح الله خان بهادر

نیز همراه بروند

[illegible]

[illegible] مردم [illegible] دوازده کروه از طرف [illegible] رسیده [illegible]

وغیره [illegible] مظفر

اخبارات دربار معلی

رجب المرجب سنه ۵۰ (؟)

ROYAL ASIATIC SOCIETY

95 / Z 39

یوم الاحد

از منزل ملکان حضرت تکبهدر (؟) گذر برآمده دیوان مظالم فرمودند

خورشید خان منصب دار ... را بمنصب ... مرحمت شد

رحیم الله خان منصب ... زاده محمد بیدار بخت ... الله ملازمت ... بکهیر ... تلنگ والا ... لصد آد

از سوانح ملوه مالوه بعرض رسید ... زاده محمد اعظم شاه ... بخت ... مرحمت ... بسر افرازی یافته ... محمد یار خان ... طلب ... ملازمت ... تا ... منزل ... برای ... بیشتر رفته ... فرمودند ... حکم ... عالی رفته ...

مراتب ... رسید ... بعرض ... فرمودند

محمد یار خان ... اکبرآباد ... فوجدار ...

بمنصب	بمنصب	بمنصب	بمنصب
سه هزاری ذات	بالاصالت	برادر بالاصالت	بالاصالت
			ذات
		...	

... الدوله ... الاسلام

شاهزاده محمد اعظم ... ملازمت ... رسید ... اکبر ... حکم ... تا ...

بعرض رسید ... ملازمت ... زاده محمد بیدار بخت بهادر ... حکم ... گذر ... مکدر ...

... غیره را

اعظم ... را ... فرمودند ... فرمودند ...

از ... ملازمت ... راه ... شده ...

حکم ... اسمعیل خان ... دار ... ولایت ... احوال ... المجد ... دستگیر ... محمد امین خان ... گرفته ... حضور ...

... بخشی بهادر

حکم ... خان ... خواجه ... زاده محمد بیدار ... بحواله ... حکم ... والد ... فرمودند

از سوانح ... خان مرحوم در راه ... ملازمت ... فرمودند ... اکبر ... را ... طور ... عوض ... نشین ... حاجیه ... اول ... فرزند ... فرمودند

اخبارات دربار معلی

رجب المرجب سنه ۴۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45 / 240

९९ [illegible]

[illegible] ۲ شنبه [illegible] حضرت بکشت شکار روز [illegible] دولت [illegible] عالم فرمودند

محمد اسحق خان صدر [illegible] ۳ هزاری [illegible] اسمعیل خان [illegible] دار [illegible] ولایت [illegible]
انتاج رخصت [illegible] دو بک [illegible] صحیح [illegible] بحراست [illegible]
ساعت [illegible] طلب [illegible] محمد [illegible] مفتی [illegible] الله [illegible] نجسته [illegible]

[illegible] عازم المنزل [illegible] فرموده [illegible] [illegible] بک [illegible] برادر
روانه [illegible] روز [illegible] کوچ [illegible] طلب [illegible]

عبدالله بیگ یوزباشی [illegible] فرموده [illegible]
صد [illegible] داشت

بعرض رسید [illegible] عالم [illegible] حکم [illegible] حکیم محمد رضا [illegible]

روح الله خان [illegible] بحکم [illegible]
[illegible] بحضور [illegible] به روز [illegible]
بعرض رسانید [illegible]

[illegible] حواله دار قلعه [illegible] هزاری [illegible] سوار [illegible] اضافه [illegible]
[illegible] محمد [illegible]

بحضور [illegible] فرموده [illegible] بسکه [illegible] گرده
فرمودند [illegible] شکار [illegible]
میرزاده [illegible]

[illegible] حکم [illegible] خان [illegible] فرمودند [illegible] داده
[illegible] رسید

حکم شد فریکوچی حواله دار طوبه سکن گست را کاهلدار بالصدر روپیه بدهند

منفعه

از سوانح برهانپور بعرض رسید که مردم مفسد بیرون در آنجا رسیده از هر چهار طرف محاصره

همچنین مردم شهر برون رفتن نمی توانند حکم شد که جان فرود خان بولند فوج از برای

خود رو لو بسند از رفته مفسدان سواهه شده است

حکم شد حلقه براں کنوار زمیندار الور حواله وکیل نامبرده کرد و العاص و تصدار

کراهک محمد زادی نوبسند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45
2341

اخبارات دربار معلی

بتاریخ ۲ رجب سنه ۵۰ هم

بسم الله

سه شنبه بندگان حضرت بکهری سه گهری روز بر آمده دولتخانه عالم برآمدند

مهابت نندن بیکار شرف الدین معزول دیوان کار شاهزاده محمد عظیم ملازمت نموده نکهبردار کی

نثار گذرانیدند حکم شد که در دکالت سرکار عالی بر راه سازد شاه عالم بهادر شاه کی

شاهزاده محمد عظیم ناظم بنگاله بالصدر رسید موجه عرضه داشت فتح ملکه بیع

ارسال داشته بود ملاحظه فرمودند بر طرف الوار گذشت

در شد فتح الدین بهار العرض رسید که در راه مرال یتیر و کشتند صاحب حکم

حکم شد که فرد اشتخاص روانه نماید بر در آن حبیب کوع منفذ انیم

حکم شد که بیک نیرال عقب نامه دولت جلسه ملک اسد خان دارحجه الملک

تربیتی وراجه جبنسکه می آمده باشند

نکمیرال عقب

حکم شد آنجه مردم منصبدار برادر محمد کاظم بر سعی در جنگ بلوچ خان مثل

لکار آنک عرض آن بطرف الوار گذارد شد

لشکر ظفر اثر

صحت ... حسن ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

48
2412

سه اشنبه [illegible] حضرت اقدس اعلی بمنزل متصل موضع ملکاپور

سه اشنبه نهم [illegible] روز [illegible] بیگان حضرت [illegible]

بسواری تخت روان آمده سوار شدند مسافت راه یکنیم کروه طی نموده داخل

دولتخانه منزل موضع [illegible] شدند و دیوان موقوف فرمودند

جماعه دیلی ... سواری ملازمت ... بار یافته کورنش گذرانند

راجه جسنگه ... شاهزاده — جسبیان راه دار ... قلعه ... شاه ... ی

محمد بیدار بخت بهادر — تا حضور پرنور منور است

اعظم شاه — محمد ... شاه ... [illegible]

حسن ... [illegible]

محمد بیدار بخت بهادر

حمید الدین خان بهادر ... حکم ... ارسال ... برای ... شاهزاده

بنظر انور گذرانید ... خط ... رکهه ... اموال ... خان ... فرمودند

... [illegible] ... بنظر انور گذرانید

حکم ... خان عالم راه دار مراد آباد ... روز شنبه رخصت شود

لذا واقعه نویس ... عرض رسید ... دارانی ... واقعه ... مردم ...

فراهم شدند ... [illegible] ... در ساخت ... الملک ...

تا ... آمی بولند

حال ... برادر ... از مراد آباد ... دارای ... خان

تا قلعه ... دارای حسید خان را تا حضور پرنور ... فرمودند

اخبارات دربار معلی

رجب سنه ۴۹

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

मागसरसुदी १९४७

45
243

یوم الله جمعه

۵ ماه سنه دیوان موقوف فرمودند

मागसरसुदी १९६ रानौ

یوم الاثنین

۶ ماه سنه یک پهر ۳ گهری روز بر آمده دیوان عام مظالم فرمودند

شاه

شیخ محمد خان داروغه فولاد حیدرآباد عرض نمود که اگر مردم فولاد ... سنتان بدار ... رسانیده شود در قلعه ملازمت

مرحمت شوند مسطور فرمودند

مصر

سرافراز خان منصب ... بخشی زاده محمد بیدار بخت بهادر سرافراز شد

حاکم ... عبد الغفار ... اسد الله ...

مهر ۵ مهر ۵ مهر

یکه ...

امان الله خان ... بحکم ... قلعه ... برتخته ... یار ...

... رسیدند ... خان ... حصول ... حاکم

رسیدند موی ... ان ...

حسب الحکم ... الله بهادر ... خان ... ذو الفقار خان بهادر نصرت جنگ

... رواند فرمودند

فرمان ... شاه ... در ... بهادر ... فرمودند

شاه عالم بهادر ... جنگ

بادشاه ... خان ... ظم

برهانپور

شاه ... بهادر ... شاه

نقطه نقطه نقطه

طلب ... فرمودند ... بهادر ... است

عرض نمود ... فرمودند ... فتح الله خان بهادر

... فرمودند ... سجاده ... شاهد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

شنبه ... سنه ۵۰

آنجا ... گذارش شد

سه شنبه ... متصل موضع ... در دولتخانه ... الملک

... امینه بیگم ... ازو ... بعد ... [illegible]

... راه ... کرده باد گم ... موقع ... آتش گیری ... [illegible]

داخل ... متصل موضع ... شدند

در ... گاره بعرض رسید ... جمعی با ... سوار

حاکم موضع ... عقب آمده ... مردم ... [illegible]

از ... جمله ممالک ... خان ... جمع ... [illegible]

... سواران ... مذکور ... مقابله ... [illegible]

بسیاری ... انفصال رسانیده ... سوختند ... [illegible]

رحم ... مذکور ... جانب ... [illegible]

... رفته ... جمله ممالک عقب ... ۸

حاکم ... خان گرد ... محمد ... [illegible]

شاه کنج ... سعادت ... بعرض ... [illegible]

بادشاه زاده محمد کام بخش یک پاره سنگ ... آورده ... معاف شد

حکم ... برادر ... گردم ... [illegible]

از ... محمد امین خان بعرض رسید ... طلب ... [illegible]

بسیار ... احوال ... حکم ... [illegible]

برادر ... بعرض رسید

... محمد ... [illegible]

... بعرض رسید ... اهل ... از قلعه ... [illegible]

در قلعه ... رفته بود ... [illegible]

رفته است

اخبارات دربار معلی

روز ... سنه ۵ ...

روز الاحد

۱۷ ماه ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

415
245

نیمروز
... ماهه

در شب بعرض رسید در باب سرداران از قلعه ... خان کمک ملازمی
فرود آمده گرد باغ ... ونهای ... کرده در ... فیض الله خان سردار
در کمک ... خبر یافته تا ... از ... خان ... سرداران
گریخته رفتند حکم شد ... فیض الله خان و حمید الدین خان سردار
و ... خان ... تا ... کرده و راه ... ملازم ...
کرده باید

... خان ... سردار
... خان ... سردار ... که ...
را ... ماند ... شده ... ذات ... اند

حمید الدین خان بهادر ... جمشید خان التماس داد ... ایله
راه داری ... شده و ... آمده ... در ... آن
لیندوار ... انعام ... بدیل ... مرحمت ... خود ... فرموده ...
... دیگر نقش ... ماهه

بعرض رسید

... تنخواه ... ملک ...

... سند ... جانب ... شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر ... ملازق نام
انعام داده فاتحه ... خیر خواند ... برای ... از ...
رخصت ... شاهزاده ... گرده ... مبارک
بر ... بیدار بخت ... سلطان ... کار ...

حالی ... برادران ... شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر
سرداری ... ملازمت ... نثار کرده ... و در ... حضور
تنخواه ملک رفیع الله خان ... راه داری ... اولاد
عوض ... مقرر شده و ... بحال شد در باب ... سلطان ... حکم
حکم ... شاهزاده ... و در ماه ... خواهد نوشت
... هایم

خان ... اله	معمور خان	احمد ... خان	فرید خان و ... خان
... مهر	... مهر	... مهر	... مهر

اخبارات دربار معلی

سنه ۵ جلوس

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
246

॥ पोहवद ५ ॥

॥ पोहवद ५ श्रीमैरासमाचार

واقعه ملکان حضرت ... روز ... سلام ... فرمودند

ملازمت

جهه ملک الله خان ... خان ... راجه ... سنگه ... محمد ... دیوان

انعام

... کیج ... سید ... خان ... راجه

تعارف خلعت

محمد بخش ... مرحوم را ... خلعت ... داده ... مقرر نموده خلعت انعام ... فرمودند

... دواند ... حسید خان ... نمودند

... بان ... باندار ... یار ...

... سید ... راجه ... سنگه ... راجه ... سنگ ... را ... خان آمده ...

... سنگ ... راجه ... سنگ را

یک ... فرصت ... شمرده

... گاه ... وان

... خان ... حضور ... بر ... غله ... از ... گاه ... حضور ... رسیده ... مشغول

... در حضور ... برنج ... آثار ... غله ... بادشاه ...

... دیگر ... اشرف ... درگاه ... سبز ده ... آثار ... آورد

... نمودند

سید ... خان ... خواجه محمد ... خان ...

نقل بعد

بخشی الملک روح الله خان و حمید الله خان بهادر و مطلب خان موجب حکم گرد
حویلی موقف نقش کرده بحضور آمده عرضه نمود [illegible] نموده فرمودند که
حکم بخشی الملک دور فرود آمده است نوکران ماهیند و کیسه و بغیره مردم لشکر جا دور
فرود آمده از نزدیک فرود آمده و طناب [illegible] نمایند

محمد ریان مشرف فراهم حکم اسباب دیوان خاص اسباب نماید
حاضر باشد

حسب العرض فتح الله خان بهادر حکم [illegible] و تیرداران همراهی خان بهادر را
طلب نماید

حکم فوری شد

از [illegible] جانب [illegible] عرض رسید [illegible] والی [illegible]
حکم [illegible] برای [illegible] و حامد خان بهادر عالمگیر [illegible]

معاف

راجه [illegible] التفات [illegible] فوج رکاب شاهزاده محمد بیدار بخت بهادر
سرافراز [illegible] راجه [illegible] طلب حضور فرمودند

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/247

اخبارات دربار معلی

سنه [illegible] جلوس [illegible]

بسم الله [illegible]

یک پهر و دو گهری روز بر آمده دیوان مظالم [illegible] نمودند

بادشاه [illegible] محمد کام بخش [illegible] قلعه [illegible] کرده
[illegible] ربیع الثانی فرموده [illegible] موجودات [illegible]
نوشته [illegible] گذرانیدند

معاف

[illegible] اسد خان عرض [illegible] رسید [illegible] دار [illegible] در [illegible]
[illegible] موقف [illegible] آمده [illegible] حکم [illegible]
[illegible] موقف [illegible] خلعت [illegible] الهام [illegible]

سید نور محمد [illegible] مقرر شده بود
در [illegible] خلعت الهام [illegible] رخصت فرمودند

تصحیح

محمد محسن [illegible] [illegible] وداد [illegible]
فوج رکاب [illegible] سرافرازی [illegible]
داده [illegible] فرمودند

اخبار دربار معلی

رجب سنه ۵

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45
248

یوم الاحد

ام مه ... یکشنبه چهار گهری روز بر آمده در دولتخانه [illegible] برآمدند

انعام

[illegible] محمد [illegible] بخش — [illegible] خان بهادر — محمد حسین [illegible] مخلص خان

[illegible] — [illegible] — محمد [illegible] بخش

[illegible] خان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] مقصد

[illegible] روز [illegible] مردم [illegible] قلعه [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] خان بهادر [illegible] مقابله [illegible] حاکم [illegible] اکبر [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اندرون قلعه رفتند — مخلص [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] [illegible] مرحمت [illegible]

فرمودند

[illegible] [illegible] [illegible] محمد [illegible] بهادر [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

به حمید الدین خان بهادر رخصت [illegible] فرمودند که [illegible] رفته [illegible]

[illegible] دولت [illegible] مشخص [illegible] [illegible] [illegible] قلعه [illegible]

جواب [illegible]

به [illegible] خان فرمودند [illegible] [illegible] [illegible]

فرمودند

به [illegible] [illegible] [illegible] حاکم [illegible] [illegible] رفته

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رفته

حمید الدین خان بهادر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ملاحظه [illegible] فرمودند [illegible] داد

لمحارلی دربار لکنس مرار

بعد امر حکم ٥ سنه

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/249

جمعه

سنه ۱۲۳۴ دیوان همایون شوکتمقرون

چالش

دبرور حاکم ... سلداران وشقه موجه لکاهک ازکوه برارن ایارای حور

سرای ۲ دهد

دیرور نخجوان الکی رفیع الرحمن موجب حکم امور لیک واقعه کیدلر کرده

دیده ایله

چالش

حاکم ... خان مراکشی وحمد الله خان ... وحللی حوالشه ... حور

لیک واقعه کیده کرده حالتی ... مبارک دیده ... ختم

حاکم ... دیده آمده شمسه ... طاور ... کیدلر ... کرده

یکی ابت لیک جوزی حضرت شوکتمقرون

تعلقات قولی جاناش

جمعه

از سرای قلعه دیوار البحیوری تعرض ... حاجی ... ولد الحمد ... سرداران ...

ماهیه دار ... آواره ... نخجوان ... قبال ... رای ...

مفسدان ... مقابله موقف ... خاک واقعه ... حضرت

... مفسدان ... در حمی ... مفسدان ... زده ... نجبه

ومتعقد ... مرکز ... وظلمت ... رسید

قلمه کیلکده

حمد الدین خان ... حاکم ... و ... کرمان

دیده اینه ... عموم

مهجن

نخجوان الکی رفیع الرحمن موجب حکم ... طوق ... بالت ... محمد ...

منعه ... الرحمن ... وحمد الدین خان ... الرحمن ... نعمتی ... وللهم ...

... کرده ... حضرت نخجوان الکی ... اوله ... شوکتمقرون

دریه ... الفقار ... جاکسه ... حضور ... بر مهجش

حمد الدین خان ... موجب حکم ... بالت ... محمد ... سلاطین

... شصد ... همت ... سلاطین ...

نموده ... علیحده کاهد

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی مورخ

... سنه ۴۵

بسم الله

۲۳ شهر ... یکشنبه روز اربعه دیوان سلطان و ...

بارت شاه ... محمد ... بخشی ... کلمه ... بادشاه ... سمت ...

بعرض سید محمد ... خان ... حکم ... دادن ...

... بادشاه ... عالم ... حکم ... خان ... روانه ...

حکم ... عبدالله خان ... کوتوال ... حکم ...

... [illegible] ...

... حکم ... کوتوال ... در قید ...

... بعرض سید ... خان ... حکم ...

... حکم ... خان ...

... سید حسن علی خان بعرض ...

... محمد ... حکم ...

... روانه ...

نامه ... نامه ... نامه ...

قطعه ... قطعه

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
251

اخبارات دربار گیتی مدار

رجب سنه ۴۹

سه‌شنبه ۲۳ ... چهار گهری روز برآمده دولت مطابق معهود

[illegible]

محمد رفیع بهمراه ... — خلعت بوری برادر محمد امین خان — خلعت فرصل ... ازدیاد ... آمده
فتح الله خان ... — مالی والده ... — ... خلعت
... — ... بمار

خبر رسید که جان میر آتش ... کهان ... ملا ... بحضور آمده ... سنه ... گوران ... نصرت ... و ... الطاف ... و بحسب حکم روح الله خان ... گوران ... هزار سوار ... فوج ... همراه محمد امین خان ... هزار سوار ... بخشی الملک ... گرد قلعه مذکور ... شده بود

... برادر ... محمد سعید ... خان ... ارشد محمد ... بحضور ... حاکم ... بود ... بعمل ...

ب بو

اخبار دربار معلی

صبح ... سنه ۱۲...

मागशर ९९

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

485
252

بسم الله

سه شنبه ... مصطفی [illegible] ... دیوان ... [illegible]

मागशर वदी १० मानी

بسم الله

... یکشنبه ... بر سواری تخت روان ... سوار شد در راه ... مبارک ...

محمد ... بخش ... [illegible] ... معیان ... راه ... کرده باید

طی ... یکشنبه ... داخل ... مصطفی ... [illegible]

عبدالله ... احمد ... ملازمت ... [illegible]

... صدر ... [illegible]

... [illegible]

... اول	... سلطان	...	...
... قطعه	چهار قطعه	...	...

حکم ... [illegible] ...

... آمده باشد

... [illegible] ... عرضه داشت ...

... کرد

... [illegible] ...

... احوال ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.
45
263

الله آسوده دربار ... سردار
... سنه ۵ ...

بسم الله

۲۵ ... یکشنبه ... روز ... دیوان مطالع ... مظفر

اعلام

محمد صالح ... واقعه‌نگار ... محمد ... محمد حسن ... صوبه‌دار
... منوال ... واقعه‌نگار ... ازین ...
...

الف

... محمد ... سردار ... خان دیوان ...
... حضور ...
... طلب خان ... دیوان ...
... سوار

سردار

... خان ... محمد سردار
... خان ...
...

... خان	... خان	...
...	...	...
... سوار	... سوار	... سوار

عرض ...
منح الله خان سالار ... بهر گاه مردم ...
... محمد ... مردان
...

...
... سوار ...
در ...

... خان ...
...

... خان ناظم ... خان ...
... حضور ... حکم ...
رفته بحضور ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

MS
264

اخبارات دربار معلی

[illegible] سنه ۵۰

[illegible]

روز [illegible] یکشنبه [illegible] دیوان [illegible] فرمودند

عرض

[illegible] خان موافق حکم [illegible] را [illegible] بحضور [illegible]

[illegible] خان [illegible] و غیره [illegible] دار [illegible] فوجدار [illegible] سوار [illegible] بحال [illegible] فرمودند

[illegible] خان [illegible] فوجدار [illegible] اسلام آباد [illegible] سوار [illegible] فوجداری [illegible] فرمودند

[illegible] خان [illegible] فوجداری [illegible] صدی [illegible] سوار [illegible] فرمودند

[illegible]

[illegible] در صوبه [illegible] محمد [illegible] الله [illegible]

[illegible] خان [illegible] فوجدار [illegible] محمد [illegible] سوار [illegible] فرمودند

[illegible] محمد امین خان [illegible] در صوبه [illegible] سوار [illegible] محمد [illegible]

[illegible] خان [illegible] بحضور [illegible]

[illegible] بحضور [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] بحضور [illegible]

حاکم [illegible] بابو خان فوجدار [illegible] در دار الصلح [illegible]
مردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آواره [illegible]
[illegible]

از انجا [illegible] خدابنده خان [illegible] محمد داد [illegible]
همکاران [illegible] در [illegible] آواره شده [illegible]
اخبار [illegible] اکثری [illegible] [illegible] و مردم [illegible]
[illegible] کور [illegible]

[illegible] خان [illegible] خان [illegible] طلب [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

॥पोहवद १३ शनिवार॥

اخبارات دربار معلی

[illegible] سنه ۵۰

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

MS 260

بسم الله [illegible]
[illegible] [illegible] روزه [illegible]
۲۳ [illegible] دیوان [illegible]

فتح الله خان [illegible] خان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شده عرض [illegible] [illegible] راه [illegible] کرده [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] حکم [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

॥पोहवद १४ गुरेरासमावार

بسم الله [illegible]
۲۴ [illegible] [illegible] دیوان [illegible]

[illegible] [illegible] عرض [illegible] حکم

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
256

اخبارات دربار معلی

[illegible] [illegible]

نعمت الله [illegible]

۲۸ سنه

۲

مقرر شد که فرمودند در [illegible] بنویسند تا رسیدن [illegible] واقعه نگاری

سر راه [illegible]

حکم [illegible] خدابنده خان ناظم محمدآباد و [illegible] ناظم

[illegible] [illegible]

شیخ هدایت [illegible] واقعه نگاری [illegible]

فرمودند [illegible] شیخ محمد صالح واقعه نگار [illegible] واقعه نگار [illegible]

[illegible] نمایند

[illegible] تنخواه مردم محلص خان [illegible] اوردها محمد کاظم [illegible] تنخواه [illegible] احوال [illegible]

حکم [illegible] معتمد خان تنخواه دهد

[illegible]

[illegible] مردم [illegible]

[illegible] حکم [illegible]

[illegible] دهد

[illegible] محمد [illegible] کوتوال حکم [illegible] سردار [illegible] کوتوال

[illegible] اورا [illegible]

[illegible] حکم [illegible] توپ [illegible]

[illegible] دارد [illegible] بحضور [illegible]

میر [illegible] خان [illegible] صوبه [illegible] واقعه نگار [illegible] صوبه [illegible]

[illegible] میر نعمان ولد عبدالرحیم خان [illegible] میر نعمان [illegible]

ده سوار [illegible] الحضور [illegible]

[illegible] صوبه [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
257

نقل اخبار [illegible]

[illegible] سنه ۵

بسم الله [illegible] خاص مبارک بر تخت روان سوار

۲۸ شنبه [illegible] حضرت [illegible] برآمده [illegible] برآمدند

[illegible] سوار شده [illegible] رسیده بر تخت روان سوار شده

[illegible] راه [illegible] گرده [illegible]

[illegible] موضع [illegible] شده

[illegible] فرد

مقام [illegible]

[illegible] محمد [illegible]

[illegible] باران [illegible]

محمد [illegible] شاه [illegible]

[illegible] محمد [illegible]

[illegible]

اخبار دربار معلی

احمد شاه سنه ۵

جمعه

ربیع

۲۹ ماه ... دیوان موقوف شده بود

در باب حکم جهت ملک اسد خان فردا به مورچال فتح الله خان بهادر
قلعه کهنه کبیر ... امروز جهت ملک آلطاف کنگل رفته دزدان
قلعه مذکور آمدند و فتح الله خان بهادر مقابله نموده جنگ ... واقعه شد
اکثر زخمی نموده دزدان شکست خورده در قلعه مذکور رفته ...
خان بهادر رسیده ... قلعه مذکور ... آتش داده ...
بوقت شام ... بعرض والا رسید

حکم فتح الله خان بهادر و حمید الدین بهادر ... خان و محمد ... خان
تیار شوند فردا برای مورچال قلعه کهنه کبیر رخصت ...

فرمان ... مهمات ... روانه شود

... وکیل ... خان بعرض رسید ... حکم ... رسید
حکم ... شد

ROYAL ASIATIC SOCIETY.
45/258

اخبارات دربار معلی

شعبان سنه ۵ [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45/259

[illegible]

شهر [illegible]

۲ مد بیکت تشکری روز [illegible] دولت حاصل فی مقصد [illegible] همراه

فتح الله خان بهادر ارسلان خان نجیب [illegible] خواند [illegible] دیلی القاسم دلقه [illegible]

برای قاسم موفق [illegible] قلعه [illegible] رخصت فرمودند

حاکم [illegible] بکس [illegible] قصبه	[illegible] ان	سمی [illegible] سید [illegible] قصبه	سیدی [illegible] قصبه
[illegible] خان صوبه قصبه	میر محمد [illegible] قربان	میر احمد [illegible] قصبه	[illegible] عبد الغفار [illegible] قصبه

میر [illegible] فتح الله خان بهادر [illegible] سرافراز [illegible]

القاسم دلقه با خان بهادر رخصت [illegible]

زبردست خان ناظم [illegible] صوبه داری [illegible] خان [illegible] خان

صوبه داری [illegible] مقرر [illegible] رفیع [illegible] خان [illegible]

[illegible] خان [illegible] بهادر [illegible] سید [illegible]

[illegible] احوال [illegible] دستور [illegible]

[illegible] ملک [illegible] حکم [illegible]

اخبارات دربار [illegible] مدار

سنه ۵ [illegible]

سه شنبه ۲۳ [illegible] بکهر [illegible] برآمده دیوان [illegible] نموده [illegible]

حمید الدین خان بهادر را [illegible] مرحمت [illegible] الانعام [illegible] رخصت نمودند

خان بهادر [illegible] راجه [illegible] سنگه

[illegible] نیمه [illegible] لاهور [illegible]

محمد رفیع برادر [illegible] فتح الله خان بهادر سیدی یاقوت [illegible] شمشیر قبضه [illegible] قبضه

هندال جماعه دار [illegible] مردم [illegible] الانعام [illegible] رخصت نمودند

[illegible] آواره [illegible] علی

[illegible] حضور [illegible] آمدی [illegible] حکم [illegible] خان [illegible] طلب حضور [illegible]

[illegible] محمد امین خان [illegible] الانعام [illegible] مقدمان

حاکم [illegible] حمید الدین خان بهادر [illegible] امین خان

[illegible] جمعه [illegible] عالمگیر [illegible]

رخصت [illegible] مذکور [illegible] حمید الدین خان بهادر [illegible] نمودند

[illegible] حمید الدین خان بهادر [illegible] دیوان [illegible] نمودند

[illegible] برآمد [illegible] حمید الدین خان بهادر [illegible] حضور [illegible]

نزدیک رسانیده حاکم [illegible] حاضر [illegible]

حاکم [illegible] دیگران [illegible]

[illegible] مرحمت [illegible]

[illegible] احوال [illegible] حاکم [illegible] دوران [illegible]

خزینه [illegible] داده [illegible] نمودند

عرض [illegible] احوال [illegible]

[illegible] احوال [illegible] حاکم [illegible] حضور [illegible]

[illegible] حاکم [illegible] صادر [illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45 / 260

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
261

اخبارات دربار ... معلی
شعبان سنه [illegible]

سه شنبه

سه ساعت و یک پهر [illegible] بر آمده دیوان مظالم فرمودند

بحکم اقدس [illegible] برای صحبت [illegible] ملازمت [illegible] گذرانید

حسب الحکم [illegible] خان [illegible] محمد [illegible] ذوالفقار خان بهادر

[illegible] روانه فرمودند

در اکثر

حسب الحکم والا [illegible] فتح الله خان بهادر [illegible] اسمعیل خان [illegible] مضمون [illegible]

آواره [illegible] عبدالله [illegible] گرزبردار فرمودند

سوار

عبدالله خان [illegible] محمد [illegible] سوار [illegible]

مشروط بود [illegible] دیگر [illegible] فرمودند

محمد خلیل ولد [illegible] سوار [illegible]

خطاب [illegible] خان را [illegible] فرمودند

لطف الله خان [illegible] فرمودند [illegible] سوار

شیخ [illegible] رخصت فرمودند

خلعت [illegible] گرزبردار فرمودند

فاتحه [illegible] خیر جواب همه [illegible] رخصت فرمودند

اخلاص خان [illegible] مبارک خان برادر [illegible] شمشیر [illegible]

شمشیر خان [illegible] محمد امین خان [illegible] رخصت فرمودند

بحکم اقدس [illegible] محمد حسن [illegible]

مرحمت [illegible] دیگر [illegible] امیر خان مرحوم [illegible]

مرحمت فرمودند

محمد [illegible]

فرمودند [illegible] فتح الله خان بهادر

[illegible] مرحمت فرمودند

مطالب [illegible]

اول [illegible] سوار [illegible]

[illegible]

[illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

اخبارات دربار [illegible] بهادر

سنبله سنه ۵۵

بسم الله [illegible]

۵ [illegible] یکشنبه [illegible] وزیر [illegible] دیوان مطالم فرمودند

یکصد [illegible]

[illegible] فرموده [illegible] شمار دار الطاف [illegible] گلکته [illegible] مقیم [illegible]

در روز [illegible]

[illegible] برای [illegible] علیحده [illegible] نامه

الام

خلاصه محمد [illegible] داد و [illegible] الکوی حواله دار قلعه بام کبر [illegible]

[illegible] الصبح مردم [illegible] [illegible]

است [illegible] ضع [illegible] [illegible]

حکم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شده

در روز [illegible] [illegible] [illegible] حکم قلعه گلکته [illegible] را دیده آمد

[illegible] را [illegible] کاره راه [illegible] [illegible] [illegible] سال [illegible]

حسب الحکم والا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منصدی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

فرمودند

لکهنه

[illegible] بهادر [illegible] رسید [illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible] حضور [illegible] [illegible] گرده

[illegible] جمشید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جنگ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] محروم [illegible] ساختند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] رحمی [illegible] [illegible] [illegible] جنگ [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] جمعیت [illegible] [illegible] جمعیت بسیار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

رفتند

اخبارات دربار ... مدار

شعبان سنه ۵ جلوس

ROYAL ASIATIC SOCIETY.

45
268

سهم ربیع ... حضرت ... ۲۶ سلخ ... حضور بکمهری ... کدی رو در برابر دیوان ... مطالع فرمودند و یک زرد ... بیست و چهار ...

حضرت هلکت اسد خان را خطاب امیر الامرا سرافراز نموده بکفیت صحیح مرحمت الله عطا ... برای تسبیح ... کنند فاتحه خیر خوانده رخصت نموده ... صاحب حضرت هلکت ... بموجب طلب ... دست مبارک بر پشت ... فرمودند ... امروز منزل اول ... فردا روز جمعه ... پس فردا روز شنبه برای ... قلعه ... جاگیر حضرت هلکت ... آدم

ریختی ره را

درست رباط هرکاره بعرض رسید ... از حضور ... یکرده کاوان ناحیت بموجب حکم ... و تخت هلکت ... منصور خان ... مفسدان ... حاکم خان ... رالهما ... رفته حاکم ... مذکور ... نوشته ... رفته و ... نیم شب ... بعرض ... الدار ...

حاکم ... محمد امین خان ... درداده ... از حضور ... داسیان ... از حضور ...

ربر ... خان ... صوبداری ... هزاری ... سوار ... بعض ... صوبداری ... داده ... خان ... سوار ... فرمودند

اخبارات دربار معلی
سنه [illegible]

یوم الاحد [illegible]
سنه [illegible] دیوان [illegible]

مبصدار

دیروز فتح الله خان بهادر و حمید الدین خان بهادر عرضداشت‌های مصحوب حرکاره [illegible] دکن
ارسال [illegible] بوده [illegible] مفاهیم برشته [illegible] ابطال [illegible] که [illegible] دیوار [illegible] خانه [illegible]
بسته بود [illegible] مدها [illegible] سواران [illegible] رسیده مقابله [illegible]
مفسدان را تقبیل [illegible] زخمی گردید [illegible] قلعه [illegible] مدها [illegible]
رسیده [illegible] گرده [illegible] [illegible] آمده و زخمی شده‌اند [illegible] سواری
منعمی [illegible] شده [illegible] مجری شد [illegible] فتح الله خان بهادر [illegible]
و [illegible] حمید الدین خان بهادر [illegible] عرضداشت [illegible]
رسانیده [illegible] برای [illegible] بحضور [illegible]

بحضور عرض رسید [illegible] عرضی [illegible] زمیندار [illegible]
[illegible] عرضداشت [illegible] و [illegible] ده لوله [illegible]
[illegible] الماس دارد [illegible]
زمیندار [illegible] مقرر [illegible] و [illegible]
سر افراز [illegible] منظور [illegible] نمودند

بحضور رسید [illegible] موافق حکم [illegible] محلص [illegible]
حکم [illegible] مطلب خان [illegible] آمد [illegible]

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
265

اخبارات دربار گیتی مدار
سنه ۵ [illegible]

سه شنبه [illegible]
۸ مد یکپهر و ۳ گهری روز بر آمده دیوان مظالم فرمودند

درین روز بعرض رسید که عبدالرحمان خان بخشی ۳ بتاریخ [illegible] برای [illegible] چهار صد سوار بود [illegible] شد
و فضل الله خان وغیره در ماتم نشسته حکم شد که چهار قاب طعام [illegible] مرحومی [illegible] شد
و بهادر خان رفته از ماتم بر داشته بالو و جانجه ادا [illegible] ذبح [illegible] انعام [illegible]

فضل الله خان برادر [illegible] | [illegible] برادر [illegible] | محمد ابراهیم پسر عبدالسبحان [illegible]
بالابد | سال | جانشین حکم [illegible]
بنات

حکم شد که حکم [illegible] خان [illegible] هیچ قاب طعام نوبت [illegible] الله خان بسیار [illegible]

بعرض رسید که [illegible] محمد خان و مطلب خان [illegible] برای [illegible]
جانب [illegible] رفته حکم شد که [illegible] خان نیز همراه [illegible] درگاه [illegible]
[illegible] سرکار دادند [illegible] و [illegible] خان [illegible]
برای [illegible] رفته [illegible] همراه [illegible]

فتح الله خان بسیار و حمد الله خان بسیار عرضداشت [illegible] در احوال [illegible] خان [illegible]

اخبارات دربار معلی
شعبان سنه ۵ ام

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

بسم الله

و بعد یکشنبه ۳ گهری روز برآمده دیوان مظالم فرمودند

رفیع الله خان موافق حکم مورچال قلعه کنده که دیده یکشنبه ۳ گهری شب گذشته آمده عرض نمود در فتح الله خان بهادر ۳ ... دروازه قلعه ... الماس ... مهم ... وری ... را رعایت ... قلعه را مفتوح ... مهم ... نموده ... اضافه فرمودند

لطف الله خان
منصب اضافه
... صدی
... ذات

نعمت الله خان
منصب اضافه
... صدی
... صدی

عبد الغفار
منصب اضافه
... سوار
...

میرزا بیگ ولد ... بیگ
منصب اضافه
... صدی ... ذات
... سوار ...

محمد ... خان
منصب اضافه
... صدی ...
... سوار ...

... بیگ
منصب اضافه
... صدی
... سوار ...

محمد ... خان
منصب اضافه
... صدی
... سوار ...

... بیگ ... صدی ... سوار اضافه ... فرمودند ... بهادر ... موافق ... اضافه ...

... ABRA ...

بعرض ... زاده خان ... گذشت

... سید ... ملک ... الله خان موافق حکم ... مورچال ... کهنه ... رفته

... الله علی خان قلعه‌دار فوجدار ... ذات ... صدی ... سوار ... صدی ذات ... همه سوار ... صدی ذات ... فرمودند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
267

[illegible]

لطف الله [illegible]

سال [illegible]

بسم الله

امید یک بدر [illegible] روز [illegible] دیوان مطالم [illegible]

شاه [illegible] محمد [illegible] ملتان [illegible] صوبه [illegible]

[illegible] کنند [illegible]

رعد انداز خان [illegible] فوجدار [illegible] راحد [illegible] صوبه اکبرآباد [illegible]

[illegible] نقل [illegible] سردار [illegible]

[illegible]

لاد [illegible] محمد [illegible] خان [illegible] در [illegible]

[illegible] امیدوار [illegible] رفیع الله خان [illegible]

[illegible]

ملا [illegible]

[illegible] امیر الامرا [illegible] فلم [illegible]

[illegible] الله خان [illegible] سردار [illegible]

[illegible] سردار [illegible]

کاران [illegible] حضور [illegible] حاکم [illegible] داد

محمد امین خان [illegible] کله [illegible] محمد [illegible]

[illegible] ساله [illegible] سردار [illegible]

[illegible] حاکم [illegible]

[illegible] سرداران [illegible]

واکثر [illegible] کاران [illegible] حلال [illegible]

[illegible] آنکه [illegible]

[illegible] حواله [illegible] محمد [illegible]

[illegible] اول [illegible]

[illegible] رحیم الرحمان [illegible] الله خان

[illegible]

ROYAL ASIATIC SOCIETY

45
268

[illegible] ३९/९९

اخبارات دربار معلی
سنه ۴۴

بسم الله ... ۴

الحمد لله ملکه و شکر روز ... دیوان مطالب و مود ...

مبارک ... محمد کاظم ... از ... صبح ... ملازمت ... ارشاد ... نثار ... کرد

جماعه ... آورده ... رفته ... ملازمت ... معرف ... کرد

... خان	سید خان	مظفر ...	... خان
...	...	دو مهر	دو مهر
			مصطفی خان
			دو مهر

ارشد ... خان ... دار ... گرز ... مبارک ... محمود ... انوار ... مبارک ... پور

را ... الله ... آن ... قلعه را ... محمد ... سال قلعه دار ...

نوب انوار ... و ... ناک ... محمد امین خان رفته ... یا ...

شما ... گرز ... معتد ...

... و قلعی

در روز جمعه ... خان ... مراد ... ملازمت ... دو مهر ... کرد ...

... فتح ... بسیار کرده ... رفع ... مرادخان بهادر

... ملک العرش ... العام داد

و ... محمد ... سال ... دو ... داده ... فرمودند

حاکم ... و ... را ... دادند

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

احضار ارسلان خان بهادر
سلطان ... ۵ ...

ربیع

بسم الله

۱۲ احد یکشنبه ۳ گهری روز برآمده دیوان مظالم فرمودند

اضافه

فتح الله خان بهادر | محمد امین خان بهادر | فتح جنگ راتور ...
اضافه پنجصد | اضافه | اضافه پنجصد | اضافه
هفت هزاری پانصد سوار | مالوالا | سه هزاری ذات | مالوالا
لالوار | علم ... | لالوار | علم ...

را

از تغیر اسمعیل خان بهادر داروغه ... تعرض رسید از مردان قلعه کول ...
مصرف والا ... قلعه داری آنجا مقرر بود حکم شد که قلعه داری آنجا
بهمه ... مقرر باشد

عثمان خان قراول عرض نمود ... از حضور با مورچال قلعه ... گروه
ده چوب است

... داروغه ... جالکهای ... مطلب خان ... مقرر ...

بهادر
از ... امیر الامرا تعرض رسید از ... فتح الله خان
دستخط ... خان ... حکم شد بدهد

داد بر ... فتح خان نصرت جنگ ملازمت ... روز ... سند ...
محمد ملک ... خان عرض نمود ... انجمن ... و مو دم
از ... الحام ... درکاب ...

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

45
270

اخبارات دربار معلی

شعبان سنه ۴۹

بسم الله

۱۳ ماه یکشنبه ۳ گهری روز بر آمده دیوان مظالم فرمودند

ارزنی فتح الله خان بیساول بعرض رسید که مور چال بر دلیک دروازه قلعه کلبرگه رسیده از طرف

مردم متقاهر بر قلعداری بسیار شیوع یافته و دولت ... چرم و کجاو و حواله و غیره مصالح مورچال

مرحمت شود حکم شد ترتیب خان میر آتش و محمد امین خان کوتوال بر ای او دهند

عنایت الله خان بعرض رسید که تجویز مورد ... دست خالصه ... در حضور ... اسد

قید است الهاس ... بیک ... روز ... سرکار والا ... قبیل ... امیدوار

ارقند حلال شود منظور فرمودند که ... اول ... و بعد ... برادر

و پسران ... محمد امین خان کوتوال بدهد

از موی ... حلال ... او در سرکار والا ... واپس دهند

فدائی خان ... صوبه دکن ... بیلداران ... خان ... صوبه داری ... و

متعلقان ... خان ... آنها ... سوار ... خان ... مقدم

... خان ... توپ ... ابو ... فرمودند ... خان و ... صد سوار

... کور ... تنخواه

ROYAL
ASIATIC

ارزنی ... خان بهاء دار ... دو غیبت بعرض رسید که بندی عبد المجید بن

عبد الرسول خان مرحوم ... صد سوار ... بهادر ... مقدمه یا

قلعه اعظم تارا ... بیشتر ... در ... رسید قائم

مانده ... ما حسب ... شاقه و در راه ... خان نایب

شده بهاء دار ... السلام و ... بهاء دار ... برد

آینده با مقدمه مذکور مقابله ... اکبر ... رسانیده مقدمه مذکور

... خورده ... خانه ... ولایت ... حکم ... ندهد

محمد امین خان را ... مقدمه مذکور ... برد

اخبارات دربار معلی

شعبان المعظم سنه ۴۵

جمعه

یعنی ۱۴ ابد — دیوان ها دو موقوف فرمودند

یعنی ۱۵ ابد — چون در شب شب برات بود بنا بران حضرت بدولت
شب بیداری نموده بودند دیوان موقوف فرمودند

یعنی ۱۶ ابد — یک پهر چهار گهری روز برآمده دیوان خاص فرمودند

مطلب خان قراول بیگی بموجب حکم قلعه کیلنه کره را دیده آمده
بعرض رسانید که از حضور تا مورچال قلعه مذکور ۳ نیم کروه جریب است
در باب تشریف بردن ها چه امر شود حکم شد که شما و حمید الدین خان بهادر
و خانه زاد خان و روح الله خان و حکیم حاذق خان رفته قلعه مذکور
را دیده جای برای دولت خانه مبارک دیده بیایند

از سوانح اوجین بعرض رسید که کشن سنگه در زمیندار جیسل میر متعینه
فوج خان فیروز جنگ از مدت دو سال بجاگیر خود آمده نشسته است حکم
شد که فراری اعتبار نمایند چهار صدی یکصد سوار

از نوشته هرکاره متعینه صوبه بیجاپور بعرض رسید که جمعیت مقاهیر در نواحی تیر دل

حکم شد مطلب خان همراه حضرت رفته مورچال قلعه کیلنه کره را ملاحظه نماید

از نوشته ... محمد امین ... عبدالرحیم خان ... سوانح نگاری و داروغگی

دار الصحیح صوبه اوجین مقرر نمودند

वरक १२ पोसमुदी २ थी सुदी १३ सधी रा स्मं।
चारां री फागुन बदी ६ ... आवी

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی

شعبان المعظم سنه ۴۵

یعنی ۱۷ ماه ... دیوان موقوف فرمودند

اخر روز محمد امین خان صدر موافق حکم بعد سه پهر را نو معه بحضور امده بموقف بخشی الملک روح الله خان ملازمت نمودند فی مهر ساز کذرانید

یعنی ۱۸ ماه ... یک پهر و ۳ گهری روز برامده دیوان مظالم فرمودند

انعام

محمد عاقل ... بوکهان را خدمت داروغگی ... ارکات سعادت از تغیر محمد باقر مقرر شد

کلات رای ... خان مسند ... بخشی الملک روح الله خان کتخدائی ... داشت

بنارسیداس وکیل سپهدار باقی خان قلعداری قصبه ... رام چند مقرر نمودند بود

بالا ایند خلعت سال ... فرمودند روانه

فرمان بنام نواب زینت النسا بیگم صادر شده مصحوب هرکاره ها ...

دیروز اخر روز امان الله خان برای اوردن توپ ... کهولاپور و شیخ شاه ... رخصت فرمودند

از سوانح صوبه برهانپور بعرض رسید که ... رام دیوان نجابت خان مرحوم موجمعیت پانصد سوار چهار صد پیاده در انجا ... خبردار است

امده بود چو ... تحصیل منمایند چنانچه میر ... خان نایب ... جنگ جمعیت همراه ... داده تعین کرده چنانچه در انجا رسیده مفسدان مقابله کرده جنگ تیر و تفنگ واقع شده اکثر ... بجهنم رسیده شکست داده قریب دو صد پنجاه راس اسب مادیه وغیره اسلحه بدست امده فرمودند که مجرا شد

اضافه

جمشید خان بهادر ملکاپور منصب ... هزاری ...

سبز ... قلعداری رام گیر از تغیر عبدالرحمان خان مقرر شد منصب ... صد ...

رعد انداز خان قلعه دار صوبه اکبراباد مقرر شد منصب ... هزاری ... سوار

مطلب خان قراول ... پایین ... دیوان خاص استاده شده بود در ... بخشی الملک ... خان حکم شد بالای ... استاده شده باشد

45
278

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.

اخبارات دربار معلی
شعبان المعظم ۴۵
یوم ... سنه
۱۸ احد

حکم شد که همراه لطف الله خان چهارصد سوار و پنجاه برقنداز تعین نمایند

یار علی بیگ نقل عرضی بدین مضمون ارسال داشت که از بار تجلی سیوم
فوت شده کاغذ خلق الله بند افتاده اند حکم شد که سابق تجلی دو بود
کار خلق الله بند نکرده اند جاری نمایند

فوجدار کرد
حکم شد که تجلی الملک روح الله خان حسب الحکم والا شیر خان جمعدار
بنوس خزانه را با کس همراه زنگ نقش را بالحضور بیارد

یوم ... ۱۹ احد
بیگ بعد چهار گهری روز برآمده دیوان مظالم فرمودند

دولت خانه
دیروز حمید الدین خان بهادر و مطلب خان موافق حکم برای دیدن جا
نزدیک قلعه گلکنده رفته بودند آمده عرض نمودند جای که دیره پادشاهزاده
محمد بیدار بخت بهادر شده بود همانجا بجهت دولت خانه جای تجویز نموده
هر چه او نمود حکم شد که پیش خانه شامیانه و قنات ها و بیگ را و نیم فردا
برده استاده نماید

محمد زمان مشرف فراشخانه موافق حکم پیشخانه را روانه نموده

نموده
در باب تجلی الملک روح الله خان و محمد امین خان را بالحضور طلبیده خلوت
بعد از آن محمد امین خان را دو انگشتری مونکین الماس و یاقوت قیمتی ... بهادر
انعام داده بدست خبر فاتحه خوانده برای مهم ابو مظفر جانب ... و لا
رخصت نموده چهار هزار سوار فوج سابق بود در اول بر تاب جیو راجه ...
و ... خان بیجاپوری و چهارصد سوار با بیبان تجلی الملک ...
... یکصد بود و چهار سوار دیگر همراه خانمذکور تعینات نموده فرمودند
رخصت خان برای ... نموده روانه نمایند

محمد اعظم
حکم شد که عنایت الله خان حسب الحکم عرضداشت بخدمت پادشاهزاده ...
بنویسند

از نوشته هرکاران معروض ... بعرض رسید که حامد خان بهادر برادر جانفزو ...
موافق حکم برای تنبیه مردم مفاهیر جانب ... متصل موضع ...
... مقابله شده بسیاری را بقتل رسانیده و زخمی ساخته
شکست داده نقاره و نشان و ... و غیره اسلحه بدست آمده ...
و یکصد سوار با بیبان جانفزو ... زخمی شدند فرمودند که مجرای ...

اخبارات دربار معلی

سال سنه ۴۸

جمعه

سم الله

۸ ۲ سه دیوان موقوف و مودر

بعرض رسید که روح الله خان ... بیکانه ... شد و ... حجته

خلوت خانه ... امیر ... نجابت الملک ... حاکم ... و

... حکم ... محمد ...

بخت الملک ... خان و ... عرض حضور ... خان ... سال ... الدکی

همون خان اللهی ... خان زبانی مفاصله شده بجهه

منظور نمود فرمودند ... را طلب ... اشاره ... نماید

فتح دولت قول براول مورچال قلعه کهیلنه کرده آمده عرض نمود که فتح الله خان بهادر
نزدیک دروازه رسیده فرمودند که آفرین باد عنقریب قلعه مذکور فتح میشود

به نجابت الملک بهرمند خان حکم شد طومار فوج رکاب سعادت تیار کرده بحضور
گذرانند

به تربیت خان حکم شد که فردا در راه پاره بند و قجیان بنشانند

فرمان بنام بابا شاهزاده محمد معظم بهادر شاه بدانجو که صادر فرمودند

هرکاره های فرمان به خان نصرت جنگ رسانیده زبانی ظاهر نمود
که خان نصرت جنگ را در ... گذاشته ... جادون متفقند
در نواح او دیگر آوار ... دارد

یکه تاز خان میر تورک سیوم را یک قبضه شمشیر و یک قبضه جمدهر و
مکرمت سر انعام مرحمت فرمودند

Year 45-

ROYAL
ASIATIC
SOCIETY.